

گزارش فعالیت‌ها، عملکرد و دستاوردهای  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
سال ۱۳۹۹



روابط عمومی و امور بین‌الملل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

[www.mirasmaktoob.ir](http://www.mirasmaktoob.ir)

## مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

تأسیس ۱۳۷۲

نسخه‌های خطی فارسی و عربی، در حقیقت کارنامه دانشمندان بزرگ و نوابغ فکری عالم اسلام و هویتنامه مسلمانان جهان به ویژه ایرانیان است که در فراهم آوردن آن سهم ارزنده‌ای داشته‌اند و بر عهده هر نسلی است که این میراث پراح را پاس دارد و برای شناخت فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیاء و بازسازی آن اهتمام ورزد. علاوه بر احیاء و بازسازی، نخبگان هر نسلی موظفند این میراث ارزشمند را با رنگ و بویی آشنا برای نسل خویش عرضه کنند.

برای احیاء متون خطی در قیل و بعد از انقلاب کوشش‌های بسیار انجام شده که حاصل آن انتشار صدها کتاب و رساله ارزشمند است که تصحیح برخی از آنها نیز به روش علمی نبوده است. از این رو با توجه به دغدغه‌های ملی و فرهنگی و ضرورت‌های علمی، تشکیل مؤسسه‌های برای احیاء میراث ایرانی اسلامی ضروری مینمود. مؤسسه‌های که در صدد بازبایی و تصحیح میراث کهن و مکتوب برآید.

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در سال ۱۳۷۲ به قصد حمایت از کوشش‌های محققان و مصححان و احیاء و انتشار مهمترین آثار مکتوب فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی با نام «دفتر نشر میراث مکتوب» با کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس شد. پس از یک دهه فعالیت، نخست به «مرکز نشر میراث مکتوب» و سپس در سال ۱۳۸۴ خورشیدی با دریافت مجوز سه گروه پژوهشی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به «مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب» تغییر نام داد و علاوه بر کار نشر به کار پژوهشی نیز روی آورد.

### بخشی از فعالیتها و دستاوردهای این مؤسسه برای معرفی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی:

- \* چاپ و انتشار ۳۵۵ عنوان کتاب در ۴۴۷ جلد که ۱۴۵ عنوان از آن به طور مشترک با انتشارات و مراکز علمی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.
- \* برگزاری ۱۴۴ نشست علمی - پژوهشی نقد و بررسی کتاب و مباحث متن پژوهی از سال ۸۲-۹۹.
- \* برگزاری و مشارکت در برگزاری بیش از ۴۰ کنفرانس داخلی و بین‌المللی.
- \* برگزاری ۱۷ کارگاه آموزشی داخلی و بین‌المللی.
- \* شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی.
- \* طرح‌های احیاء و پژوهش میراث‌های مشترک شامل: میراث مشترک ایران و شبه قاره (هند و پاکستان)، میراث مشترک ایران و عثمانی، میراث مشترک ایران و ماوراءالنهر
- \* طرح بزرگداشتها و نکوداشتها شامل بزرگداشت پروفسور ریچارد فرای، اقبال لاهوری، پروفسور فرانسیس ریشار، پروفسور فؤاد سزگین، استاد عزیزالله عطاردی، استاد عبدالحسین حائری، استاد محمد روشن، دکتر حسن لاهوتی.
- \* طرح ارج‌نامه‌ها (شرح احوال و آثار بزرگان و نویسندگان در حوزه نسخه‌های خطی)
- \* طرح مجموعه‌های چاپ نسخه برگردان (فاکسیمیله).
- \* مشارکت در پروژه بانک اطلاعاتی نسخه‌های خطی ایران و اسلام
- \* انتشار کتابشناسیها و فهرس نسخه‌های خطی ایران و شبه قاره.
- \* طرح شناسایی میراث اسلام و ایران در کتابخانه‌های ترکیه (شناسایی و گردآوری تصاویر ۱۰۰۰ نسخه نفیس فارسی و شیعی و حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی)
- \* انتشار دو فصلنامه آینه میراث که ۶۶ شماره اصلی و ۴۰ شماره ضمیمه آن به چاپ رسیده است. این فصلنامه از شماره ۵۰ با مجوز علمی - پژوهشی منتشر شده است.

- \* انتشار دو ماهنامه گزارش میراث که تا کنون ۸۵ شماره اصلی و ۱۲ شماره ضمیمه آن منتشر شده است.
- \* انتشار دو فصلنامه میراث علمی اسلام و ایران که ۱۶ شماره اصلی و ۲ پیوست از آن عرضه شده است.
- \* اخذ مجوز انتشارات میراثبان که به منظور ساده سازی متون برای جوانان تأسیس شده است. ۱۱۱ عنوان از کتاب های میراثبان تاکنون منتشر شده است.
- \* کسب ۱۱۹ عنوان برگزیده و شایسته تقدیر در جشنواره های داخلی و بین المللی.
- \* عضویت در انجمن نسخه های خطی اسلامی (TIMA)
- \* عضویت در انجمن جوامع فارس زبان (ASPS)
- \* ایجاد پایگاه اینترنتی میراث مکتوب ([www.mirasmaktoob.ir](http://www.mirasmaktoob.ir))
- \* ایجاد پایگاه فروش اینترنتی آثار مؤسسه به نشانی [mirasmaktoob.com](http://mirasmaktoob.com)
- \* ایجاد و راه اندازی سامانه نشریه علمی پژوهشی آینه میراث به نشانی [am-journal.ir](http://am-journal.ir)
- \* دیجیتالی کردن تمامی عناوین کتابهای مؤسسه.
- \* تهیه نرم افزار «کتابخانه میراث مکتوب» شامل ۲۰۱ عنوان از آثار با همکاری مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
- \* دیجیتالی کردن کل نشریات مؤسسه (دو فصلنامه آینه میراث و ضمیمه های آن، دو ماهنامه گزارش میراث و ضمیمه آن، دو فصلنامه میراث علمی اسلام و ایران).
- \* پیگیری و ثبت روز ۱۹ اردیبهشت به عنوان روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» در دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی و ثبت آن در تقویم رسمی کشور.
- \* پیگیری و ثبت روز ۲۱ اسفند به عنوان روز «بزرگداشت حکیم نظامی گنجوی» در دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی و ثبت آن در تقویم رسمی کشور.
- \* تهیه و فروش نسخه اندرویدی و دیجیتالی آثار مؤسسه و بارگذاری بیش از ۱۶۰ عنوان از آثار روی برنامه طاقچه، کتابخوان نور، پاتوق کتاب و فرا کتاب برای دسترسی و مطالعه روی تلفن همراه و تبلت.
- \* برگزاری ۷۸ نشست و دیدار دوستانه با حضور اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی و تصحیح متون کهن، ایران شناسی و اسلام شناسی.
- \* شناسایی، تهیه و گردآوری بیش از ۲۰ هزار تصویر یا لوح فشرده نسخه های خطی از کتابخانه های داخل و خارج کشور جهت بهره برداری پژوهشگران و مصححان.
- \* تفاهمنامه چاپ مشترک، ترجمه و همکاری در عرضه آثار با انتشارات بریل (با ۳۳۰ سال فعالیت مستمر در چاپ و انتشار آثار در زمینه های علوم انسانی، تاریخ و ادیان در اروپا) در راستای اجرای پروژه دیجیتالی کردن آثار مؤسسه جهت قرار دادن روی شبکه جهانی.
- \* قرارداد با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (پایگاه مجلات تخصصی نور) برای ارائه محتوای نشریات میراث مکتوب به صورت دیجیتالی.
- \* بارگذاری فیلم نشستهای علمی و پژوهشی مؤسسه روی وبگاه «آپارات» و «چهارراه» و کانال های اطلاع رسانی برای بهره برداری پژوهشگران و علاقمندان.
- \* شناسایی نسخه های ارزشمند برای پژوهش و تصحیح جهت ارائه به دانشجویان دکتری علوم انسانی.



فعالیت‌ها، عملکرد و دستاوردهای مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب - از فروردین تا اسفند ۱۳۹۹	
ردیف	چاپ و انتشار کتاب
۱	چاپ و انتشار کتاب <b>دُرَّةُ التَّاجِ لَغَرَّةُ الدُّبَّاجِ (بخش حساب)</b> ، تألیف قطب‌الدین محمد بن مسعود بن مصلح کازرونی شیرازی، تصحیح: سید عبدالله انوار.
۲	چاپ و انتشار کتاب <b>كُنُوزُ الْوَدِيعَةِ مِنْ رَمُوزِ الذَّرِيعَةِ [۲ جلدی]</b> ، ترجمه الذریعه الی مکارم الشریعه راغب اصفهانی (ق ۵ هجری) در علم اخلاق نظری و تهذیب نفس، با انشای ابن ظافر شیرازی (قرن هشتم هجری)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: غلامرضا شمسی.
۳	چاپ و انتشار کتاب <b>طَبَائِعُ الْحَيَوَان [۲ جلدی]</b> ، نوشته شرف‌الزمان طاهر المروزی، به تصحیح یوسف الیهادی.
۴	چاپ و انتشار کتاب <b>زرن‌دیه</b> ، تألیف میرزا اسدالله یمین اسفندیاری (موفق السلطان)، به کوشش رضا کردی کریم‌آبادی. با مشارکت دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند.
۵	چاپ و انتشار کتاب <b>خاندان حموئیان</b> ، کارنامه علمی، فرهنگی و سیاسی خاندان حموئیان خراسان، شام و یزد، نگارش و پژوهش: سیدسعید احمدپور مقدم. با همکاری سازمان فرهنگی، اجتماعی و شهرداری یزد، و بنیاد اندیشه و احسان توحید.
۶	چاپ و انتشار کتاب <b>منتهی الإدراک فی تقاسیم الأفلاک</b> (نخستین رساله جامع در هیئت بطلمیوسی)، نوشته ابومحمد عبدالجبار خرقی، تصحیح، ترجمه و پژوهش: حنیف قلندری با نظارت دکتر حسین معصومی همدانی. با همکاری پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران.
۷	چاپ و انتشار کتاب <b>رساله فی أوجاع المفاصل و علاجها</b> ، ابوبکر محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق / ۸۶۵-۹۲۵م) و کتاب <b>الحاصل فی علاج المفاصل</b> (ترجمه فارسی اوجاع المفاصل) از مترجمی ناشناخته در سده هفتم هجری به همراه ترجمه فارسی <b>مقاله فی النقرس رازی</b> ، تصحیح، تحقیق و ترجمه: محمدابراهیم ذاکر، غلامرضا جمشیدنژاد اول.
۸	چاپ و انتشار کتاب <b>رسائل خواجو (فارسی)</b> ، [شمع و شمشیر، سراجیه، شمس و سحاب، نمد و بوریا]، خواجوی کرمانی (در گذشته ۷۵۰ ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد شادروی منش و محمود عابدی.
۹	چاپ و انتشار کتاب <b>تحفه سلطانیه</b> (نامه‌ها، مکتوبات و منشآت)، تألیف حسن بن گل محمد بن قلی محمد (سده دهم و یازدهم هجری)، تصحیح: محبوبه مسلمی زاده.
۱۰	چاپ و انتشار کتاب <b>زبان خیال‌انگیز نظامی</b> (فارسی)، تألیف: هلموت ریتز (۱۸۹۲-۱۹۷۱)، ترجمه از آلمانی: سعید فیروزآبادی.

۱۱	چاپ و انتشار کتاب <b>سِنجش پيشاب شناسی رازی با پزشکی نوین</b> (برگردان بخش پيشاب کتاب الحاوی فی الطب حکيم محمدبن زکریا رازی همراه با توضیحات)، پژوهش و گردآوری: محمدابراهیم ذاکر و حسن اتوکش.
۱۲	چاپ و انتشار <b>نسخه هنری مصور خسرو و شیرین نظامی</b> ، به خط اظهار تبریزی (سده نهم هجری)، نسخه برگردان دستنویس به نشانی Persian Ms. ۰۶ کتابخانه جان راینلندز منچستر انگلستان، با مقدمه شیوا میهن.
۱۳	چاپ و انتشار <b>نسخه هنری نقد و بررسی نگاره‌های خمسه نظامی گنجه‌ای</b> [دستنویس به نشانی ۱۹۵۶ Supple. Persan شعبه شرقی کتابخانه ملی پاریس]، قاسم علی سلطان (مورخ ۹۶۸ ه. ق)، مقدمه و پژوهش: علی اصغر میرزایی مهر
۱۴	چاپ و انتشار کتاب <b>پژوهشی در طبائع الحیوان شرف الزمان طاهر مروزی</b> ، با نگارش یوسف الهادی، ترجمه: محمد باهر.
۱۵	چاپ و انتشار <b>نسخه هنری مخزن الأسرار نظامی</b> ، نسخه هنری مصور به خط میرعلی هروی، مورخ ۹۴۴ ه. ق نسخه برگردان دستنویس به نشانی ۹۸۵ supplement Persan کتابخانه ملی فرانسه، با مقدمه علی صفری آق‌قلعه
۱۶	چاپ و انتشار کتاب <b>الرساله المعینیة (الرساله المغنیة) و حل مشکلات معینیة</b> ، جلد اول، نصیرالدین محمد طوسی (سده ۷)، تصحیح و تحقیق: سجاد نیک‌فهم خوب‌روان - فاطمه سوادی، با دو پیشگفتار از: جمیل رجب - حسین معصومی همدانی، با همکاری پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران
۱۷	چاپ و انتشار <b>نسخه هنری خمسه نظامی گنجه‌ای</b> ، توصیف و تحلیل دستنویس Suppl. Person ۱۰۲۹ کتابخانه ملی فرانسه، پاریس، شاهکار هنری از سده یازدهم (۱۰۲۹-۱۰۳۴ ه. ق)، فرانسیس ریشار (مدیر بخش هنرهای اسلامی موزه لوور)، ترجمه سید محمدحسین مرعشی
۱۸	چاپ و انتشار <b>کهن‌ترین نسخه رباعیات خیام [موجود در کتابخانه بادلیان آکسفورد]</b> ، کتابت ۸۶۵ ه. ق، ترجمه انگلیسی: ادوارد هرون الن
۱۹	چاپ و انتشار کتاب <b>تذکره الملوک (قرن سیزدهم هجری)</b> ، میرزا محمدهاشم آصف شهیر به رستم الحکما [رضاقلیخان هدایت]، تصحیح: جلیل نودری
۲۰	چاپ و انتشار کتاب <b>المشیخه (کنز السالکین) [گنجینه خطوط و یادگارنامه مشاهیر علمی ایران سال ۸۴۵ تا ۱۰۲۲ ه. ق]</b> ، تألیف: خاندان حموی یزدی [نظام‌الدین اسحاق (د: ۸۴۵ ه. ق)، نجم‌الدین محمد (د: ۸۸۵ ه. ق)، سالک‌الدین محمد اول (زنده در ۹۳۰ ه. ق)، مالک‌الدین مؤید (د: ۹۶۹ ه. ق)، سالک‌الدین محمد دوم (د: ۱۰۲۲ ه. ق)]، با مقدمه و تصحیح: سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، با همکاری سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری یزد
۲۱	چاپ و انتشار کتاب <b>مُثمر [نخستین کتاب فارسی درباره زبان شناسی و علم اللغه]</b> ، نوشته سراج‌الدین علی‌خان آرزو، مقدمه و تصحیح: سیدمحمد راستگو

۲۲	چاپ و انتشار نسخه بردان صحیفه سجادیه [کهن ترین نسخه صحیفه سجادیه کامله] کتابت ۴۱۶ هجری، شماره ۱۲۴۰۵ کتابخانه آستان قدس رضوی، مقدمه: استاد احمد مهدوی دامغانی و سیدمحمدحسین حکیم، با مشارکت بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی
۲۳	چاپ و انتشار کتاب خلاصه الأشعار و زبده الأفكار (بخش ری و استرآباد و نواحی آن بلاد)، تألیف میر تقی‌الدین کاشانی (زنده در ۱۰۱۶ ق)، مقدمه و تصحیح: مرتضی موسوی و رضوان مسّاح
۲۴	چاپ و انتشار کتاب فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا)، علی صفری آق‌قلعه
۲۵	چاپ و انتشار کتاب بشارات الإشارات فی شرح الإشارات و التنبیّات [۳ جلد در دو ۲ مجلد]، علی اوجبی
۲۶	چاپ و انتشار کتاب التشریح [۲ جلدی]، محمدابراهیم ذاکر
۲۷	چاپ و انتشار کتاب شرح هدایه الحکمه، علیرضا جوانمردی ادیب
۲۸	چاپ و انتشار کتاب شرح الأصول و الجمل فی مهمّات العلم و العمل (شرح الإشارات و التنبیّات لابن سینا)، محمدملکی (جلال‌الدین)، مرضیه نوری صفت (نورا)
۲۹	چاپ و انتشار کتاب حقوق ملل، محسن نی‌کبین، با دیباچه استاد محمدعلی موحد
۳۰	چاپ و انتشار کتاب نزهة القلوب، مقدمه انگلیسی: دنیز اگل، مقدمه فارسی: علی صفری آق‌قلعه
۳۱	چاپ و انتشار کتاب صراط الخیط (صراط السطور)، به کوشش: علی صفری آق‌قلعه، حکیمه شریعت نیا
<b>چاپ و انتشار نشریات</b>	
۱	چاپ و انتشار نشریه آینه میراث [پیاپی شماره ۶۵] (دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی؛ دوره ۱۷، شماره ۶۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: بهار ۱۳۹۹])
۲	چاپ و انتشار نشریه میراث علمی اسلام و ایران [پیاپی شماره ۱۵]، (دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸ [انتشار: بهار ۱۳۹۹])

۳	چاپ و انتشار نشریه گزارش میراث [پیاپی ۸۲-۸۳] (فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم، بهار تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹])
۴	چاپ و انتشار نشریه آینه میراث [پیاپی شماره ۶۶] (دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی؛ دوره ۱۸، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹)
۵	چاپ و انتشار نشریه گزارش میراث [پیاپی ۸۴-۸۵] (فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی - دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۷ [انتشار: پاییز ۱۳۹۹])
۶	چاپ و انتشار نشریه میراث علمی اسلام و ایران [پیاپی شماره ۱۶]، (دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸)
<b>برگزاری و مشارکت در برپایی همایش‌ها و نشست‌های تخصصی</b>	
۱	نشست ۱۱۷: <b>گرامیداشت روز اسناد ملی و میراث مکتوب</b> ؛ سخنرانان: دکتر مهدی نوریان، دکتر علی‌اشرف صادقی، جمشید کیان‌فر به میزبانی دکتر اکبر ایرانی (مناسبت: روز اسناد ملی و میراث مکتوب)، جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب - miras-@maktoob
۲	نشست ۱۱۸: <b>متون حماسی شیعی و علی‌نامه</b> ؛ سخنرانان: دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر رضا بیات به میزبانی دکتر اکبر ایرانی (مناسبت: به مناسبت شب قدر و روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و پاسداشت زبان فارسی)، پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ (برابر با ۲۰ رمضان ۱۴۴۱) - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob
۳	نشست ۱۱۹: <b>خیام و رباعیات</b> ؛ سخنرانان: سید علی میرافضلی، کارشناس این نشست: دکتر الوند بهاری (به مناسبت روز بزرگداشت حکیم عمر خیام)، یک‌شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob
۴	نشست ۱۲۰: <b>فردوسی، تشیع و علی‌نامه</b> ؛ سخنران: رضا موسوی طبری، (به مناسبت ماه رمضان و شب‌های قدر با همکاری دفتر شعر جوان)، سه‌شنبه و چهارشنبه ۳۰ و ۳۱ خرداد ۱۳۹۹ - پخش شده در آپارات در دو بخش
۵	نشست ۱۲۱: <b>معرفی، نقد و بررسی کتاب کُنوز الودیعه من رموز الذریعه</b> ؛ سخنرانان: دکتر تیمور المیر، فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی، رضا مهام آذر، دکتر غلامرضا شمسی، با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۹ - نشانی وینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a>

<p>نشست ۱۲۲: <b>به یاد دکتر محمدامین ریاحی</b>؛ سخنرانان: دکتر ابوالفضل خطیبی (پژوهش‌های دکتر ریاحی دربارهٔ فردوسی و شاهنامه)، دکتر مریم مشرف (دکتر ریاحی و شعرپژوهی - نوشته‌های استاد دربارهٔ کسایی و حافظ)، الوند بهاری (نکته‌هایی از زندگی، شخصیت، و خدمات فرهنگی دکتر ریاحی) (به مناسبت نودوهفتمین سالگرد تولد استاد)، سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ - پخش زنده اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۶</p>
<p>نشست ۱۲۳: <b>نسخ خطی فارسی در هند با نگاهی به نسخ تصحیح نشده</b>؛ سخنرانان: پرفسور سید حسن عباس، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه هندوی بی‌نارس و رئیس سابق کتابخانه رضا رامپور «تصحیح متون فارسی در هند (با نگاهی به آثار آزاد بلگرامی) و لزوم مشارکت علمی با نهادهای ایرانی»؛ دکتر احسان‌الله شکراللهی، رئیس مرکز تحقیقات فارسی هند «میراث فارسی در هند و بایسته‌های پژوهشی»؛ دکتر سید نقی عباس (کیفی)، پژوهشگر ملی بورسیه تاگور و کارشناس نسخ خطی در موزه ملی هند «وضع شاعران و شعر فارسی در هند، فهرست‌ها و تذکره‌ها، و ضرورت همکاری هند با ایران و میراث مکتوب»؛ کارشناس این نشست: دکتر سمیه شکر، پژوهشگر و مدرس، یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۷</p>
<p>نشست ۱۲۴: <b>بزرگداشت زنده‌یاد دکتر منوچهر مرتضوی</b>؛ سخنرانان: دکتر علیرضا مظفری، استاد و معاون آموزشی دانشگاه ارومیه (دکتر منوچهر مرتضوی و حافظ‌پژوهی)، دکتر باقر صدری‌نیا، استاد دانشگاه تبریز و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی (مراودات علمی استاد زنده‌یاد منوچهر مرتضوی)، کارشناس نشست: دکتر سعید طرزی، چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۹۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۸</p>
<p>نشست ۱۲۵: <b>معرفی، نقد و بررسی کتاب «منتهی الإدراک فی تقاسیم الأفلاک»</b>؛ سخنرانان: دکتر حسین معصومی‌همدانی (مجموعهٔ متون و پژوهش‌هایی در تاریخ علم)، دکتر امیرمحمد گمینی (جایگاه منتهی الإدراک در سنت هیئت‌نگاری دورهٔ اسلامی)، دکتر امیر احسان کرباسی‌زاده (منتهی الإدراک برای فیلسوفان علم)، دکتر حنیف قلندری (خرقی، نویسندهٔ نخستین اثر جامع هیئت). با همکاری پژوهشکدهٔ تاریخ علم دانشگاه تهران، یکشنبه ۸ تیر ۱۳۹۹ - صفحهٔ وبینار دانشگاه تهران</p>	<p>۹</p>
<p>نشست ۱۲۶: <b>صائب و قهرمان</b>؛ به مناسبت روز بزرگداشت صائب تبریزی و نود و یکمین سالگرد تولد استاد محمد قهرمان، سخنرانان: مهندس مصطفی جیحونی، دکتر محمود عابدی، دکتر محمدجعفر یاحقی، مدیر جلسه: الوند بهاری، با همکاری مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد و مؤسسهٔ فرهنگی هنری خردسرای فردوسی، سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۱۰</p>

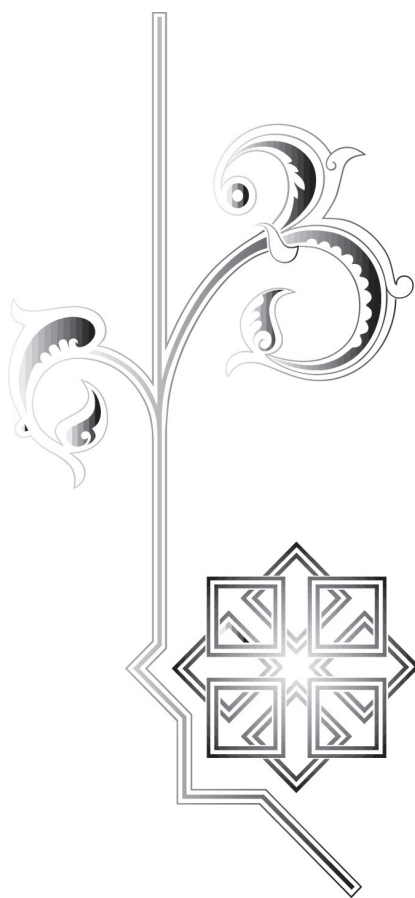
<p>نشست ۱۲۷: <b>بزرگداشت محمد معین</b>؛ سخنرانان: دکتر علی اشرف صادقی، مهدخت معین، مدیر جلسه: الوند بهاری (به مناسبت چهل و نهمین سالگرد درگذشت)، روز یکشنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۹۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۱۱</p>
<p>نشست ۱۲۸: <b>معرفی و نقد و بررسی کتاب کتابشناسی متون چاپی در ایران</b>، سخنرانان: دکتر عارف نوشاهی، دکتر فریبا افکاری، دکتر سید سعید میرمحمدصادق، محمود طیار مراغی، ابوالفضل حافظیان، با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۷ تا ۱۹، نشانی وبینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a></p>	<p>۱۲</p>
<p>نشست ۱۲۹: <b>به یاد استاد جلال‌الدین همایی</b> به مناسبت چهلمین سالگرد درگذشت ایشان، سخنرانان: دکتر مهدی نوریان (استاد همایی و احیای متون)، دکتر محمد باقری (کار سترگ همایی در تصحیح التفهیم بیرونی)، خانم دکتر ماهدخت بانو همایی (اصفهان پاسدار گنجینه‌های علم و ادب و هنر ایران)، مدیر جلسه: الوند بهاری، جمعه ۲۷ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۱۳</p>
<p>نشست ۱۳۰: <b>رونمایی و معرفی کتاب زبان خیال‌انگیز نظامی</b>، سخنرانان: دکتر سعید فیروزآبادی (هلموت ریتز المانی و اهمیت ترجمه کتاب زبان خیال‌انگیز نظامی)، دکتر محمد خاکپور (بوطیقای نظامی)، مدیر جلسه و سخنران: محمود جعفری دهقی (حکیم نظامی گنجه‌ای و ایران‌شناسان)، با همکاری انجمن ایران‌شناسی و مؤسسه فرهنگی حکیم نظامی تبریز، دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۹، ساعت ۱۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۱۴</p>
<p>نشست ۱۳۱: <b>رونمایی و معرفی کتاب رسائل خواجه کرمانی</b>، سخنرانان: دکتر محمود عابدی، دکتر محمود مدبری، محمد شادروی منش، مدیر جلسه: الوند بهاری، با همکاری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۹، ساعت ۱۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۱۵</p>
<p>نشست ۱۳۲: <b>رونمایی و معرفی کتاب رونمایی و معرفی رساله فی اوجاع المفاصل و علاجها</b> نوشته ابوبکر محمد بن زکریا الرازی، «کتاب الحاصل فی علاج المفاصل» ترجمه فارسی اوجاع المفاصل از مترجمی ناشناخته به همراه ترجمه فارسی مقاله فی النقرس رازی به مناسبت روز بزرگداشت محمد بن زکریای رازی، سخنرانان: دکتر حسین رضوی برقی / صحت انتساب اوجاع المفاصل به رازی و اهمیت مباحث پزشکی این اثر، دکتر محمدابراهیم ذاکر / معرفی رساله فی اوجاع المفاصل، مدیر جلسه: دکتر حسین جزایری، چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۹۹، ساعت ۱۹ - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	<p>۱۶</p>



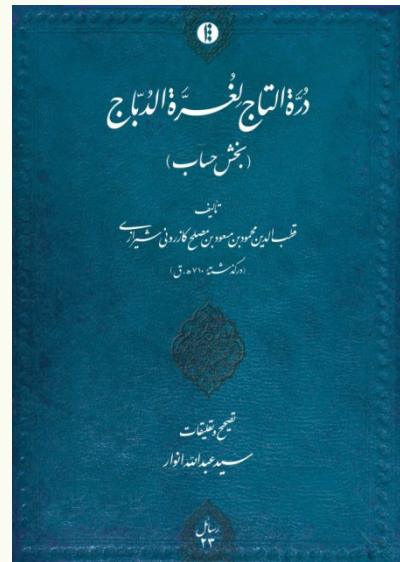
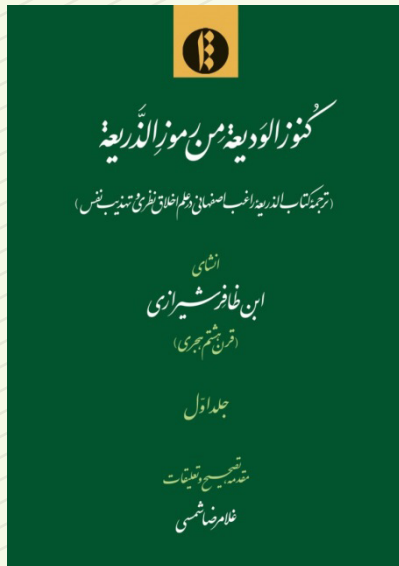
۱۷	نشست ۱۳۳: نکوداشت زادروز ابوریحان محمد بن احمد بیرونی همزمان با هزاره درگذشت او، سخنرانان: سخنران: دکتر محمد باقری، استاد پرویز اذکایی، مدیر جلسه: دکتر امیرمحمد گمینی، جمعه ۱۴ شهریور ۱۳۹۹، ساعت ۱۹- پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob
۱۸	نشست ۱۳۴: چهار مقاله عروضی تصحیح علامه محمد قزوینی: تفسیر و بررسی روش‌شناسی اثر در بستر مسائل سیاسی و اجتماعی، سخنران: دکتر سیما داد، شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹، ساعت ۱۹ - نشانی وبینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a>
۱۹	نشست ۱۳۵: به یاد دکتر محمد دبیرسیاقی، سخنرانان: مریم میرشمسی، دکتر محمود مدبری، مدیر جلسه: الوند بهاری، چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹، - پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob
۲۰	نشست ۱۳۶: رونمایی و معرفی کتاب خسرو و شیرین، سخنرانان: دکتر شیوا میهن، هلن شین دشتگل، مدیر جلسه: نوشاد رکنی، خوشامدگویی: دکتر ایرانی، دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۹، ساعت ۱۸:۱۵ تا ۲۰، با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی و مؤسسه فرهنگی حکیم نظامی تبریز- نشانی وبینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a>
۲۱	نشست ۱۳۷: سنجش پیشاب‌شناسی رازی با پزشکی نوین، سخنرانان: دکتر محمد صدر/ بررسی پیشاب و اهمیت آن در متون طبی کهن، دکتر محمدابراهیم ذاکر / سنجش پیشاب در الحاوی، دکتر حسن اتوکش / نسبت پیشاب‌شناسی رازی با پزشکی نوین (به دلیل ابتلا به کرونا نتوانستند سخنرانی کنند)، مدیر جلسه: دکتر حسین جزایری، پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۹، ساعت ۱۹- پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob
۲۲	نشست ۱۳۸: به یاد دکتر مظاهر مصفا، سخنرانان: دکتر امیربانو کریمی، دکتر مهدی نوریان، دکتر وحید عیدگاه طرهبه‌ای، مدیر جلسه: الوند بهاری، پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۹۹، ساعت ۱۸- پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob
۲۳	نشست ۱۳۹: گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی، سخنران: دکتر بهرام گرامی، خوش آمدگویی: دکتر اکبر ایرانی، مدیر جلسه: زینب پیری، چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۹، ساعت ۱۸:۱۵ تا ۲۰، با همکاری وبینار بهشتی (معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی)- نشانی وبینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a>
۲۴	نشست ۱۴۰: بزرگداشت محمدعلی فروغی، سخنرانان: دکتر علی‌اشرف صادقی (تأسیس فرهنگستان ایران و صیانت از زبان فارسی)، دکتر حسین معصومی همدانی (فروغی و حکمت و فلسفه)، آقای رضا موسوی طبری (فروغی و تصحیح متون فارسی)، مدیر جلسه: دکتر بهرام پروین کتابادی، چهارشنبه ۵ آذر ۱۳۹۹، ساعت ۱۸- پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob

<p>همکاری در برگزاری نشست <b>گذری بر کتیبه های هرات</b>، سخنرانان: سرور بختی (رئیس مؤسسه فرهنگی اکو)، عبدالغفور لیوال (سفیر کیبر جمهوری اسلامی افغانستان در تهران)، دکتر خلیل الله افضلی (مدیر مؤسسه پژوهشی بایسنغر)، نیک محمد مستمند غوری (کارشناس بناهای تاریخی وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان)، مهندس نصیراحمد یاور (پژوهشگر معماری)، چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۹، ساعت ۱۴، با همکاری مؤسسه فرهنگی اکو، سفارت جمهوری اسلامی افغانستان در تهران، مؤسسه پژوهشی بایسنغر، دانشگاه علامه طباطبایی - نشانی وبینار: <a href="https://meeting.atu.ac.ir/ch/international">https://meeting.atu.ac.ir/ch/international</a></p>	۲۵
<p>نشست ۱۴۱: <b>به یاد دکتر غلامحسین یوسفی</b>، سخنرانان: دکتر سعید حمیدیان، دکتر محمدجعفر یاحقی، مدیر جلسه: دکتر الوند بهاری، جمعه ۱۴ آذر ۱۳۹۹، ساعت: ۱۸، با همکاری مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد و مؤسسه فرهنگی هنری خردسرای فردوسی - بخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	۲۶
<p>نشست ۱۴۲: <b>رونمایی از کتاب نقد و بررسی نگاره های خمسه نظامی گنجه ای</b>، سخنرانان: دکتر علی اصغر میرزایی مهر، دکتر بهمن نامور مطلق، استاد مهدی حسینی، مدیر جلسه: مسعود ناصری سویی، خوش آمدگویی: دکتر اکبر ایرانی، یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹، ساعت: ۱۶-۱۸، با همکاری فرهنگستان هنر در راستای پروژه خمسه نگاری و وبینار بهشتی (معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی) - نشانی وبینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a></p>	۲۷
<p>نشست ۱۴۳: <b>به یاد دکتر احسان اشراقی</b>، سخنرانان: امین اشراقی، محمدعلی حضرتی ها، منصور صفت گل، جمشید کیان فر، سیدسعید میرمحمدصادق، سخنران و مدیر جلسه: اکبر ایرانی، چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۹، ساعت ۱۸ - بخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob</p>	۲۸
<p>نشست ۱۴۴: <b>گرامیداشت زادروز دکتر مجدالدین کیوانی</b>، سخنرانان: دکتر مهدی کیوان، دکتر رضا نیلی پور، دکتر محمد بهاری، دکتر مجدالدین کیوانی، دکتر اکبر ایرانی، بهنام وادانی، دکتر الوند بهاری، جمعه ۱۰ بهمن ۱۳۹۹، ساعت ۱۸، - بخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @maktoob</p>	۲۹
<p>نشست ۱۴۵: <b>سکایان و سیستان</b>، سخنرانان: احسان شواربی (سیستان باستان در پرتو متون تاریخی و یافته های باستانشناختی)، لیلی ورهرام (سیستان باستان در حماسه و اسطوره)، یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۹، ساعت ۱۵:۱۸ تا ۲۰ - نشانی وبینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a></p>	۳۰
<p>نشست ۱۴۶: <b>رونمایی و معرفی کتاب مخزن الأسرار نظامی</b>، سخنرانان: جواد بشری (نگاهی به پیشینه چاپ عکسی آثار نظامی، نگارگری ماوراء النهر و کتابپردازی بخارا)، پژمان فیروزبخش (نکاتی درباره خوشنویسان و کتابداران بخارا در حدود قرن دهم ق.)، علی صفری آق قلعه (ضرورت بررسی های نسخه شناسانه بر پایه مکاتب نسخپردازی)، یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۹۹، ساعت ۱۵:۱۶ تا ۱۸ - نشانی وبینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a></p>	۳۱
<p><b>همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی</b> با همکاری دانشگاه بین المللی امام خمینی (قزوین) و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۹ / ۳ March 2021، نشانی وبینار: <a href="https://ac.amindic.com/conf-panel4">https://ac.amindic.com/conf-panel4</a></p>	۳۲

نشست ۱۴۷: مجلس یادبود به مناسبت درگذشت دکتر غلامرضا جمشید نژاد اول و همسر گرامی ایشان خانم نسرین دالائی، سخنرانان: سید علی آل داود، علی بهرامیان، محمد ابراهیم ذاکر، صادق سجادی، یونس کرامتی، جواد نیستانی، اکبر ایرانی؛ چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۹ ساعت ۱۸ الی ۲۰، نشانی وینار: <a href="https://www.sbu.ac.ir/webinar">https://www.sbu.ac.ir/webinar</a>	۳۳
نشست ۱۴۸: به یاد عبدالعلی ادیب برومند، سخنرانان: اصغر دادبه، محمدرضا راشد محصل، امیر بانو کریمی، میرجلالدین کزازی، پوران‌دخت برومند؛ شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۹ ساعت ۱۸؛ پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob	۳۴
آئین تجلیل از مقام علمی داشمند فرهیخته دکتر سید ابراهیم دیباجی، سخنرانان: سید علی میرلوحی، دکتر حامد صدقی، دکتر بتول مشکین فام، دکتر شکوه حسینی، دکتر نصرالله شاملی، دکتر محمد شقافی، دکتر محمد دیوسالار، دکتر حسین قدمی، دکتر مرتضی کاظم شیروودی؛ دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۹، ساعت ۱۶ تا ۱۷ مجری فرزانه واعظی، نشانی وینار: <a href="https://www.skyroom.online/ch/topschool/bozorgdasht">https://www.skyroom.online/ch/topschool/bozorgdasht</a>	۳۵
<b>فعالیت‌های دیگر</b>	
امضای تفاهم‌نامه همکاری با معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی	۱
مذاکره و تهیه قرارداد همکاری با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) برای راه‌اندازی کتابخانه آنلاین میراث مکتوب	۲
امضای قرارداد همکاری برای تهیه اپلیکیشن کتابخانه میراث مکتوب با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)	۳
تمدید قرارداد همکاری با وب سایت طاقچه	۴
تمدید قرارداد همکاری با انتشارات بریل	۵
به روز رسانی سایت فروش میراث مکتوب و بارگذاری جدیدترین آثار مؤسسه در سایت ( <a href="http://www.mirasmaktoob.com">www.mirasmaktoob.com</a> )	۶
به روزرسانی کاتالوگ فارسی آثار میراث مکتوب	۷
به روزرسانی کاتالوگ انگلیسی آثار میراث مکتوب	۸
به روز رسانی سایت اطلاع رسانی میراث مکتوب ( <a href="http://www.mirasmaktoob.ir">www.mirasmaktoob.ir</a> )	۹
به روز رسانی سایت فروش آثار میراث مکتوب و بارگذاری جدیدترین آثار انتشارات مؤسسه ( <a href="http://www.mirasmaktoob.com">www.mirasmaktoob.com</a> )	۱۰
درخواست نسخه برای پژوهشگران	۱۱



## کتاب‌های چاپ شده



**کنوز الودیعه من رموز الذریعه [جلد ۲]**  
 [ترجمه کتاب الذریعه راغب اصفهانی در علم  
 اخلاق نظری و تهذیب نفس]  
 انشای ابن ظافر شیرازی (قرن هشتم هجری)  
 مقدمه، تصحیح و تعلیقات: غلامرضا شمسی

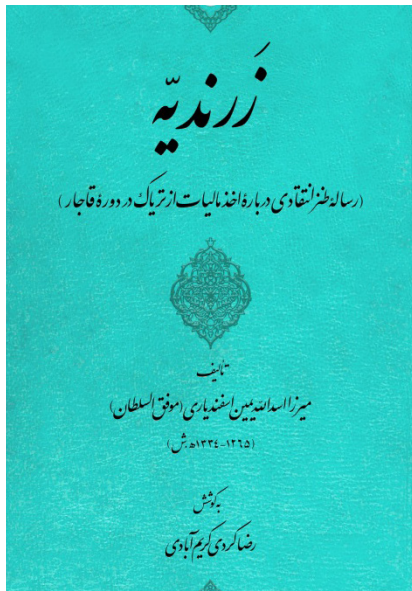
کتاب کنوز الودیعه من رموز الذریعه با هدف ترجمه کتاب الذریعه إلى مکارم الشریعه، در روزگار حکمرانی شاه شجاع مظفری (۷۶۴ ق) به رشته تحریر درآمده است. مترجم با دقت در گزینش الفاظ و صنایع بدیعی، افزودن مقدمه و مؤخره‌ای مزین به احوال حکمای مشهور عرب و عجم و بهره‌جستن از متون اخلاقی، فلسفی، دینی، ایرانشهری، عرفانی و تاریخی ایرانی و اسلامی، این کتاب را به مخزن گنج‌های ادبیات منظوم و منثور فارسی و عربی بدل ساخته است که به تناسب شیوه پویای ترجمه، باید ترجمه و تألیف محسوب گردد.

**درة التاج لغرة الدباج (بخش حساب)**  
 قطب‌الدین محمود بن مسعود بن مصلح کازرونی  
 شیرازی (درگذشته ۷۱۰ هـ ق)  
 انشای ابن ظافر شیرازی (قرن هشتم هجری)  
 تصحیح و تعلیقات: سید عبدالله انوار

درة التاج لغرة الدباج از مهم‌ترین آثار قطب‌الدین شیرازی (۶۳۴ - ۷۱۰ ق) اثری دانشنامه‌گونه‌ای به زبان فارسی در حکمت عملی و نظری است که شامل دوازده علم می‌باشد. قطب‌الدین شیرازی این اثر را به خواهش دُباج بن فیلساه‌بن رستم بن دُباج از فرمانروایان گیلان نوشته است. درة التاج دارای یک «فاتحه»، پنج «جمله» و یک «خاتمه» است، و جمله چهارم این اثر در علم ریاضی است که در چهار فن (شاخه) ۱. هندسه، ۲. هیئت و نجوم، ۳. ارث‌ماتیقی یا حساب ۴. موسیقی رده بندی شده است، و اثر حاضر بخش حساب (فن سوم از جمله چهارم) است که تحت تأثیر کتاب شفاء ابن سینا نگاشته شده و در آن از مسائلی چون خواص اعداد از آن جهت که از کمیات هستند؛ خواص اعداد از جهت نسبت آنها با یکدیگر؛ رسم اعداد به وسیله شکلها و نسبتهای بین اعداد سخن گفته شده است.



چشم می‌خورد که از میان آنها اطلاعات و آگاهی‌های دوران زندگی نویسنده در دربار سلجوقیان و نیز سفرهای او به شهرها و سرزمین‌های مختلف اهمیت و ارزش بیشتری دارند، هرچند که در این میان اهمیت و ارزش آگاهی‌های بی‌شمار و فراوان عامیانه، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی موجود در این کتاب را نباید از نظر دور داشت.



## زندیه

(رساله طنز انتقادی دربارهٔ اخذ مالیات از تریاک در دورهٔ قاجار)  
دورهٔ قاجار

تألیف: میرزا اسد الله یمین اسفندیاری (موفق السلطان) (۱۲۶۵ - ۱۳۳۴ هـ ش)  
به کوشش: رضا کردی کریم آبادی  
با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند

زندیه نام رساله‌ای است به شیوهٔ نقیضه‌نویسی و به تقلید از شیوهٔ عبید زاکانی در موش و گربه که در پایان روزگار قاجاریه به دست یکی از صاحب‌منصبان آن دوره به نام اسدالله یمین از خاندان معروف اسفندیاری مازندران به نگارش درآمده است. این کتاب، جنبهٔ طنز انتقادی دارد و موضوع آن فساد مالی مأموران جمع‌آوری مالیات از تریاک در زرنند از شهرهای شمالی ایالت کرمان است. متن تاریخی رسالهٔ زندیه، به زمانی مربوط می‌شود که سلسلهٔ قاجار به دلیل بحرانهای اقتصادی و سیاسی پس از جنگ جهانی اول در سرآشویی سقوط قرار گرفته بود.

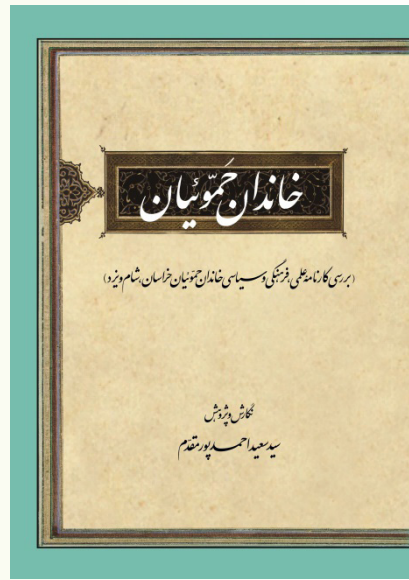


## طبائع الحیوان [جلد ۲]

تألیف: شرف‌الزمان طاهر المروزی؛ کان حیاً سنهٔ ۵۲۳ / ۱۱۲۸ م  
حققه علی ثلاث مخطوطات و استخراج فهارسه:  
یوسف الهادی

طبائع الحیوان کتابی است از شرف‌الزمان مروزی در زمینهٔ پزشکی و دامپزشکی که در آن اطلاعات و آگاهی‌های زیادی نیز از دانش‌های گوناگون فراهم آمده، و نویسنده در آن تجربیات شخصی و بالینی خود را در درمان بیماریها ارائه کرده، و آخرین دستاوردهایی بیماری‌شناسی، تشریح و داروشناسی را گرد آورده است. وی در نگارش این اثر از منابع طب یونانی همچون آثار بقراط و جالینوس، و طب اسلامی مانند آثار ابن‌رین و ابن‌سینا بهره برده است، و با وجودی که شمار زیادی از این آثار برای ما شناخته شده است، در میان آنها برخی آثار ناشناخته نیز به چشم می‌خورد. در باب‌های پنج‌گانهٔ این اثر همچنین آگاهی‌های جغرافیایی در مورد ملل بزرگ جهان وجود دارد که با توجه به استناد به منابع اصیل و کهنی که برخی از آنها از میان رفته‌اند، حائز اهمیت به شمار می‌روند. از جملهٔ این آثار می‌توان به مسالک و ممالک جیهانی و منجم اشاره کرد، و آنچه نویسنده در این اثر ذکر کرده، تکمله‌ای است بر کتاب‌های حدود العالم، زین الاخبار و برخی از آثار بیرونی. نویسنده در این اثر به‌طور مفصل از حیوانات مختلف سخن گفته و افزون بر استناد به آثار جاحظ و ارسطو مشاهدات و تجربیات شخصی خود را نیز دربارهٔ آنها بیان کرده است. در این اثر همچنین اطلاعات و آگاهی‌های تاریخی ارزشمند و مهمی به





## منتهی الإدراک فی تقاسیم الأفلاک [نخستین رساله جامع در هیئت بطلمیوسی]

تألیف ابومحمد عبدالجبار خرقی ۴۷۷ تا ۵۵۳ ق  
تصحیح، ترجمه و پژوهش: حنیف قلندری  
با همکاری پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران

محققان تاریخ علم دسته‌ای از آثار نجومی دوره اسلامی را با این وجه تشابه که هدف از نوشتن آنها عرضه تصویر کلی از جهان اطراف، شامل آسمان و زمین، بوده است، آثار هیئت خوانده‌اند. این عنوان را برای کتاب‌هایی از این دست در کتاب‌های طبقه‌بندی علوم دوره اسلامی نیز می‌توان یافت. هر چند منبع اصلی این دست آثار کتاب الاقتصاص فی أحوال الكواکب (Planetary Hypotheses) بطلمیوس است اما می‌توان گفت که ترتیب مطالب و محتوای این آثار به مرور در دوره اسلامی تدوین شده است.

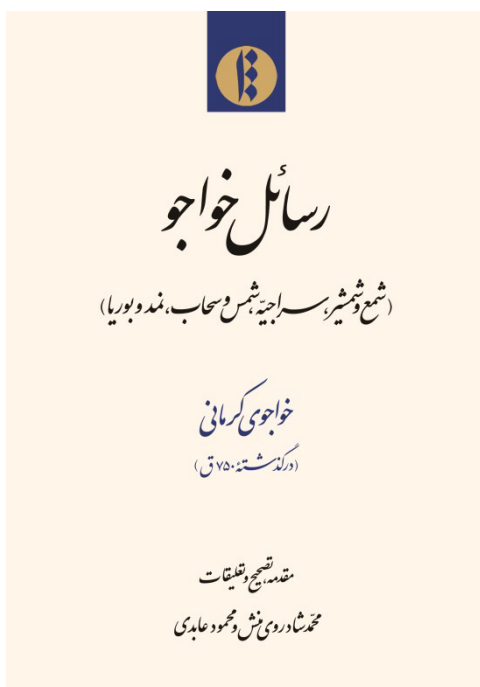
به‌درستی نمی‌توان زمان آغاز نوشتن چنین آثاری را تعیین کرد اما وجود آثاری با ساختار مشابه با آثار کلاسیک هیئت - که عمدتاً در سده هفتم هجری نوشته شده‌اند - در سده ششم هجری محققان را بر آن داشته است که آغاز این نگارش‌ها را سده ششم بدانند. در این میان منتهی الإدراک فی درایة الأفلاک نوشته عبدالجبار خرقی که احتمالاً در حدود سال‌ها ۵۲۶/۵۲۷ قمری نوشته شده است نخستین نمونه از یک اثر جامع هیئت است. مؤلف در دیباچه کتاب به مقدماتی که اثر خود را بر پایه مطالب آنها نوشته

## خاندان حمویان

(بررسی کارنامه علمی، فرهنگی و سیاسی خاندان حمویان خراسان، شام و یزد)  
نگارش و پژوهش: سید سعید احمدپور مقدم  
با همکاری سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری یزد و بنیاد اندیشه و احسان توحید

حمویان خاندانی کم‌نظیر در تاریخ ایران و اسلام هستند. افراد این خاندان از قرن سوم تا قرن دوازدهم هجری، نسل به نسل در حوزه‌های عرفان، فقه، سیاست، طب، نجوم و ... فعالیت داشته و در زمره رجال مهم و برجسته روزگار خود بوده‌اند. حوزه نفوذ و اثرگذاری آل حمویه علاوه بر این بازه طولانی زمانی، از حیث گستره جغرافیایی نیز چشم‌گیر است و خراسان، شام، مصر، یزد و اردکان را شامل می‌شود. کتاب حاضر با معرفی حدود ۶۰ تن از افراد این خاندان و ترسیم شجره‌نامه آنان، به شرح اقدامات حمویان در حوزه‌های مختلف علمی، دینی، فرهنگی و سیاسی پرداخته است.

فی الطب ۲۵ جلدی یکی از نگاشته‌های اوست که دایرةالمعارف بزرگ دانش پزشکی جهان باستان: ایران، یونان، هند و مصر (گروه پزشکان اسکندرانی) به شمار می‌آید و آن دربرگیرنده شناسایی و درمان همه بیماری‌ها از سر تا پا و تشخیص افتراقی میان آنهاست و افزون بر آن دیگر بخش‌های پیراپزشکی را نیز دربردارد. رساله فی اوجاع المفاصل و رساله النقرس دو کتاب ارزشمند او در زمینه بررسی دردهای بندگاهها و چگونگی چاره‌اندیشی و درمان هر یک است و به گستردگی پیشگیری از رخداد آنها را گزاره کرده است، زیبایی و ارزشمندی این اثر، قرار گرفتن در کنار یکدیگر تحقیق و تصحیح متن عربی اوجاع المفاصل و ترجمه آن را در سده هفتم به نام الحاصل فی علاج المفاصل است و با ترجمه پارسی رساله النقرس رازی به پایان می‌رسد.



## رسائل خواجو

[شمع و شمشیر، سراجیه، شمس و سحاب، نمد و بوریا]

خواجوی کرمانی (در گذشته ۷۵۰ ق)

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد شادروی منش و محمود عابدی

هزینه چاپ و نشر این اثر از محل هدیه آقای مهندس انوشه کیوانی، مقیم کالیفرنیا، تأمین شده است.

است اشاره می‌کند و می‌گوید که بنا دارد بخش‌هایی را به قالب چین اثری اضافه کند. کتاب خرقی در سه مقاله تنظیم شده است و می‌توان ردپای نظام تقسیم فصول او را در آثار مشهورتر بعدی دید. ضمناً نویسندگان آثار بعدی هیئت حتماً در کتاب‌های خود به خرقی اشاره کرده‌اند. در این طرح منتهی الإدراک بر اساس پنج نسخه موجود شناخته شده آن تصحیح شده است و به همراه مقدمه‌ای در شرح حال مؤلف و جایگاه کتاب در میان آثار هیئت منتشر خواهد شد.



## رساله فی اوجاع المفاصل و علاجها

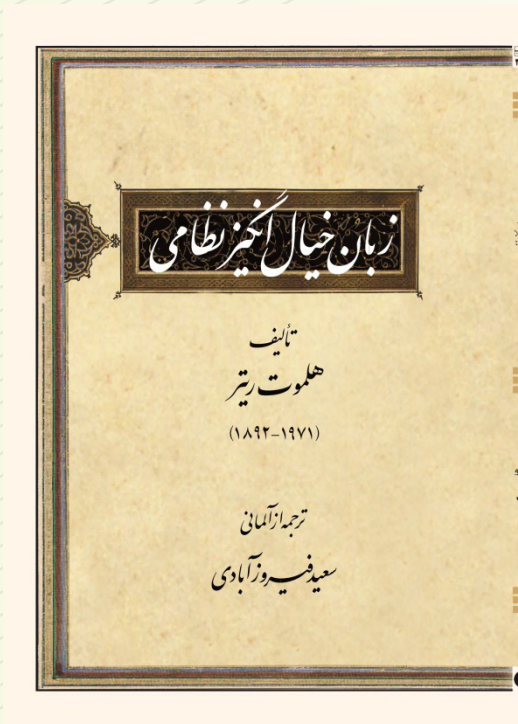
ابوبکر محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق / ۸۶۵-۹۲۵ م)

و کتاب الحاصل فی علاج المفاصل (ترجمه فارسی اوجاع المفاصل، از مترجمی ناشناخته در سده هفتم هجری)

به همراه ترجمه فارسی مقاله فی النقرس رازی تصحیح، تحقیق و ترجمه: محمدابراهیم ذاکر، غلامرضا جمشیدنژاد اول

ابوبکر محمد رازی، فرزند زکریا فرزند یحیا (۲۵۱-۳۱۳ ق / ۸۶۵-۹۲۵ م) اختر تابناک ایران زمین بود. بیش از دویست و سی مقاله، رساله و کتاب در علوم گوناگون نوشت. بخشی از کتاب‌هایش در نقد و نقض بزرگان و آموزگاران خود در زمینه‌های گوناگون است. حاوی

قمری معاصر با شاه طهماسب صفوی و هم‌روزگار  
اکبرشاه گورکانی یا شاه‌جهان کتابت شده است. این  
نسخه مشتمل است بر ابوابی که نامه‌های هر باب به  
عنوان الگو برای کتابت به جانب طبقات و افراد مختلف  
رسمی و غیررسمی و به اهداف گوناگون نگاشته شده و  
به طور کلی انواعی از مکاتیب سلطانی و اخوانی را در  
بر دارد.



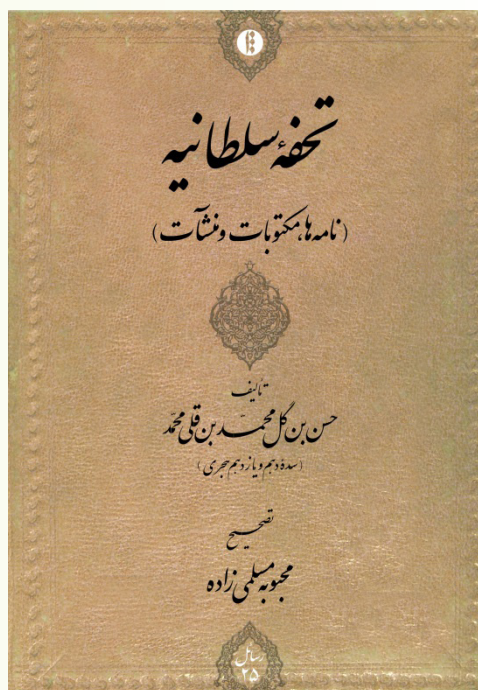
## زبان خیال‌انگیز نظامی

تألیف: هلموت ریتر (۱۸۹۲-۱۹۷۱)

ترجمه از آلمانی: سعید فیروزآبادی

زبان خیال‌انگیز نظامی پژوهشی از هلموت ریتر،  
ایرانشناس برجسته آلمانی در نیمه نخست قرن بیستم  
میلادی و نگارنده آثار ارزشمندی درباره ادبیات فارسی،  
مشتمل بر یک مقدمه و پنج فصل است. موضوع  
اصلی کتاب توجه به کارکرد و شیوه بیان استعاری  
در آثار نظامی است و نویسنده برای بیان منظور خود  
نگاهی تاریخی و تطبیقی دارد. به همین دلیل برای  
درک بهتر آثار نظامی نمونه‌های از ادبیات آلمان و  
ادبیات عرب می‌آورد و می‌کوشد زمینه‌ای برای درک  
بهتر ادبیات فارسی برای خوانندگان این اثر فراهم کند  
و بنابر روش معمول در دوره نگارش این اثر، در فصل  
نخست، ظرافت‌های تشبیه و سپس استعاره در ادبیات

خواجوی کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطا، محمود بن علی  
بن محمود (۶۸۹-۷۵۰ ق)، مشهور به نخلبند شعرا، یکی  
از شاعران اثرگذار قرن هشتم است. پیوند شعر او با  
سعدی و نظامی و رابطه شعر حافظ با آثار او برای  
آشنایان شعر و ادب فارسی مسلم و معروف است. از جمله  
آثار خواجه رسائل چهارگانه اوست: شمع و شمشیر،  
سراجیه، شمس و سحاب و نمد و بوریا. این رساله‌ها  
نثری آراسته و آمیخته به نظم و از نوع مناظره‌های  
ادبی‌اند، و از نظر مایه‌های ادبی و فواید گوناگون زبانی،  
در مقایسه با آثار دیگران ویژگی و برجستگی متمیزی  
دارند. رسائل خواجه در سال ۷۴۸ ق و در روزهای اقامت  
او در کرمان نوشته شده‌اند و نخستین بار است که  
با استفاده از دست‌نوشته‌های شناخته شده و دستیاب  
تصحیح و عرضه می‌شوند.



## تحفه سلطانیه

[نامه‌ها، مکتوبات و منشآت]

تألیف: حسن بن گل محمد بن قلی محمد (سده  
دهم و یازدهم هجری)

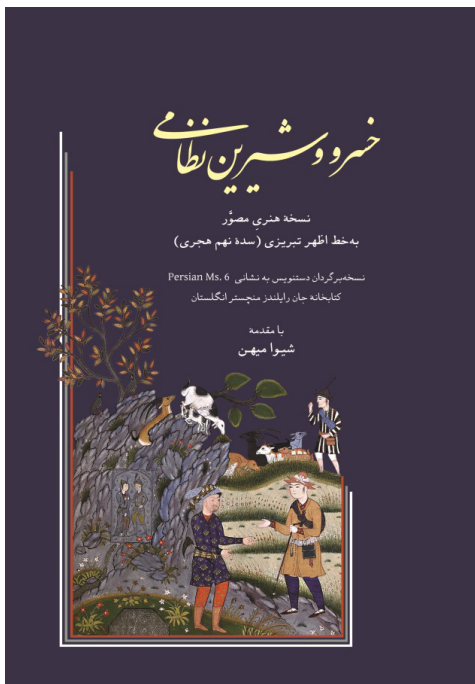
تصحیح: محبوبه مسلمی زاده

تحفه سلطانیه، نمونه‌ای از مکاتیب، تألیف حسن بن  
گل محمد، حدوداً بین سال‌های ۹۵۰ تا ۹۶۰ هجری



یک جا گرد آورده، سپس نظریات خود را در زیر هر کدام بازگو نموده است. آیا آنچه رازی در یورینوسکوپ و آزمایش ماکروسکوپ پیشاب یا قاروره بینی می گوید، همخوانی های با دانش پزشکی نوین دارد؟

رازی به روشنی پاتوفیزیولوژی بیماری ها و نگریستن به پیشاب را به مثابه دیدن بیماری های کبد و ریه و روده در آئینه پیشاب به ما نشان می دهد. رازی و دیگران پیشاب را به عنوان یک موجود زنده قلمداد میکنند و بسیار با احترام به آن و یافته های آن می نگرند و سعی میکنند درست تصمیم بگیرند ارتباط بالینی یافته های خود را، در انسان ناخوش با آن دریاوند و برای این کار روزها و ساعتها پیشاب هر کسی را پی می گیرند و با وضعیت بالینی او مطابقت می دهند و سعی به تصمیم گیری درست دارند. کتاب یادشده کوشش دارد این همخوانی را بیشتر نمایان کند و سنجشی میان پیشاب شناسی ماکروسکوپی کهن و تجزیه و تحلیل های میکروسکوپی امروزی آن باشد.



### خسرو و شیرین نظامی

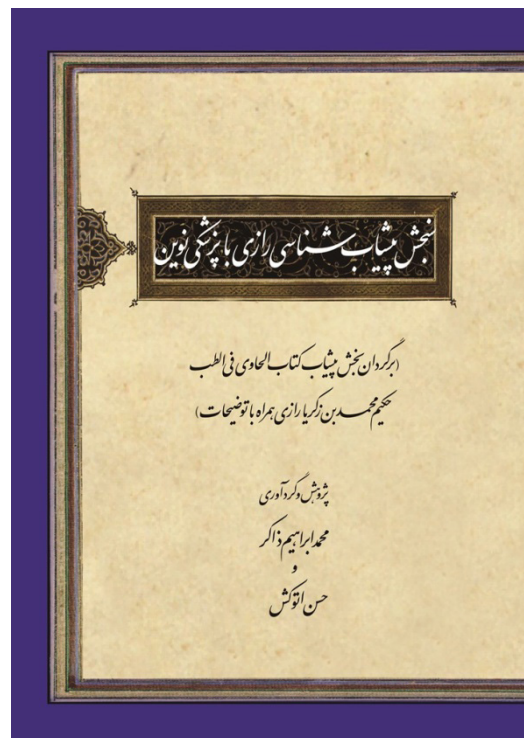
[نسخه برگردان دستنویس به نشانی Per- sian Ms.6 کتابخانه جان رایلندز منچستر انگلستان]

نسخه هنری مصور به خط اظهر تبریزی

(سده نهم هجری)

مقدمه شیوا میهن

فارسی و به خصوص جلوه های طبیعت در آن را بحث و بررسی می کند. سپس موضوع سه فصل بعدی کتاب رابطه انسان با شعر است. این رابطه از نگاه شاعر به طبیعت سرچشمه می گیرد و از نظر نویسنده نحوه بیان استعاری صور خیال طبیعت به رفتار و تجربه حسی شاعر بستگی دارد و این تجربه ها بر پایه فرهنگی است که قرن های متمادی پیشینه دارد. ریتز در این رساله با نگاه تطبیقی به ادبیات فارسی و رابطه آن با ادبیات عربی نظریه هایی درباره نگرش زیبایی شناسی ایرانیان هم ارائه می دهد و برای درک بهتر منظور خود از اندیشه های فلسفی ارنست کاسیرر و حتی سروده های شاعران عرب و آلمانی زبان بهره می جوید. همچنین نویسنده با بررسی ترتیب تاریخی سروده های نظامی سیر تکاملی در شعر این شاعر بزرگ ایرانی را بررسی می کند.



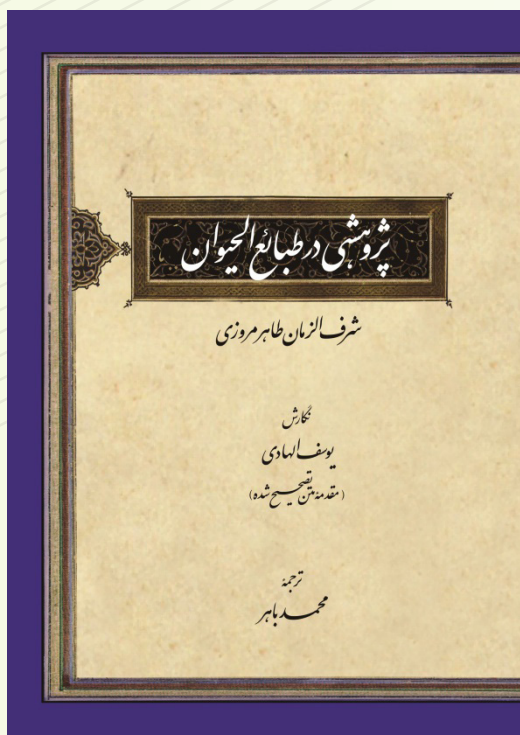
### سنجش پیشاب شناسی رازی با پزشکی نوین

[برگردان بخش پیشاب کتاب الحاوی فی الطب حکیم محمد بن زکریا رازی همراه با توضیحات]

پژوهش و گردآوری: محمد ابراهیم ذاکر و حسن اتوکش

کتاب پیشاب شناسی جلد نوزدهم حاوی فی الطب است. رازی دیدگاه های پیشینیان خود را از خاور تا باختر در

«خمسۀ قاسم علی سلطان» که امروزه در شعبه شرقی کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود، در عهد سلطنت شاه تهماسب صفوی تولید شده است و شامل هر پنج اثر نظامی است. این نسخه مذهب با ۶۳ نگاره هنرمندانه (۶ نگاره دو برگی و ۵۷ نگاره تک برگی) از کتاب‌های پرتصویر عصر خود به شمار می‌رود که برای بررسی تاریخ نگارگری ایران در نیمۀ دوم سده دهم هجری بسیار کارآمد است. خوشنویس کتاب، خیرالله ابن حسین کلابی شوشتری است و کتاب حاضر را در سال ۹۶۸ هجری به سفارش قاسم علی سلطان، از سران حکومت شاه تهماسب به انجام رسانده است. مطالب این کتاب در دو بخش تنظیم شده است. بخش نخست به کتاب‌شناسی نسخه، و بخش دوم به مطالعه تک تک نگاره اختصاص دارد.



## پژوهشی در طبائع الحيوان

[شرف الزمان طاهر مروزی]

نگارش: یوسف الهادی (مقدمۀ متن تصحیح شده)

ترجمۀ محمد باهر

شرف‌الزمان طاهر مروزی (زنده در ۵۱۸ق / ۱۱۲۴م) از دانشمندان و پزشکانی است که در دوران سلجوقیان و در دربار سلطان ملک‌شاه (حک ۴۶۵-۴۸۵ق) به

ظهیرالدین اظهر تبریزی از اساتید خط نستعلیق اولیۀ در قرن نهم هجری است که آثار متعددی برای کتابخانه‌های تیموریان کتابت کرده‌است. یکی از نسخه‌های ارزشمند به قلم او نسخه‌ای از «خسرو و شیرین» نظامی است که اکنون در کتابخانه «جان رایلندز» منچستر در انگلستان نگهداری می‌شود.

کتاب حاضر نسخه‌برگردان این اثر گرانبه‌است که در مقدمۀ آن مطالعه‌ای جامع درباره‌ی کاتب آن ظهیرالدین اظهر تبریزی صورت گرفته است. در این مقدمه علاوه بر معرفی کاتب و ویژگی‌های نسخه‌شناسانه این دست‌نویس نفیس، درباره‌ی آثار و اهمیّت او در تاریخ خوش‌نویسی و کتابت بحث شده است.



## نقد و بررسی نگاره‌های خمسۀ نظامی گنجهای

[دست‌نویس به نشانی Suppl. Persan 1956  
شعبه شرقی کتابخانه ملی پاریس ۱۹۵۶]

قاسم علی سلطان (مورخ ۹۶۸ ه. ق)

مقدمه و پژوهش: علی اصغر میرزایی مهر

این اثر نسخه‌برگردانی است از نسخه خطی مخزن ۹۸۵ که SUPPL PERSAN الاسرار نظامی به نشانی در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود، و از نفایس نسخه‌های خطی دوره اسلامی است، و خوشنویسی آن توسط میرعلی هروی، خوشنویس طراز اول سده ۱۰ ق و دو نگاره آن توسط محمود مذهب هروی، خوشنویس، مذهب و نگارگر سده ۱۰ ق و یک نگارگر چیره‌دست دیگر با نام محمد محسن پدید آمده است. آرایه‌های نسخه و صفحه‌آرایی آن از نمونه‌های ممتاز مکتب بخارا است، و به کوشش یکی از کتابداران کتابخانه سلطان عبدالعزیز شیبانی یعنی سلطان میرک بخاری فراهم آمده است. ضمن اینکه دو نگاره نفیس از سبک شاه‌عباسی (سبک اصفهان) بعدها در آغاز آن افزوده شده است.



## الرساله المعینیه (الرساله المغنیه) و حل مشکلات معینیه، جلد اول (متن مصحح فارسی)

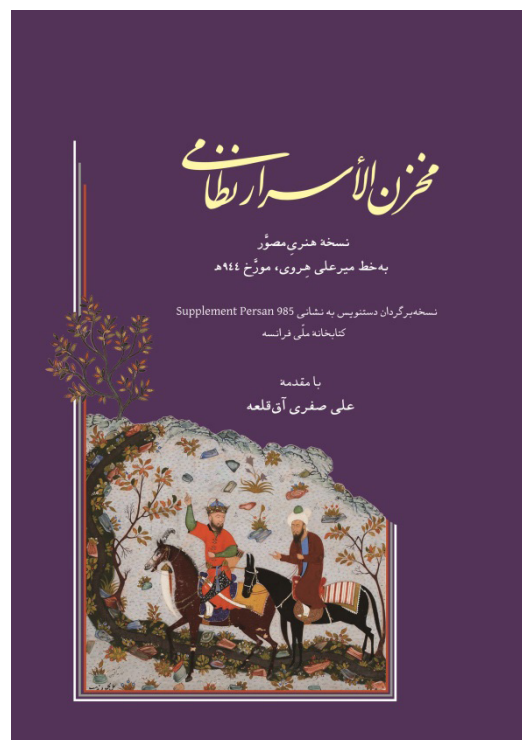
نصیرالدین محمد طوسی (سده ۷)

تصحیح و تحقیق: سجاد نیک‌فهم خوب‌روان - فاطمه سوادی

با دو پیشگفتار از: جمیل رجب - حسین معصومی همدانی

با همکاری پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران

طبابت اشتغال داشت و احتمالاً در دوران جانشینان او و حتی سلطان سنجر (حک ۵۱۱ - ۵۵۲ق) نیز خدمت می‌کرده است، و با دو تن از وزیران سلجوقی، یعنی عمیدالملک کندی (د ۴۵۶ق) و خواجه نظام‌الملک طوسی (د ۴۸۵ق) در ارتباط بوده است. کتاب طبائع الحیوان از شرف‌الزمان طاهر مروزی دانشنامه‌ای در زمینه جانورشناسی، علوم طبیعی و پزشکی، تاریخ و جغرافیا، انسان‌شناسی و... است که به تصحیح یوسف الهادی منتشر شده است. اثر حاضر ترجمه مقدمه مصحح بر همین کتاب طبائع الحیوان است که در واقع پژوهشی پیرامون شرف‌الزمان طاهر مروزی و طبائع الحیوان او به شمار می‌رود. مترجم در این ترجمه یادداشت‌ها و تعلیقاتی را نیز برای بهره‌گیری بیشتر خوانندگان بدان افزوده است.



## مخزن الأسرار نظامی

نسخه هنری مصور به خط میرعلی هروی، مورخ ۹۴۴ هـ

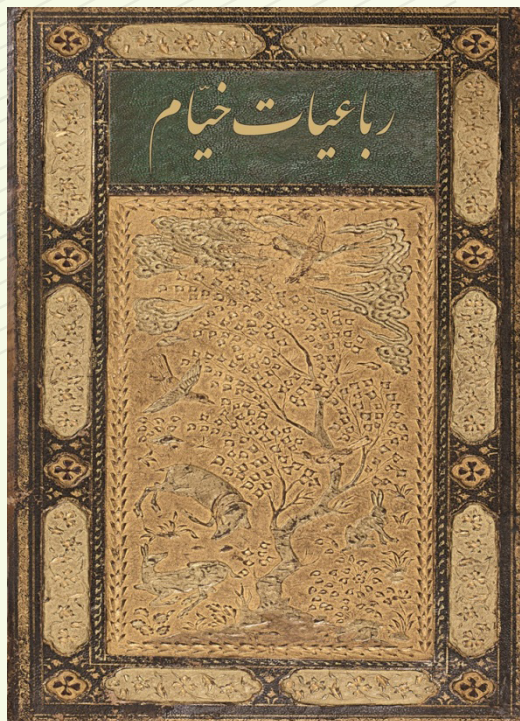
نسخه‌برگردان دستنویس به نشانی -supple- ment Persan ۹۸۵ کتابخانه ملی فرانسه

با مقدمه علی صفری آق‌قلعه



دست نویس شماره ۱۰۲۹ کتابخانه ملی فرانسه، یکی از نفیس ترین نسخه‌های خمسه نظامی است که در سالهای ۱۰۲۹ تا ۱۰۳۴ ق به خط عبدالجبار اصفهانی از شاگردان میرعماد حسنی کتابت شده است. نگارگر آن حیدرقلی نقاش و حامی او احتمالاً محب‌علی از حاکمان صفوی در شمال خراسان است. این نسخه در ۲۰ ژانویه ۱۸۷۷، از سوی کتابخانه ملی فرانسه خریداری شده است.

کتاب حاضر به قلم فرانسیس ریشار، فهرست‌نگار و پژوهشگر نسخه‌های فارسی تالیف شده است. وی در بخش اول کتاب، دوران سلطنت شاه عباس کبیر را به اجمال شرح می‌دهد. سپس حکایات منظومه را بازخوانی می‌کند و در پایان به توصیف مفصل نسخه، شامل کاتب، انجامه‌ها، نگارگر، سبک نگاره‌ها، شمایل‌شناسی، صحافی و جلد کنونی آن، می‌پردازد.



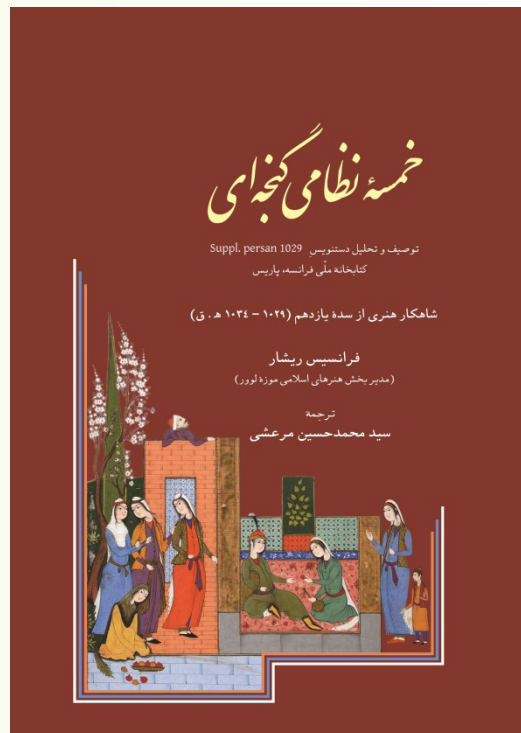
### رباعیات خیام

سروده حکیم عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری  
(در گذشته حدود ۵۱۵ ق)

[نسخه برگردان دستنویس به نشانی MS. Ouse-  
ley 14۰ کتابخانه بادلیان آکسفورد، کتابت ۸۶۵ ق]

ترجمه انگلیسی رباعیات: ادوارد هرون الن ؛ به کوشش: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

الرساله المعینیة و حلّ مشکلات معینیة (الرساله المغنیة و حلّ مشکلات مغنیة) نوشته خواجه نصیر طوسی دربرگیرنده تصحیح انتقادی متن این دو رساله بسیار مهم فارسی در هیأت است که با همکاری مصححان سجاد نیک‌فهم خوب‌روان و فاطمه سوادی، و پرفسور جمیل رجب استاد مؤسسه مطالعات اسلامی مک‌گیل فراهم آمده است. در تصحیح حاضر از نسخ متعددی از این دو رساله بهره برده شده است از جمله دو نسخه که دارای برگ‌هایی به خط مؤلف است. پرفسور جمیل رجب و استاد حسین معصومی همدانی در دو پیشگفتار جداگانه‌اشان بر این کتاب به تاریخچه مطالعات انجام شده بر این دو متن و اهمیت آن‌ها پرداخته‌اند.



### خمسه نظامی گنجهای

توصیف و تحلیل دستنویس Suppl. Person ۱۰۲۹ کتابخانه ملی فرانسه، پاریس

شاهکار هنری از سده یازدهم (-۱۰۲۹ ۱۰۳۴ هـ. ق)

فرانسیس ریشار (مدیر بخش هنرهای اسلامی موزه لور)

ترجمه سید محمدحسین مرعشی

از زاویه دید خاص نویسنده بیان می‌شوند. با اینکه در این نوشته هم مانند کتاب مشهور رستم التواریخ نکاتی به طنز گفته می‌شود، اما نگاه نویسنده بیشتر بر سیاست‌ورزی، اصول حکمرانی و تدبیر امور است.

دغدغه دیگر نویسنده، که برای تاریخ علم در ایران معاصر اهمیت دارد کوشش برای رسیدن به فهمی از تاریخ بشر در پرتو یافته‌های تازه علمی و دریانوردی است. در این اثر اشارات مستقیمی به کشفیات تازه در نیمکره غربی دارد. با این‌همه، پرداختن به تاریخ دوره قاجار و به‌ویژه دوران حکومت فتحعلی‌شاه در کانون توجه کتاب است. این کتاب همچنین از نظر طرح اندیشه‌های اصلاح دینی نیز مهم است.



### المشیخه (کنز السالکین)

[گنجینه خطوط و یادگارنامه مشاهیر علمی ایران از سال ۸۴۵ تا ۱۰۲۲ هـ.ق]

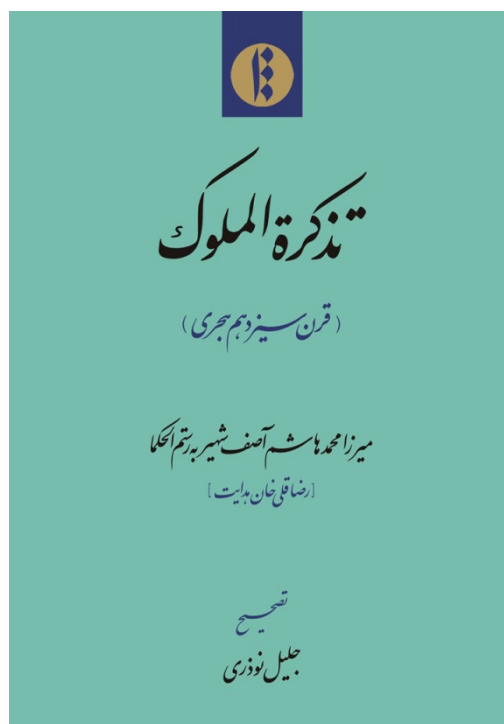
تألیف: خاندان حمّوی یزدی [نظام‌الدین اسحاق (د: ۸۴۵ هـ.ق)، نجم‌الدین محمد (د: ۸۸۵ هـ.ق)، سالک‌الدین محمد اول (زنده در ۹۳۰ هـ.ق)، مالک‌الدین مؤید (د: ۹۶۹ هـ.ق)، سالک‌الدین محمد دوم (د: ۱۰۲۲ هـ.ق)]

با مقدمه و تصحیح: سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور) (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

با همکاری سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی

این اثر نسخه‌برداری از کهن‌ترین مجموعه مستقل شناخته‌شده از رباعیات خیام است که در تاریخ ۸۶۵ق به قلم یکی از خوشنویسان طراز اول دربار پیربوداق بن جهان‌شاه قراقوبونلو (حک ۸۶۶ - ۸۷۰ق) یعنی شیخ محمود پیربوداقی کتابت شده است. این نسخه که اصل آن به نشانی MS Ouseley ۱۴۰ در کتابخانه بادلیان آکسفورد نگهداری می‌شود، از دیرباز مورد توجه خیام‌پژوهان قرار داشته است و مبنای برخی آثار و پژوهش‌ها بر روی رباعیات بوده است. از جمله این آثار می‌توان به چاپ آن همراه با ترجمه ادوارد هررون الن اشاره کرد که در سال ۱۸۹۸م در لندن منتشر شده است.

در نسخه‌برداری حاضر افزون بر مقدمه و تصویر نسخه مورد نظر، متن حروفی رباعیات، ترجمه انگلیسی ادوارد هررون الن و فهرست رباعیات نیز آمده است.



### تذکره الملوک (قرن سیزدهم هجری)

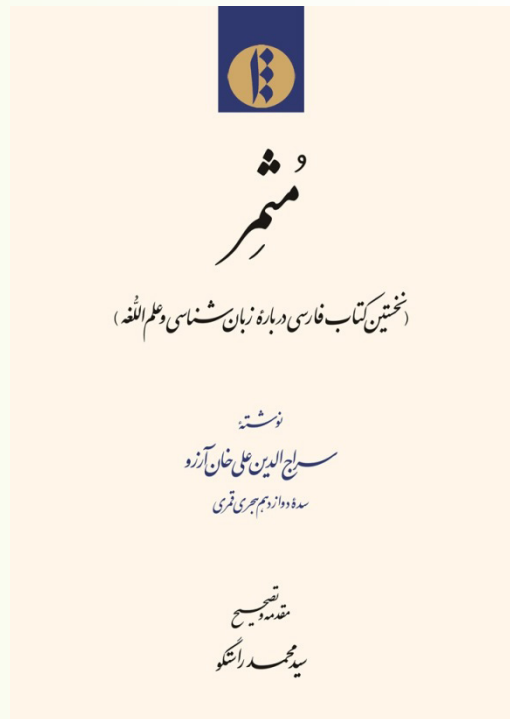
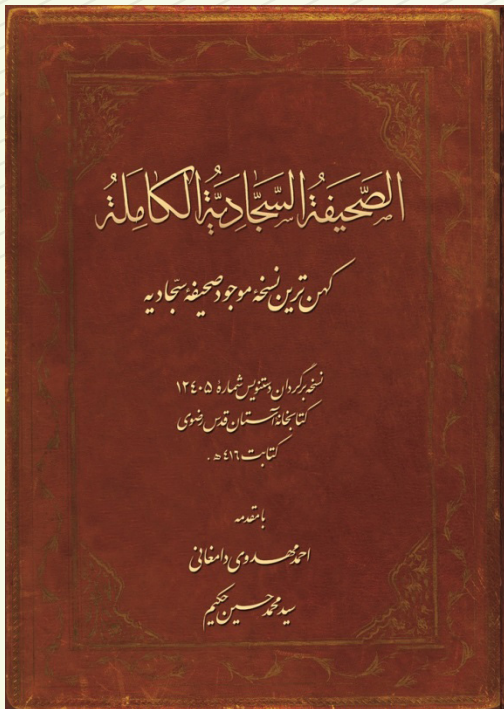
میرزا محمد هاشم آصف شهیر به رستم الحکما  
[رضاقلی خان هدایت]

تصحیح: جلیل نوذری

تذکره الملوک اثر میرزا محمد هاشم آصف، کتابی است در تاریخ عمومی ایران که در نوع نگاه به تاریخ، بیشترین شباهت را به رستم التواریخ، اثر دیگر نویسنده دارد. هر دو دارای روایت‌های دست اول و داستان‌هایی هستند که در منابع دیگر مانند آنها یافت نمی‌شود و

سراج الدین علی‌خان آرزو (۱۰۹۹ - ۱۱۶۹ق)، شاعر، نویسنده، ادیب و دانشمند بسیار برجسته و بزرگ سده دوازدهم است. که در میان نوشته‌های او کتاب مثمر جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که این کتاب نخستین کتابی است که در فارسی، در زمینه زبان‌شناسی (= علم اللغة) نوشته شده است. آرزو در این کتاب که بر بنیاد کتاب المزهَر سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ق.) ساخت و سامان یافته است، در ۴۲ بخش، مسائل گوناگونی چون ترادف، اشتراک، تباين، توافق، حقیقت و مجاز، اتباع، ابدال، و... را در زمینه زبان فارسی بررسی کرده است، در لابه‌لای بررسی‌هایش چه بسا به ریشه‌یابی برخی واژه‌ها پرداخته، چنان‌که پیوند و هم‌ریشگی بسی از واژگان فارسی با زبان هندی را نشان داده است. به شیوه همیشگی‌اش نقد دیدگاه‌های دیگران را از یاد نبرده، و در همه این زمینه‌ها نکته‌سنجی‌ها کرده، و گاه به خطا نیز رفته است.

المشیخه (کنز السالکین) مجموعه اجازات و یادداشتهای دانشمندان و رجال قرن نهم و دهم و نیمه اول قرن یازدهم است که برای پنج نسل پیاپی از خاندان حمویان یزد نوشته شده و حدوداً نمونه خط ۱۰۰ نفر از دانشمندان و مشاهیر ایران قرنهای نهم و دهم و یازدهم را دربر دارد و از نفیس‌ترین نسخ خطی ایران به شمار است. گرد آمدن این مجموعه از ۸۴۵ تا ۱۰۲۲ هجری و روی هم ۱۲۹ سال به درازا کشیده است و به‌حق می‌توان آن را گواه ۱۲۹ سال علم و فرهنگ ایران زمین دانست. نسخه منحصر به فرد این اثر که به شماره ۲۱۴۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود پیشتر از سوی همین مؤسسه (مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب) به صورت نسخه‌برگردان منتشر شده است. اینک چاپ حروفی این اثر ارزشمند به تصحیح و تحقیق سید محمد منصور طباطبایی به پیشگاه پژوهشگران و علاقه‌مندان میراث کهن ایران و اسلام تقدیم می‌شود.



### الصحيفة السجادية الكاملة

[کهن ترین نسخه موجود صحیفه سجادیه]

[نسخه‌برگردان دستنویس شماره ۱۲۴۰۵، کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابت ۴۱۶ هـ.]

با مقدمه: احمد مهدوی دامغانی، سیدمحمد حسین حکیم، با همکاری بنیاد پژوهشهای اسلامی

### مثمر

[نخستین کتاب فارسی درباره زبان‌شناسی و علم اللغة]

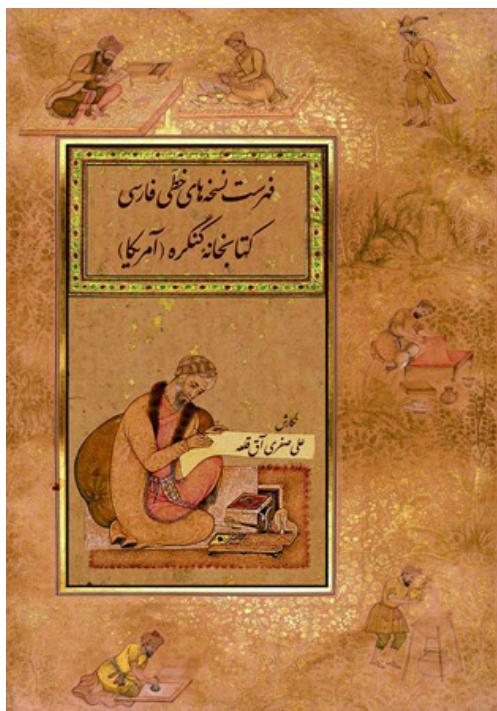
نوشته سراج‌الدین علی‌خان آرزو (سده دوازدهم هجری قمری)



## آستان قدس رضوی

این اثر نسخه‌برگردان کهن‌ترین نسخه شناخته شده از صحیفه سجادیه است که در سال ۴۱۶ق در خراسان کتابت شده و هم‌اینک در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۲۰۴۵ نگهداری می‌شود. صحیفه سجادیه در اصل بخشی از این نسخه را شامل می‌شود و کهن‌ترین سند مکتوب شناسایی شده از یکی از مدارس کرامیه به شمار می‌رود، و از آنجا که روایت، کتابت، مقابله و تملک این نسخه از صحیفه سجادیه به دست کرامیه و وقف آن بر یکی از مدارس ایشان در نیشابور صورت گرفته، نسخه بسیار مهمی است و می‌تواند بیانگر نوع رابطه کرامیه با شیعیان باشد.

برد و شرح‌حال و انتخاب سروده‌های نزدیک به ۸۷۰ شاعر، از پیشینیان تا معاصران خویش، را در آن گرد آورد. بخش خاتمه این کتاب خود بالغ بر ۱۲ اصل (هر اصل مخصوص شهری و ناحیه ای) و ویژه سرایندهگان هم‌روزگار مؤلف است که در مجموع گزارش احوال و اشعار بیش از ۴۱۰ تن را در بر دارد و از جهاتی بسی حائز اهمیت است. اثر حاضر اصل یازدهم از این بخش است و در دو فصل به ۱۵ شاعر از خطه ری و ۱۶ شاعر از منطقه استرآباد و نواحی آن بلاد پرداخته است.



## فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا)

نگارش: علی صفری آق‌قلعه

این کتاب، شامل فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا) است که در آن به شناسایی ۱۶۵ اثر مندرج در ۱۴۶ نسخه آن مجموعه پرداخته شده است. با اینکه تعداد نسخه‌های مجموعه نسبتاً اندک است، اما آثار مهم، نسخه‌های کمیاب، منحصر بفرد و همچنین نسخه‌های نفیس و هنری در آن قابل توجه است.

با توجه به ویژگی‌های گوناگون نسخه‌ها کوشش شده است تا هر کدام آن‌ها از دیدگاه متن‌شناسی و نسخه‌شناسی به‌دقت توصیف شوند. مطابق شیوه معمول، نسخه‌های ناشناس یا کمتر شناخته شده، با تفصیل بیش‌تری معرفی شده‌اند.

## خلاصه الأشعار وزبدة الأفكار

(بخش ری و استرآباد و نواحی آن بلاد)

تألیف  
میر تقی‌الدین کاشانی  
(زنده در ۱۰۱۶ق)

مقدمه و تصحیح  
مرتضی موسوی رضوان مساح

## خلاصه الأشعار و زبدة الأفكار

[بخش ری و استرآباد و نواحی آن بلاد]

تألیف: میر تقی‌الدین کاشانی (زنده در ۱۰۱۶ ق)

مقدمه و تصحیح: مرتضی موسوی - رضوان مساح

میر تقی‌الدین محمد فرزند شرف‌الدین علی حسینی کاشانی (زنده در ۱۰۱۶ ق)، معروف به «میر تذکره» و متخلص به «ذکری»، شاعر و نویسنده عصر صفوی است. اثر اصلی او خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار است که بیش از ۴۰ سال (حدود ۹۷۵-۱۰۱۶ ق) در تألیف آن رنج

نخست سخنان ابن سینا را تفسیر کند و سپس در صورت لزوم نقدی بر آن داشته باشد.



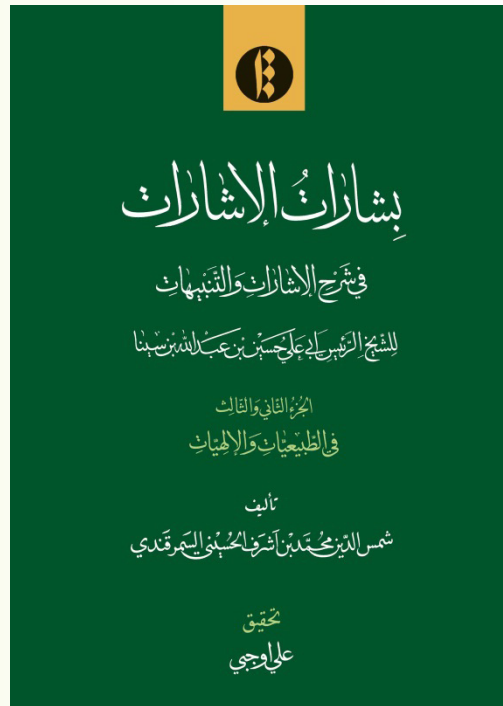
## التشريح [جلد ۲]

مقدمه، تحقیق و تصحیح: محمد ابراهیم ذاکر

عمادالدین محمود فرزند رکنالدین مسعود شیرازی، یکی از نویسندگان بهنام ایرانزمین در سده دهم هجرت است. او یکی از پزشکان برجسته این برهه زمانی به شمار می‌آید که پارسی‌نویسی را در دانش پزشکی و رشته‌های وابسته بدان دنبال کرد. او کوشش داشت این دانش را بدون دانستن زبان و ادبیات عرب در میان پارسی‌زبانان فراگیر سازد.

او بیش از سی کتاب و رساله نگاشت. ارزشمندی کتاب التشریح او یکی به جهت گسترده‌نویسی بودن و دیگر داشتن بخش فیزیولوژی اندامها؛ یا منافع الاعضاء است. کتاب التشریح حجیمترین و بزرگترین نوشته نسبت به کتابهای پیشینیان و پیشگامان او در این دانش و در میان آیندگان تا پیش از آغاز دوره دارالفنون است که از یک سو به بررسی استخوانها، غضروفها، ماهیچه‌ها، رباط و وترها، اعصاب مغزی و نخاعی، سرخرگها و سیاهرگها در بخش آناتومی و از سوی دیگر به گزاره کردن چگونگی کارکرد اندامها پرداخته است و در گروهی از اندامها به ویژه چشم، بیماریهای هر لایه را بازگو میکند. کتاب هفت جزو است، دربرگیرنده: آناتومی سر و گردن، سینه، پشت و دل، اندامهای درون فضای شکم، دست، پا، مفصل، غضروف، پوست، ناخن و مو.

علاوه بر شناسایی نسخه‌ها که متن فهرست را تشکیل داده، در مقدمه کتاب، گزارشی آماری درباره نسخه‌های مجموعه و همچنین ویژگی‌های هنری آن‌ها از قبیل خوشنویسی، نگارگری، جلدها، سرلوحه‌ها و... ارائه شده است. کهن‌ترین نسخه تاریخ‌دار کتابخانه، دستنویسی از مثنوی معنوی مورخ ۸۴۵ ق است. از نمونه‌های متون مهم در این مجموعه نیز باید به رساله پیروزی و مقاله نوروزی اثر نجاتی نیشابوری و همچنین تشریح الاقوام اثر جیمز اسکینر اشاره کرد.



## بشارات الإشارات في شرح الإشارات التنبيهات [جلد ۳ در دو ۲ مجلد]

تحقیق: علی اوجبی

دایرةالمعارف فلسفی اشارات و تنبیهات از آثار پایانی ابن سینا است که به انگیزه آموزش فلسفه اسلامی (منطق، طبیعیات و الهیات) به نگارش درآمده است. این اثر به دلیل ویژگیهای منحصر به فرد از همان آغاز توجه حکمای متاله و نیز مخالفان فلسفه را به خود جلب کرد و شارحان و منتقدان زیادی به شرح و نقد و بررسی آن پرداخته‌اند.

یکی از این شروح ارزشمند بشارات الإشارات اثر شمس‌الدین محمد بن اشرف حسینی سمرقندی از حکمای سده هفتم هجری است. شیوه نگارش سمرقندی در این شرح، تعلیمی است و بر ساختار منطقی استوار است و در این مسیر هیچ تعصبی نمی‌ورزد و میکوشد

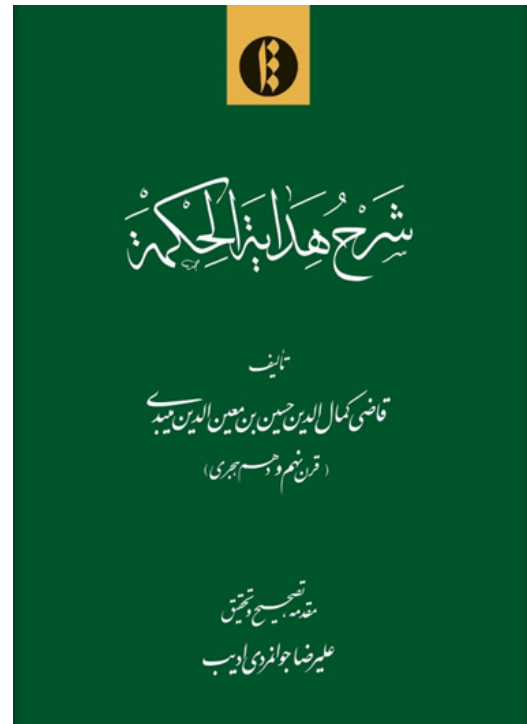


## شرح الأصول و الجمال في مهمات العلم و العمل (شرح الإشارات و التنبيهات لابن سينا)

محمد ملكي (جلال الدين)، مرضيه نوري صفت (نورا)

ابن کمونه را میتوان نمایندهٔ یگانه تفکری دانست که در آن آرای فلسفی پورسینا، سهروردی، فخرالدین رازی و عقلگرایی عالمانه با هم جمع آمده اند. فرزانه‌ای که در تاریخ فلسفه جایگاه بلندی دارد. کتاب شرح الاشارات والتنبيهات که با روش علمی تحقیق و تصحیح شده است، گویاترین شرحی است که در تبیین داده های متن اشارات پورسینا نقش به سزایی دارد.

این اثر، در قالب شرح مزجی بسیاری از مشکلات متن را حل کرده و از این رو میتوان این شرح را یکی از منابع مورد اعتماد در حل مشکلات کتاب الاشارات قلمداد کرد؛ چرا که ابن کمونه شرح خود را با قلمی شیوا و رسا به نگارش درآورده است.

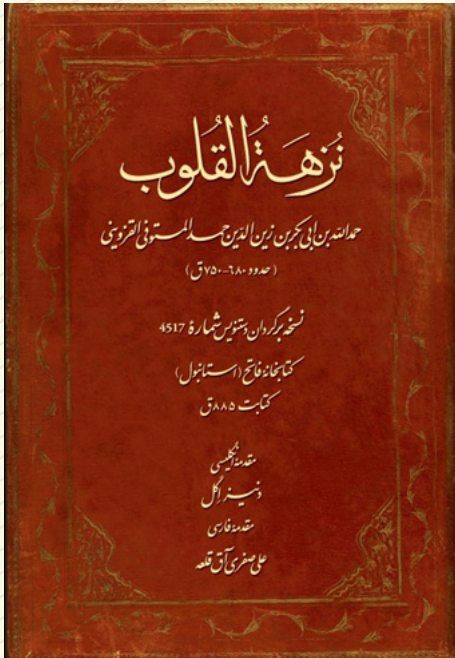


## شرح هدايه الحكمه

مقدمه، تصحيح و تحقيق: عليرضا جوانمردی  
اديب

شرح هداية الحكمة تأليف قاضي كمال الدين ميدي از شخصيتهاي برجسته علمي، ادبي قرن نهم و دهم هجري است. اين كتاب از جمله مواريت و منابع مهم فلسفه و حكمت اسلامي است كه ميدي با بيان نقد و نظرهاي خاص خود در اين شرح، علاوه بر نقش بسزايي كه در تطور حكمت اسلامي و نزديك شدن مشارب فكري مختلف تا زمان خود داشته، توانسته الهام بخش صدرالمتهلين شيرازي در ظهور حكمت متعاليه نيز باشد.





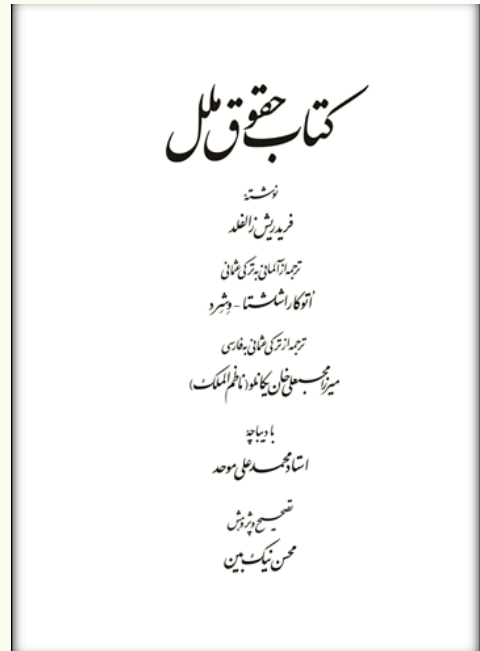
## زَهَةُ الْقُلُوبِ

مقدمه انگلیسی: دنیز اگل، مقدمه فارسی: علی صفری آق قلعه

کتاب زَهَةُ الْقُلُوبِ تألیف حمدالله بن تاج الدین ابیبرک بن زین الدین حمد/احمد المستوفی القزوینی، اثر فارسی چنددانشی نگاشته سال ۷۴۰ ق است که بخشهای گوناگون آن عمدتاً در حوزه طبیعیات، گیهان شناسی و جغرافیا پرداخته شده است. عمده بخشهای این اثر برگرفته از منابع پیش از مؤلف است اما شیوه تدوین مطالب و نیز اطلاعات پراکندهای که حمدالله از خود به متن افزوده، زَهَةُ الْقُلُوبِ را به یک منبع پر ارزش بویژه در زمینه جغرافیای ایران - بدل کرده است.

فراوانی نسخه‌های زَهَةُ الْقُلُوبِ نشانگر توجه گذشتگان به آن خصوصاً پس از سده دهم هجری - است. زَهَةُ الْقُلُوبِ در یک «فاتحه»، سه «مقاله» و یک «خاتمه» تبویب شده و هرکدام از این بخشها به تناسب، دارای زیرمجموعه‌هایی است. از این اثر تاکنون چاپ انتقادی قابل پذیرشی منتشر نشده است، و از همین رو یکی از کهنترین و نسبتاً مضبوطترین نسخه‌های کامل اثر برای چاپ عکسی (نسخه برگردان) انتخاب شد.

حمدالله از خاندان «مستوفیان» قزوین بوده که عمدتاً به پیشه‌های دیوانی اشتغال داشتند. حمدالله و برادرش در اوایل سده هشتم هجری عمدتاً در دستگاه رشیدالدین فضل الله همدانی مشغول کار بودند. حمدالله مدتی در شهرهای مختلف بخصوص تبریز و بغداد و اصفهان و شیراز به مشاغل دیوانی اشتغال داشته است.



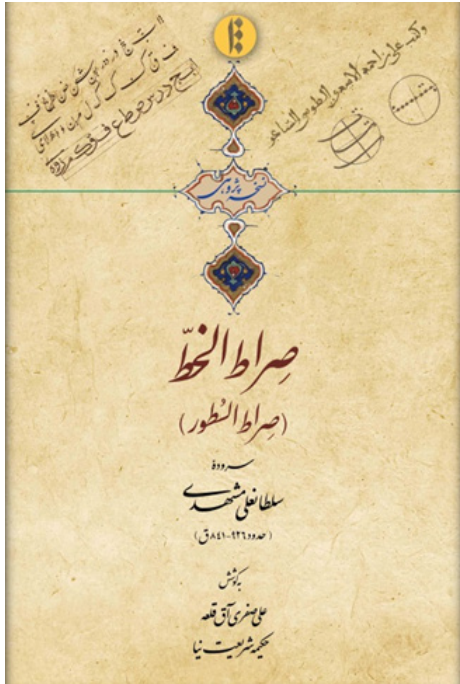
## کتاب حقوق ملل

محسن نیک‌بین، با دیباچه استاد محمدعلی موحد

کتاب حقوق ملل، با ترجمه میرزا محبعلی خان یکانلو (ناظم‌الملک)، نخستین ترجمه فارسی حقوق بینالملل مدرن است که در سالهای ۱۲۶۹ و ۱۲۷۱ ق از ترکی عثمانی به فارسی برگردانده شد. مرجع متن فارسی، ترجمه ترکی اتوکار اشلشتا - وِشرد از متنی آلمانی است که در سالهای ۱۲۶۳ و ۱۲۶۴ ق در وین به چاپ رسید.

متن آلمانی نیز، چنان که از پژوهش حاضر برمیآید، کتابی با عنوان راهنمای حقوق موضوعه ملل، نوشته فریدریش زالفلد است که در سال ۱۸۳۳ م در توپینگن به طبع رسیده است.

کتاب حاضر، حاصل مقابله متون فارسی، ترکی و آلمانی است که در دو جزء حقوق ملل در زمان صلح و حقوق ملل در زمان جنگ، به طرح اصلیتیرین موضوعات حقوق بینالملل آن روزگار میپردازد.



## صراط الخَطِّ (صراط السطور)

به کوشش: علی صفری آق قلعه، حکیمه شریعت نیا

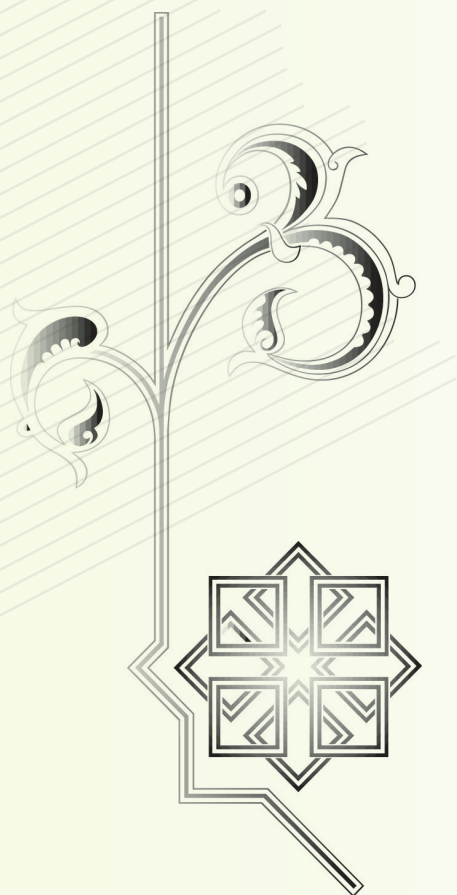
صراط‌الخَطِّ منظومه ای کوتاه در ۲۷۳ بیت سرودهٔ سلطانعلی مهدی (حدود ۸۴۱-۹۲۶ ق) است که سرایش آن در سال ۹۲۰ ق به پایان رسیده است. در این منظومه کوتاه، بخش عمده‌های از اصول و قواعد خوشنویسی بصورت فشرده آموزش داده شده است و به همین دلیل، از زمان تألیف، مورد توجه بسیاری از خوشنویسان و نویسندگان آثار آموزش خوشنویسی قرار گرفته است؛ به گونه ای که میتوان آن را یکی از مهمترین آثار فارسی در آموزش خوشنویسی دانست. چاپ حاضر بر اساس نسخهٔ خط مؤلف منتشر شده است.

حمدالله در آغاز نزهةالقلوب در هنگام اشاره به دلیل پرداختنش به تألیف نزهةالقلوب اشاره کرده که از جوانی در کنار پرداختن به مشاغل دیوانی، به آموختن علوم و مطالعهٔ کتب میپرداخت تا اینکه تعدادی از منابع جغرافیایی عربی را به مطالعه گرفت اما چون این آثار به زبان عربی نوشته شدهاند، فارسی زبانان از آنها بهرهٔ چندانی نمیبردند و لذا دوستانش از او خواستند تا اثری به فارسی در این زمینه تدوین کند. ضمناً او در همانجا اشاره دارد که اطلاعات گوناگونی که دربارهٔ جهان و همچنین زمین و موجودات آن و مطالب جغرافیایی، در هیچکدام از منابع مورد استفادهٔ او بصورت یکجا درج نشده و لذا او در تدوین نزهةالقلوب به گردآوری این اطلاعات پرداخته و آنها را با ترتیبی نوین در دسترس خوانندگان قرار داد.

در نزهةالقلوب دو نقشه وجود دارد که هر کدام به یک مکتب جغرافیایی دورهٔ اسلامی تعلق دارند. یکی نقشهٔ مستطیلشکلی که عمدتاً از آثار مکتب جغرافیای ریاضی و توسط منجمان بزرگ یونان و بویژه بطلمیوس نشأت گرفته و دیگری نقشهٔ مدور نیمکرهٔ معمور زمین که شاید منشأ آن ایران و بینالنهرین باشد. از هر دوی این مکاتب جغرافیایی، آثاری در دورهٔ اسلامی پدید آمده اما نقشهٔ مدور با اینکه سادهتر و بیرون از مبنای جغرافیای ریاضی است، اما بیشتر مورد توجه جغرافیونویسان دورهٔ اسلامی قرار داشته است. نقشهٔ دیگر اما دقیقتر و بر اساس نظریه های جغرافیای ریاضی تنظیم شده است؛ با این حال کاربرد این شیوه در دورهٔ حمدالله بدیع نیست زیرا دستکم دو نمونهٔ آن را پیش از دورهٔ حمدالله سراغ داریم.

معرفی نسخه

چنانکه اشاره شد رونویسهای نسبتاً فراوانی از نزهةالقلوب در ادوار پیشین نوشته شده است اما تا جایی که بررسی کردیم، هیچکدام از آنها از دیدگاه صحت ضبطها و کامل بودن متن به گونهای نیستند که بعنوان بهترین و قابل اعتمادترین نسخه در نظر گرفته شوند. بنابراین نسخهای که از دیدگاه قدمت، دومین نسخهٔ شناختهشده به شمار میآید برای چاپ انتخاب شد. نسخهٔ مورد گفتگو به شمارهٔ ۴۵۱۷ در کتابخانهٔ فاتح (استانبول) نگهداری میشود. نسخه در سال ۸۸۵ ق توسط کاتبی به نام انوری بن بیانی به خط نستعلیق کتابت شده است. با اینکه ضبطهای این نسخه نیز همیشه خوب و قابل اطمینان نیست اما ضبط های آن بصورت عمومی از نسخه های دیگر فروتر نیست؛ ضمن اینکه کاملترین نسخهٔ مورد بررسی ما بود که تقریباً تمام بخشهای متن را دارا است. نسخه دارای ۳۵۴ برگ و هر صفحه دارای ۱۹ سطر است.



# نشریات

## چاپ و انتشار نشریه آینه میراث [پیاپی شماره ۶۵]

(دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی؛ دوره  
۱۷، شماره ۶۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: بهار  
۱۳۹۹])



### فهرست مقالات و مطالب این شماره آینه میراث:

\* سخن سردبیر

\* نقش حَجَر: سواد سنگ وقف‌نامه بقعه شاهچراغ (ع) /  
محمدهادی میرزاابوالقاسمی

\* دو دیوان در وصف طعام از شیراز قرن نهم هجری / سید  
محمدحسین حکیم

\* بعضی ویژگی‌های آوایی در تفسیر حدادی / امیرحسین  
آقامحمدی

\* گزارشی نویافته از پیوند رستم با خاندان کیانیان / رضا  
غفوری

\* بررسی ترجمه‌ای از مزامیر داود در کتابخانه نمازی خوی /  
حیدر عیوضی؛ احمد رنجبری حیدرباغی

\* واژه‌های گویشی و فنی در وقف‌نامه‌های آستان قدس  
رضوی / محسن رحیمی

\* تأملی در انتساب رساله «نور الهدایه» به جلال‌الدین دوانی  
(مطالعه‌ای متن‌محور بر بنیاد نظریه «حدوث دهری» و آثار  
میرداماد) / حسین نجفی؛ حامد ناجی اصفهانی

\* پژوهشی در باب مقالت اول اخلاق ناصری و تهذیب  
الاخلاق مسکویه / زینب سادات ابطحی

\* سراج‌الدین بلخی و ابیات نویافته او در سه سفینه هم‌تبار  
/ سارا سلیمانی کشکولی

\* ارتباط منظومه کوش‌نامه با پادشاهان کوش در هزاره  
قبل از میلاد در آفریقا / علی اصغر بشیری

\* بررسی انتقادی منابع شرح‌حال و سروده‌های روح‌الامین  
شهرستانی / محمد شادروی‌منش؛ کاوه اختری‌پور

\* بررسی نسخه خطی «الکفایه فی الفقه» نوشته حسین  
بن مسعود فراء بَعَوی (۵۱۶ق) / محمد عبدلی؛ محمدهادی  
ضیایی

\* صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

\* مدیرمسئول: اکبر ایرانی

\* سردبیر: مجدالدین کیوانی

\* مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک



# چاپ و انتشار نشریه میراث علمی اسلام و ایران [پیاپی شماره ۱۵]

(دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸)



## فهرست مقالات و مطالب این شماره میراث علمی اسلام و ایران

\* سرسخن

\* مقالات

\* پژوهش تاریخ علوم دوره اسلامی در دانشگاه آمریکایی بیروت / جورج صلیبا، ترجمه افسانه منفرد

\* ورود نجوم جدید به ایران در عهد ناصری / کارمن پرز گونسالس، ترجمه حمید بهلول

\* مربع‌های وقتی در رساله‌ای از محمد کسنوی، ریاضیدان آفریقایی / جان جی. واتکینز، ترجمه صمد فرخ‌نهاد

\* آنانیای شیراکی، ریاضیدان و منجم ارمنی سده اول هجری / رابرت هف هیوسن، ترجمه مهدی نوروزی‌بخش

\* خاستگاه و تاریخچه دستور المنجمین و دستنوشته آن / اوا

آرتمن و پتراگ. اشمیدل، ترجمه زینب کریمیان

\* دستنوشته دستور المنجمین در کتابخانه ملی پاریس / ف. و. زیمرمان، ترجمه محمد باقری

\* معیار حبش حاسب برای رؤیت هلال ماه و دستور المنجمین / یوهانس تومان، ترجمه حامد خردپیشه

\* معرفی کتاب

\* یک کتاب دیگر در مورد تردستی‌های ریاضی / محمدرضا توکلی صابری

\* یادداشت‌های تاریخی

\* نکاتی در مورد غافقی و دوران زندگی او / سجاد نیک‌فهم خوب‌روان

\* ستارگان بیابانی - الکوآب البیابانیه / پل کونیچ، ترجمه ملیحه احسانی نیک

\* یادداشتی پیرامون قاعده ثابت بن قره درباره اعداد متحاب / سونیا برنتیس و یان پ. هوخندایک، ترجمه داود خجسته سالکویه

\* دو دستنوشته کوتاه فارسی درباره ماشین کار دائم / مائده حسین‌زاده

\* یک معمای ریاضی از الغ بیگ، امیر دانشمند سمرقند / محمد باقری

\* نسخه‌های خطی

\* دستنوشته الأدویه المفردة غافقی، در کتابخانه اسلر کانادا / آدام گچک، ترجمه شمامه محمدی‌فر

\* رساله معراج الحکیم ومنهاج القویم از علاء بن حسین بیهقی / علی کاوسی رحیم

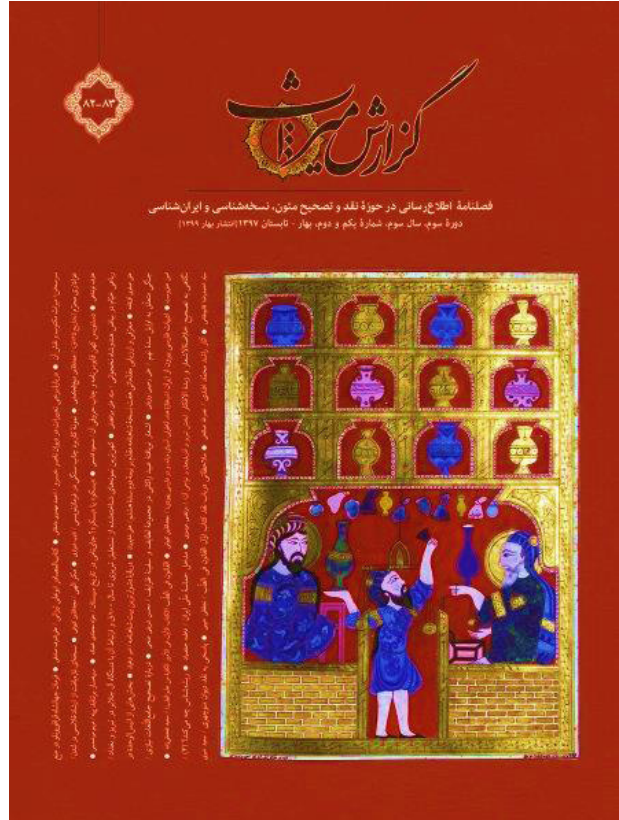
\* رساله نویافته‌ای از ابن خوام بغدادی / محمدرضا عرشی

\* رساله

\* رساله مساکن تئودوسیوس / ترجمه مهدیه نیکخواه

## چاپ و انتشار نشریه گزارش میراث [پیاپی شماره ۸۳-۸۲]

(فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،  
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال سوم، شماره  
یکم و دوم، بهار تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹])



### فهرست مقالات و مطالب این شماره گزارش میراث

\* سرسخن؛ میراث مکتوب و نقش آن

\* درباره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدوی  
دامغانی

\* کتاب‌المصادر ابوعلی تیزانی / علی اشرف صادقی

\* فرمان جهان‌شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم (به تاریخ  
۸۶۵ق) / عمادالدین شیخ‌الحکمایی

\* نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / نایب شیرازی

\* مکر الهی / مجدالدین کیوانی

\* نسخه‌ای تازه‌یافت از ارشاد قلانسی در لندن / عارف  
نوشاهی

\* دستنویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حروفی آن / مسعود  
قاسمی

\* «بسکو» یا «بسکر»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد  
محمّدی خمک

\* سیه‌سار برنتابد پیه / مریم میرشمسی

\* رباعی خیام در بیاض هندوشاه نخبجویی / سید علی  
میرافضلی

\* کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال  
۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل جلایر در تبریز و بغداد / علی  
صفری آق‌قلعه

\* معرفی و ارزیابی مقدماتی هفت نسخه شاهنامه مقدّم بر  
نیمه دوم سده هشتم / علی شاپوران

\* درباره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر ارغوان

\* بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده  
نهم / علی رحیمی واریانی

\* اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه  
ظرایف / محسن شریفی صّحی

\* درباره تصحیح جامع‌اللغات نیازی / امین حق‌پرست

\* ادبیات فارسی بیرون از ایران (شبه‌قاره هند، آناتولی، آسیای  
میانه، و در فارسی یهودی) / مجدالدین کیوانی

\* القانون فی الطب (الکتاب الأول، فی الأمور الکلیه من علم  
الطب) / سعید فتحعلی‌زاده

\* نگاهی به تصحیح خلاصه‌الشعار و زبده الافکار (بخش  
تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرتضی موسوی

\* مدخل حماسه ملی ایران / فاطمه حمصیان

\* ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۴) / سید احمدرضا قائم‌مقامی

\* آثار راشد محمد افندی / نصرالله صالحی

\* ملاحظاتی در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب / نجفقلی  
حبیبی

\* پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شبیری

## چاپ و انتشار نشریه آینه میراث [پیاپی شماره ۶۶]

(دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی؛  
دوره ۱۸، شماره ۶۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹)



### فهرست مقالات و مطالب این شماره گزارش

#### میراث

\* سخن سردبیر (اقتراح)

\* پژوهشی درباره جعل در نسخ خطی ایران با  
تأکید ویژه بر نسخ مصوّر / محمدرضا غیاثیان

\* یک فرمان سیورغال هودبری به زبان فارسی  
از اوزون‌حسن آق‌قویونلو در یک مرقع خطّ (و  
ملاحظات) در باب گونه‌ها و شیوه‌های حفظ  
اسناد در گذشته // علی صفری آق‌قلعه

\* تفّاح الارواح ابن‌سراج دمشقی و اهمیت آن در  
شناخت صوفیان شام / احمد خامه‌یار و احمد  
بادکوبه هزاوه

\* نگاهی دیگر به خطبه داستان رستم و سهراب /  
مسعود راستی‌پور

\* برخی ویژگی‌های علمی و تاریخی کتاب  
اختیارات مقلّی نوشته قطب‌الدین شیرازی  
(جامع‌ترین کتاب هیئت به زبان فارسی) /  
امیرمحمد گمینی

\* از اتهام جعل تا دست‌نوشت مؤلف؛ بررسی  
سه فرضیه درباره متن و دست‌نویس دستور  
المنجمین / سید محمد حمادی حائری

\* بررسی و نقد ترجمه داستان محاکمه انسان  
و حیوان رسائل اخوان‌الصفاء (مندرج در کنوز  
الودیعۀ من رموز الذریعۀ) // غزاله باغستانی و سید  
جواد مرتضایی

\* تعیین انتساب چند شعر به شیخ بهایی / جواد  
بشری

\* درخشش گرشاسب در برخی دست‌نویس‌های  
شاهنامه / رضا غفوری

\* ابیات تازه‌ای از غزلیات نزاری قهستانی (بر  
اساس دو نسخه کلیات او در کتابخانه‌های روسیه  
و تاجیکستان) / مهدی رحیم‌پور و عسگر صلاحی

\* عطرهای مرکب در جواهر الطیب المفرد:  
بازشناسی عطرنامه منسوب به ابن‌ماسویه و  
محتوای آن / محسن قوسی و یونس کرمانی

\* قدمگاه امام رضا(ع) در توران‌پشت؛ اسناد و  
کتیبه‌های نویافته / میثم صادقی تورانپشتی و  
یحیی میرحسینی

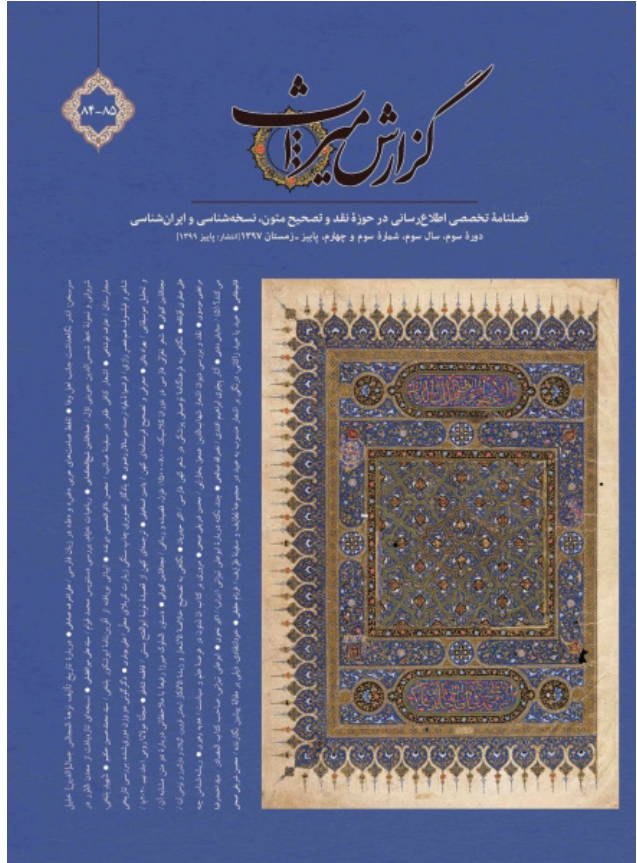
\* چکیده عربی / حامد صدقی

\* چکیده انگلیسی / مجدالدین کیوانی



## چاپ و انتشار نشریه گزارش میراث [پیاپی شماره ۸۵-۸۴]

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز- زمستان ۱۳۹۷ [انتشار: پاییز ۱۳۹۹]



### فهرست مقالات و مطالب این شماره گزارش میراث

#### \* سرسخن

\* اندر نگاهداشت جانب اهل وفا

#### \* جستار

\* تلفظ صامت‌های عربی «ض» و «ظ» در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی

\* درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال‌الدین خلیل شروانی و نمونه خط شمس‌الدین جوینی اول / عمادالدین شیخ‌الحکامی

\* رباعیات خیام، بررسی دستنویس محمد قوام / سیدعلی میرافضلی

\* نسخه‌ای تازه‌یافت از معدن الدرر در مجارستان / عارف نوشاهی

\* اشعار کافی ظفر در سفینه صائب / محسن ذاکرالْحسینی (پرند)

\* ابیاتی نویافته از آفرین‌نامه ابوشکور بلخی / سید محمدحسین حکیم

\* شهید بلخی، شاعر و فیلسوف هم عصرِ رازی / فرانسوا دُ بلوا؛ ترجمه: میرسالار رضوی

\* یادگار تصویری چاپ سنگی زیارت کربلای معلی / علی بوذری

\* دگرگونی دو وزن دوری‌شده، بررسی تاریخی و تحلیل موسیقایی / بهراد بنائی

\* معرفی و تصحیح فرسنامه‌ای کهن / یاسین اسماعیلی

\* ترجمه‌ای کهن از قصیده نوبیه ابولفتح بستی / فاطمه شاملو

#### \* نقد و بررسی

\* مجله مولانا رومی (جلد نهم، ۲۰۲۰م) / مجدالدین کیوانی

\* شعر تغزلی فارسی در دوران کلاسیک، ۸۰۰-۱۵۰۰: غزل، قصیده و رباعی / مجدالدین کیوانی

\* دستور الملوک میرزا رفیعا با ملاحظاتی درباره دو متن مشابه آن / علی صفری آق‌قلعه

\* نگاهی به فرهنگنامه توصیفی پزشکی در شعر کهن فارسی / اکبر حیدریان

\* نگاهی به تصحیح خلاصه اشعار و زبده الافکار (بخش قزوین، گیلان و دارالمرز و نواحی آن) / سید مرتضی موسوی

\* نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عمیق بخارایی / محسن شریفی صحنی

\* مروری بر کتاب ان‌لمتون در عرصه علم و سیاست / هدیه رهبری

### \* پژوهش‌هایی در باب تحقیق

\* ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۵) / ستایش دشتی

### \* ایران در متون عثمانی (۲۰)

\* آثار پچوی ابراهیم افندی / نصرالله صالحی

### \* درباره نوشته‌های پیشین

\* چند نکته درباره ابوعلی تیزانی (تیرانی) / اکبر نحوی

\* ابوعلی تیزانی، صاحب کتاب المصادر / سیداحمدرضا قائم مقامی

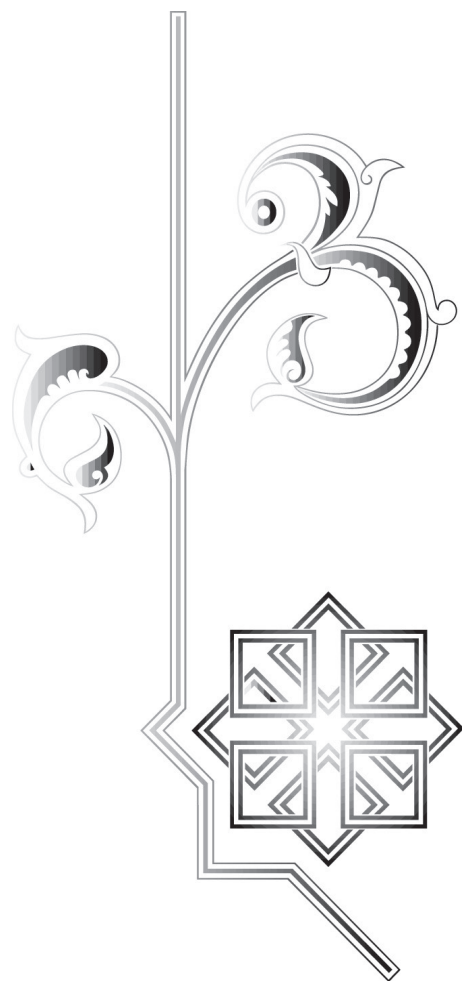
\* عبید یا عبید زاکانی، درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / فرزاد حقیقی

\* خودانتقادی، ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده / محسن شریفی صحی

\* صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

\* مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

\* معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور



## برگزاری و مشارکت در برپایی همایش‌ها و نشست‌های تخصصی



۱۹ اردیبهشت



برگزاری جلسه گفت‌وگو

به مناسبت روز اسناد ملی و میراث مکتوب

در پخش زنده اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹



میهمانان

جناب آقای دکتر علی اشرف صادقی



جناب آقای جمشید کیان‌فر



جناب آقای دکتر مهدی نوریان



جناب آقای دکتر اکبر ایرانی (مدیر مؤسسه)

نشانی صفحه اینستاگرام: @mirasmaktoob



دکتر ایرانی افزود: وقتی از میراث مکتوب سخن می‌گوییم دوران مد نظر از زمانی است که کتابت، وراقت و تصنیف کتاب در دوره تمدن اسلامی شروع شده تا دوره قاجار؛ و با توجه به این که از دوران پیش از اسلام آثار مدونی باقی نمانده و آنچه هست پاره نوشته‌هایی اندک است، ما فقط یکی دو نمونه از این پاره نوشته‌ها را منتشر کرده‌ایم و بیشتر کار ما مربوط به دوره اسلامی تا پایان قاجار است.

وی در ادامه از انتشار مجلات میراث علمی اسلام و ایران، به سردبیری دکتر محمد باقری، آینه میراث به سردبیری دکتر مجدالدین کیوانی، گزارش میراث به سردبیری دکتر اکبر ایرانی، انتشار مقالات بلند در قالب ضمایم این نشریات، برگزاری جلسات ماهانه، نشست‌های علمی و جلسات نقد و بررسی کتاب‌های منتشرشده، برگزاری کارگاه‌های مختلف در زمینه نسخه‌شناسی، متن‌شناسی، سندشناسی، مهرشناسی و تصحیح متن، مشارکت در برگزاری همایش‌های داخلی و بین‌المللی، ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز علمی اروپایی در زمینه تحقیق و تصحیح و انتشار کتاب به عنوان دیگر فعالیت‌های مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب سخن گفت.

مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب گفت: با توجه به عدم امکان ارسال کتاب یا فایل آن از داخل ایران به علت محدودیت‌های بانکی، دو سال قبل با مؤسسه بریل، بزرگترین انتشارات اروپایی که بالغ بر ۳۳۰ سال سابقه دارد قرارداد بسته‌ایم و الان حدود ۲۵۰ عنوان از آثار ما در سایت بریل به صورت فایل الکترونیک برای علاقه‌مندان ایرانی و ایران‌شناس در خارج از کشور عرضه شده است.

دکتر ایرانی با اشاره به نامگذاری روز ۱۹ اردیبهشت با نام روز اسناد ملی و میراث مکتوب در تقویم رسمی کشور، گفت: ما در سال ۱۳۸۹ مکاتبه‌ای داشتیم و این پیشنهاد را مطرح کردیم که خوشبختانه در سال ۱۳۹۰ این موضوع در شورای فرهنگ عمومی و شورای انقلاب فرهنگی تصویب شد.

در ادامه این جلسه مجازی دکتر مهدی نوریان، استاد ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان به بیان مطالب خود پرداخت و ضمن ابراز خرسندی از بزرگداشت روز میراث مکتوب، گفت: بزرگترین سرمایه ما همین میراثی است که از نیاکان برای ما باقی مانده و باعث شده است که ما بتوانیم در تمام دنیا سربلند باشیم و افتخار کنیم

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و هفدهمین نشست از سلسله نشست‌های علمی این مؤسسه به مناسبت «روز اسناد ملی و میراث مکتوب»، به صورت مجازی، با حضور دکتر علی‌اشرف صادقی، زبان‌شناس و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، جمشید کیان‌فر، پژوهشگر نسخ خطی، و دکتر مهدی نوریان، استاد ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان و متخصص متون کهن ادب فارسی، به میزبانی دکتر اکبر ایرانی، مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، بعد از ظهر روز جمعه ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ در صفحه اینستاگرام این مؤسسه برگزار شد.

در ابتدای این جلسه دکتر ایرانی ضمن بیان مقدماتی در خصوص برگزاری اولین جلسه مؤسسه میراث مکتوب در فضای مجازی به معرفی مؤسسه و ارائه گزارشی از فعالیت‌های آن پرداخت و گفت: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در سال ۱۳۷۲ آغاز به کار کرد و از آن سال تا کنون فعالیت‌های متعدد و متنوعی داشته و آثار و منشورات بسیاری را منتشر کرده است.

دکتر ایرانی با اشاره به فعالیت بنیاد فرهنگ ایران در زمینه تصحیح و انتشار متون کهن در دوره پیش از انقلاب اسلامی، گفت: این بنیاد به مدیریت مرحوم دکتر نائل خانلری به مدت ۱۵ سال منتهی به سال ۱۳۵۸ فعالیت داشت و حدود ۹۰ متن کهن و مجموعاً ۲۵۰ اثر را منتشر کرد.

وی سپس با اشاره به تأسیس مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب با هدف شناسایی و تحقیق و پژوهش در نسخ خطی، افزود: پس از انقلاب تا سال ۱۳۷۲ مؤسسه‌ای که متولی احیای نسخ خطی و متون کلاسیک باشد وجود نداشت و این توفیق نصیب من شد که طرح احیای میراث مکتوب را به وزارت ارشاد پیشنهاد دادم و با لطف و همراهی آقای مسجدجامعی و وزاری بعدی از این فعالیت حمایت شد.

مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب ادامه داد: در نتیجه فعالیت‌های مؤسسه در حوزه‌های مختلف مرتبط با آن ۳۳۵ عنوان کتاب در بیش از ۴۱۰ جلد، که بسیاری از آن‌ها حجمی در حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ دارد، و بخش عمده‌ای از متون کهن فارسی و بعضاً عربی قرن چهارم هجری تا دوران قاجار را شامل می‌شود، منتشر شده است.

و چاپ نسخه ۸۰۱ دیوان حافظ توسط میراث مکتوب به عنوان برخی از این نمونه‌های ارزشمند نام برد و با طرح مثالی برای بیان وجه اهمیت این چاپ عکسی گفت: در یکی از چاپ‌های مثنوی بیت «صبر باشد مشت‌های زیرکان / هست حلوا آرزوی کودکان» «مشت» را از «ها» جدا نوشته بودند در حالی که «مشتها» اسم مفعول از اشتهاست و به معنای مورد درخواست و آرزوست؛ یا در جای دیگری در بیت «بس که آن شیر از کمین در می‌ربود / آن چرا بر جمله ناخوش گشته بود»، «آن چرا» به صورت «آنچه را» نوشته شده است.

وی ادامه داد: در حالی که آنچه ارزشمند است همان نسخه عکسی است، امروزه رایج شده که وقتی نسخه‌ای به صورت عکس برگردان چاپ می‌شود شروع می‌کنند به حروف‌چینی و چاپ آن و به این وسیله اغلاط زیادی به متن وارد می‌شود.

دکتر نوریان در ادامه با اشاره به از بین رفتن برخی از متون کهن به جهت شرایط نامطلوب، یکی دیگر از آسیب‌های مربوط به متون را حبس آن‌ها دانست و گفت: متأسفانه بعضی افراد تصور می‌کنند نسخه خطی عتیقه است و باید آن را مخفی و حفظ کنند و در اختیار کسی قرار ندهند در حالی که ارزش این کتاب‌ها به محتوای آن‌ها است و باید منتشر شود تا همه بتوانند استفاده کنند.

استاد ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان نمونه دیگری از حبس متون و نسخ خطی را عدم همراهی مسئولان کتابخانه‌ها با محققان دانست و گفت: این موضوع نیز جای گله دارد که بعضی از مسئولان کتابخانه‌ها با سنگ اندازی جلوی محققان، نسخه را به راحتی در اختیار آنها نمی‌گذارند.

دکتر نوریان در این میان فعالیت‌های مؤسسه میراث مکتوب را ارزشمند خواند و به عنوان یک نمونه به دوره مجلدات کتاب خلاصه اشعار تقی‌الدین کاشی اشاره کرد و گفت: چهارصد سال پیش شخصی در کاشان دیوان‌های شعرای مختلف را جمع کرده و از میان آن‌ها اشعاری را انتخاب کرده است که این کار او باعث شده این شعرها حفظ شود و میراث مکتوب با انتشار این اثر و آثار این گونه، کار ارزشمندی انجام داده است.

وی استفاده از محققان جوان و انتشار آثار آنان را یکی از نکات قابل توجه در فعالیت‌ها و منشورات میراث مکتوب دانست و ضمن نام بردن از علی صفری

که از فرهنگی هستیم که آثاری به این عظمت در آن پدید آمده است.

وی افزود: در این شرایط که بیماری کرونا همه مردم جهان را درگیر کرده است، دیدیم که در میان بلندترین صداهایی که از سران کشورها در دنیا شنیده می‌شود، صدای سعدی به گوش رسید.

دکتر نوریان خطاب به دکتر ایرانی وظیفه‌ای را که ایشان و مجموعه میراث مکتوب به عهده گرفته است بسیار مهم و ارزنده توصیف کرد و گفت: من واقعا به شما تبریک می‌گویم که این راه را ۲۷ سال با جدیت و شایستگی ادامه داده‌اید و باعث شده‌اید که این میراث حفظ شود و ما مشمول سخن مولانا نباشیم که فرمود «مرد میراثی چه داند قدر مال» - به این معنا که کسی که ارثی به او رسیده قدرش را نمی‌داند - و خوشبختانه شما دارید نشان می‌دهید که ما این طور نیستیم.

وی با اشاره به توصیف ادوارد براون از این میراث، گفت: براون گفته بود فرهنگ ایران به بشریت خدمت کرده و در تمدن بشری سهم خیلی بزرگی دارد و به کشورهای اروپایی توصیه کرده بود که باید حریم این فرهنگ و ملتی که دارای چنین فرهنگی است حفظ شود و از سنجش و قیاس آن با بعضی کشورهای نوظهور که به سختی سعی می‌کنند با میراث ایران برای خود پشتوانه‌ای بتراشند، پرهیز شود.

دکتر نوریان همچنین با اشاره به سخن مرحوم استاد حبیب یغمایی به این مضمون که «ارزش شاهنامه فردوسی برای ما از تمام نفت‌هایی که زیر خاک ایران است، بیشتر است»، گفت: بر همین اساس هر کوششی برای حفظ و اشاعه و گسترش این میراث انجام شود مآجور و بسیار با ارزش است.

استاد ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان در ادامه بر اهمیت چاپ متون کهن به صورت فاکسیمیل یا چاپ عکسی تأکید کرد و گفت: یکی از کارهای بسیار با ارزش که در بنیاد فرهنگ ایران شروع شد و سپس در مرکز نشر دانشگاهی و مؤسسه میراث مکتوب ادامه یافت چاپ نسخه‌های خطی ارزشمندی به صورت فاکسیمیل یا نسخه برگردان بود.

دکتر نوریان از چاپ مثنوی نسخه قونیه، به عنوان معتبرترین نسخه مثنوی که پنج سال بعد از وفات مولانا استنساخ شده است توسط مرکز نشر دانشگاهی



آق‌قلعه، مسعود راستی‌پور، احسان پورابریشم، الوند بهاری و بهروز ایمانی، گفت: این خیلی ارزشمند است و شما واقعا کار بزرگی کرده‌اید که امکان نشر آثار این عزیزان را فراهم کرده‌اید تا آنان با شور و اشتیاق و علاقه‌ای که دارند به کار ادامه دهند و به نتایج ارزشمند برسند.

دکتر نوریان در پایان ارتباط ایجادشده با مراکز ایران‌شناسی در کشورهای دیگر و فراهم کردن زمینه ارتباط پژوهشگران این حوزه را از دیگر فعالیت‌های مؤسسه میراث مکتوب دانست و خطاب به دکتر ایرانی گفت: شما یادگار بسیار با ارزشی از خودتان به یادگار گذاشته‌اید و امیدوارم بتوانید با همین شور و اشتیاق و نیرویی که دارید به این کار ادامه دهید.

دکتر ایرانی نیز یکی از آثار مثبت تصحیح و انتشار متون کهن را ایجاد شوق در جوانان و علاقه‌مندان دانست و گفت: پایان‌نامه‌هایی که در سراسر کشور به این موضوع اختصاص می‌یابد، و یا تحقیقات مستقلی که انجام می‌شود و نیز انتشار مقالات در مجلات ما بیانگر فراوانی علاقه‌مندان به حوزه متون کهن است و مؤسسه میراث مکتوب نیز در حد وسع و توان محدودی که داریم می‌توانیم از این کارها حمایت کنیم.

در ادامه جمشید کیانفر، پژوهشگر متون تاریخی و مصحح کتاب‌های ارزشمند و پرحجمی مانند ناسخ التواریخ، روضه الصفی و سفارتنامه خوارزم و سردبیر سابق مجله علمی - پژوهشی آینه میراث به بیان مطالبی پرداخت.

کیانفر ضمن بیان نحوه آغاز و تداوم همکاری خود با مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در مقام سردبیر مجله علمی - پژوهشی آینه میراث تا سال ۱۳۸۸ و پس از آن به عنوان کارشناس و داور مقالات، به مرور برخی مسائل و چالش‌های این دوران پرداخت.

وی به تفصیل از چالش همکاری با سه نسل مختلف، مسائل مربوط به ویراستاری، تلاش برای ایجاد فضا و فرصت برای نسل جدید و در مقابل مواجه شدن با انتقاد استفاده از نویسندگان گمنام، اضافه کردن ضمایم به مجلات میراث مکتوب و ایرادات وزارت علوم به این موضوع، و راه‌اندازی نشست‌های علمی میراث مکتوب سخن گفت.

کیانفر در پایان از روی آوردن به کتابشناسی متون در

سال‌های اخیر به عنوان یکی از فعالیت‌های ارزشمند مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب یاد کرد و گفت: خوشبختانه کتاب‌های چاپ شده در شبه‌قاره در چهار جلد توسط آقای دکتر عارف نوشاهی و کتاب‌های چاپ‌شده در ایران به کوشش آقایان محمود طیار مراغی و سعید میرمحمدصادق فهرست‌نویسی شده است که کار بسیار مهمی است و اطلاعات خوبی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

در بخش دیگر این نشست دکتر علی‌اشرف صادقی، استاد بازنشسته زبان‌شناسی دانشگاه تهران، رئیس گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس فرهنگ جامع فارسی به ارائه مطالب خود پرداخت.

دکتر صادقی در ابتدا از سابقه تصحیح متون کهن در ایران سخن گفت و اظهار کرد: از وقتی که روش تصحیح متون با سبک غربی و با مقابله نسخه‌ها و انتخاب اقدم یا اصح نسخ در ایران باب شد محدودی کتاب چاپ شده بود تا این که در دانشگاه تهران اداره انتشارات، که مدتی مرحوم استاد ذبیح الله صفا مدیر کل آن بود، در جنب کتاب‌های علمی جدید برای دانشکده‌های مختلف، شروع به چاپ تصحیحات استادان دانشگاه تهران کرد.

وی از مجموعه ده جلدی کشف الاسرار، مجموعه ده جلدی کلیات شمس، دیوان‌هایی که دکتر صفا و کتاب‌هایی که مرحوم محدث و دکتر معین و استادان دیگر تصحیح کرده بودند، به عنوان برخی متون تصحیحی منتشرشده از سوی اداره انتشارات دانشگاه تهران یاد کرد.

رئیس گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ادامه گفت: گذشته از انتشارات دانشگاه تهران که برای انتشار هزاران نسخه موجود در کتابخانه‌ها کافی نبود، پیش از همه این بنگاه ترجمه و نشر کتاب به مدیریت مرحوم یارشاطر بود که فعالیت‌های توجیهی در زمینه متون کهن انجام داد.

دکتر صادقی ادامه داد: بنگاه ترجمه و نشر کتاب در ابتدا کتاب‌های ایران‌شناسی و غیرایران‌شناسی را ترجمه و چاپ می‌کرد اما سپس بخشی هم به اسم متون فارسی دایر کردند و کتاب‌های زیادی را از میان متون قدیم برگزیدند و در آنجا تصحیح و چاپ کردند.

وی با اشاره به تداوم این راه با تأسیس بنیاد فرهنگ ایران توسط مرحوم دکتر خانلری، گفت: ایشان با

امکاناتی که داشته در حال حاضر تنها مرکزی است که متون مصحح را به صورت گسترده به چاپ می‌رساند، از میکروفیلم هزار نسخه خطی تهیه شده از ترکیه توسط مرحوم استاد مجتبی مینوی و برخی نسخه‌های خطی موجود در پاکستان به عنوان موارد قابل توجه برای تصحیح و چاپ توسط مؤسسه میراث مکتوب سخن گفت.

دکتر صادقی همچنین با اشاره به تصحیح بخش ریاضی دره التاج توسط استاد عبدالله انوار و انتشار آن توسط میراث مکتوب، گفت: با توجه به این که کسی پیدا نمی‌شد که هم با متون کهن انس داشته باشد و هم ریاضی را به خوبی بداند تصحیح بخش ریاضی دره التاج باقی مانده بود که خوشبختانه این کار توسط آقای انوار به انجام رسید و پیشنهاد می‌کنم که ایشان بخش ریاضی دانشنامه علایی را هم تصحیح کند.

وی در پایان توجه فعلی به نسخه‌های خطی در ایران را غیرقابل قیاس با ۵۰ سال پیش دانست و گفت: ما الان در این زمینه در دنیا حرف برای گفتن داریم و دیگر نیاز نیست پژوهشگران خارجی کتاب‌های ما را تصحیح کنند و امیدوارم که با گرفتاری‌هایی که برای کشور عزیز ما ایجاد شده این رشته قطع نشود و این کار ادامه پیدا کند.

در ادامه دکتر اکبر ایرانی، با اشاره به حجم فراوان نسخ خطی موجود در کشور گفت: اخیراً شنیدم که فهرست دنا که حدود ۳۲۰ هزار مدخل را در خود داشت به تازگی ۶۰ هزار مدخل دیگر به آن اضافه شده است و بر این اساس می‌توان گفت حدود ۳۸۰ هزار نسخه و رساله شناسایی شده در ایران نگهداری می‌شود

وی فهرست‌های فراهم شده از این متون را زمینه مناسبی برای پژوهشگران دانست و گفت: با توجه به امکان جستجویی که در این فهرست‌ها وجود دارد شناسایی نسخه بدل‌ها برای پژوهشگران دیگر دشوار نیست.

دکتر ایرانی همچنین با اشاره به انتشار کتاب‌شناسی متون چاپ شده در ایران توسط میراث مکتوب، گفت: در این کتاب دو جلدی حدود ۱۲ هزار کتاب چاپی از سال ۱۲۳۴ تا سال ۱۳۹۰ فهرست شده است که امیدواریم این کار به همت کتابشناسان تکمیل شود.

استمداد از استادان ایرانی و غیرایرانی برای سپردن تصحیحاتشان به این بنیاد، توانست کتاب‌های بسیار خوبی را که البته منحصر به کتاب‌های فارسی بود، چاپ کند.

دکتر صادقی با اشاره به توقف فعالیت بنیاد فرهنگ ایران با انقلاب، گفت: پس از انقلاب پژوهشگاه علوم انسانی که ادامه دهنده کار بنیاد فرهنگ و بنگاه ترجمه و چند مؤسسه دیگر بود، در زمینه تصحیح فارسی کاری نکردند تا این که مؤسسه میراث مکتوب راه‌اندازی شد و در این مرکز کتاب‌های متعددی که تا به حال چاپ نشده بود چه به صورت عکسی و چه به صورت مصحح به انتشار رسید.

رئیس فرهنگ جامع فارسی چاپ عکسی متون را از این جهت که عین نسخه‌های خطی را در دسترس محققان قرار می‌دهد واجد ارزش بسیار توصیف کرد و گفت: یک وجه اهمیت این نوع چاپ در این است که می‌توان از آن‌ها برای تحقیق در گونه‌های متفاوت زبان فارسی که در گذشته در نقاط مختلف ایران بزرگ رایج بوده است، استفاده کرد و از این طریق به تألیف تاریخ جامع زبان فارسی دست زد.

وی با بیان این که دستیابی به این هدف با کمک متون تصحیح شده چندان امکان‌پذیر نیست، اظهار کرد: غالباً مصححان به ضبط‌های مختلف نسخه‌های یک اثر توجه دقیق نمی‌کنند ولی وقتی یک نسخه خطی عیناً به صورت عکسی چاپ می‌شود و در دسترس قرار می‌گیرد می‌توان با مقایسه نتیجه رسید که آنچه می‌بینیم آیا ضبط مؤلف کتاب است یا مربوط به کاتبی است که در شهری دیگر نسخه را نوشته است.

استاد بازنشسته زبان‌شناسی دانشگاه تهران افزود: البته تشخیص ضبط درست از غلط نیاز به معلومات خاصی دارد و عموماً مصححان بسیاری از این ضبط‌ها را ضبط غلط قلمداد می‌کنند؛ در حالی که این گونه نیست.

دکتر صادقی ادامه داد: مصححان ما هنوز خیلی به اهمیت ضبط‌های مختلف توجه ندارند در حالی که از جهت تحول زبان فارسی و حتی نام اشخاص این‌ها بسیار اهمیت دارد و باید همه ضبط‌ها به دست داده شود.

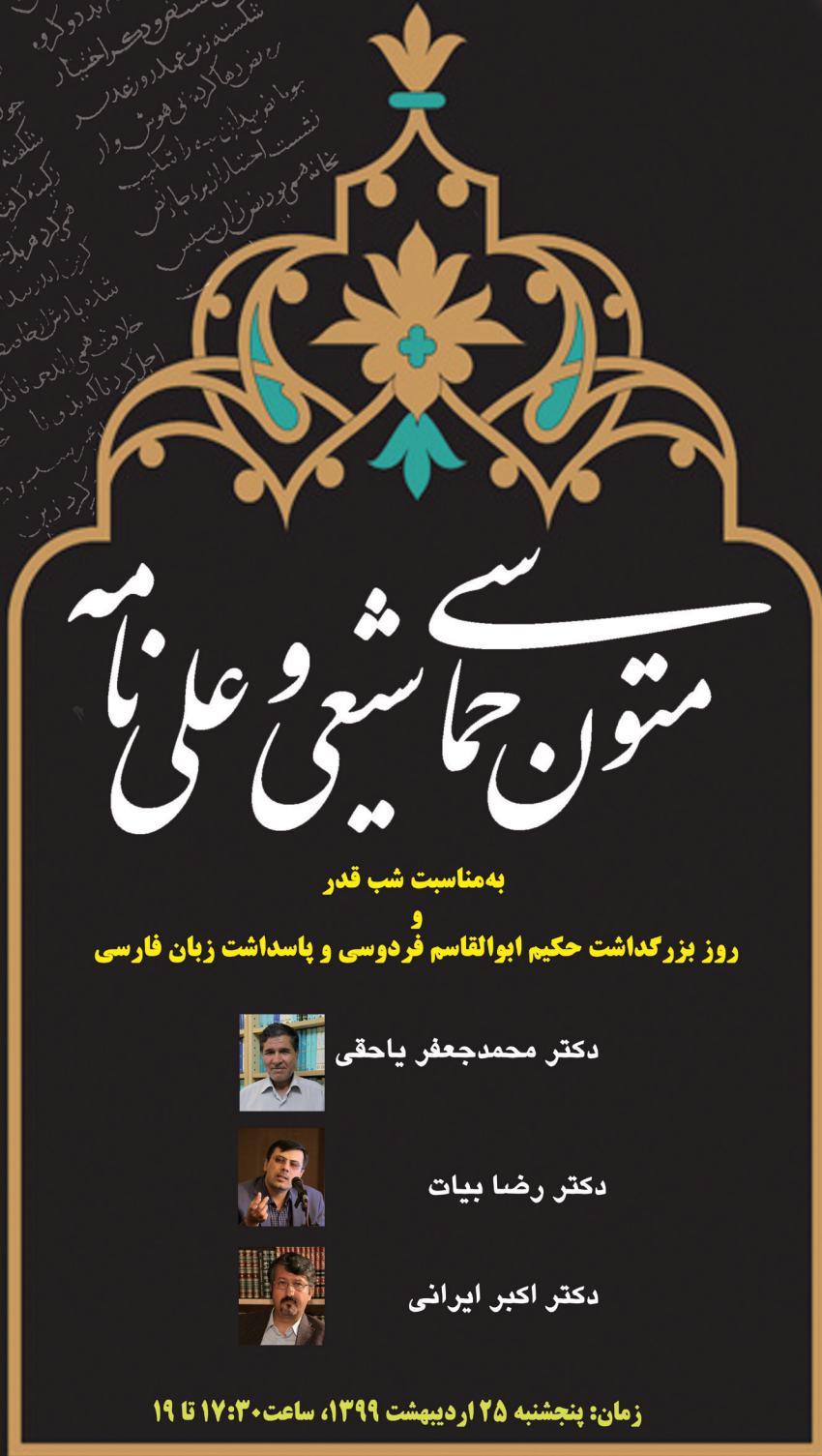
وی در ادامه با اشاره به توانمندی مصححان میراث مکتوب، و با بیان این که این مرکز با محدودیت



آیین

نشست از سلسله نشستهای متن پژوهی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب ۱۱۸

دخون که نرس مصطفی  
درین قصه درون  
ز شمشک کزین کرد  
ز شمشک شدای بود  
ز هزار اهل هدی از زلف  
رد قوم شد در سحر ایست  
چون نایب جری صخر یار  
شکفته شمعنه ز برای و پیر  
ز کینه کوفه بره ا اختیار  
کزین ادر رسد ابران از سر  
شاید با مرثی خوانگان نشاند  
حلافت همی اندو نا کز خوب  
اجل کز نا که بدو نا سخن  
کرد برین  
کس  
دخون که نرس مصطفی  
چشمه بدید از اندر جهان  
ز شمشک زان قوم بدو کرو  
باکسفر و صخر اختیار  
شکسته ز تر عهد و ز ندر  
به نرض ها کرده تو هوش و ار  
بویا تو میدان به را شایب  
نشست اختار از مرطاج از  
خانه همی بود نرزان سبب



# مستون جماشعی و علی نایب

**به مناسبت شب قدر**  
**و روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و پاسداشت زبان فارسی**

دکتر محمدجعفر یا حقی  
دکتر رضا بیات  
دکتر اکبر ایرانی

زمان: پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹، ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹

پخش زنده در صفحه اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
به نشانی: @mirasmaktoob



شیعه می‌شود.

مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب افزود: آقای دکتر سجاد آیدنلو چند رساله از این نوع را در رستم‌نامه منتشر شده از سوی میراث مکتوب، معرفی کرده‌اند.

وی همچنین با اشاره انتشار کتاب علی‌نامه، با تصحیح آقایان رضا بیات و ابوالفضل غلامی، توسط میراث مکتوب، گفت: پیش از آن نیز نسخه ۴۸۲ کتاب علی‌نامه، مربوط به قرن ششم و هفتم، همراه با مقاله مفصلی که سال‌ها پیش دکتر شفیعی کدکنی درباره این کتاب نوشته بودند، به صورت فاکسیمیله توسط میراث مکتوب و با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتشر شده بود.

دکتر ایرانی ادامه داد: دکتر شفیعی کدکنی در مقاله خود می‌فرمایند که ربیع، سراینده علی‌نامه، بعضی ابیات خوب و قابل توجه سروده است و می‌توان گفت از ۱۱ تا ۱۲ هزار بیتی که در این نسخه وجود دارد ۲ تا ۳ هزار بیت آن قابل نقل و ستایش برانگیز است.

وی در ادامه با اشاره به انتشار به‌گزین علی‌نامه به کوشش علی موسوی گرمارودی و توسط میراث مکتوب، گفت: دکتر گرمارودی معتقدند علی‌نامه دو سراینده داشته که ابیات خوب از یکی از سراینندگان است و مابقی از سراینده دیگر.

دکتر ایرانی با اشاره به باب شدن علی‌نامه خوانی پس از چاپ این کتاب توسط میراث مکتوب، گفت: پس از انتشار این اثر یکی از نقالان شاهنامه به نام آقای ورمزیار، در ایام و مناسبت‌های مذهبی اقدام به علی‌نامه خوانی کرد.

مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب همچنین به ضمیمه شماره ۲۰ نشریه آینه میراث اشاره کرد و گفت: ما در این ضمیمه مقالاتی از آقایان بهرام افشاری، محمود امیدسالار، شفیعی کدکنی، مجدالدین کیوانی و جلال متینی درباره علی‌نامه منتشر کردیم.

وی همچنین به باورمندی فردوسی به تشیع و ارادت او به خاندان اهل بیت(ع) اشاره کرد و ابیات «منم بنده اهل بیت نبی / ستاینده خاک پاک وصی / که من شهر علمم علیم در است / درست این سخن گفت پیغمبر است» را نیز به عنوان شاهد مثال ذکر کرد.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و هجدهمین نشست از مجموعه نشست‌های علمی این مؤسسه با موضوع «متون حماسی شیعی و علی‌نامه» روز پنجشنبه، ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹، به صورت مجازی و با سخنرانی دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر رضا بیات و دکتر اکبر ایرانی در صفحه اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر ایرانی با اشاره به سابقه ۲۷ ساله فعالیت مؤسسه میراث مکتوب در زمینه احیای نسخ خطی و بازچاپ و باز تصحیح متون کلاسیک و کهن، گفت: ما این افتخار را داشته‌ایم که در شرایطی که پس از انقلاب بنیاد متمرکزی برای احیای نسخ خطی وجود نداشت این کار را آغاز کردیم و به طور میانگین در هر سال ۲۰ تا ۲۵ عنوان را که البته بعضی از آنها چند جلدی بوده‌اند، منتشر کردیم.

دکتر ایرانی ضمن توصیف فردوسی به عنوان بزرگترین حماسه‌سرای ایرانی و شاید جهانی، و شاهنامه به عنوان کهن‌ترین سند هویت ملی ایرانیان، گفت: از مفصل‌ترین متن حماسی ملی ایرانی تصحیحات خوبی شده است که بهترین آن تصحیح استاد خالقی مطلق است؛ که جامع تمام نسخه بدل‌های معتبر است و آنچه تا کنون از شاهنامه شناخته شده در این اثر آمده است و البته در این سال‌ها بازنگری نیز شده است.

وی از آثار متن‌شناسانه به عنوان بخشی از منشورات مؤسسه میراث مکتوب سخن گفت و با اشاره به برخی آثار چاپ شده درباره شاهنامه گفت: ما در حوزه شاهنامه‌پژوهی علاوه بر کتاب «متن‌شناسی شاهنامه» از استاد منصور رستگار فسایی، کتاب «سنجش منابع تاریخی شاهنامه» از آقای فرزین غفوری را نیز منتشر کرده‌ایم که در مقام یک کتاب تحقیقی بسیار ارزشمند موفق به کسب چند جایزه شد.

دکتر ایرانی همچنین با اشاره به چاپ رساله رستم‌نامه از سوی میراث مکتوب، گفت: بعد از خاوران‌نامه، که نوعی آمیزش متون حماسی ملی و اعتقادات شیعی است، شاعران نوع ادبی خاصی را در قالب کتاب‌ها و رساله‌های رستم‌نامه ارائه کردند که مضمون آن درگیری و کشتی رستم با حضرت علی(ع) است و طبعاً اقتضای باورهای شیعی این است که امام علی بر رستم غالب شده و رستم به دست حضرت مسلمان و

در ادامه دکتر محمدجعفر یاحقی، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد به بیان مطالب خود پرداخت و ضمن خجسته دانستن برقراری ارتباط میان حماسه‌های شیعی و حکیم ابوالقاسم فردوسی در تقارن زمانی سالروز شهادت امیرالمؤمنین (ع) و روز بزرگداشت فردوسی و زبان فارسی، گفت: شاهنامه جویبار خروشان است که همه سرشاخه‌های فرهنگ ایران پیش از اسلام، اعم از سنت‌ها، باورها و ارزش‌ها، در آن متبلور شده و شاهنامه آنها را به دوره اسلامی متصل کرده و آنها را به جریان دوباره انداخته است.

وی شاهنامه را به یک چشمه که از میان سنگلاخ‌های مزاحمت‌های تاریخی توانسته جوشنده و خروشان گذر کند تشبیه کرد و ادامه داد: قبل از آمدن تازیان به ایران، فرهنگ ایران جریان مستمر و خروشان بود، اما زلزله‌ای روی داد که آن جریان را تا آستانه توقف پیش برد و ریزشی در بعضی امور و رکن‌ها ایجاد کرد اما آن فرهنگ و آن جویبار راه خود را از میان سنگ‌ها پیدا کرد و در سوی دیگر عارضه زلزله و تکانی که ایجاد شده بود، شاهنامه، به عنوان یک نقطه اتصال، همه آن سرشاخه‌های متفرق را به هم متصل کرد و آن را با جریان اسلامی که تازه به فرهنگ ایران عرضه شده بود، پیوند داد.

دکتر یاحقی گفت: نقش شاهنامه و نقش فردوسی را باید یک نقش جمع‌کننده دانست که سیل خروشان ایجاد کرد که در پهنه فرهنگ دوران اسلامی جریان یافت.

وی این سیل خروشان را دارای آثار متعدد و شاهنامه را مولد حماسه‌های فارسی دانست و در این باره گفت: اگر حماسه‌های مختصر دیگری هم پیش از فردوسی وجود داشته چنان اهمیتی نداشته که بتواند راه را بر جریان‌های مانند شاهنامه ببندد و یا در نقش آن سهیم باشد؛ و از این روی شاهنامه متولی کلیه جریان‌های فرهنگی و فکری و هویتی‌ای بود که در ایران بعد از روی کار آمدن خلافت اسلامی شکل گرفت و در این جایگاه مشکلاتی را که برای جریان فرهنگ ایران به وجود آمده بود، سر و سامان بخشید.

دکتر یاحقی همه جریان‌های پس از شاهنامه را به نوعی تحت تأثیر شاهنامه و زیر نفوذ آرا و اندیشه‌های فردوسی دانست و از حماسه‌های شیعی به عنوان نمونه

برجسته‌ای از این موارد یاد کرد و گفت: علی‌نامه ۶۰ سال بعد از حیات فردوسی و ۷۰ تا ۸۰ سال بعد از تکوین شاهنامه پدید آمده است و این به واسطه زمینه‌ای بود که شاهنامه فراهم کرد.

وی با اشاره به وجود سنت‌هایی همچون سوگواری برای سیاوش در سنت ایرانی پیش از اسلام که حتی تا دوره اسلامی نیز ادامه داشته است، گفت: آن چیزی که در دوره اسلامی به عنوان مناقب‌خوانی و قصه‌گویی دینی می‌بینیم مسبوق به سنتی است که پیش از اسلام در ایران، چه به شکل قصه‌گویی غیرمذهبی و چه در شکل مذهبی آن، وجود و استمرار داشته است و از طریق شاهنامه با هیئت و صورت اسلامی دوباره زنده شد.

استاد دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد: گوسان‌ها راویان قصه‌های ملی و مردمی بودند و در دوره اسلامی هم روایت‌هایی که قصاص از سرگذشت پیامبران و سرگذشت بزرگان دین نقل می‌کردند می‌تواند به نوعی تحت تأثیر و زیرمجموعه همین سنت باشد.

وی با بیان این که به نظر نمی‌رسد در شبه جزیره عربستان سنت قصه‌گویی جایی داشته باشد، اظهار کرد: ما در عربستان مفاخرات عهد جاهلی را داریم ولی سنت قصه‌گویی به نظر می‌رسد یک سنت ایرانی باشد که ما سابقه بسیار درخشان در این زمینه داشته‌ایم.

دکتر یاحقی ادامه داد: کتاب هزار و هفت سال که بعدا بنیاد هزار و یک شب قرار گرفت و تا قرن چهارم و پنج هجری نام این کار را در آثار بعضی شاعران می‌بینیم، از یک سنت قصه‌گویی دراز آهنگ از پیش از دوره اسلامی، خبر می‌دهد که به دوره اسلامی هم منتقل شد و کسانی که معتقدات دینی داشتند قصه‌های دینی را به جای قصه‌های ملی و قصه‌های غیر دینی رواج دادند.

وی همچنین با اشاره به ماجرای نذر بن حارث که برای مقابله با دعوت پیامبر اسلام (ص) و جذب مخاطبان، به نقل داستان‌های اسطوره‌ای ایرانی می‌پرداخته اشاره کرد و گفت: این معارضه خوشبختانه پاسخ داده و آن داستان‌ها در اسلام اساطیر اولین نامیده شد، و در دوره اسلامی کسانی که معتقد به دین و تعالیم دینی بودند روایت‌های پیامبران و قصه‌های دینی را نقل می‌کردند.

دکتر یاحقی گفت: از دل جریان راویان دینی یا



به مراتب بیشتر، آثار ملی و آثار حماسی متعددی، چه در پیروی از شاهنامه و چه به طور خاص در زمینه روایت‌هایی که ریشه در شاهنامه داشت، پدید آمد.

دکتر یاحقی با اشاره به تعدد نسخه‌های یافته شده در حوزه حماسه‌های شیعی، از نیاز به ده‌ها سال فعالیت و اهتمام برای تصحیح آن‌ها سخن گفت و اظهار کرد: این نسخه‌ها که شامل انواع مختارنامه، انواع حمزه‌نامه، انواع غزنامه‌ها و ... می‌شود، هم به لحاظ موضوع و هم به لحاظ نوع روایت و شاخ و برگ‌هایی که پیدا کرده‌اند، دارای تنوع گسترده‌ای هستند.

وی افزود: افزودن شاخ و برگ به روایت اصلی در مورد شاهنامه هم وجود داشته است و همان کاری که راویان و نقالان شاهنامه می‌کردند و به داستان شاخ و برگ می‌دادند.

### اهمیت و جایگاه علی‌نامه

در ادامه این نشست دکتر رضا بیات، یکی از مصححان علی‌نامه، به بیان مطالب خود پرداخت و در ابتدا با تأکید بر جایگاه رفیع فردوسی در زبان فارسی گفت: فردوسی چنان قله‌ای را ساخته که هیچ کس نمی‌تواند به نزدیک آن برسد و هر کسی ادعای برابری با فردوسی داشته باشد عرض خود را برده است.

وی در خصوص تأثیرپذیری علی‌نامه و دیگر منظومه‌های مذهبی از شاهنامه گفت: علی‌نامه قطعا از واژگان فردوسی بهره برده و از جنگ هم سخن گفته است اما این که در شیوه تصویر کردن صحنه‌های رزم و رزم پوشی، گفتگوها کاملاً از شاهنامه اثر پذیرفته باشد، به نظر جای تحقیق بیشتری وجود دارد.

دکتر بیات افزود: شاهنامه بسیار فارسی‌تر از علی‌نامه است و منظومه‌های شبیه علی‌نامه به خاطر موضوع‌شان دارای واژگان عربی هم هستند و واژگان تراش‌خورده و عامیانه و بعضاً محلی هم در آن‌ها دیده می‌شود.

وی گفت: هر چند مشهور است که علی‌نامه به تقلید از شاهنامه سروده شده و خود سراینده هم در ابتدای کتابش این نکته را گفته است اما وقتی متن کتاب را می‌بینیم، هر چند مشتمل بر روایت جنگ‌های جمل و صفین است اما صحنه‌های نبرد بسیار کمی دارد و بیش از آن که منظومه رزمی باشد یک منظومه کلامی است.

فُصَّاص، مناقیبیان بر آمدند که قصاصی بودند که دارای اعتقادات شیعی بودند و بیشتر بر قصه‌های اهل بیت (ع) و مخصوصاً شخص حضرت علی (ع) تأکید داشتند و بیشتر در پی معرفی معارف مذهبی خود بودند.

وی فلسفه شکل‌گیری حماسه‌های دینی را برقراری نوعی توازن و تعادل در فضای فرهنگی جامعه با تأکید بر عناصر دینی دانست و گفت: با توجه به این که در ادبیات حماسی و با محوریت شاهنامه فردوسی قصه‌های ملی و قصه‌های پهلوانی فراوان در جامعه ایرانی وجود داشت و برای این که توازنی در جامعه اسلامی و جامعه‌ای که در آن دیانت حرف اول را می‌زد ایجاد شود حماسه‌های شیعی شکل گرفت و خوشبختانه این پدیده با فضا و جایگاه شاهنامه، که سراینده‌ای مروج آیین تشیع داشت، هیچ منافاتی نداشت.

دکتر یاحقی ادامه داد: در شرایطی که ارزش‌های ملی و حماسی در جامعه ایران بارور بود مناقیبیان می‌خواستند جنبه دینی و مذهبی را هم گسترش دهند و از سنت موجود در ایران، یعنی نقل روایات گذشتگان، برای ایجاد این توازن استفاده کردند.

وی با بیان این که شاید نتوانم با سخن آقای امیدسالار که معتقدند علی‌نامه با شاهنامه هیچ تعارضی ندارد، کاملاً همراهی کنم، اظهار کرد: به هر حال اگر از تعارض هم سخن نگوئیم باید گفت که این اثر در توازن شاهنامه است و ربیع، شاعر علی‌نامه، این خلأ را حس کرده که باید معارف دینی و شیعی هم در کنار حماسه‌های ملی مطرح شود و ناگزیر شد کمی این مباحث را پس بزند تا راه برای داستان‌های مورد اعتقاد هموار شود؛ چرا که گسترش این اعتقادات را یک وظیفه شرعی برای خود می‌دانست.

دکتر یاحقی افزود: این تلاش را در زمانی شاهد هستیم که در قرون پنجم و ششم تعارضات و مجادلات کلامی زیادی بین شیعه و سنی در گرفته بود و لازمه این تعارض از نظر ربیع شاید آن بود که جو بیار پرخروش پهلوانی و حماسی را کمی عقب بزند و کمی با آن تعارض پیدا کند تا راه برای این گونه مذهبی هم باز شود.

استاد دانشگاه فردوسی مشهد با بیان این که البته به دلیل عظمت شاهنامه از نظر هنری و فنی، حماسه‌های مذهبی هرگز نتوانستند راه را بر ژانر حماسی ببندند، اظهار کرد: در ادامه نیز در کنار گونه ادبی شیعی و

این پژوهشگر ادب شیعی ادامه داد: بخش اعظم این منظومه به مکاتبات میان سپاه امیرالمؤمنین و سپاه معاویه اختصاص دارد و صحنه‌های رزم در آن خیلی گذرا و سردستی مطرح شده است چون هدف شاعر چندان اثبات جنگاوری نیست.

دکتر بیات با اشاره به مسامحه‌ای که در رابطه با گونه‌شناسی این منظومه‌ها وجود دارد، اظهار کرد: بخش قابل توجهی از منظومه‌های مذهبی که عمدتاً هم در بحر متقارب سروده شده و به لحاظ زبانی هم تحت تأثیر شاهنامه هستند و سعی می‌کنند از فردوسی تقلید کنند منظومه حماسی به معنای پهلوانی و جنگاوری محسوب نمی‌شود و باید آن‌ها را منظومه روایی خواند و نه منظومه حماسی.

وی در ادامه با اشاره به شرایط روزگار سرایش علی‌نامه گفت: ربیع این منظومه را در حال و هوای حاکم در دوره غزنویان که به واسطه تعصبات مذهبی کاملاً بسته بوده و سنی و شیعه‌کشی جریان داشته، سروده است.

بنیانگذار مؤسسه فرهنگی هنری سلیس ادامه داد: این فضا به شکلی بوده که بسیاری از اساتید نمی‌توانستند باور کنند علی‌نامه در چنین شرایطی تولید شده و معتقد بودند این منظومه مربوط به ادوار بعد است و با تاریخ‌سازی اعلام شده که این منظومه مربوط به قرن پنجم است.

وی افزود: این در حالی است که شخصی که اثر به او تقدیم شده در همان دوره زندگی می‌کرده و قرائن زبانی هم نشان می‌دهد که این اثر مربوط به قرن پنجم است و در سال ۴۸۲ سروده شده است.

وی ضمن بیان این مطلب که ربیع کار مهمی از نظر محتوایی انجام داده و شجاعت زیادی از خود در تولید این منظومه نشان داده است، افزود: البته نهان زیستی ربیع باعث شده که شناخته نشود و منظومه هم ناشناخته باقی بماند و در واقع او توانسته این اثر را تولید کند، اما نتوانسته است آن را توزیع کند؛ که به دلیل شرایط بسیار دشوار آن زمان بوده است.

دکتر بیات با بیان این که ربیع راهی را باز کرده که پس از او بسیار پر رهرو شده است، به برشمردن نمونه‌های منظومه‌های مذهبی پس از ربیع پرداخت.

به گفته وی وصیت منظوم امیرالمؤمنین (ع) (قرن ششم)، منظومه تاریخ محمدی از ملامحسن کاشی (قرن هفتم)،

حرز النجات منظومه‌ای در فقه شیعی از سلیمی تونی، و کتیب معجزات که به نظم در آمده بهجه المباحج توسط حیرتی تونی است (قرن هشتم)، خاوران‌نامه، منظومه انتقامیه در موضوع قیام مختار از طغان شاه، مظهرالعجائب و معراج‌نامه سروده عطار تونی، (قرن نهم)، شهادت‌نامه ابن همام شیرازی، مجمع البحرین اثیری، سیف النبوه از حسین ندایی نیشابوری، عمده الاشعار از محمدقاسم قاسمی گنابادی، سعادت‌نامه از نظام استرآبادی، (قرن دهم)، حمله حیدری، فارغ‌نامه (قلعه خیبر) از فارغ‌گیلانی، نظم اللعالی از ابوالقاسم قاری مشهدی، فوز عظیم از عظیمای نیشابوری، مناقب مرتضوی از میرمحمدصالح کشفی، دلیل الجنان عباس ناسخ ترک، (قرن یازدهم و دوازدهم) برخی از این نمونه‌هاست.

این پژوهشگر ادب شیعی ضمن بیان این که در دوره قاجار سرودن این گونه آثار بسیار رواج یافته است، افزود: من در کار تحقیقی مختصری که انجام دادم حدود ۲۶۰ منظومه را شناسایی کردم که در همین حوزه می‌گنجد و در همین حال و هوا سروده شده است.

دکتر بیات افزود: منظومه‌های روایی گاهی اوقات همراه با پهلوانی، در حوزه مذهبی، بسیار زیاد سروده شده است و این جریان هنوز هم ادامه دارد که می‌توان به آثار آقایان امید مجد، مهدی شفیعی، قربان ولیی، به عنوان نمونه‌هایی از این سنت کاملاً زنده منظومه‌سرایی اشاره کرد.

وی همچنین با اشاره به جدی‌تر شدن پژوهش در حوزه منظومه‌های دینی، گفت: در سال‌های اخیر دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی مجموعاً بیست و پنج منظومه حماسی مذهبی را به صورت مبسوط معرفی کرده‌اند و علاوه بر این تا کنون ۱۲ پایان‌نامه درباره علی‌نامه کار شده است که نشان می‌دهد پژوهش در حوزه منظومه‌های دینی رواج یافته است.

### برخی نکات تکمیلی

در بخش دیگری از نشست نیز دکتر ایرانی برای تکمیل مباحث با اشاره به ماجرای نذر بن حارث گفت: نذر برده‌فروشی از قریش بود که با زبان فارسی آشنایی و به دربار ساسانیان رفت و آمد داشت و در آنجا اشعار عربی می‌خواند و داستان‌های اساطیری ایرانی را نیز می‌شنید و زمانی که به میان اعراب بازمی‌گشت آن

داستان‌ها را نقل می‌کرد.

وی ادامه داد: از آنجا که نذر عودنواز بود مردم تحت تأثیر داستان‌های او قرار می‌گرفتند و بعضی‌ها به او جذب می‌شدند و من در کتاب حال دوران آورده‌ام که این اقدام نذر بن حارث اولین مقابله سیاسی با اسلام از طریق شعر و موسیقی بوده است که با آیه‌ای که این کار را فروش لهُو الحدیث خواند در برابر او موضع گرفته شد و تأکید شد که نباید برای مقابله با آیات قرآنی از این روش استفاده شود.

دکتر ایرانی همچنین در خصوص اعتراض سراینده علی‌نامه به فردوسی بخاطر پرداختن به جنگاوری‌های رستم و پهلوانان ایرانی و این دست مباحث، گفت: متون حماسی اسطوره‌ای و افسانه‌ای معمولاً معانی‌ای را در پشت داستان‌ها مد نظر دارند و فردوسی نیز خواسته از طریق بیان داستان‌های افسانه‌ای که پوسته و قالب را تشکیل می‌دهد مبانی اخلاقی و انسانی و فتوت و جوانمردی و خردورزی را بیان کند و بنابراین اعتراض شاعر علی‌نامه به این داستان‌ها وارد نیست.

مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب افزود: همچنین زمان و شرایطی که فردوسی در آن قرار داشته و احساس خطری که به واسطه حاکم شدن فضای عربزده دوران خلفای عباسی، برای زبان فارسی کرده است او را بر آن داشته که شاهنامه را سروده و از زبان عربی حداقل استفاده را ببرد.

وی افزود: این در شرایطی است که دستگاه خلافت برای تغییر زبان کشور تلاش می‌کرده و حتی دانشمندی همچون ابوریحان بیرونی نیز روی خوشی به فارسی نشان نمی‌دهد و زبان علمی را زبان عربی که در ایران به عنوان زبان رسمی مطرح بوده، می‌دانسته است.

## خیام و رباعیات

به مناسبت

روز بزرگداشت حکیم عمر خیام نیشابوری

الوند بهاری



سید علی میرافضلی



یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹، ساعت ۱۸ تا ۱۹



بهاری از اثری در آستانه چاپ به عنوان دومین کتاب میراث مکتوب در ارتباط با خیام نام برد و گفت: دیگر کار میراث مکتوب چاپ عکسی یا فاکسیمیله قدیمی‌ترین مجموعه مستقل رباعیات خیام، معروف به نسخه بادلیان، است که با مقدمه کوتاه و بسیار مفید علی صفری آق‌قلعه در آستانه انتشار قرار دارد.

وی افزود: این نسخه که حاوی ۱۵۸ رباعی است در سال ۸۶۵ قمری به قلم محمود پیرداقی نگاشته شده و به نسخه پیرداقی هم معروف است.

### اهمیت کشف رباعیات اصیل خیام

در ادامه بهاری با اشاره به تحلیل‌های انجام شده درباره شخصیت و اندیشه خیام و اهمیت مباحثی که در خصوص صحت انتساب رباعیات خیام مطرح شده است، گفت: آنچه از تحلیل‌ها درباره خیام خوانده‌ایم مبتنی بر رباعیاتی بوده است که در چاپ‌های مشهور آمده و این چاپ‌ها هم بیشتر مبتنی بر رباعیاتی است که فیتز جرالد در ترجمه‌اش مورد استفاده قرار داده است.

وی افزود: در واقع بسیاری از تحلیل‌ها بر اساس رباعیاتی صورت بسته که به نظر می‌رسد از خیام نیست و به این جهت پژوهش‌هایی که درباره خیام انجام شده و نتیجه‌گیری‌هایی که درباره او شده است زیر سؤال می‌رود.

در ادامه این نشست مجازی علی میرافضلی به بیان مطالب خود پرداخت و با تأکید بر ضرورت ابتدای بررسی‌های ادبی بر متون موثق، گفت: ما تا به یک متن کامل و جامع و زوده از پیرایه‌ها نرسیم نمی‌توانیم به پژوهش‌های ادبی قابل قبولی دست بزنیم و این مسئله محدود به خیام نیست و برای مثال در نسخه‌های شاهنامه نیز حجم زیادی از اشعار افزوده شده به متن اصلی دیده می‌شود و استاد خالقی مطلق دهه‌ها وقت صرف پیراستن متن شاهنامه کرده‌اند.

وی ضمن بیان این که هنوز یک متن پایه از رباعیات خیام به دست نیامده است، اظهار کرد: از آنجا که رسیدن به یک متن پایه کار یک ماه و دو ماه نیست، عموم پژوهشگران و نویسندگان یا از بررسی خیام می‌گذرند و یا به کتاب‌های موجود بسنده می‌کنند و خودشان را به دردسر نمی‌اندازند و برخی هم عملاً در نوشته‌های‌شان گفته‌اند که پژوهش برای کشف رباعیات اصیل خیام قدم گذاشتن در یک بیراهه است

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و نوزدهمین نشست علمی این مؤسسه با موضوع «خیام و رباعیات» روز یکشنبه، ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹، به مناسبت روز بزرگداشت حکیم عمر خیام نیشابوری، با سخنان سیدعلی میرافضلی و الوند بهاری در صفحه اینستاگرام این مؤسسه برگزار شد.

در ابتدای این نشست الوند بهاری با اشاره به عدم تطابق ۲۸ اردیبهشت با زادروز خیام، گفت: این روز هر چند به مناسبت زادروز خیام به نام وی نامگذاری شده، اما به نظر می‌رسد تاریخ دقیقی برای تولد خیام نباشد.

وی با اشاره به تحقیقاتی که پژوهشگری هندی بر زایچه خیام، ارائه شده در تتمه صوان الحکمه ابوالحسن بیهقی، داشته، گفت: بر اساس این تحقیقات روز ۱۸ می ۱۰۴۸ میلادی، که مطابق با سال ۴۲۷ شمسی و ۴۳۹ قمری است، به عنوان زادروز خیام پیشنهاد شد و به نظر می‌رسد ۱۸ می با ۲۸ اردیبهشت تطابق داده شده است؛ در حالی که در عصر خیام اول سال شمسی مطابق با ۲۱ ماه مارس نبوده است.

بهاری با اشاره به مقاله کوتاهی که دکتر ایرج ملک‌پور، استاد نجوم دانشگاه تهران، در سال ۱۳۷۹ در مجله نشر دانش منتشر کرده است، گفت: بر اساس محاسبات دکتر ملک‌پور زادروز خیام هشتم خرداد ۴۲۰ شمسی مطابق با نوزدهم رمضان ۴۳۲ قمری بوده است و بنا بر این تاریخ ما در ایام ۹۹۰مین سالروز قمری تولد خیام هستیم.

وی در ادامه به معرفی دو کتاب منتشر شده توسط مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب درباره خیام، پرداخت و گفت: یکی از این آثار «رباعیات حکیم خیام» است که پیشتر به کوشش ایران‌شناس برجسته ترکیه استاد مرحوم عبدالباقی گولپینارلی به صورت افست چاپ شده بود و افزون بر طربخانه یار احمد رشیدی، یعنی قدیمترین مجموعه رباعیات خیام که در ۸۶۷ قمری گردآوری شده، رساله فارسی سلسله الترتیب به قلم حکیم خیام و خطبه عربی تمجید از ابن‌سینا و برگردان فارسی آن از حکیم عمر خیام را نیز در بر دارد و در سال ۱۳۸۶ با مقدمه رحیم رضازاده ملک، توسط میراث مکتوب منتشر شد.



خودشان را دارند و در لحظاتی از عمر از آن‌ها لذت می‌بریم، اما در رباعیات اصیل خیام است که غرق و عمیق می‌شویم و آینه‌ای برای دغدغه‌های روحی ما ایجاد می‌شود.

### خیامانه‌های فارسی یا وجود دو خیام؟

این خیام‌پژوه در ادامه با اشاره به ارائه نظریه‌ای مبنی بر تفاوت قائل شدن بین خیام تاریخی و جریان رباعیات خیامانه که در سال‌های اخیر توسط دکتر علی تسلیمی مطرح شده، گفت: بر اساس این نظریه می‌توان گفت کسی به اسم حکیم عمر خیام وجود داشته که ممکن است رباعی گفته و یا نگفته باشد، اما نام این شخص جریانی را حمل کرده که آن جریان اصالت بیشتری دارد و بنابراین گفتمان خیامی از خود خیام مهمتر است

وی همچنین با اشاره به نظری که توسط محمد محیط طباطبایی در دهه ۱۳۴۰ مطرح شده مبنی بر وجود دو خیام، گفت: بر اساس این نظر - که مستند به نام بردن ابن فوطی، نویسنده عرب قرن هفتم، از شاعری به نام علی بن خیام خراسانی با دیوانی از اشعار عربی و فارسی و نقل دو بیت شعر از اوست - گفته شده حکیم عمر خیام همان خیام دانسمند است که متفاوت با علی بن خیام است.

این پژوهشگر با اشاره به استناد محیط طباطبایی به بیان شهرت خیامی برای خیام در برخی منابع قدیمی، گفت: نام بردن برخی از منابع از خیام با نام خیامی که به پیشه خانوادگی خیام، یعنی خیمه‌دوزی، باز می‌گردد نمی‌تواند به معنای تفاوت خیام شاعر با خیام دانشمند و حکیم باشد.

وی با اشاره به تردید کردن اغلب پژوهشگران در این نظریه، گفت: با توجه به این که در منابع فارسی هیچ کجا از علی بن خیام خراسانی نام برده نشده است، گواهی یک نویسنده عرب نمی‌تواند چندان معتبر باشد و در صورت معتبر دانستن آن باید گواهی همه تذکره‌نویسان، مجموعه‌نویسان و جنگ‌پردازان فارسی زبان را، که همه حکیم عمر خیام را سراینده رباعیات معرفی کرده‌اند، نادیده بگیریم.

میرافضلی افزود: علاوه بر گواهی نویسندگان معتبر قبل از ابن فوطی، همچون فخر رازی و نجم رازی، که هم رباعی از خیام نقل کرده‌اند و هم تصریح دارند که این رباعیات از همان خیام ریاضیدان و منجم و

و ما را در بیابانی بزرگ وارد می‌کند که انتهای آن پیدا نیست؛ بنابراین بهتر است به متن‌هایی که موجود است بسنده کنیم.

میرافضلی افزود: گرویدن به چنین دیدگاهی باعث می‌شود که هیچ وقت به یک متن پایه و اصیل از خیام نرسیم و هر چه در مورد خیام نوشته شود، هر چند به اندیشه و زبان خیام تا حدودی نزدیک باشد اما درباره شعرهایی باشد که ربطی به خیام ندارند. وی از سنایی، عطار، انوری، کمال اسماعیل اصفهانی، مجد همگر و سلمان ساوجی به عنوان برخی از شاعران دارای رباعیاتی با سبک و سیاق خیامی نام برد و گفت: از دوره تیموری به بعد که رباعیات خیام گردآوری شده، رباعیات این شاعران به فرد شاخص مکتب، یعنی خیام، نسبت داده شده است و به قول دکتر شمیسا فرد اول مکتب جاذب رباعیات اعلائی آن مکتب شده است.

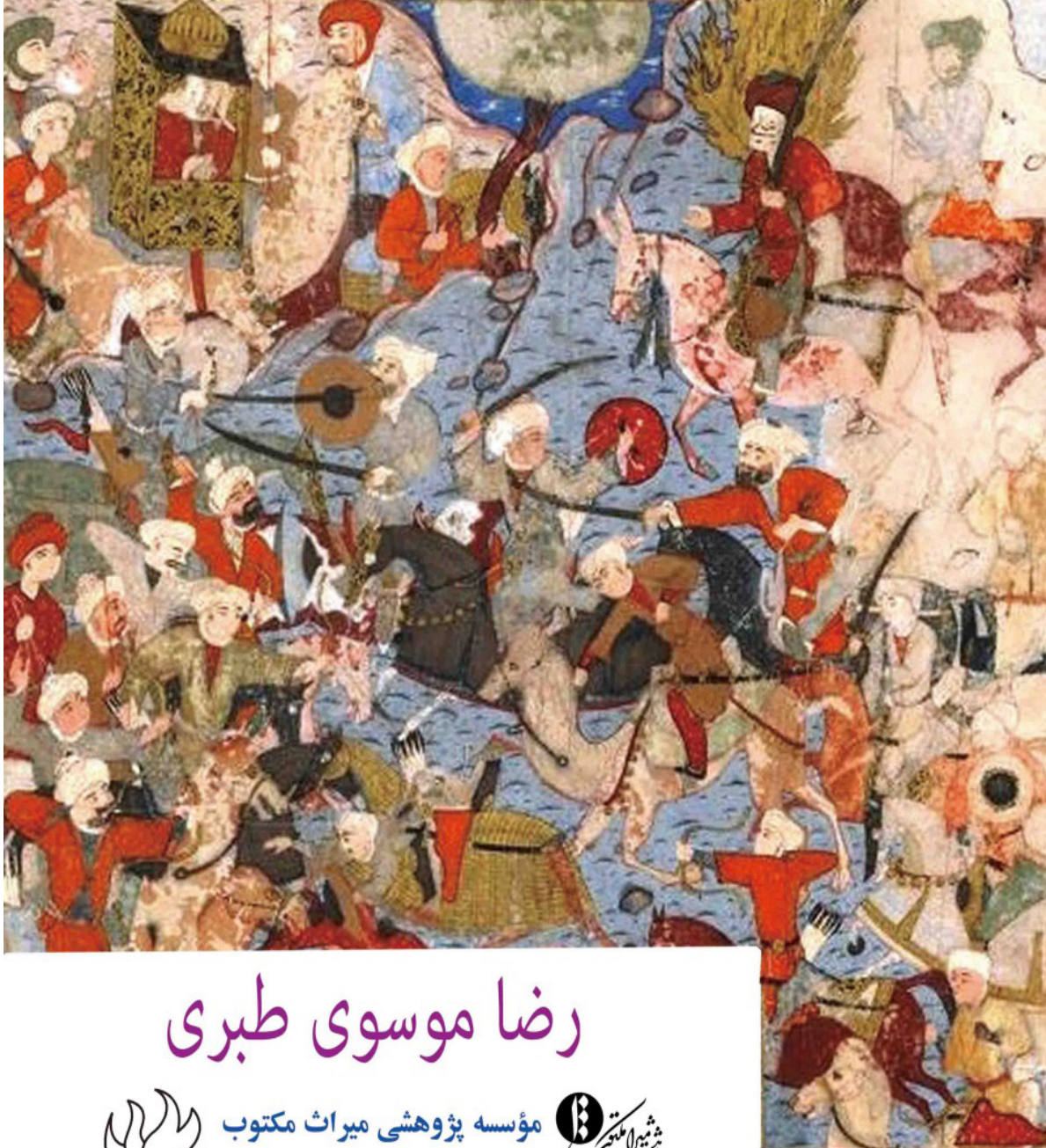
این خیام‌پژوه رباعیات شخص خیام را عمیق‌ترین رباعیات مکتب خیام توصیف کرد و با بیان این که رباعیات دیگران کمتر به عمق رباعیات خیام رسیده است، اظهار کرد: آن چه در مرصاد العباد یا در رساله التنبیه فخر رازی یا در تاریخ جهانگشای جوینی آمده از همه رباعیاتی که بعدها به خیام منسوب شده است تراز اندیشگانی بالاتری دارد و اگر چه ممکن است رباعیات خود خیام قدرت اقناعی و تأثیر عاطفی کمتری نسبت به رباعیات منسوب داشته باشد، اما ژرفای بیشتری دارد.

وی ضمن خواندن رباعی «در دایره‌ای کامدن و رفتن ماست / آن را نه بدایت نه نهایت پیداست / کس می‌نزند دمی در این معنی راست / کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست»، این رباعی را بیانگر پرسشی بنیادین که قرن‌ها روح بشر با آن درگیر بوده دانست و گفت: رباعی «این قافله عمر عجب می‌گذرد» با این که زیباست ولی کسی در آن مناقشه نکرده، چرا که خالی از نکات فکری و فلسفی عمیق و تأثیر آن محدود به برخی هیجانات عاطفی مقطعی است و می‌تواند به اسم هر شاعری خوانده شود، ولی رباعیات اصیل خیام مناقشه برانگیز است و همواره کسانی از عرفا و متکلمین و متشرعین و حتی شاعران سعی کرده‌اند به آن‌ها پاسخ دهند.

میرافضلی افزود: رباعیات غیر اصیل هم البته زیبایی

فیلسوف است، از هم عصران خیام و کسانی که به او نزدیک بوده‌اند، همچون بارع بغدادی و عماد کاتب اصفهانی، شعرهای عربی نیز از حکیم عمر خیام نقل شده و بنابراین شاعری خیام مسجل است و با یک گواهی مشکوک نمی‌توان آن را باطل کرد.

# فردوس، تشیع و علی نامه



رضا موسوی طبری



مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
با همکاری دفتر شعر جوان





ارجمند عیون اخبار الرضا (ع) شرح حال او را گفته و حکایت او و نسبت او را بارگاه علی بن موسی الرضا (ع) که سرمنشأ حکایت ضامن آهو است بیان کرده است.

موسوی طبری از دقتی توسی که شاهنامه منشور را به سلک نظم کشید نیز نام برد و گفت: در خصوص دقتی گفته شده که زرتشتی بوده و خود او هم تصریح به مطالبی دارد ولی یادکرد او از ائمه هدی به گونه ایست که تصور می رود یک شیعه راسخ العقیده این مطالب را گفته باشد؛ چنان که می گوید «چنان بر من کند او جور و بیداد / نکردند آل بوسفیان به شیر / چنان چون من بر او گریم نگرید / ابرشیر زهرا روز محشر».

وی از بُندار رازی نیز سخن گفت و اظهار کرد: یکی از دلایل به جا نماندن اشعار بُندار غلظت و شدت موضع گیری او در مسائل دینی است و ابیاتی همچون «گر به دل حب آل حیدرته / ساقی آب حوض کوثرته / و نباشی محب شیر خدا / من چه گویم گناه مادرته» و از این دست مضامین نشان از این امر دارد.

این شاعر در مورد جایگاه ادبی بُندار با اشاره به بیت «هرگز نگفته اند در این اصطلاح شعر / فردوسی و دقتی و بُندار و عنصری»، گفت: قرار گرفتن نام بُندار همجوار نام های بزرگ نشانگر آن است که وی در گذشته مقام و منزلت رفیعی داشته است.

وی همچنین با نام بردن از غضائری رازی، ابیاتی از او را به مضمون «مرا شفاعت این پنج تن بسنده بود / که روز حشر بدین پنج تن رسانم تن / بهین خلق و بردارش و دختر و دو پسر / محمد و علی و فاطمه حسین و حسن» خواند.

موسوی طبری در ادامه از کسانی مروری یاد کرد و شعر معروف او را به مضمون «مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر / بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار / آن کیست بدین حال و که بودست و که باشد / جز شیر خداوند جهان حیدر کرار / این دین هدی را به مثل دایره ای دان / پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار»، خواند.

وی پس از نام بردن از ناصر خسرو، ابوالهیثم و ابن سینا به عنوان برخی چهره های دارای گرایشات شیعی، از اسدی توسی سراینده گرشاسب نامه نیز یاد کرد و گفت: اسدی توسی در کنار گرشاسب نامه دارای متونی مناظره ای بسیار مهمی است که به طور خاص می توان

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیستین نشست از سلسله نشست های این مؤسسه به سخنان رضا موسوی طبری، منتقد، مصحح و شاعر، در موضوع «فردوسی، تشیع و علی نامه» اختصاص داشت.

این سخنرانی مجازی در پی یکصد و هجدهمین نشست میراث مکتوب، که با عنوان «متون حماسی شیعه و علی نامه» و با سخنرانی دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر رضا بیات برگزار شده بود، با همکاری دفتر شعر جوان در قالب دو بخش در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ در صفحه آپارات میراث مکتوب ارائه شد.

موسوی طبری در ابتدا با اشاره به سابقه و جایگاه تشیع در ایران و ظهور آن در ادب فارسی، گفت: در سده های نخستین شعر و ادب فارسی و زبان فارسی نو، در قیاس با فرق و مذاهبی که در این پهنه و در این دوره بروز و ظهوری داشتند، تشیع چشم گیر است و نمایندگان این مکتب جلوه خوبی در سرآغاز تاریخ ادب فارسی دارند.

وی از رودکی و یکی از ابیات او یعنی «کسی را که باشد به دل مهر حیدر / شود سرخ رو در دو گیتی به آور» و مصراعی از اشعار وی به مضمون «اندر جهان به کس مگرو جز به فاطمی» اشاره کرد و گفت: اگر بخواهیم به ابیاتی که در آن اظهار ارادتی نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) شده است استشهاد کنیم ممکن است گفته شود این دست اظهار ارادت ها را پیروان دیگر مذاهب نیز داشته اند، اما در مورد شخص رودکی مستندات تاریخی وجود دارد که فی المثل در اواخر عمر به واسطه همین باور اتفاقاتی برای او و ممدوح او افتاد و شکنجه هایی شد و حتی عده ای نابینایی او را متأثر از همان ماجرا می دانند.

این مصحح با اشاره به عقیده یکی از پژوهشگران که روای داشتن اشعار رودکی را دال بر نابینایی مادرزادی او دانسته بود، گفت: این نظری بسیار عجیب است چرا که عموم شاعران ما در گذشته راوی داشته اند و شعر آن ها را راوی نزد پادشاه روایت می کرده است و اگر در مورد خاصی خود شاعر شعر را عرضه می کرد، در روایات تاریخی به این موضوع اشاره شده است.

وی در ادامه از ابومنصور عبدالرزاق صاحب شاهنامه ابومنصوری یاد کرد و گفت: شیخ صدوق در کتاب



به دو مناظره «مغ و مسلم» و «عربی و پارسی» اشاره کرد که بیانگر یک جریان متفکر هوشمند است که سرچشمه آن همان اندیشه‌هایی است که ابومنصور عبدالرزاق و فردوسی و دیگران دنبال کرده‌اند.

این پژوهشگر با اشاره به انحرافات ایجاد شده در زمان خلفای عرب، گفت: وقتی خلفای عرب، خلاف دعوت پیامبر که می‌گفت ملاک امتیاز افراد نسبت به یکدیگر صرفاً تقوا و درستکاری است، دعاوی تازه‌ای مطرح کردند و کار به تفاخر نژادی و مطالبی از این دست کشید ایرانیانی که اسلام را اختیار کرده بودند در برابر این مطلب خلاف موضع‌گیری‌های متفاوتی داشتند.

وی ادامه داد: یکی از جریان‌ها شعوبیه بود که معتقد به مقابله به مثل بود؛ جریان دیگر تن به مقابله به مثل نمی‌داد اما با اشاره به دعوت نخستین، این انحراف را نقد می‌کرد و پیامبر و راهروان حقیقی او را مد نظر گرفته و به آنها ایمان داشت؛ و جریان سومی بود که دو ساحت دیانت و ملیت از هم متمایز می‌کرد و وقتی صحبت از دیانت بود قرائت اصیل و دقیق از اسلام را می‌پذیرفتند اما در برابر تفاخر نژادی عرب کارنامه تمدنی خود را به رخ می‌کشیدند.

موسوی طبری با اشاره به احیای داستان‌ها و تاریخ ایران باستان توسط این گروه، گفت: همان طور که می‌بینیم در مناظره مغ و مسلم برنده مسلم است اما در مناظره عرب و پارسی، اسدی توسی زیر بار برتری عرب‌ها نمی‌رود.

وی حلقه توس شامل افرادی همچون ابومنصور عبدالرزاق، دقیقی، فردوسی و اسدی را جریان بسیار مهمی خواند و گفت: خلاف آن چیزی که برخی عوامانه باور دارند که در سده‌های نخستین تشیع را به ضرب تیغ فلان شخص و بهمان سلسله در ایران تثبیت کردند گرایش‌های شیعی، فارغ از فاطمی و زیدی و امامی بودن، در نزد اهل اندیشه و ادب حضور بسیار پررنگی دارد.

موسوی طبری در ادامه پس از بیان مطالبی در خصوص واژه اعتقاد و نسبت عقل و دین، فردوسی را در عین حالی که بر خرد تأکید می‌کند فردی معتقد دانست و در خصوص تشیع فردوسی به دیباچه شاهنامه استناد کرد و ضمن خواندن ابیاتی از آن، گفت: آغاز دیباچه شاهنامه در ستایش خرد است و پس از بیان مطالبی به

ستایش پیغمبر می‌رسد و می‌گوید «به گفتار پیغمبرت راه جوی / دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی / ترا دانش دین رهاند نخست / در رستگاری بیاید جست / چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی / خداوند امر و خداوند وحی / که من شارسرستانم علی‌ام در است / درست این سخن گفت پیغمبر است».

وی با اشاره به اشکالی که به بیت آخر مطرح شده، اظهار کرد: گفته‌اند در حالی که فردوسی مدعی شده این عبارت دقیقاً گفت پیغمبر است اما این گونه نیست و گفته پیامبر این است که «من شهر علم هستم و علی در آن شهر است»؛ در حالی که در اینجا سخنی از علم گفته نشده است.

این مصحح این اشکال را ناشی از افزوده شدن چهار بیت در میانه ابیات فوق دانست و گفت: همچنان که دکتر خالقی مطلق، شاهنامه‌پژوه بزرگ معاصر ما، با اتکا به چند دلیل می‌گوید ابیات «که خورشید بعد از رسولان مه / نتابید بر کس ز بوبکر به / عمر کرد اسلام را آشکار / بیاراست دین را چو خرم بهار / پس از هر دوان بود عثمان گزین / خداوند شرم و خداوند دین / چهارم علی بود جفت بتول / که او را به حق می‌ستاید رسول»، که پیش از بیت «که من شارسرستانم ...» آمده دخال شده به شاهنامه است.

وی ادامه داد: یکی از دلایل استاد خالقی مطلق این است که کلمه «بعد» در سرتاسر شاهنامه وجود ندارد و این کلمه‌ای نیست که شاعر ده‌ها هزار بیت سخن بگوید اما احتیاج به آن پیدا نکند.

موسوی طبری افزود: اتفاقاً جالب است که در دیباچه شاهنامه ابومنصوری هم - که بزرگانی گفته‌اند در مقیاس کوچکی می‌شود مدعی شد که از حیث بسامدی واژگان شاهنامه فردوسی را می‌تواند بنمایاند - در تصحیح علامه قزوینی فقط یک بار کلمه بعد آمده؛ هر چند بررسی‌ها نشان می‌دهد در نسخ کهن‌تر همین یکبار هم به کار نرفته است.

وی افزود: در صورت حذف چهار بیت مذکور اتصال معنایی برقرار شده و وقتی سخن از «دانش دین» شده شارسرستان هم به همین موضوع راجع می‌شود.

موسوی طبری در ادامه به علی‌نامه پرداخت و ضمن تقدیر از مدیریت مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب به خاطر انتشار این اثر و کوشش‌ها برای معرفی و بهتر دیده شدن این اثر، گفت: علی‌نامه منظومه‌ای کهن

تصاویر تعداد زیادی از این نسخه‌ها را دیده‌ام نام‌ها و القاب کاتبان و مالکان این نسخه‌ها و یادداشت‌های حاشیۀ نسخه‌ها و تصرفاتی که در بعضی ابیات هست نشان می‌دهد که طی این هزاره حافظان شاهنامه همواره شیعیان بوده‌اند.

موسوی طبری ادامه داد: علیرغم همه انتقادهای و مخالفت‌ها و موافقت‌ها، آنچه فهم جمهور ایرانیان در نهایت پذیرفت و بیان و ترویج کرد همنشینی تعلقات دینی و ملی است و این از همجواری نام رستم و حیدر - که در شعر شاعران اهل تسنن و تشیع در ایران، در هند، در آناتولی و اقصی نقاط عالم در هر جایی که زبان فارسی بوده و شاعر و ادیب و نویسنده‌ای به این زبان نوشته فراوان آمده - پیداست.

وی با ارائه پیشنهادی برای تدوین کتابی در باب نقش شیعیان در حفظ شاهنامه، گفت: لازم است مطالب این کتاب به تصاویر نسخه‌ها و نام‌ها و مهرها و یادداشت‌های حاشیۀ نسخه‌ها مستند شود و برای علاقه‌مندان گزارش شود که شاهنامه با چه انگیزه‌ای حفظ و خوانده شد و نقالان و خطاطان و نگارگران چه کرده‌اند.

این پژوهشگر در ادامه به مخالفت‌ها با شاهنامه اشاره کرد و گفت: چنان که ذکر کرده‌اند کزانیان برای تضعیف و تخفیف شرح دلاوری‌های حضرت امیر به ترویج این داستان‌ها همت گماشتند و کسانی هم مدعی شدند که این اتفاق برای تحت الشعاع قرار دادن شرح اخبار و سوانح خلیفه دوم صورت گرفته است.

وی با اشاره به شکل نگرفتن فهمی عمیق و دقیق و نگرشی متفکرانه نسبت به این مخالفت‌ها، گفت: خیلی‌ها گمانشان این بود که اندیشه مذهبی و دینی با شاهنامه و احیای تاریخ ایران باستان کنار زده و تضعیف می‌شود و دیدید که نشد و این دو به یاری هم آمدند و در کنار هم قرار گرفتند.

موسوی طبری با بیان این که کنار هم قرار گرفتن دو نام به معنای هم رتبه و هم وزن بودن آن‌ها نیست، گفت: اگر بسیار تساهل و تسامح کنیم و به مدد تخیل و توهم به شخصیت رستم پر و بال بدهیم، تنها یک وجه از وجوه شخصیتی حضرت امیر را می‌توان به هم‌آوردی طلبید، اما در نهایت یکی مظهر ملیت ایرانیان و یکی مظهر دیانت است و به رغم همه جریان‌هایی که شکل گرفته و خواسته‌شان جدایی این دو از هم

سروده به سال ۴۸۲ ق. توسط شخصی متخلص به ربیع است که در چند سال پیش به صورت عکسی، به صورت حروفی و مصحح و منقح و بعد از آن به صورت منتخب منتشر شد و در جمله این‌ها اعظم اهل ادب مشارکت داشتند و غفلتی که در طول چند قرن نسبت به این کتاب صورت گرفته بود جبران شد.

این شاعر با بیان این که علی‌نامه همچون شاهنامه در بحر متقارب سروده شده، گفت: علی‌نامه و همه کتاب‌هایی که در این وزن هستند و به این قصد نوشته شده‌اند که شرح دلاوری‌ها و حماسه‌ها و مسائل مربوط به ملوک و انبیا باشند، چه آنهایی که سراینده شاهنامه را انکار و تکذیب کرده و چه آنهایی که تأیید کرده‌اند، جملگی متأثر از شیوه فردوسی بزرگ هستند و این انکارناپذیر است.

وی افزود: مخالفان فردوسی به شدت متأثر از شیوه او هستند و حتی گاه در نگرش هم این تأثیر به صورتی انکارناپذیر وجود دارد.

موسوی طبری سراینده علی‌نامه را هم از مخالفان شاهنامه خواند و گفت: شاهنامه در طول تاریخ مخالف کم نداشته و این مخالفت هم از زوایای مختلف انجام می‌شده است و به عنوان مثال هم محمود غزنوی و هم عده‌ای از مخالفان او که کاملاً در تقابل با هم بودند، هر دو منتقد شاهنامه بودند.

وی منتقدین شاهنامه را شامل هم اهل سنت و هم شیعه دانست و با اشاره به تقابل ربیع با شاهنامه ابیات وی را به مضمون «به شهنامه خواندن مزین لاف تو / نظر کن در آثار اشراف تو / تو از رستم و توس چندین مگوی / در این کوی بیهوده‌گویان میوی / که مغنامه خواندن نباشد هنر / علی‌نامه خواندن بود فخر و فر / اگر چند شهنامه نغز و خوش است / ز مغز دروغ است از آن دلکش است / علی‌نامه خواند خداوند هوش / ندارد خرد سوی شهنامه گوش / من اندر علی‌نامه از روی لاف / نخواهم که گویم سخن بر گزاف» خواند.

این پژوهشگر گفت: عده‌ای مبلغ و مروج شاهنامه بوده‌اند بدون این که اعتقادی به کار فردوسی داشته باشند و عده‌ای هم منتقد شاهنامه بوده‌اند بی آنکه تقابل جدی با فردوسی داشته باشند.

وی حافظان شاهنامه را در طول هزار سال عمر آن شیعیان دانست و گفت: با استناد به بیش از هزار نسخه از شاهنامه که در اقصی نقاط عالم محفوظ است و من

بوده، در کنار هم هستند.

موسوی طبری با اشاره به شیوهٔ دکتر موسوی گرمارودی در به‌گزین علی‌نامه نیز گفت: ایشان گاهی تغییراتی جزئی در اشعار داده‌اند که هر چند هیچ لطمه‌ای به معنا نمی‌زند اما به نظر من اعتماد خواننده را سلب می‌کند و به عقیده من ضرورتی ندارد که برای این که متن را دلپذیرتر کنیم به این سمت برویم که اشعار را نوسازی کنیم.

وی افزود: کار بسیار سهلی است اگر ما جواز داشتیم که دست در متن ببریم اما روا نیست در متنی که هزار سال را طی کرده و راه درازی آمده، هر چند با دقت و وسواس تصرف کنیم.

این شاعر با اشاره به علاقه‌اش به دیده و خوانده شدن این متن و دغدغه‌اش برای نمایاندن زیبایی‌های این کتاب از تصمیمش برای به‌نثر در آوردن بخش‌هایی از علی‌نامه خبر داد و گفت: من قصد دارم در فصل اول کتاب بخش‌هایی را که هیچ ضرورتی ندارد به شکل نظم باقی بماند، یعنی ابیات سست، ناتندرست، مخدوش شده توسط کاتب و یا خالی از نکته را به نثر در بیاورم و ابیاتی را که به صورتی سالمتر به دست ما رسیده با وفاداری کامل به کلمات خود شاعر و عین آنچه خود شاعر گفته است، در متن قرار بدهیم.

موسوی طبری سپس به قرائت بخش‌هایی از متن اولیه خود به همراه ابیات گزینش شده پرداخت و ضمن ارائه توضیحاتی درباره محتوای متن، گفت: در گزینش‌ها بسیار مهم است که ابیاتی را که سراینده در آن‌ها هنرورزی کرده حفظ کنیم.

وی در خصوص محتوای علی‌نامه از وجود بدایع و بدعت‌هایی در مورد مسائل تاریخی در این کتاب سخن گفت و اظهار کرد: بایستی در کنار تبدیل بخش‌هایی از کتاب به نثر، با مراجعه به آثار تاریخی معتبر و نزدیک به عهد نویسنده و یا قبل از او، بدایع اخبار و یا اشکالاتی که در گزارش تاریخی به متن راه یافته است، مشخص کرد.

این پژوهشگر پرداختن به جنبه‌های کلامی علی‌نامه را نیز لازم دانست و گفت: جنگ جمل سرمنشأ مباحث کلامی بسیاری در کتب مستقل کلامی یا در کتب تاریخی شده و به نظر من این موارد نیز باید به صورت بخشی پانویس و بخشی در تعلیقات کتاب بیاید.

موسوی طبری در پایان با بیان این که این کار ارزش کتاب ارزشمند علی‌نامه را دوچندان خواهد کرد، افزود:

وی در ادامه مجدداً به علی‌نامه پرداخت و گفت: این کتاب بدون هر گونه تعارف بسیار ارزشمند است و قدمت علی‌نامه برای اثبات ارزش آن کفایت می‌کند، اما باید این را بدانیم که سراینده این منظومه یک شاعر حرفه‌ای نیست.

این شاعر ادامه داد: البته ابیات درخشانی در این کتاب هست اما کلیت آن نشان می‌دهد که شاعری با آن رتبه‌ای که ما برای بسیاری از شاعران قرن پنجم قائلیم نیست و عقیده شخص بنده این است که اصلاً شاعر حرفه‌ای به آن معنا نیست.

وی با اشاره به پرداختن شاعر علی‌نامه به یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ اسلام، گفت: در دورانی که شاعران شیعه مذهب در ایران کم نبودند ربیع در کتابش در دو بخش به دو جنگ جمل و صفین که سر منشأ بسیاری از بحث‌های کلامی درازدامن در طول تاریخ بوده‌اند، پرداخته است.

موسوی طبری افزود: در عین حال علی‌نامه فقط یک روایت جنگ ساده و توصیف زور بازوی حضرت امیر نیست و به بحث‌های کلامی بسیار مهمی که سرمنشأ افتراق‌های عظیم بوده، توجه داشته است.

وی با اشاره به تلاش‌هایی که برای خواندنی‌تر کردن و استفاده از این کتاب شده، گفت: گذشته از پژوهش‌هایی که در فواید لغوی و تاریخی علی‌نامه شده، عمده تلاشی که در این مسیر صورت گرفت تلاش آقای موسوی گرمارودی است که به‌گزین علی‌نامه را منتشر کردند که به عقیده من کار بسیار خوب و هوشمندانه‌ای است.

این مصحح در مورد نقیصه‌های این کتاب با اشاره به باقی ماندن تنها یک تک نسخه از علی‌نامه، گفت: علت این که فقط یک نسخه از این کتاب باقی مانده این نیست که خالی از نکته است بلکه ابیات بلندی هم در آن هست، اما علاوه بر ممتاز نبودن شاعر و راه یافتن اشتباهات فراوان به متن از سوی کاتب، این امر نیز بی‌تأثیر نیست که متن ویژگی‌های کهنی دارد که امروزه به ذوق ما خیلی خوشایند نیست.

وی افزود: این عوامل به اضافه قصوری که در تصحیح متن صورت گرفته باعث شده که این متن همچنان از خوشایند اهل ادب فاصله داشته باشد.

با تذکار مطالب و فواید لغوی و تاریخی و کلامی می‌توان از این متن عروسی آراسته به نظم و نثر می‌ها کرد که انشالله توفیق حاصل شود و بتوانم بخش جنگ جمل کتاب علی‌نامه را به این شیوه ارائه کنم.

علاقه‌مندان می‌توانند ویدئوی این نشست را که در دو بخش ضبط و در صفحه آپارات میراث مکتوب بارگذاری شده در نشانی زیر مشاهده و دریافت کنند.

[«فردوسی، تشیع و علی‌نامه»- بخش اول](#) / [«فردوسی، تشیع و علی‌نامه»- بخش دوم](#)





فصل  
سر معزز کتا  
نقد و برر کتا



# کنوز الودیعة من رموز الذریعة

سخنرانان:



دکتر تیمور مالمیر



فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی



رضا مهمام آذر



دکتر غلامرضا شمس‌ی



شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۹، ساعت ۱۸ تا ۲۰

علاقه‌مندان برای حضور در این نشست با ورود به نشانی زیر در ساعت جلسه و کلیک روی لینک ورود، وارد نشست خواهند شد.

<https://sbu.ac.ir/webinar>

الودیعہ ترجمہ و شرح آن است، نیز مباحث اخلاق عملی آمده اما کاری که ابن ظافر انجام داده مبتنی کردن اخلاق عملی بر مباحث تئوریک است و از این جهت کنوز الودیعہ کتاب ارزشمندی است.

وی با اشاره به دشواری انتقال و ترجمہ برخی علوم از زبانی به زبان دیگر، از علم بلاغت به عنوان نمونہ‌ای از این موارد یاد کرد و گفت: علم بلاغت اسلامی برای تبیین اعجاز قرآن ایجاد شدہ و در مرحلہ بعد برای نشان دادن ارزش‌های فصاحت و بلاغت در حدیث و بعد شعر به کار رفته است.

المیر ادامہ داد: این دانش، با همان چارچوب‌های بلاغت عربی، به زبان فارسی منتقل شدہ و ہر چند در بخش بیان، کہ دانشی جهانی است، کاربردی است، اما بہ دانش معانی کہ می‌رسیم می‌بینیم کہ این دانش برای نقد و تحلیل متون ادبی بہ کار فارسی‌زبانان نمی‌آید.

وی دانش اخلاق را ہم از ہمین سنخ دانست و گفت: کاری کہ ابن ظافر انجام دادہ این بودہ کہ کتاب الذریعہ راغب اصفہانی را، بہ عنوان یک کتاب علمی و دارای اصطلاحات تخصصی، از حوزہ فرهنگی زبان عربی بہ حوزہ فرهنگی زبان فارسی کشاندہ و عینا همان متن را ترجمہ نکردہ است، بلکہ تلاش کردہ گفتمان متن را با گفتمان فارسی‌زبانان ترکیب کند و گفتمان اخلاقی خاصی را بیافریند.

عضو ہیئت علمی دانشگاه کردستان هدف ابن ظافر را پدید آوردن اثری زندہ و پویا توصیف کرد و ادامہ داد: اخلاقی کہ در کنوز الودیعہ می‌بینیم ترکیبی از اخلاق جہان اسلام و جنبہ‌های نظری و عملی اخلاقیات ایرانی منعکس شدہ در حکمت‌ها و حکایات بزرگان ایرانی، همچون بزرگمہر و دیگران، است و ابن ظافر بہ این طریق کوشیدہ یک کتاب اخلاقی ایرانی تدوین کند.

وی افزود: از این جہت بیان دکتر شمسی در کتاب، مبنی بر این کہ کنوز الودیعہ یک ترجمہ و تألیف است و مینا این بودہ کہ اثری در زمینہ اخلاق عملی برای ایرانیان و نہ صرفا یک کتاب تئوری اخلاق برای متخصصان و اہل فن باشد، نکتہ صحیحی است.

المیر در خصوص نشر کتاب نیز گفت: کنوز الودیعہ دارای نثری فنی است کہ ہر چند گاہی غامض و پیچیدہ است اما خستہ‌کنندہ نیست و مصحح نیز

بہ گزارش روابط عمومی مؤسسہ پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیست و یکمین نشست از سلسلہ نشست‌های علمی این مؤسسہ، با موضوع «معرفی، نقد و بررسی و رونمایی از کتاب کنوز الودیعہ من رموز الشریعہ» بہ صورت مجازی و با همکاری و بیناری مؤسسہ میراث مکتوب و دانشگاه شہید بہشتی، روز ۱۰ خردادماہ ۱۳۹۹ برگزار شد.

این نشست با سخنرانی دکتر تیمور المیر، عضو ہیئت علمی دانشگاه کردستان، فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی، پژوهشگر متون ادبی و متون کهن فارسی، رضا مہام‌آذر، پژوهشگر متون و قرآن‌پژوہ، و دکتر غلامرضا شمسی، مصحح اثر و مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد و بہ میزبانی دکتر اکبر ایرانی، مدیرعامل مؤسسہ پژوهشی میراث مکتوب برگزار شد.

در ابتدای این نشست و پس از معرفی سخنرانان توسط دکتر ایرانی، دکتر المیر بہ عنوان نخستین سخنران ضمن اشارہ بہ سابقہ آشنایی خود با دکتر شمسی، از تبحر ایشان در خوشنویسی و خواندن متون کهن، فنی بودن متن کنوز الودیعہ، توانایی اجتهادی دکتر شمسی برای خواندن این متن دشوار و توفیق ایشان در تصحیح آن سخن گفت.

المیر در ادامہ با اشارہ بہ مہجور بودن «کنوز الودیعہ من رموز الشریعہ» اثر ابن ظافر شیرازی، اقدام دکتر شمسی و مؤسسہ میراث مکتوب در تصحیح و چاپ این اثر ارزشمند را شایستہ تقدیر و تبلیغ، و معرفی ہر چہ بیشتر این کتاب را ضروری دانست.

## تلاش برای تدوین اخلاق عملی برای ایرانیان در کنوز الودیعہ

وی در خصوص اهمیت کتاب کنوز الودیعہ گفت: یکی از چالش‌های ما در زمینہ اخلاق این است کہ میراث ما در این حوزہ غالباً بہ مبانی و تئوری‌ها در کنار توصیه‌های اخلاقی اختصاص یافته و در این کتاب‌ها کمتر بہ ابعاد مختلف اخلاق عملی پرداختہ شدہ است و کتاب کنوز الودیعہ یکی از آثاری است کہ می‌تواند در این زمینہ مفید باشد.

این مدرس دانشگاه تہران افزود: ہر چند در کتاب «الذریعہ الی مکارم الشریعہ» راغب اصفہانی، کہ کنوز

تلاش کرده است این غموض و پیچیدگی را در تعلیقات به بهترین وجهی برای خواننده آسان کند.

این مدرس دانشگاه تهران با اشاره به استفاده ابن ظافر از حجم زیادی از اشعار فارسی و عربی و حکایات علاوه بر مقدمه و مؤخره کتاب، گفت: نویسنده به این طریق هم مباحث را به فرهنگ ایرانی نزدیک کرده و هم کوشیده از گریزانگی مباحث تعلیمی اخلاقی بکاهد و به کتاب وجهه‌ای ادبی و جذاب ببخشد.

وی کنوز الودیعیه را گنجینه‌ای برای آشنایی با فرهنگ لغوی، فرهنگ اجتماعی و اخلاق روزگار مؤلف آن و منبعی برای پژوهش‌های زبانی و جامعه‌شناختی تاریخی توصیف کرد و با اشاره به یکی از واژه‌های مورد پژوهش خود، گفت: من معنای واژه «آزاد» را «رها» نمی‌دانم، بلکه این واژه در متون کهن به معانی بی‌عیب، سالم، تندرست و مرغوب به کار رفته است و یکی از متونی که شواهدی بر این دلالت معنایی دارد همین کنوز الودیعیه است.

### کنوز الودیعیه؛ کتابی عظیم و پراهمیت

در ادامه این نشست مجازی فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی سخن گفت و ضمن عظیم و پراهمیت خواندن کتاب کنوز الودیعیه من رموز الشریعه و تبریک به مصحح اثر، به بیان برخی نکات متنی پرداخت.

ضیایی نیز کنوز الودیعیه را ترجمه و تألیف دانست و گفت: بسیاری از آثار بزرگ ادب فارسی مانند کلیله و دمنه، هزار و یک شب و آثار پرشمار دیگری ترجمه و تألیف هستند و ابن ظافر شیرازی هم، که هم‌عصر و هم‌شهری حافظ بوده است، علاوه بر ترجمه، مواد و مطالبی بر الذریعه افزوده است؛ که بخشی از آن ۵۵۰ بیت و مصراع فارسی و عربی است.

وی در ادامه درباره سراینده برخی ابیات استفاده شده در متن بدون ذکر نام شاعر یا به عنوان ناشناخته سخن گفت و چند مورد از این اشعار را مربوط به قصیده‌ای از ظهیر فاریابی معرفی کرد؛ از جمله دو بیت «بین که چند فراز و نشیب در پیش است / ز آستان عدم تا به پیشگاه نشور / تو را مسافت دور و دراز در پیش است / بدین دو روزه اقامت چرا شوی مغرور» (صفحه ۴۳)، «بدان هوس که دهان خوش کنی ز غایت حرص / نشست‌ای مترصد که قی کند زنبور» (صفحات ۱۱۸ و

۵۳۱)، «ز کرم مرده کفن بر کنی و در پوشی / میان اهل مروت که داردت معذور» (صفحه ۱۲۰).

ضیایی درباره ظهیر فاریابی و این قصیده گفت: ظهیر فاریابی یکی از مستحکم‌ترین استوانه‌های شعر فارسی است که تا دوران صفویه هم اشعار او مورد استقبال و پیروی قرار می‌گرفته و حتی بعضی از ابیات و مصاریع او را تضمین کرده‌اند و ابیات مورد اشاره از قصیده بسیار با صلابت و مشهور او به مطلع «سپیده‌دم که شدم محرم سرای سرور / شنیدم آیت «توبوا الی الله» از لب حور» است.

وی یکی از فواید متنی مترتب بر آثاری همچون کنوز الودیعیه را کمک به تصحیح متون دیگر دانست و در این باره اظهار کرد: متونی که اشعار شاعران دیگر را در مطاوی سخن درج کرده‌اند گاهی دارای ضبط‌هایی از این اشعار هستند که از ضبط متن موجود اصلی بهتر است.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به بیت «از در جسم تا به کعبه دل / عاشقان را هزار و یک منزل» (پاورقی صفحه ۵۹) گفت: در حدیقه چاپ مرحوم مدرس رضوی بیت به صورت «از در چشم...» آمده است که ظاهراً مناسب مقام نباید باشد؛ چرا که عنوان این فصل «اندر جان و دل و تن گوید» نوشته شده و اولین بیتی که زیر این عنوان آمده و مشابه همان بیت است می‌گوید «از در تن که صاحب کله است / تا به دل صد هزار ساله ره است».

### دیگر ترجمه‌های الذریعه

در بخش بعدی این نشست رضا مهمان آذر به بیان سخنان خود پرداخت و ضمن فرخنده دانستن چاپ این اثر، گفت: ما سه کتاب به اسم الذریعه داریم؛ یکی الذریعه الی اصول الشریعه از سید مرتضی، یکی الذریعه الی تصانیف الشیعه از آقا بزرگ طهرانی و یکی هم الذریعه الی مکارم الشریعه راغب اصفهانی که کتاب حاضر ترجمه اثر راغب اصفهانی است.

وی یکی از نقیصه‌های کتاب منتشر شده را توضیح ناکافی درباره راغب اصفهانی، آثار وی و به ویژه اثر الذریعه دانست و در خصوص منابع دیگر در این موضوع گفت: مدخل راغب اصفهانی که در جلد اخیر دائره المعارف بزرگ اسلامی به چاپ رسیده چندان چنگی



ترجمه‌ها نیز استفاده کنند.

مهام آذر با اشاره به معرفی الذریعه در مقدمه مفردات راغب منتشر شده به کوشش مرحوم علامه حسن مصطفوی در سال ۱۳۳۲، گفت: ایشان در معرفی الذریعه آورده‌اند که این کتاب با عبارت «نسل الله بجموده الذی سبب الوجود» آغاز شده در حالی که در کتاب کنوز الودیعه ابتدای الذریعه ترجمه نشده و اصلاً این متن هم نیامده است.

وی ادامه داد: علاوه بر این علامه مصطفوی از کتاب آداب اللغه جرجی زیدان جلد ۳ صفحه ۴۵، نقل کرده است که «له ترجمه فارسیه فی متحف البریتانی»، ولی ما در میان نسخه‌های مورد استفاده آقای شمسی اثری از این ترجمه فارسی موجود در موزه بریتانیا نمی‌بینیم و البته نمی‌دانیم که آن ترجمه همین کنوز الودیعه است یا ترجمه دیگری است.

مهام آذر از وجود ترجمه دیگری از الذریعه در کتابخانه آیت‌الله بروجردی خبر داد و گفت: ابتدا و انتهای این نسخه خطی افتادگی دارد و کاتب، مترجم، سال کتابت و سال ترجمه آن مشخص نیست ولی مشخص است که متن کهنی است و بر خلاف کنوز الودیعه که بسیار مغلق و سخت است این ترجمه بسیار خواندنی و شیرین است.

وی با بیان این که کنوز الودیعه را به جهت افزوده‌های ابن ظافر نمی‌توان ترجمه الذریعه دانست، گفت: در حالی که کنوز حجمی سه برابر الذریعه دارد، نسخه کتابخانه بروجردی از جهت تطابق با متن الذریعه دقت بیشتری دارد و دارای ارزش ادبی بالایی است و ارزش تصحیح دارد.

مهام آذر در پایان با اشاره به الگوی برخی تصحیحات انجام شده در گذشته، پیشنهاد کرد که به منظور انباشته نشدن تعلیقات در پایان کتاب‌های تصحیحی، برخی تعلیقات، مانند ترجمه ابیات و عبارات عربی، در پایین صفحات کتاب آورده شود.

### ماجرای پیدایش کنوز الودیعه

در بخش بعدی این نشست مجازی دکتر شمسی، مصحح کنوز الودیعه، به بیان مطالب خود و ارائه توضیحاتی درباره مطالب دیگر سخنرانان پرداخت.

به دل نمی‌زند، ولی مدخل‌های الذریعه الی مکارم الشریعه و راغب اصفهانی دانشنامه جهان اسلام، که هر دو را آقای امیر احمدنژاد نگاشته، مقالات مفصل و بسیار باارزشی است و در آنجا عنوان شده که راغب اصفهانی دو کتاب اخلاقی دارد؛ یکی تفصیل النشئین که در دهه ۱۳۳۰ به فارسی ترجمه شده بود و یکی هم الذریعه که در دوران معاصر دو بار ترجمه شده است؛ یک بار در دهه ۱۳۳۰ توسط آقای حسن فرید گلپایگانی که ترجمه بسیار قابل توجهی است، و یکی هم در دهه ۱۳۷۰ از سوی سید مهدی شمس‌الدین.

مهام آذر با بیان این که اکثر مصححان در مقدمه به بیان ویژگی‌های واژگانی و توضیح تعابیر کهن به کار رفته در متن به صورت فهرست‌وار اکتفا می‌کنند، محتوای مقدمه کنوز الودیعه را از این نظر نو و بدیع خواند و اظهار کرد: دکتر شمسی در مقدمه، محتوای متن و ساختار کنوز الودیعه را تحلیل کرده‌اند و این کار جالب توجهی است.

وی تعلیقات کتاب را نیز حاوی مطالب نو فراوانی دانست و در عین حال با اشاره به مغلق و پیچیده بودن متن کنوز الودیعه، گفت: اگر کسی متن عربی الذریعه را بخواند خیلی ساده‌تر متن را می‌فهمد تا این که ترجمه ابن ظافر را بخواند و می‌توان گفت ترجمه ابن ظافر عربی‌تر از متن عربی راغب است.

مهام آذر ضمن خواندن ابیات «ز صد هزار محمد که در جهان آید / یکی به منزله جاه مصطفی نشود / اگر چه عرصه عالم پر از علی گردد / یکی به علم و سخاوت چو مرتضی نشود / جهان اگر چه ز موسی و چوب خالی نیست / یکی کلیم نگردد یکی عصا نشود»، گفت: از جمله نکاتی که در خصوص تحقیقات دکتر شمسی می‌توان به آن اشاره کرد این است که، در حالی که در کتاب ریحانه الادب مرحوم مدرس تبریزی و در کتاب روضات الجنات مرحوم خوانساری و از سوی دهخدا شاعر این سه بیت راغب اصفهانی معرفی شده، ایشان شاعر این ابیات را به درستی ادیب ترمذی دانسته‌اند.

وی درباره ترجمه ابیات عربی که در تعلیقات آمده نیز گفت: من ترجمه دکتر شمسی از ابیات عربی را با ترجمه مرحوم حسن فرید گلپایگانی تطبیق دادم و به عقیده من تقریباً در اکثر موارد مرحوم فرید ترجمه دقیق‌تر و شیواتری از اشعار عربی متن الذریعه ارائه داده‌اند و آقای شمسی می‌توانستند در این زمینه از این



شمسی در ابتدا دربارهٔ ماجرای پیدایش کنوز الودیعیه گفت: همان گونه که مؤلف در مقدمه اشاره کرده است، شاه شجاع مظفری، حاکم مشهوری که ممدوح حافظ است و به واسطه مدح‌های حافظ از این فرد، او را شخصیت مثبتی می‌دانیم، ظاهراً در برخی از روزهای هفته فضیلتی دربار را جمع می‌کرده و در این جمع کتاب‌هایی را با هم می‌خوانده‌اند و فضیلتاً دربارهٔ مطالب نظر می‌داده‌اند و از جمله کتاب‌هایی که برای مطالعه مد نظر داشته‌اند الذریعه راغب اصفهانی بوده است.

وی ادامه داد: شاه شجاع از ابن ظافر می‌خواهد که کتاب را ترجمه کند و او که ابتدا از این کار قدری واهمه داشته نهایتاً این کار را انجام می‌دهد.

شمسی گفت: ابن ظافر یک دیباچه بسیار زیبا و نسبتاً مفصل بر این کتاب نوشته و سپس دیباچه راغب را آورده و بعد متن کتاب را ترجمه کرده و در پایان هم بخشی را به عنوان خلخال به کتاب افزوده است.

استناد و استشهاد به آیات و احادیث فراوان است؛ دستهٔ دیگر آثاری است که متأثر از نگرش‌های فلسفی تعلیمی پدید آمده و دستهٔ چهارم کتاب‌های ادبیات تعلیمی عرفانی است.

شمسی با اشاره به تأثیرپذیری بسیار ابن ظافر از خواجه نصیرالدین طوسی، گفت: بخشی از دیباچه کتاب نقل یک بند از کتاب خواجه نصیر طوسی است که قطب‌الدین شیرازی هم در درهٔ التاج این عبارت را عیناً نقل کرده است.

وی همچنین دربارهٔ تأثیر ادبیات عرفانی بر کنوز الودیعیه گفت: مخزن الاسرار نظامی گنجوی از نخستین کتاب‌هایی است که به صورت منظوم در حوزهٔ ادبیات عرفانی تعلیمی ما پدید آمده‌اند؛ اما شاعری که در این کتاب بیشترین استشهاد به وی شده است سنایی است که ابن ظافر حدود ۲۰۰ بیت از اشعار وی را در کتاب خود آورده است.

## روند تصحیح و نسخه‌های مورد استفاده

شمسی در ادامه دربارهٔ نسخه‌های کنوز الودیعیه سخن گفت و با اشاره به دشواری‌های پیدا کردن این نسخ و تشکر از دکتر مال میر به خاطر راهنمایی در این زمینه، اظهار کرد: پس از حدود شش ماه تحقیق و خواندن هشت نسخه‌ای که به دست آوردیم به این نتیجه رسیدیم که سه نسخه، که مربوط به پایان قرن هشتم و ابتدای قرن نهم و نسخه‌های نفیسی هستند، هم از نظر صحت متن و هم از نظر ویژگی‌های خطی بسیار ارزنده‌اند.

مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد افزود: این سه نسخه به عنوان نسخ گروه اول مورد توجه ما قرار گرفت و در روند کار متوجه شدیم نسخه دانشگاه تهران هم از نظر صحت و هم از نظر کامل بودن متن قابل اعتنائی است.

وی یکی از نکات جالب توجه دربارهٔ این متن را تغییرات راه یافته در نسخه‌ها دانست و با اشاره به توجه اقشار گوناگون به این کتاب، گفت: کتابت کنوز الودیعیه در محیط‌های گوناگون باعث شده که نسخه‌های آن سرنوشت‌های متفاوتی پیدا کنند و گاه در جاهایی که نگرش و گفتمان مذهبی حاکم بوده برخی اشعار حذف شده و به بعضی سخنان پادشاهان عجم و حکما و

## اهمیت کنوز الودیعیه و محتوای آن

وی دربارهٔ وجوه اهمیت کنوز الودیعیه گفت: یکی از وجوه ارزشمندی کنوز الودیعیه در این است که این کتاب نمونه شاخصی از متون نثر فنی است که در قرن هشتم به زیبایی به رشته تحریر در آمده است و وجه دیگر ارزشمندی آن در این است که همان طور که شعر حافظ تلفیقی از غزلیات و سبک‌های شعری روزگاران پیش از خودش است، نویسندهٔ کنوز الودیعیه نیز با خواندن کتاب‌های تعلیم اخلاق دوره‌های پیشین، که می‌توان آن‌ها را چهار دسته دانست، و تلفیق آن‌ها، کتاب خود را پدید آورده است.

مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد افزود: هر چند خواندن نثر فنی راحت نیست اما اگر کسی کنوز الودیعیه را مطالعه کند گویی کتاب‌های ادبیات تعلیمی پیش از قرن هشتم را به نوعی مطالعه کرده است.

وی دربارهٔ چهار دسته کتاب‌های تعلیم اخلاق پیش از ابن ظافر گفت: یک دسته از این کتاب‌ها مربوط به تعلیم اخلاق ایرانشهری و مشتمل بر سخنان نقل شده از قول پادشاهان و حکمای خسروانی است که در کتاب‌های امثال ثعالبی و مسکویه می‌توانیم ببینیم؛ دستهٔ دیگر ادبیات تعلیمی اسلامی است که در آن

موبدان علاقه‌ای نشان داده نشده است و به همین خاطر کار ما برای تشخیص صحت متن دشوار بود.

شمسی با اشاره به دسترسی به نسخه بایسنغری موجود در ترکیه پس از تکمیل کار، گفت: در این نسخه فوق‌العاده زیبا که با خط نستعلیق و با نگارگری‌هایی که ما از کتاب‌های دربار بایسنغر میرزا سراغ داریم تدوین شده، علیرغم این که در اوایل قرن نهم نگارش شده است، به جهت دشواری متن کنوز الودیعیه، غلطخوانی‌های زیادی راه یافته و این به طور کلی مشکل کتاب‌هایی است که دارای نثر فنی هستند.

وی با بیان این که این اولین کاری بوده که به عنوان تصحیح انجام داده، گفت: من اصلاً تصویری از دشواری و حجم کار نداشتم و اگر از روز اول تصور درستی از ابعاد این کار داشتم شاید کمی بیشتر در انجام آن تأمل می‌کردم.

مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد افزود: به جهت گستردگی کار طبعاً نقایصی در آن راه یافته که در چاپ‌های بعدی رفع خواهد شد.

شمسی یکی از دشواری‌های این کتاب را نقطه‌گذاری آن دانست و گفت: در متون فنی و مصنوع، ما با جمله‌های پی در پی و زنجیره‌وار روبرو هستیم که ممکن است افراد برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشند و ما سعی کردیم تا حدی با استفاده از نقطه ویرگول این مشکل را حل کنیم؛ اما لازم است در چاپ بعدی به بعضی از مختصات نثر فنی اشاره شود تا برخی اشکالات که ممکن است در خواندن کتاب ایجاد شود مرتفع گردد.

وی در مورد نکته مطرح شده از سوی آقای مهام آذر مبنی بر ناکافی بودن توضیحات دربارهٔ راغب اصفهانی و آثار وی، گفت: تصور من این بود که «خیر الکلام قل و دل» و بهتر است که مطالب در این زمینه مختصر باشد.

شمسی افزود: به عنوان مثال آنچه دربارهٔ الذریعه از قول امام محمد غزالی آورده‌ایم که کتاب الذریعه را به عنوان کتاب سفر و حضر همیشه با خود داشته نشان‌دهندهٔ عظمت این کتاب است.

مصحح کنوز الودیعیه در مورد ترجمهٔ اشعار عربی نیز گفت: من چند بار ترجمه ابیات و عبارات عربی را بررسی و اصلاح کرده‌ام اما ادعایی در زمینهٔ ترجمه

ندارم چرا که کار دشواری است.

وی در مورد نسخه‌های دیگر ترجمه‌های الذریعه نیز گفت: امیدوارم این امکان فراهم شود که دیگر نسخه‌ها را هم ببینم اما من نسخهٔ کتابخانه آیت‌الله بروجردی را بررسی کرده و علاقه داشته‌ام که آن را تصحیح و منتشر کنم و قدری هم روی این نسخه کار کرده‌ام اما به صورت جدی نبوده است؛ چرا که اول و آخر این نسخه افتاده است و در چنین شرایطی نتیجهٔ کار خوب و منقح از آب در نمی‌آید و به همین خاطر باید منتظر کشف نسخه‌های دیگری از آن بود.

شمسی در پایان با بیان این که در زمینهٔ تصحیح نسخ خطی هیچ ارادهٔ جدی در کشور ما وجود ندارد، اظهار کرد: به عنوان مثال بنده برای تصحیح یک نسخهٔ خطی چند سال کار کرده و مهارت‌هایی ابتدایی پیدا کرده‌ام، اما با وجود این که نسخه‌های زیادی برای تصحیح وجود دارد و دانشجویی مثل من شاید بتواند کاری انجام دهد کسی نیست که در این امر سرمایه‌گذاری کند تا ما هم بتوانیم وقت بگذاریم و این گنجینه‌ها منتشر شوند.

# بیاد دکتر محمد امین ریاحی

به مناسبت نود و هفتمین سالگرد تولد استاد



با حضور



دکتر ابوالفضل خطیبی

پژوهش‌های دکتر ریاحی درباره فردوسی و شاهنامه



دکتر مریم مشرف

دکتر ریاحی و شعر پژوهی - نوشته‌های استاد درباره کسایی و حافظ



الوند بهاری

نکته‌هایی از زندگی، شخصیت، و خدمات فرهنگی دکتر ریاحی

سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹، ساعت ۲۱ تا ۲۲:۳۰  
بخش زنده در صفحه اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
به نشانی @mirasmaktoob



«الذریعه الی مکارم الشریعه» راغب اصفهانی، که کنوز الودیعه ترجمه و شرح آن است، نیز مباحث اخلاق عملی آمده اما کاری که ابن ظافر انجام داده مبتنی کردن اخلاق عملی بر مباحث تئوریک است و از این جهت کنوز الودیعه کتاب ارزشمندی است.

وی با اشاره به دشواری انتقال و ترجمه برخی علوم از زبانی به زبان دیگر، از علم بلاغت به عنوان نمونه‌ای از این موارد یاد کرد و گفت: علم بلاغت اسلامی برای تبیین اعجاز قرآن ایجاد شده و در مرحله بعد برای نشان دادن ارزش‌های فصاحت و بلاغت در حدیث و بعد شعر به کار رفته است.

مالمیر ادامه داد: این دانش، با همان چارچوب‌های بلاغت عربی، به زبان فارسی منتقل شده و هر چند در بخش بیان، که دانشی جهانی است، کاربردی است، اما به دانش معانی که می‌رسیم می‌بینیم که این دانش برای نقد و تحلیل متون ادبی به کار فارسی‌زبانان نمی‌آید.

وی دانش اخلاق را هم از همین سنخ دانست و گفت: کاری که ابن ظافر انجام داده این بوده که کتاب الذریعه راغب اصفهانی را، به عنوان یک کتاب علمی و دارای اصطلاحات تخصصی، از حوزه فرهنگی زبان عربی به حوزه فرهنگی زبان فارسی کشانده و عیناً همان متن را ترجمه نکرده است، بلکه تلاش کرده گفتمان متن را با گفتمان فارسی‌زبانان ترکیب کند و گفتمان اخلاقی خاصی را بیافریند.

عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان هدف ابن ظافر را پدید آوردن اثری زنده و پویا توصیف کرد و ادامه داد: اخلاقی که در کنوز الودیعه می‌بینیم ترکیبی از اخلاق جهان اسلام و جنبه‌های نظری و عملی اخلاقیات ایرانی منعکس شده در حکمت‌ها و حکایات بزرگان ایرانی، همچون بزرگمهر و دیگران، است و ابن ظافر به این طریق کوشیده یک کتاب اخلاقی ایرانی تدوین کند.

وی افزود: از این جهت بیان دکتر شمس‌ی در کتاب، مبنی بر این که کنوز الودیعه یک ترجمه و تألیف است و مینا این بوده که اثری در زمینه اخلاق عملی برای ایرانیان و نه صرفاً یک کتاب تئوری اخلاق برای متخصصان و اهل فن باشد، نکته صحیحی است.

مالمیر در خصوص نشر کتاب نیز گفت: کنوز الودیعه دارای نثری فنی است که هر چند گاهی غامض و

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیست و یکمین نشست از سلسله نشست‌های علمی این مؤسسه، با موضوع «معرفی، نقد و بررسی و رونمایی از کتاب کنوز الودیعه من رموز الشریعه» به صورت مجازی و با همکاری و بیناری مؤسسه میراث مکتوب و دانشگاه شهید بهشتی، روز ۱۰ خردادماه ۱۳۹۹ برگزار شد.

این نشست با سخنرانی دکتر تیمور مالمیر، عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان، فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی، پژوهشگر متون ادبی و متون کهن فارسی، رضا مهام‌آذر، پژوهشگر متون و قرآن‌پژوه، و دکتر غلامرضا شمس‌ی، مصحح اثر و مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد و به میزبانی دکتر اکبر ایرانی، مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب برگزار شد.

در ابتدای این نشست و پس از معرفی سخنرانان توسط دکتر ایرانی، دکتر مالمیر به عنوان نخستین سخنران ضمن اشاره به سابقه آشنایی خود با دکتر شمس‌ی، از تبحر ایشان در خوشنویسی و خواندن متون کهن، فنی بودن متن کنوز الودیعه، توانایی اجتهادی دکتر شمس‌ی برای خواندن این متن دشوار و توفیق ایشان در تصحیح آن سخن گفت.

مالمیر در ادامه با اشاره به مهجور بودن «کنوز الودیعه من رموز الشریعه» اثر ابن ظافر شیرازی، اقدام دکتر شمس‌ی و مؤسسه میراث مکتوب در تصحیح و چاپ این اثر ارزشمند را شایسته تقدیر و تبلیغ، و معرفی هر چه بیشتر این کتاب را ضروری دانست.

## تلاش برای تدوین اخلاق عملی برای ایرانیان در کنوز الودیعه

وی در خصوص اهمیت کتاب کنوز الودیعه گفت: یکی از چالش‌های ما در زمینه اخلاق این است که میراث ما در این حوزه غالباً به مبانی و تئوری‌ها در کنار توصیه‌های اخلاقی اختصاص یافته و در این کتاب‌ها کمتر به ابعاد مختلف اخلاق عملی پرداخته شده است و کتاب کنوز الودیعه یکی از آثاری است که می‌تواند در این زمینه مفید باشد.

این مدرس دانشگاه تهران افزود: هر چند در کتاب



پیچیده است اما خسته‌کننده نیست و مصحح نیز تلاش کرده است این غموض و پیچیدگی را در تعلیقات به بهترین وجهی برای خواننده آسان کند.

این مدرس دانشگاه تهران با اشاره به استفاده ابن ظافر از حجم زیادی از اشعار فارسی و عربی و حکایات علاوه بر مقدمه و مؤخره کتاب، گفت: نویسنده به این طریق هم مباحث را به فرهنگ ایرانی نزدیک کرده و هم کوشیده از گریزانندگی مباحث تعلیمی اخلاقی بکاهد و به کتاب وجهه‌ای ادبی و جذاب ببخشد.

وی کنوز الودیعیه را گنجینه‌ای برای آشنایی با فرهنگ لغوی، فرهنگ اجتماعی و اخلاق روزگار مؤلف آن و منبعی برای پژوهش‌های زبانی و جامعه‌شناختی تاریخی توصیف کرد و با اشاره به یکی از واژه‌های مورد پژوهش خود، گفت: من معنای واژه «آزاد» را «رها» نمی‌دانم، بلکه این واژه در متون کهن به معانی بی‌عیب، سالم، تندرست و مرغوب به کار رفته است و یکی از متونی که شواهدی بر این دلالت معنایی دارد همین کنوز الودیعیه است.

### کنوز الودیعیه؛ کتابی عظیم و پراهمیت

در ادامه این نشست مجازی فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی سخن گفت و ضمن عظیم و پراهمیت خواندن کتاب کنوز الودیعیه من رموز الشریعه و تبریک به مصحح اثر، به بیان برخی نکات متنی پرداخت.

ضیایی نیز کنوز الودیعیه را ترجمه و تألیف دانست و گفت: بسیاری از آثار بزرگ ادب فارسی مانند کلیله و دمنه، هزار و یک شب و آثار پرشمار دیگری ترجمه و تألیف هستند و ابن ظافر شیرازی هم، که هم‌عصر و هم‌شهری حافظ بوده است، علاوه بر ترجمه، مواد و مطالبی بر الذریعه افزوده است؛ که بخشی از آن ۵۵۰ بیت و مصراع فارسی و عربی است.

وی در ادامه درباره سراینده برخی ابیات استفاده شده در متن بدون ذکر نام شاعر یا به عنوان ناشناخته سخن گفت و چند مورد از این اشعار را مربوط به قصیده‌ای از ظهیر فاریابی معرفی کرد؛ از جمله دو بیت «بین که چند فراز و نشیب در پیش است / ز آستان عدم تا به پیشگاه نشور / تو را مسافت دور و دراز در پیش است / بدین دو روزه اقامت چرا شوی مغرور» (صفحه ۴۳)، «بدان هوس که دهان خوش کنی ز غایت حرص /

نشسته‌ای مترصد که قی کند زنبور» (صفحات ۱۱۸ و ۵۳۱)، «ز کرم مرده کفن بر کنی و در پوشی / میان اهل مروت که داردت معذور» (صفحه ۱۲۰).

ضیایی درباره ظهیر فاریابی و این قصیده گفت: ظهیر فاریابی یکی از مستحکم‌ترین استوانه‌های شعر فارسی است که تا دوران صفویه هم اشعار او مورد استقبال و پیروی قرار می‌گرفته و حتی بعضی از ابیات و مصاریع او را تضمین کرده‌اند و ابیات مورد اشاره از قصیده بسیار با صلابت و مشهور او به مطلع «سپیده‌دم که شدم محرم سرای سرور / شنیدم آیت «توبوا الی الله» از لب حور» است.

وی یکی از فواید متنی مترتب بر آثاری همچون کنوز الودیعیه را کمک به تصحیح متون دیگر دانست و در این باره اظهار کرد: متونی که اشعار شاعران دیگر را در مطاوی سخن درج کرده‌اند گاهی دارای ضبط‌هایی از این اشعار هستند که از ضبط متن موجود اصلی بهتر است.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به بیت «از در جسم تا به کعبه دل / عاشقان را هزار و یک منزل» (پاورقی صفحه ۵۹) گفت: در حدیقه چاپ مرحوم مدرس رضوی بیت به صورت «از در چشم...» آمده است که ظاهراً مناسب مقام نباید باشد؛ چرا که عنوان این فصل «اندر جان و دل و تن گوید» نوشته شده و اولین بیتی که زیر این عنوان آمده و مشابه همان بیت است می‌گوید «از در تن که صاحب کله است / تا به دل صد هزار ساله ره است».

### دیگر ترجمه‌های الذریعه

در بخش بعدی این نشست رضا مهمام آذر به بیان سخنان خود پرداخت و ضمن فرخنده دانستن چاپ این اثر، گفت: ما سه کتاب به اسم الذریعه داریم؛ یکی الذریعه الی اصول الشریعه از سید مرتضی، یکی الذریعه الی تصانیف الشیعه از آقا بزرگ طهرانی و یکی هم الذریعه الی مکارم الشریعه راغب اصفهانی که کتاب حاضر ترجمه اثر راغب اصفهانی است.

وی یکی از نقیصه‌های کتاب منتشر شده را توضیح ناکافی درباره راغب اصفهانی، آثار وی و به ویژه اثر الذریعه دانست و در خصوص منابع دیگر در این موضوع گفت: مدخل راغب اصفهانی که در جلد اخیر دائره

داده‌اند و آقای شمسی می‌توانستند در این زمینه از این ترجمه‌ها نیز استفاده کنند.

مهام آذر با اشاره به معرفی الذریعه در مقدمه مفردات راغب منتشر شده به کوشش مرحوم علامه حسن مصطفوی در سال ۱۳۳۲، گفت: ایشان در معرفی الذریعه آورده‌اند که این کتاب با عبارت «سئل الله بجموده الذی سبب الوجود» آغاز شده در حالی که در کتاب کنوز الودیعه ابتدای الذریعه ترجمه نشده و اصلاً این متن هم نیامده است.

وی ادامه داد: علاوه بر این علامه مصطفوی از کتاب آداب اللغه جرجی زیدان جلد ۳ صفحه ۴۵، نقل کرده است که «له ترجمه فارسیه فی متحف البریتانی»، ولی ما در میان نسخه‌های مورد استفاده آقای شمسی اثری از این ترجمه فارسی موجود در موزه بریتانیا نمی‌بینیم و البته نمی‌دانیم که آن ترجمه همین کنوز الودیعه است یا ترجمه دیگری است.

مهام آذر از وجود ترجمه دیگری از الذریعه در کتابخانه آیت‌الله بروجردی خبر داد و گفت: ابتدا و انتهای این نسخه خطی افتادگی دارد و کاتب، مترجم، سال کتابت و سال ترجمه آن مشخص نیست ولی مشخص است که متن کهنی است و بر خلاف کنوز الودیعه که بسیار مغلق و سخت است این ترجمه بسیار خواندنی و شیرین است.

وی با بیان این که کنوز الودیعه را به جهت افزوده‌های ابن ظافر نمی‌توان ترجمه الذریعه دانست، گفت: در حالی که کنوز حجمی سه برابر الذریعه دارد، نسخه کتابخانه بروجردی از جهت تطابق با متن الذریعه دقت بیشتری دارد و دارای ارزش ادبی بالایی است و ارزش تصحیح دارد.

مهام آذر در پایان با اشاره به الگوی برخی تصحیحات انجام شده در گذشته، پیشنهاد کرد که به منظور انباشته نشدن تعلیقات در پایان کتاب‌های تصحیحی، برخی تعلیقات، مانند ترجمه ابیات و عبارات عربی، در پایین صفحات کتاب آورده شود.

### ماجرای پیدایش کنوز الودیعه

در بخش بعدی این نشست مجازی دکتر شمسی، مصحح کنوز الودیعه، به بیان مطالب خود و ارائه توضیحاتی درباره مطالب دیگر سخنرانان پرداخت.

المعارف بزرگ اسلامی به چاپ رسیده چندان چنگی به دل نمی‌زند، ولی مدخل‌های الذریعه الی مکارم الشریعه و راغب اصفهانی دانشنامه جهان اسلام، که هر دو را آقای امیر احمدنژاد نگاشته، مقالات مفصل و بسیار باارزشی است و در آنجا عنوان شده که راغب اصفهانی دو کتاب اخلاقی دارد؛ یکی تفصیل النشئین که در دهه ۱۳۳۰ به فارسی ترجمه شده بود و یکی هم الذریعه که در دوران معاصر دو بار ترجمه شده است؛ یک بار در دهه ۱۳۳۰ توسط آقای حسن فرید گلپایگانی که ترجمه بسیار قابل توجهی است، و یکی هم در دهه ۱۳۷۰ از سوی سید مهدی شمس‌الدین.

مهام آذر با بیان این که اکثر مصححان در مقدمه به بیان ویژگی‌های واژگانی و توضیح تعابیر کهن به کار رفته در متن به صورت فهرست‌وار اکتفا می‌کنند، محتوای مقدمه کنوز الودیعه را از این نظر نو و بدیع خواند و اظهار کرد: دکتر شمسی در مقدمه، محتوای متن و ساختار کنوز الودیعه را تحلیل کرده‌اند و این کار جالب توجهی است.

وی تعلیقات کتاب را نیز حاوی مطالب نو فراوانی دانست و در عین حال با اشاره به مغلق و پیچیده بودن متن کنوز الودیعه، گفت: اگر کسی متن عربی الذریعه را بخواند خیلی ساده‌تر متن را می‌فهمد تا این که ترجمه ابن ظافر را بخواند و می‌توان گفت ترجمه ابن ظافر عربی‌تر از متن عربی راغب است.

مهام آذر ضمن خواندن ابیات «ز صد هزار محمد که در جهان آید / یکی به منزله جاه مصطفی نشود / اگر چه عرصه عالم پر از علی گردد / یکی به علم و سخاوت چو مرتضی نشود / جهان اگر چه ز موسی و چوب خالی نیست / یکی کلیم نگردد یکی عصا نشود»، گفت: از جمله نکاتی که در خصوص تحقیقات دکتر شمسی می‌توان به آن اشاره کرد این است که، در حالی که در کتاب ریحانه الادب مرحوم مدرس تبریزی و در کتاب روضات الجنات مرحوم خوانساری و از سوی دهخدا شاعر این سه بیت راغب اصفهانی معرفی شده، ایشان شاعر این ابیات را به درستی ادیب ترمذی دانسته‌اند.

وی درباره ترجمه ابیات عربی که در تعلیقات آمده نیز گفت: من ترجمه دکتر شمسی از ابیات عربی را با ترجمه مرحوم حسن فرید گلپایگانی تطبیق دادم و به عقیده من تقریباً در اکثر موارد مرحوم فرید ترجمه دقیق‌تر و شیواتری از اشعار عربی متن الذریعه ارائه

شمسی در ابتدا درباره ماجرای پیدایش کنوز الودیعیه گفت: همان گونه که مؤلف در مقدمه اشاره کرده است، شاه شجاع مظفری، حاکم مشهوری که ممدوح حافظ است و به واسطه مدح‌های حافظ از این فرد، او را شخصیت مثبتی می‌دانیم، ظاهراً در برخی از روزهای هفته فضلالی دربار را جمع می‌کرده و در این جمع کتاب‌هایی را با هم می‌خوانده‌اند و فضلالی درباره مطالب نظر می‌داده‌اند و از جمله کتاب‌هایی که برای مطالعه مد نظر داشته‌اند الذریعه راغب اصفهانی بوده است.

وی ادامه داد: شاه شجاع از ابن ظافر می‌خواهد که کتاب را ترجمه کند و او که ابتدا از این کار قدری واهمه داشته نهایتاً این کار را انجام می‌دهد.

شمسی گفت: ابن ظافر یک دیباچه بسیار زیبا و نسبتاً مفصل بر این کتاب نوشته و سپس دیباچه راغب را آورده و بعد متن کتاب را ترجمه کرده و در پایان هم بخشی را به عنوان خلخال به کتاب افزوده است.

### اهمیت کنوز الودیعیه و محتوای آن

وی درباره وجوه اهمیت کنوز الودیعیه گفت: یکی از وجوه ارزشمندی کنوز الودیعیه در این است که این کتاب نمونه شاخصی از متون نثر فنی است که در قرن هشتم به زیبایی به رشته تحریر در آمده است و وجه دیگر ارزشمندی آن در این است که همان طور که شعر حافظ تلفیقی از غزلیات و سبک‌های شعری روزگاران پیش از خودش است، نویسنده کنوز الودیعیه نیز با خواندن کتاب‌های تعلیم اخلاق دوره‌های پیشین، که می‌توان آن‌ها را چهار دسته دانست، و تلفیق آن‌ها، کتاب خود را پدید آورده است.

مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد افزود: هر چند خواندن نثر فنی راحت نیست اما اگر کسی کنوز الودیعیه را مطالعه کند گویی کتاب‌های ادبیات تعلیمی پیش از قرن هشتم را به نوعی مطالعه کرده است.

وی درباره چهار دسته کتاب‌های تعلیم اخلاق پیش از ابن ظافر گفت: یک دسته از این کتاب‌ها مربوط به تعلیم اخلاق ایرانشهری و مشتمل بر سخنان نقل شده از قول پادشاهان و حکمای خسروانی است که در کتاب‌های امثال ثعالبی و مسکویه می‌توانیم ببینیم؛ دسته دیگر ادبیات تعلیمی اسلامی است که در آن استناد و استشهاد به آیات و احادیث فراوان است؛ دسته دیگر آثاری است که متأثر از نگرش‌های فلسفی

تعلیمی پدید آمده و دسته چهارم کتاب‌های ادبیات تعلیمی عرفانی است.

شمسی با اشاره به تأثیرپذیری بسیار ابن ظافر از خواجه نصیرالدین طوسی، گفت: بخشی از دیباچه کتاب نقل یک بند از کتاب خواجه نصیر طوسی است که قطب‌الدین شیرازی هم در دره التاج این عبارت را عیناً نقل کرده است.

وی همچنین درباره تأثیر ادبیات عرفانی بر کنوز الودیعیه گفت: مخزن الاسرار نظامی گنجوی از نخستین کتاب‌هایی است که به صورت منظوم در حوزه ادبیات عرفانی تعلیمی ما پدید آمده‌اند؛ اما شاعری که در این کتاب بیشترین استشهاد به وی شده است سنایی است که ابن ظافر حدود ۲۰۰ بیت از اشعار وی را در کتاب خود آورده است.

### روند تصحیح و نسخه‌های مورد استفاده

شمسی در ادامه درباره نسخه‌های کنوز الودیعیه سخن گفت و با اشاره به دشواری‌های پیدا کردن این نسخ و تشکر از دکتر مال میر به خاطر راهنمایی در این زمینه، اظهار کرد: پس از حدود شش ماه تحقیق و خواندن هشت نسخه‌ای که به دست آوردیم به این نتیجه رسیدیم که سه نسخه، که مربوط به پایان قرن هشتم و ابتدای قرن نهم و نسخه‌های نفیسی هستند، هم از نظر صحت متن و هم از نظر ویژگی‌های خطی بسیار ارزنده‌اند.

مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد افزود: این سه نسخه به عنوان نسخ گروه اول مورد توجه ما قرار گرفت و در روند کار متوجه شدیم نسخه دانشگاه تهران هم از نظر صحت و هم از نظر کامل بودن متن قابل اعتنائتری است.

وی یکی از نکات جالب توجه درباره این متن را تغییرات راه یافته در نسخه‌ها دانست و با اشاره به توجه اقشار گوناگون به این کتاب، گفت: کتابت کنوز الودیعیه در محیط‌های گوناگون باعث شده که نسخه‌های آن سرنوشت‌های متفاوتی پیدا کنند و گاه در جاهایی که نگرش و گفتمان مذهبی حاکم بوده برخی اشعار حذف شده و به بعضی سخنان پادشاهان عجم و حکما و موبدان علاقه‌ای نشان داده نشده است و به همین خاطر کار ما برای تشخیص صحت متن دشوار بود. شمسی با اشاره به دسترسی به نسخه بایسنغری

نسخه‌ها را هم ببینم اما من نسخه کتابخانه آیت‌الله بروجردی را بررسی کرده و علاقه داشته‌ام که آن را تصحیح و منتشر کنم و قدری هم روی این نسخه کار کرده‌ام اما به صورت جدی نبوده است؛ چرا که اول و آخر این نسخه افتاده است و در چنین شرایطی نتیجه کار خوب و منقح از آب در نمی‌آید و به همین خاطر باید منتظر کشف نسخه‌های دیگری از آن بود.

شمسی در پایان با بیان این که در زمینه تصحیح نسخ خطی هیچ اراده جدی در کشور ما وجود ندارد، اظهار کرد: به عنوان مثال بنده برای تصحیح یک نسخه خطی چند سال کار کرده و مهارت‌هایی ابتدایی پیدا کرده‌ام، اما با وجود این که نسخه‌های زیادی برای تصحیح وجود دارد و دانشجویی مثل من شاید بتواند کاری انجام دهد کسی نیست که در این امر سرمایه‌گذاری کند تا ما هم بتوانیم وقت بگذاریم و این گنجینه‌ها منتشر شوند.

موجود در ترکیه پس از تکمیل کار، گفت: در این نسخه فوق العاده زیبا که با خط نستعلیق و با نگارگری‌هایی که ما از کتاب‌های دربار بایسنغر میرزا سراغ داریم تدوین شده، علیرغم این که در اوایل قرن نهم نگارش شده است، به جهت دشواری متن کنوز الودیع، غلطخوانی‌های زیادی راه یافته و این به طور کلی مشکل کتاب‌هایی است که دارای نثر فنی هستند.

وی با بیان این که این اولین کاری بوده که به عنوان تصحیح انجام داده، گفت: من اصلاً تصویری از دشواری و حجم کار نداشتم و اگر از روز اول تصور درستی از ابعاد این کار داشتم شاید کمی بیشتر در انجام آن تأمل می‌کردم.

مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد افزود: به جهت گستردگی کار طبعاً نقایصی در آن راه یافته که در چاپ‌های بعدی رفع خواهد شد.

شمسی یکی از دشواری‌های این کتاب را نقطه‌گذاری آن دانست و گفت: در متون فنی و مصنوع، ما با جمله‌های پی در پی و زنجیره‌وار روبرو هستیم که ممکن است افراد برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشند و ما سعی کردیم تا حدی با استفاده از نقطه ویرگول این مشکل را حل کنیم؛ اما لازم است در چاپ بعدی به بعضی از مختصات نثر فنی اشاره شود تا برخی اشکالات که ممکن است در خواندن کتاب ایجاد شود مرتفع گردد.

وی در مورد نکته مطرح شده از سوی آقای مهام آذر مبنی بر ناکافی بودن توضیحات درباره‌ی راغب اصفهانی و آثار وی، گفت: تصور من این بود که «خیر الکلام قل و دل» و بهتر است که مطالب در این زمینه مختصر باشد.

شمسی افزود: به عنوان مثال آنچه درباره‌ی الذریعه از قول امام محمد غزالی آورده‌ایم که کتاب الذریعه را به عنوان کتاب سفر و حضر همیشه با خود داشته نشان‌دهنده عظمت این کتاب است.

مصحح کنوز الودیع در مورد ترجمه اشعار عربی نیز گفت: من چند بار ترجمه ابیات و عبارات عربی را بررسی و اصلاح کرده‌ام اما ادعایی در زمینه ترجمه ندارم چرا که کار دشواری است.

وی در مورد نسخه‌های دیگر ترجمه‌های الذریعه نیز گفت: امیدوارم این امکان فراهم شود که دیگر



# نسخ خطی فارسی در هند با نگاهی به نسخ تصحیح نشده

سخنرانان:



**پرفسور سیدحسین عباس**

رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه هندوی بنارس

و رئیس سابق کتابخانه رضا رامپور

تصحیح متون فارسی در هند (با نگاهی به آثار آزاد بلگرامی) و لزوم مشارکت علمی با نهادهای ایرانی



**دکتر احسانالله شکراللهی**

رئیس مرکز تحقیقات فارسی هند

میراث فارسی در هند و بایسته‌های پژوهشی



**دکتر سیدنقی عباس (کیفی)**

پژوهشگر ملی بورسیه تاگور

و کارشناس نسخ خطی در موزه ملی هند

وضع شاعران و شعر فارسی در هند، فهرست‌ها و تذکره‌ها، و ضرورت همکاری هند با ایران و میراث مکتوب



کارشناس این نشست:

**دکتر سمیه شکری**

پژوهشگر و مدرس

یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۹، ساعت ۱۹ تا ۲۱  
پخش زنده در صفحه اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
به نشانی @mirasmaktoob

پذیرفته است و طبعاً مطالعات جدید افق‌های جدیدی بر روی ما می‌گشاید و کتاب آقای عباس درباره آزاد از ستون‌های استوار تحقیق می‌باشد و یکی از برجسته‌ترین ادیبان و سخن‌شناسان در هند با این کتاب به طور مشخص و کامل شناسانده شده است.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به انجام پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی متعدد توسط پروفیسور عباس در طول بیش از ۲۵ سالی که از پیام گذشته، گفت: ایشان تاکنون جایزه سعدی را از ایران و جایزه غالب دهلوی را در هند دریافت کرده‌اند و جدیدترین کار ایشان که به زودی از سوی مؤسسه میراث مکتوب چاپ می‌شود کلیات دیوان فارسی آزاد بلگرامی است. از دیگر آثار و فعالیت‌های علمی او در زمینه تصحیح متون و نقد ادبی می‌توان به «دو رساله در نقد ادبی»، «مثنوی ناله شبگیر»، «تذکره شعرای رام‌پور»، رساله «احقاق حق» و «جواب شافی» از وارسته سیالکوتی، رساله «هدایه السلطانیه» از یوسف بلگرامی، رساله «شرح بیت امیر خسرو» از جامی و مقالات علمی پژوهشی متعدد اشاره کرد.

### جایگاه آزاد بلگرامی



در ادامه پروفیسور سیدحسین عباس به بیان سخنان خود پرداخت و در ابتدا با درود به روح استاد ایرج افشار، گفت: ایشان برای من هم راهنما و هم استاد بودند و من را به طرف نسخه‌های خطی و ترجمه آثار ایران‌شناسان بزرگ هند، مانند پروفیسور نذیر احمد، پروفیسور امیرحسین عابدی و اساتید دیگر که در هند زندگی و برای فارسی کار و کوشش می‌کردند، سوق

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیست و سومین نشست از سلسله نشست‌های علمی این مؤسسه با موضوع «نسخ خطی فارسی در هند با نگاهی به نسخ تصحیح نشده» روز یکشنبه ۱۷ خردادماه ۱۳۹۹ به صورت مجازی در [صفحه اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب](#) برگزار شد.

در این نشست پروفیسور سیدحسین عباس، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هندویی بنارس و رئیس سابق کتابخانه رضا رامپور با موضوع «تصحیح متون فارسی در هند (با نگاهی به آثار آزاد بلگرامی)» و لزوم مشارکت علمی با نهادهای ایرانی، دکتر احسان‌الله شکراللهی، رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی هند، با موضوع «میراث فارسی در هند و بایسته‌های پژوهشی»، دکتر سیدنقی عباس (کیفی)، پژوهشگر ملی بورسیه تاگور و کارشناس نسخ خطی در موزه ملی هند، با موضوع «وضع شاعران و شعر فارسی در هند، فهرست‌ها و تذکره‌ها، و ضرورت همکاری هند با ایران و میراث مکتوب» و خانم دکتر سمیه شگری، پژوهشگر و مدرس، سخن گفتند.

خانم دکتر شگری، به عنوان کارشناس این نشست، در ابتدا در معرفی پروفیسور سیدحسین عباس، گفت: پروفیسور عباس در سال ۱۳۳۹ شمسی در ایالت بیهار هند متولد شدند. زبان اصلی‌شان اردو است و تا مقطع فوق لیسانس در رشته اردو تحصیل کردند. ایشان پس از آن در ایران مقاطع فوق لیسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی را گذارند و از آن زمان تاکنون بی‌وقفه به تحقیق در زبان فارسی پرداخته‌اند. پروفیسور عباس یکی از چهره‌هایی هستند که زبان فارسی چه امروز و چه در آینده به ایشان افتخار خواهد کرد.

وی ادامه داد: موضوع رساله دکتری پروفیسور، «احوال و آثار آزاد بلگرامی» بوده و مرحوم ایرج افشار در مقدمه‌ای که در سال ۱۳۷۳ بر این کتاب نوشته‌اند از وسعت تحقیقات و مطالعات آقای عباس در زمینه آثار زبان فارسی تألیف در قلمرو هندوستان و دقت پژوهش وی تمجید کرده و رساله دکتری ایشان را از نمونه‌های خوب تحقیق و تجسس در ادبیات فارسی‌پردازان هندوستان دانسته‌اند و با اشاره به این که ایرانیان اطلاعات وسیعی در این زمینه ندارند، گفته است: آنچه خاورشناسان در این زمینه نوشته‌اند همگی کهنگی

بوده و ماده تاریخ‌های فراوانی در عربی و فارسی دارد و می‌توان گفت در ماده تاریخ‌گویی حریف نداشت.

## گنجینه نسخ خطی هند و موانع بهره‌برداری از آنها

در ادامه خانم دکتر شگری با اشاره به ناشناخته ماندن آزاد بلگرامی در ایران، گفت: متأسفانه آثاری که در هند به چاپ می‌رسد به دست ایرانیان نمی‌رسد و از این طرف هم آثاری که در ایران چاپ می‌شود در هند پخش نمی‌شود. هر چند ممکن است فایل پی‌دی‌اف در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرد اما نسخه چاپی به دستشان نمی‌رسد و پرینت فایل‌های پی‌دی‌اف هم هزینه‌بر است. پیشتر شما فرموده بودید که یکی از مشکلاتی که دانشگاه‌های دارای کرسی زبان فارسی در هند دارند این است که سرفصل‌های درسی آن‌ها از ۵۰ سال پیش تا کنون تغییری نکرده است و علت آن هم این است که کتاب‌های جدید به دست آن‌ها نمی‌رسد.

وی گروه زبان فارسی دانشگاه کشمیر را با بیش از ۲۰۰ دانشجو یکی از گروه‌های فعال زبان فارسی شبه‌قاره توصیف کرد و گفت: حتی در این منطقه نیز که از نظر فرهنگی و ظاهری به ایران نزدیکتر است و مردم بسیار به فرهنگ ایرانی مشتاق هستند، دسترسی به کتب فارسی دشوار است.

وی گفت: وقتی کرسی‌های زبان فارسی در هند دارند فعالیت می‌کنند حداقل کار این است که ما بتوانیم منابع را برای آن‌ها فراهم کنیم. شاید لازم است مجموعه‌ای در این زمینه فعالیت جدی داشته باشد. چنین مرکزی می‌تواند ضمن ایجاد روابط میان مراکز علمی و کتابخانه‌های دو کشور، جریان تبادل اطلاعات و علم جدید و انتشارات جدید را تسهیل کرده، از پژوهشگران حمایت کند و مانع دوباره‌کاری‌های احتمالی شود و در مجموع کلید بسیاری از مشکلات می‌تواند باشد.

این محقق و پژوهشگر در ادامه خطاب به پروفسور عباس گفت: من اطلاع دارم که شما ۳۰ کتاب نوشته‌اید که هنوز چاپ نشده و در مسیر انتشار باقی مانده است و اگر این کتاب‌ها چاپ شود دنیا و مخصوصاً ایرانیان که باید قدردان باشند، با فعالیت‌های شما بیشتر آشنا می‌شوند. ما مشتاقیم خیلی سریعتر آثار بیشتری را از شما بخوانیم.

رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هندوی بنارس ادامه داد: کتاب من درباره آزاد بلگرامی در واقع رساله من در دانشگاه تهران بود که با توصیه استاد جعفر شهیدی توسط بنیاد موقوفات افشار منتشر شد. در حال حاضر قصد دارم این کتاب را با یافته‌های دیگری که از آن زمان تاکنون داشته‌ام تکمیل و دوباره چاپ کنم.

وی گفت: آزاد بلگرامی بزرگترین شاعر دو زبانه بود که تا به حال، نه به اردو و نه به فارسی، کتابی درباره او منتشر نشده است. او اشعار زیادی دارد که هنوز چاپ نشده است. من یک مجموعه از مقالات اساتید و پژوهشگران هند، از علامه شبلی تا به حال را که به اردو درباره آزاد نوشته‌اند جمع کرده‌ام که توسط دانشجویی از دانشگاه جواهر لعل نهرو به زبان اردو ترجمه شده و آن هم ان‌شاءالله برای اردوزبانان چاپ خواهد شد.

این دوست من آقای عارف نوشاهی بود که به من پیشنهاد کرد روی آزاد بلگرامی کار کنم و گفت آزاد کسی است که باید به ایرانیان شناسنده و کتاب‌های او باید چاپ شود. تا آن زمان بیش از دو سه کتاب از او چاپ نشده بود و حالا دو سه کتاب دیگر او هم چاپ شده اما هنوز آثار او کامل به چاپ نرسیده است.

پروفسور عباس در خصوص مقام و جایگاه آزاد بلگرامی گفت: یکی از شاگردان هندو مذهب میرغلامعلی آزاد بلگرامی، با نام لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی که بسیار لایق و فایق بوده در تمام آثار خود از استادش بسیار با احترام سخن گفته است و در یکی از کتاب‌هایش ابیاتی در وصف استاد خود دارد که با عبارت «لامکان است مقام آزاد» شروع می‌شود. خود آزاد هم می‌گوید «در عرب دیوان ما هم شورها افکنده است / گرم دارد بزم‌ها را شعله الحان ما». آزاد بلگرامی یک نابغه بود که در نعت‌گویی و در قصیده‌گویی به عربی و فارسی سروده‌های فراوانی دارد که اگر گردآوری شود یک کتاب ارزشمند خواهد بود؛ ولی متأسفانه بیش از چند قصیده از نعت و منقبت پیغمبر (ص) چیز دیگری از او به دست نیامده است.

رئیس سابق کتابخانه رضا رامپور درباره دیوان فارسی آزاد بلگرامی گفت: این دیوان دربردارنده حدوداً ۹ تا ۱۰ هزار بیت غزل، مثنوی، نعت، قصیده و قطعات ماده تاریخ است. آزاد یکی از اساتید ماده تاریخ گویی



## عدم همکاری مناسب مراکز و کتابخانه‌های هند با پژوهشگران ایرانی

وی درباره این پرسش که علت عدم همکاری مناسب مراکز و کتابخانه‌های هند با پژوهشگران ایرانی چیست، گفت: علت این که دانشجویان و پژوهشگران همواره با این مشکل مواجه می‌شوند این است که هر کتابخانه قانونی برای خود دارد اما اگر کسی پیگیری کند این موانع برطرف می‌شود. البته این موانع همه جا وجود دارد اما پژوهشگران می‌توانند با مکاتبه با آن مراکز و از طریق تبادل کتاب و یا عکس نسخ خطی که در اختیار دارند، که منجر به غنی شدن هر دو طرف این تبادل می‌شود، این موانع را برطرف کنند. اصولاً کتابخانه به دنبال این است که کتاب‌ها و نسخه‌ها را افزایش دهد تا مراجعان بیشتری داشته باشد.

رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هندویسی بنارس گفت: یکی از مشکلاتی که حتی در ایران هم دیده می‌شود این است که بعضی از مسئولان بخش نسخه‌های خطی افرادی هستند که هیچ علاقه‌ای به مخزن یا بخش خود ندارند. بنابراین وقتی که برای دریافت نسخه می‌روید و تلاش می‌کنید درد شما را نمی‌فهمد و درک نمی‌کند که شما، که چه بسا از شهر دیگری برای این کار مراجعه کرده باشید، چقدر به آن نسخه نیاز دارید و ممکن است شما را روزها به بهانه‌ها مختلف معطل کنند.

پروفسور عباس در بخشی از این نشست با مرور خاطراتش در ایران از دکتر احمد تفضلی، خانم دکتر ژاله آموزگار، دکتر سادات حسن ناصری، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر جلیل تجلیل، دکتر مظاهر مصفا، دکتر جعفر شهیدی و دکتر غلامرضا ستوده و دکتر شفیعی کدکنی به عنوان استادان خود و یا اساتیدی که در زمان حضورش در ایران در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشتند نام برد.

این پژوهشگر هندی زبان و ادبیات فارسی در ادامه سخنان خود به یکی دیگر از آثار آزاد بلگرامی پرداخت و گفت: آزاد کتابی به عربی به نام «سبحه المرجان فی آثار هندوستان» دارد که کتاب بسیار جالبی است. این کتاب در چهار فصل تدوین شده است. موضوع فصل اول آن اشاراتی است که در روایات و احادیث به هندوستان شده است که گردآوری چنین مطالبی کار دشواری بوده است. فصل دوم آن نیز به سوانح و احوال علما و روحانیون هند اختصاص دارد و برای اولین بار

وی با اشاره به وجود نسخه‌های خطی فارسی فراوان در هند و ضمن بیان این که شمار آن‌ها به بیش از یک میلیون می‌رسد، ادامه داد: اگر اشتباه نکنم زبان فارسی هفتصد سال زبان رسمی هند بوده، اما جالب و جذاب است که کشوری که الان افراد زیادی در آن به فارسی صحبت نمی‌کنند گنجینه‌ای از این زبان و فرهنگ فارسی را در خود جای داده که هر کدام آن می‌تواند برای ما باب جدیدی را باز کند.

### وضعیت تصحیح نسخ خطی در هند

پروفسور عباس نیز در خصوص تعداد نسخه‌های فارسی در هند گفت: ما اطلاع دقیقی از تعداد این نسخه‌ها نداریم چون فرامین، اسناد و دست نوشته‌های فراوانی در موزه‌ها و یا در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شود که همچون بسیاری از نسخه‌ها هنوز فهرست نشده‌اند و ما نمی‌دانیم که تعداد آنها چقدر است.

وی در مورد وضعیت تصحیح نسخ خطی در هند گفت: در حال حاضر دانشجویان دوره پیش دکترا یا دکترا به تصحیح گرایش دارند اما کار تصحیح فقط گرفتن کتاب و نسخه و نقل نویسی آن نیست، بلکه مستلزم شناختن خط، خواندن خط، شناختن کاغذ و مواردی دیگر است. این دست امور هم نیازمند تدریس در دانشگاه‌هاست. نکته دیگر آن است که از آنجا که این کار در هند از نظر اقتصادی دستاوردی ندارد، افراد با شوق و ذوق به سمت این کار نمی‌آیند. علاوه بر این تصحیح کار زمانبری است اما یک دانشجوی فرصت محدود دو یا سه ساله‌ای دارد و معمولاً بیش از این زمان وقت صرف یافتن نسخه‌ها و نکته‌ها نمی‌کند. این را نیز در نظر بگیرید که ممکن است یک نسخه از یک کتاب در دهلی، یکی در لاهور، یکی در تهران و یکی در لندن باشد و نتیجتاً کار پرزحمت‌تر خواهد شد. بنابراین باید مرکزی وجود داشته باشد که این کار تسهیل کند.

پروفسور عباس ادامه داد: در عین حال در گذشته آقای سعید نفیسی و آقای دکتر معین به هند آمدند و میکروفیلم هزارن نسخه را جمع‌آوری کردند و به دانشگاه تهران بردند. اما هنوز کار چندانی بر روی آن میکروفیلم‌ها نشده است. اما در هر صورت مرکزی باید باشد که از پاریس، برلین، لندن و هند و پاکستان و جاهای دیگر این نسخه‌ها را گردآوری کند تا در مرحله بعد دانشجویان و پژوهشگران بتوانند در روند سهیل‌تری به پژوهش روی نسخه‌ها بپردازند.



در هند در یک کتاب چنین مطالبی آمده است. فصل سوم نیز به صنایع بدیعی و استعاره و مجاز اختصاص دارد. فصل چهارم این کتاب هم درباره حالات عشق و صفات معشوق است. او در این بخش سیمای معشوق در فرهنگ عرب و فرهنگ ایران را با سیمای معشوق در هند مقایسه کرده است.

وی ادامه داد: آزاد مطالبش را در دو فصل آخر اکثراً از سرزمین هند و از سانسکریت گرفته و به عربی ترجمه کرده و شواهدی هم از عربی و شاعران عرب آورده است و به عنوان سوغات به سرزمین‌های عربی فرستاده است. بعداً شاگردان آزاد بلگرامی، یعنی شفیق اورنگ‌آبادی و میرعبدالقادر مهربان اورنگ‌آبادی، از استاد خود خواستند که این دو بخش را برای ایرانی‌ها به فارسی ترجمه کند و او این کار را کرد و شواهدی که در این ترجمه آورده تماماً از شاعران فارسی‌گوی ایران و هند است؛ که این کار هم خیلی مشکل است. بعضی وقت‌ها هم که مثال نبوده خود آزاد شعر گفته است.

رئیس سابق کتابخانه رضا رامپور افزود: این ترجمه خود کتاب مستقلاً به نام «غزلان الهند» نام گرفته که توسط آقای سیروس شمیسا تصحیح و منتشر شده است. البته ایشان در چاپ کتاب عنوان آن را «غزالان الهند» گفته که اشتباه است؛ چرا که عنوان این کتاب خود ماده تاریخ است و دلالت بر سال تألیف یعنی ۱۱۷۸ق دارد و اگر «الف» به آن اضافه شود بر سال ۱۱۷۹ دلالت دارد.

## فعالیت‌های مرکز تحقیقات زبان فارسی هند



در ادامه دکتر احسان‌الله شکراللهی، رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی هند، سخن گفت و ضمن سپاس از مدیریت مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب برای

برگزاری این نشست مجازی، به تشریح فعالیت‌های مرکز تحت مدیریت خود پرداخت و گفت: مرکز تحقیقات زبان فارسی هند که ۴۰ سال پیش شکل گرفته تاکنون کارهای ارزنده‌ای انجام شده است. طی سه دهه نخست فعالیت این مرکز فهرست نسخه‌های خطی تعدادی از کتابخانه‌های هند فراهم و تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با متون فارسی پشتیبانی و منتشر شد. علاوه بر این‌ها یکی از کارهای ارزشمند صورت گرفته انتشار یک مجله تخصصی در حوزه تاریخ ادبیات و زبان فارسی به نام «قند پارسی» است که شاید از ماندگارترین کارهای مرکز باشد. یکی دیگر از فعالیت‌های مرکز برپایی جلسات ادبی است که از زمان جناب ابطحی آغاز شد و به طور خاص از زمان دکتر قزوه رونق گرفت. این جلسات ماهانه به پیشنهاد یکی از استادان مدعو از دانشگاه دهلی به نام «انجمن ادبی بیدل» خوانده شد. انتشار فرهنگ چهار زبانه آریان (فارسی، هندی انگلیسی، اردو) را نیز می‌توان یکی دیگر از عمده‌ترین فعالیت‌های مرکز تحقیقات زبان فارسی هند به شمار آورد.

وی با اشاره به وجود فراز و نشیب‌هایی در فعالیت‌های این مرکز، گفت: زمانی با توجه به وجود منابع مالی و پشتیبانی بودجه‌ای امکان کارهای فراوان وجود داشته است. در شرایطی که دانش‌آموختگان زبان فارسی در هند با مشکل اشتغال مواجه هستند، مرکز تحقیقات زبان فارسی یکی از جاهایی بود که در مقاطعی توانست از فارسی‌آموزان پشتیبانی کند و در نتیجه آنها هم سر شوق می‌آمدند که فارسی را بهتر بیاموزند و دنبال نسخه‌ها باشند و متن‌های فاخر و ارزنده‌ای را چاپ کنند.

## وضعیت زبان و نسخ خطی فارسی در هند

شکراللهی در پاسخ به پرسشی از وضعیت آموزش زبان فارسی و تصحیح نسخ خطی فارسی در دانشگاه‌های هند، گفت: علیرغم این که موج پرداختن به زبان فارسی تا حدی در هند فروکش کرده اما همچنان دانشگاه‌هایی هستند که زبان فارسی را تدریس می‌کنند. می‌توان گفت حدود ۴۰ دانشگاه در مقاطع فوق لیسانس، پیش دکتوری و دکتوری کرسی زبان فارسی دارند و شاید ۱۲۰ دانشگاه هم کالج آموزش زبان فارسی را در حد لیسانس دارند. علاوه بر این‌ها احتمالاً حدود ۷۰ تا ۸۰ مدرسه علمی نیز وجود دارد که در کنار آموزش علوم اسلامی، زبان فارسی را هم

دکتر شکراللهی در ادامه در پاسخ به پرسشی در مورد خطوط به کار رفته در نسخ فارسی هند و مسائل مربوط به خط در تصحیح نسخ هند گفت: نسخ هند از نظر خط متنوع‌اند، در نگارش بعضی از آن‌ها خط تحریری به کار رفته است اما خط عمده نسخه‌های متأخر نزدیک به شکسته است. خط شکسته در هرات پدید آمد و هرات هم بیشترین ارتباط فرهنگی را با شبه قاره داشته و به همین دلیل این خط خیلی زود در فضای فرهنگی شبه قاره نفوذ کرد و بسیاری از کاتبان نسخه‌ها را با این خط نوشتند و امروزه کسانی که به سمت پژوهش متن می‌روند در خواندن خط شکسته با مشکل مواجه هستند.

رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی هند ادامه داد: بعد از رسمیت یافتن زبان اردو، خط آن هم، که به همان شیوه نستعلیق نوشته می‌شد، در هندوستان به رسمیت شناخته شد. اما ما در ایران به سمت خط نسخ رفتیم که به نظر من اشتباه نبوده؛ چرا که خوانایی را فدای زیبایی نکردیم. اساساً به نظر من یکی از علت‌های قوت یافتن زبان فارسی در ایران همین انتخاب درست خط نسخ به جای خط نستعلیق است. خط نستعلیق فقط توسط قلم و دست خوب و زیبا نوشته می‌شود. الان شما کتاب‌های تایپ شده به خط نستعلیق اردو را که ببینید آن زیبایی را ندارد؛ چرا که قواعدی در خوشنویسی وجود دارد که نمی‌توان آنها را در تایپ نستعلیق رعایت کرد و فقط با طراحی می‌توان آن را پیاده کرد که به این شیوه هم سرعت کار بسیار پایین می‌آید.

وی افزود: به همین دلیل هم تقاضا برای یادگیری خط شکسته در هند زیاد است و معمولاً در دانشگاه‌هایی که برای سخنرانی حضور پیدا می‌کنم با درخواست برگزاری کارگاه شکسته‌خوانی روبرو می‌شوم. در این کارگاه‌ها ما ضمن بیان شیوه‌های مختلف نوشتن حروف در خط شکسته، به صورت گروهی به خواندن نمونه‌هایی از متون می‌پردازیم.

### بایسته‌های پژوهشی در حوزه نسخه‌های خطی

رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی هند با اشاره به نیمه کاره ماندن فهرست‌های تدوین شده از سوی این مرکز، گفت: پس از این که این فعالیت به هر علتی

وی با بیان این مطلب که اصولاً اسلام را در شبه قاره با زبان فارسی می‌شناسند، اظهار کرد: یکی از عزیزان تعبیر بسیار زیبایی داشت به این مضمون که اسلام وقتی به سمت شرق حرکت کرد تا ایران را سوار با اسب عربی فتح کرد اما از ایران به بعد از اسب عربی پیاده و سوار بر اسب فارسی شد. تقریباً می‌توان گفت که تمام شبه قاره اسلام را از رهگذر زبان فارسی به دست آوردند و بسیاری از متون پدید آمده در زبان فارسی در هند به مباحث فقهی و سایر علوم دینی به ویژه مباحث مربوط به تصوف و عرفان مربوط می‌شود. بسیاری از متونی که در زبان فارسی در زمینه عرفان پدید آمده در هند استنساخ شده چون برای بسیاری از هندیان نگاه صوفیانه و عارفانه به دین اسلام جذاب‌تر و با آموزه‌های دینی هندو و سیک و سایر نحله‌های هندی همخوان‌تر بوده است.

شکراللهی شبه‌قاره هند را گسترده‌ترین سرزمینی که در آن زبان فارسی رایج بوده خواند و گفت: شبه قاره منطقه بسیار وسیعی است که تقریباً در اکثر نقاط آن زبان فارسی حضور و نفوذ داشته است. فارسی علاوه بر این که زبان رسمی دولت هندوستان بود زبان اهل فکر و فرهنگ و فرزندان نیز بود و آثار مکتوب توسط این قشر است که پدید می‌آید. در واقع اگر هم مردم عادی به زبان دیگری سخن می‌گفته‌اند اما اهل قلم به زبان فارسی تسلط داشته‌اند. همان طور که در ایران قبل از قرن چهارم بیشتر آثار به زبان عربی پدید آمد.

رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی هند افزود: از آنجا که بزرگترین عرصه جولان زبان فارسی هندوستان بوده به همین نسبت هم بیشترین نسخه‌های خطی فارسی در این منطقه وجود دارد. هر چند این ارزیابی نسبی است و هنوز هیچ شمارش دقیقی انجام نشده است. اما در این حد می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از نسخ خطی موجود در هند، که مجموع آن را یک تا ۵ میلیون نسخه ارزیابی کرده‌اند، به زبان فارسی است.

وی با اشاره به تلاش مرحوم احمد منزوی برای فهرست‌نویسی نسخ فارسی هند گفت: مرحوم منزوی به هند آمد و قصد داشت همان کاری را که در پاکستان انجام داده بود در هند هم انجام دهد اما ویزای ایشان تمدید نشد و این طرح نیمه کاره ماند و هنوز بخشی از فیش‌های ایشان در بایگانی مرکز نگهداری می‌شود.

ادامه پیدا نکرد، مرکز میکروفیلم نور شکل گرفت تا به صورت تخصصی در حوزه نسخه‌های خطی کار کنند. آنها هم بخشی از کار را انجام دادند اما باز هم کارها شد. از طرفی خانه فرهنگ ایران در هند، که یکی از بزرگترین خانه‌های فرهنگ ماست، به علت وسعت هند و وسعت تقاضاها و برنامه‌ها عملاً فرصتی برای پرداختن به نسخه‌های خطی ندارد. مأموریت خود من از طرف بنیاد سعدی در درجه اول معطوف به آموزش زبان فارسی، اعم از آموزش در سطوح ابتدایی، برگزاری کارگاه برای ارتقای کیفیت آموزش‌ها در مراکز مختلف، بررسی سرفصل‌های درسی، تولید متون آموزشی و ارتقای آنهاست. بنابراین موضوع نسخه‌های خطی همچنان بر زمین مانده است.

شکراللهی با اشاره به علاقه شخصی برای برداشتن گام‌هایی در زمینه نسخ خطی، گفت: من تا به حال چند بار به بخش نسخ خطی موزه ملی هند پیغام داده و یک بار هم حضوراً مراجعه کرده و از آنها درخواست داشته‌ام که اجازه دهند در فهرست‌نویسی نسخ فارسی به آنها کمک کنم و هر چند در ابتدا قول مساعد داده شد اما به هر دلیلی این امکان میسر نشد. امیدوارم با حضور آقای دکتر نقی عباس (کیفی) در مقام کارشناس شرایط این همکاری فراهم شود. اما به نظر من، در درجه اول، حتماً باید از طرف ایران یک عزم جدی به این مسئله معطوف شود تا نسخه‌ها شناسایی و فهرست آنها نوشته شود و در مرحله نهایی متون ارزنده‌تر از نگاه ما، احیا شود.

وی درباره انواع متون فارسی هند، اظهار کرد: یک دسته از این متون در حوزه ادبیات محض قرار می‌گیرد که برای اهل ادبیات جذاب و حائز اهمیت است. بخشی از آنها کتب تاریخ است که از آنجا که تاریخ هند تا حد زیادی با تاریخ ما گره خورده و بسیاری از مناسبات و روابط فرهنگی و سیاسی را می‌شود از این کتاب‌ها دریافت، برای ما مهم هستند. بخشی از متون هم به جامعه و فرهنگ و مردم‌شناسی هند مربوط است که از آنجا که هند همیشه برای ایرانیان جذاب بوده و آن را به عنوان کشور عجایب می‌شناخته‌اند و هنوز هم می‌شناسند، پرداختن به این متون هم می‌تواند مناسب باشد. بنابراین مسئولان باید اهتمام ویژه‌ای برای نسخ هند به کار گیرند.

رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی هند با شکایت از بی‌توجهی به این حوزه، گفت: ما شاهد بودیم که

برای یک همایش چند روزه در مورد مسائل مربوط به ایران برای اردوستانیان بودجه قابل توجهی صرف و علاوه بر برگزاری همایش، چهل عنوان کتاب نیز چاپ شد، ولی با وجود این که همیشه به ما گفته‌اند مهمترین محور استراتژی فرهنگی کشور گسترش زبان فارسی است، به قدری بودجه وجود ندارد که ما کتاب‌های درسی آموزشی را که در بنیاد سعدی تألیف شده، با توجه به بالا بودن هزینه نقل و انتقال، در هند بازچاپ کنیم و یا به انتشار کتاب‌های روزآمدتر برای آموزش در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه هند، کمک کنیم.

وی با اشاره به گفتگوهایی که پیش از آمدن به هند با افراد دارای تجربه حضور در این کشور داشته، گفت: یکی از نکات زیبایی که در این گفتگوها شنیدم از رایزن اسبق فرهنگی آقای دکتر فولادی بود که می‌گفتند ما هر چقدر هم بخواهیم برای زبان فارسی در هند هزینه کنیم چندین برابر آن را دولت هند دارد از طریق برپا نگه داشتن گروه‌های زبان فارسی هزینه می‌کند. شما تصور کنید در شرایطی که دایر کردن یک گروه زبان در یک دانشگاه هزینه‌های بالایی دارد، در حال حاضر نزدیک به ۱۰۰ کالج و دانشگاه در هند در سطح لیسانس و دکتری، زبان فارسی را تدریس می‌کنند.

شکراللهی ضمن ناکافی دانستن اقدامات صورت گرفته برای این گروه‌ها، گفت: تا کنون در رایزنی فرهنگی چهار عنوان کتاب چاپ شده است که به هیچ عنوان پاسخگوی نیاز هند به این عظمت نیست. این چهار جلد کتاب در واقع حاصل کار ۹ استاد در یک هفته و بسیار ناقص است.

وی با اشاره به بررسی‌ای که در مورد سرفصل‌های درسی دانشگاه‌های هند انجام داده، گفت: من حاصل این بررسی را در جدولی در ۱۰۰ صفحه آورده‌ام و در آنجا مشخص شده که هر دانشگاهی در هر موضوعی چه متون و مباحثی را محور قرار داده و بر این اساس می‌توان دست به تألیف کتبی زد که پاسخگوی نیاز اکثر شعب آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های هند باشد.

شکراللهی در ادامه با اشاره مجدد به حضور گسترده زبان فارسی در هند، گفت: روزی آقای چندر شیکهر که یکی از استادان برجسته زبان فارسی در هند هستند با من تماس گرفتند و گفتند من الان برای دفاع یک رساله دکتری در دانشگاه امراوتی هستم که تا پیش از



داشته‌اند که باید بیشتر روی این موضوع کار شود اما ما فقط شاهد اقدامات مقطعی و بی اثر مراکز فرهنگی هستیم و پس از مدتی این موضوع به دست فراموشی سپرده می‌شود.

### مجلات فارسی شبه‌قاره

دکتر شکراللهی در ادامه دربارهٔ مجلات فارسی شبه‌قاره گفت: در هند مجلات خوبی به فارسی منتشر می‌شود اما مانند مجله «قند پارسی» که مرکز تحقیقات فارسی منتشر می‌کند امکان چاپ و انتشار فصلی ندارد و عملاً به صورت سالنامه درآمده است. مجله «تحقیقات فارسی» دانشگاه دهلی، مجله «نقد و تحقیق» که به همت دکتر کیفی منتشر می‌شود، مجله «دانش» دانشگاه کشمیر، مجله «دانش» پاکستان مهمترین این مجلات هستند. البته مجله‌ای هم به زبان انگلیسی و با عنوان «جامعهٔ ایرانیان» در کلکته منتشر می‌شود که موضوع آن زبان فارسی و روابط فرهنگی با ایران است.

وی با اشاره به فعالیت‌های دکتر نقی عباس کیفی، تربیت چنین فرزندی را یکی از بزرگترین کارهای دکتر حسن عباس توصیف کرد و گفت: دکتر کیفی حقیقتاً مایه افتخار هستند. ایشان مدرس زبان فارسی در دانشگاه دهلی و جاهای دیگر بوده‌اند و جزو معدود کسانی هستند که زبان فارسی را کاملاً مسلط و مانند ایرانی‌ها صحبت می‌کنند. همچنین ایشان پژوهشگری توانا هستند که مقالات متعددی نوشته‌اند. جالب است که در خوشنویسی هم دستی دارند و ورودی پیدا کرده‌اند و از همه اینها بالاتر خلاقیت ایشان در زبان فارسی و شعرگویی است.

خانم دکتر شکری نیز در همین رابطه گفت: من فکر می‌کنم افرادی مانند دکتر نقی عباس کیفی، دکتر عزیز مهدی، دکتر اکبرشاه و کسانی که در حال حاضر دارند در هند در زمینهٔ زبان فارسی کار می‌کنند و ارتباطات زیادی با ایران دارند نسلی خواهند بود که در شکوفایی زبان فارسی در هند و شناساندن فرهنگ آن به نسل‌های جدید، حرکت جدیدی ایجاد کنند. امیدواریم که دولت ایران نیز این تلاش را قدر بداند و از طریق مؤسسات مربوطه کمک کند تا اقدامات لازم در زمینهٔ تحصیح و انتشار نسخ، انتشار کتاب و مجلات، آموزش زبان فارسی و تولید محتوا، که تا حدی پیش رفته، با وجود این فعالان، پویاتر و اثربخش‌تر پیش رود.

این اصلاً نمی‌دانستم چنین دانشگاهی وجود دارد، اما امروز که به اینجا آمده‌ام اطلاع یافته‌ام این دانشگاه گروه فعالی در رشتهٔ زبان فارسی با ۱۲۰۰ دانشجو در مقاطع لیسانس تا دکترا دارد. بنابراین آثار زبان فارسی را در گوشه گوشه هند می‌توان دید و از شمال تا جنوب هند و از شرق تا غرب آن زبان فارسی حضور دارد. فقط در دهلی در سه دانشگاه و یک کالج زبان فارسی تدریس می‌شود این غیر از حوزه‌های علمیه و آموزشگاه‌های آزاد زبان فارسی است.

رئیس مرکز تحقیقات زبان فارسی هند ادامه داد: بخشی از کسانی که در کالج‌ها زبان فارسی را می‌خوانند کسانی هستند که باید یک زبان دوم را یاد بگیرند و از آنجا که ممکن است آموختن زبان‌های دیگر برای‌شان سخت باشد، به دلیل مشترکاتی که در حروف و کلمات فارسی و اردو وجود دارد و کار آن‌ها را برای گرفتن مدرک آسان‌تر می‌کند، فارسی را انتخاب می‌کنند. البته در همین دوره‌های کوتاه مدت نیز کسانی به زبان فارسی علاقه‌مند می‌شوند و در ادامه آن را از طریقه‌های دیگر دنبال می‌کنند.

وی با اشاره به انگیزهٔ گروهی دیگر از فارسی‌آموزان گفت: بسیاری از شرکت‌کنندگان در دوره‌های ما هدف خود را از یادگیری زبان فارسی بهره‌مندی از گنجینهٔ ادب پدید آمده در این زبان عنوان می‌کنند و اکثراً از مولانا و بعضاً از حافظ و سعدی نام می‌برند. بنابراین در شرایطی که در حوزهٔ ادبیات منظوم، هیچ کشوری، چه به لحاظ کمیت و چه به لحاظ کیفیت، گنجینه‌ای مانند ادبیات فارسی ندارد، باید از فرصت‌سوزی، که بدتر از کتابسوزی است، پرهیز کنیم و برای شناساندن این ادبیات در جهان بیش از پیش فعال باشیم.

شکراللهی با اشاره به پدید آمدن بخشی از این میراث در شبه‌قاره، از امیر خسرو دهلوی به عنوان کسی که معاصر با حافظ بیشترین متن منظوم زبان فارسی را پدید آورده یاد کرد و گفت: هنوز مجموعه آثار امیر خسرو دهلوی چاپ نشده است و اگر ما میراث‌داران، آثاری را که گستره وسیع زبان فارسی قدیم بشریت کرده جدی نگیریم به خودمان ظلم کرده‌ایم.

وی با تأکید بر اهمیت بسته‌بندی کالا فرهنگی برای برانختن توجه مخاطبان، گفت: ما باید آثار بزرگان ادبیات فارسی را با به‌گزینی و به صورت چندزبانه با ترجمه‌های فاخر عرضه کنیم تا دنیا ادبیات ما را بشناسد. اما در حالی که مقام رهبری هم تأکید



رایزنی فرهنگی دهلی نو معرفی شده‌اند و تصاویر آن‌ها در آنجا موجود است و ما می‌توانیم فایل‌های هر کدام را نیز به صورت جداگانه در اختیار پژوهشگران قرار دهیم.

دکتر شکراللهی در پایان اهمیت برخی از کتاب‌های چاپ سنگی را گوشزد کرد و ضمن تأکید بر ضرورت چاپ مجدد برخی از کتب، گفت: کتاب‌های چاپ سنگی اگر چه یک یا چند بار چاپ شده‌اند اما به دلیل جنس بد کاغذشان در معرض نابودی هستند و به خاطر این که بعضی از آنها فقط نسخه چاپ سنگی‌شان باقی مانده و دیگر اثری از نسخه خطی آنها نیست، لازم است مورد توجه قرار گیرند. خوب است که استادان زبان فارسی و استادان متن‌پژوهی در ایران دانشجویان را تشویق کنند که به سمت تصحیح و چاپ امروزی این نسخه‌ها، که چه بسا از نسخه‌های خطی تصحیح نشده مهمتر هستند، بروند.

### شعر و شاعران فارسی در هند



بخش بعدی نشست به سخنان دکتر سید نقی عباس کیفی با موضوع «شعر و شاعران فارسی در هند» پرداخت اختصاص داشت که خانم دکتر شکری با اشاره به معرفی‌ای که پیشتر از ایشان انجام گرفت، افزود: دکتر عباس کیفی بسیار دقیق، مشتاق و علاقه‌مند در زمینه زبان و ادبیات فارسی کار می‌کنند و تاکنون دو مجموعه شعر فارسی، یکی در هند و یکی در ایران، از ایشان منتشر شده است.

دکتر عباس کیفی هم با سپاس از مؤسسه میراث مکتوب برای برگزاری این نشست، درباره شعر فارسی در هند گفت: هند یکی از سرزمین‌هایی است که از دیرزمان تا الان جایگاه شعر فارسی بوده است. شعر

دکتر شکراللهی نیز با بیان این که نمی‌توان بهانه نبود منابع برای پشتیبانی از این بخش را از دولت پذیرفت، گفت: من با توجه به تجربیات و مشاهداتم اطلاعاتی از منابع و بودجه‌های مصرفی در بخش‌های مختلف دارم و می‌توانم بگویم که قطعاً بودجه زبان فارسی در هند یک هزارم بودجه مصرفی ایران در هند را هم به خود اختصاص نمی‌دهد. البته جناب خواجه پیری، مسئول بخش میکرو فیلم مؤسسه بین‌المللی نور، با این تخمین من موافق نبودند و معتقد بودند این مبلغ شاید یک ده هزارم هم نباشد. اما در هر صورت جای این پرسش وجود دارد که اگر ما در هند زبان فارسی را جدی نگیریم کجا می‌خواهیم جدی بگیریم.

### دشواری‌های تأمین نسخه از کتابخانه‌های هند

وی در رابطه با شیوه تأمین نسخه از کتابخانه‌های هند نیز گفت: اکثر کتابخانه‌های هند بر اساس یک قانون غلط یک سوم یا یک چهارم نسخه را در اختیار قرار می‌دهند و این در حالی است که بزرگترین فیلسوف کتابدار جهان که یک هندی به نام شیالی رامامریتا رانگاناتان است و پدر کتابداری لقب گرفته در پنج اصلی که مطرح کرده و دنیا این اصول را به عنوان اصول کتابداری و به نام او پذیرفته است تأکید دارد که کتاب‌ها برای مطالعه‌اند و باید به خواننده و متقاضی کتاب و وقت او احترام گذاشته شود. اما می‌بینیم که توصیه‌های کسی که جهان سخنش را پذیرفته، در کشور خودش رعایت نمی‌شود.

شکراللهی با اشاره به برخی تلاش‌هایش برای دسترس‌پذیر کردن نسخ خطی فارسی موجود در ایران برای پژوهشگران هندی، اعلام آمادگی کرد که در صورتی که پژوهشگری در دسترسی به نسخ فارسی هند با موانعی روبرو شد اقدامات ممکن را برای دسترسی وی به نسخ انجام دهد.

وی از دکتر رسول جعفریان یاد کرد و ضمن تمجید از اقدام او که با بارگذاری و ارائه رایگان نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس سنت حسنه‌ای را پایه‌گذاری کرد، گفت: خوشبختانه به تاسی از ایشان و با تأثیر ایشان در سایر کتابخانه‌ها و مخصوصاً کتابخانه ملی نیز نسخه‌ها فهرست شد و تصاویر آن‌ها در اختیار پژوهشگران قرار گرفت. مرکز تحقیقات زبان فارسی هند هم حدود ۵۰۰ نسخه خطی دارد که در سایت خانه فرهنگ یا سایت

زبان فارسی جهت داده شده و هم برای زبان فارسی و آثار آن قدمی هر چند کوچک برداشته خواهد شد.

## فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی فارسی هند

عباس کیفی دربارهٔ فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی فارسی هند نیز گفت: نسخه‌ها عموماً فهرست نشده‌اند و بیشتر فهرست‌هایی هم که چاپ شده مربوط به قبل از استقلال هند است. فهرست‌های چاپ شده هم روش‌های گوناگونی دارند؛ بعضی فهرست‌ها توضیحات زیادی دارند و برای مثال فهرست سالار جنگ ممکن است دربارهٔ یک نسخه ۱۰ تا ۲۰ صفحه توضیح داده باشد؛ بعضی فهرست‌ها هم فقط نام نسخه، نام نویسنده و شماره نسخه را آورده‌اند. بنابراین تدوین فهرست‌های استاندارد هم می‌تواند یک زمینه همکاری میراث مکتوب با دانشمندان و نهادهای علمی هند باشد.

کارشناس نسخ خطی در موزه ملی هند با اشاره به در دست انتشار بودن ترجمه فارسی فهرست نسخه‌های دانشگاه بنارس از سوی مؤسسه میراث مکتوب، آن را گام ارزشمندی دانست و افزود: بیشتر فهرست‌هایی که الان در دسترس ما هستند به زبان انگلیسی است و اگر این فهرست‌ها به فارسی چاپ شود کار خوبی است. در مرحله بعد هم مناسب است که به سراغ فهرست‌های اجمالی برویم و آنها را تفصیل بدهیم و برای کتابخانه‌هایی که اصلاً فهرست ندارند، فهرست نوشته شود.

وی ضمن بیان این مطلب که موزه ملی هند پس از هفت دهه هنوز یک فهرست منظم از نسخ ندارد، از عزم مسئولان دولتی برای تدوین فهرست نسخ این مجموعه خبر داد و گفت: با چاپ فهرست موزه ملی هند راه پژوهش در نسخه‌های این مجموعه هموارتر خواهد شد.

عباس کیفی در عین حال با تأکید بر ضرورت ارائه آموزش مناسب به علاقه‌مندان زبان فارسی در زمینه نسخه‌پژوهی و حمایت مالی از این فعالیت، گفت: ممکن است کسی به ادبیات فارسی علاقه داشته باشد اما در وهله اول به علت نداشتن اطلاعات و مهارت‌های لازم گرایشی به فهرست‌نویسی نسخ و کار روی نسخه‌ها نداشته باشد و در اینجاست که زمینه‌هایی باید فراهم شود که دانشجویان به این کار علاقه پیدا کنند و به

فارسی البته همچنان جذابیت گذشتهٔ خود را دارد؛ با این تفاوت که پس از استقلال هند رونق آن در شبه قاره کم شده است. در واقع دست کم تا زمان اقبال لاهوری توجه به شعر فارسی بیشتر بود اما پس از استقلال هند کم کم از تعداد شاعران کاسته شد و اکنون چند شاعر بیشتر نداریم که به فارسی شعر می‌گویند.

وی ادامه داد: پس از استقلال هند از میان ادیبان و سخنورانی که فقط در زمینه شعر و با تمام توجه کار می‌کردند نام پروفیسور ولی‌الحق انصاری و دکتر غلام مجتبی کرمانی بالای فهرست است. این سخنوران، شعر فارسی را تا دو دهه پیش از ما ادامه دادند و پس از یک خلاء حدوداً دو دهه‌ای نسل ما به این عرصه وارد شدند و الان ۱۰ تا ۱۵ شاعر هستیم که به فارسی شعر می‌گوییم و از این میان چند نفر، از جمله خود من، هم صاحب مجموعه منتشر شده هستیم.

دکتر عباس کیفی ضمن بیان اینکه بیشتر این شاعران به استقبال اشعار شاعران قدیم رفته و اشعار خود را در قالب کلاسیک سروده‌اند، افزود: از جمله کسانی که الان در عرصه شعر فارسی فعالیت می‌کنند پروفیسور سید فاطمه بلقیس حسینی هستند که به شعر سپید گرایش دارند. دکتر عزیز مهدی هم که سال‌ها در ایران بوده و با قالب‌های شعری معاصر بیشتر آشناست در این زمینه کار می‌کند. دکتر عزیز مهدی البته یک مجموعه ترجمه اشعار شاعران معاصر ایرانی را هم به انگلیسی چاپ کرده است. آقای مهدی باقرخان، آقای اخلاق آهن و دوستان دیگر هم در زمینه شعر فعال هستند و خوشبختانه الان شاهد ظهور و رشد گروهی از شاعران جوان در هند هستیم.

این شاعر پارسی‌گوی هندی در مورد ارتباط نسل جدید هند با زبان فارسی گفت: در حال حاضر زبان فارسی در دانشگاه‌های هند تدریس می‌شود و افرادی این رشته را انتخاب می‌کنند و تا مقطع دکترا آن را ادامه می‌دهند، اما اصلی‌ترین مشکلی که با آن مواجهه هستند آینده شغلی است. با توجه به این که امکانات هم در حال کم شدن است، اگر کسی هم علاقه‌مند و توانمند باشد خود را با مانع شغل مواجه می‌بیند.

وی افزود: اگر بتوان از طریق خانه فرهنگ ایران و مؤسسه میراث مکتوب این نسل جدید را در زمینه نسخه‌شناسی تربیت کرد و پروژه‌هایی به عهده آن‌ها گذاشته شود، هم به این دانش‌آموختگان و علاقه‌مندان

این سمت کشیده شوند و بودجه این کار هم باید با همکاری تأمین شود.

حمیدرضا قلیچ‌خانی و هومن یوسفدهی، به عنوان نمونه‌ای خوب از این همکاری سخن خود را با بیتی از صائب تبریزی به پایان برد:

روشن شود چراغ دل ما به یکدگر

چون رشته‌های شمع به هم زنده‌ایم ما

کارشناس نسخ خطی در موزه ملی هند ادامه داد: ما در دانشگاه‌های هند در مقطع فوق لیسانس نسخه‌شناسی را تدریس می‌کنیم اما مشکل این است که این درس فقط در حد یک درس عمومی است که در آن کلیاتی درباره نسخه‌شناسی طرح می‌شود و کسی با گذراندن آن نمی‌تواند فهرستی به فارسی بنویسد. مگر این که کسی شخصا به تصحیح نسخه علاقه‌مند باشد و خود پیگیر این امر شود و گرنه دانشگاه در قبال تصحیح نسخه هیچ فعالیتی انجام نمی‌دهد.

وی با بیان این که تصحیح نسخه خطی در دانشگاه‌های هند بیشتر به عنوان پایان‌نامه انجام می‌شود، افزود: در این قالب نسخه‌های زیادی تصحیح شده‌اند اما از لحاظ موضوعی کمترین دسته‌ای که به آن‌ها پرداخته شده نسخه‌های شعری بوده است. این در حالی است که دواوین متعددی از شاعران چند قرن اخیر وجود دارد که نیازمند تصحیح و چاپ است.

در ادامه خانم شکری با اشاره به تأثیر صحیح نسخ در تکمیل تاریخ ادبیات گفت: هر چند حتی برخی از استادان تصحیح نسخه را جدی نمی‌گیرند و آن را کاری در حد تایپ نسخه به حساب می‌آورند اما اگر نسخ به درستی مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند کمک شایانی به پیشبرد علم کند. به عنوان مثال وقتی ما تذکره‌های چاپ شده را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که از شاعرانی نام برده شده که نه تنها دیوان آن‌ها به چاپ نرسیده بلکه نامی هم از آن‌ها در ادبیات فارسی نیست.

نقی عباس کیفی در همین رابطه به نکته‌ای درباره تصحیح تذکره‌ها اشاره کرد و گفت: متأسفانه یک مشکل جدی است در تصحیح تذکره‌ها اکتفا به نقل متن است و مصصحان تلاشی برای شناسایی آثار افراد نام برده شده در تذکره و ذکر محل نگهداری آن اثر و یا فهرسی که از آن نام برده‌اند نمی‌کنند؛ در حالی که اگر این اطلاعات آورده شود کمک قابل توجهی به شناسایی صاحبان آثار و پژوهش در نسخ می‌شود.

وی در پایان راه حل بسیاری از این مشکلات را در همکاری دو جانبه نهادهای علمی و پژوهشگران ایرانی و هندی دانست و با نام بردن از تصحیح کتاب مرآت الاصطلاح آنندرام مخلص، به کوشش چندر شیکهر،





بزرگداشت زنده‌یاد

# دکتر منوچهر مرتضوی

تولد: ۱ تیر ۱۳۰۸، درگذشت: ۹ تیر ۱۳۸۹

سخنرانان:

## دکتر باقر صدری‌نیا

استاد دانشگاه تبریز و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی

مراودات علمی استاد منوچهر مرتضوی

## دکتر علیرضا مظفری

استاد و معاون آموزشی دانشگاه ارومیه

حافظ‌پژوهی بعد از مکتب حافظ دکتر منوچهر مرتضوی

کارشناس این نشست

## دکتر سعید طرزمی

استاد دانشگاه، پژوهشگر و نویسنده

پنج‌شنبه ۵ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۸ تا ۲۰

بخش زنده در صفحه اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
به نشانی @mirasmaktoob







دکتر صدری‌نیا با اشاره به وارد شدن استاد مرتضوی به دانشگاه تبریز در پنجمین سال تأسیس این دانشگاه، گفت: استاد در سال ۱۳۳۱ به دانشگاه تبریز وارد شدند و به گواهی دوستان ایشان، ورود استاد مرتضوی به دانشگاه تبریز را می‌توان یک واقعه خواند.

وی از شادوران دکتر رشید عیوضی نام برد و گفت: دکتر عیوضی که پیش از ورود استاد مرتضوی دانشجوی دانشگاه پیوسته‌اند شاگرد ایشان بوده‌اند می‌گفتند ورود استاد مرتضوی جو عمومی دانشگاه و به خصوص گروه ادبیات و دانشکده ادبیات را دگرگون کرد.

عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی ادامه داد: با این که دکتر مرتضوی در آن سال‌ها جوان بود و با شاگردانش فاصله سنی چندانی نداشت یا گاهی اصلاً فاصله سنی نداشت، اما بیان دلنشین استاد مرتضوی، در آمیختن فصاحت و بلاغت، طنطنه‌ای که در کلامش و شکوهی که در شخصیتش بود دانشجویان را مجذوب می‌کرد و منش بزرگوارانه و وقار ویژه‌ای که داشت موجب می‌شد که همیشه دانشجویان هم سن و سالش حد نکه دارند و در او با شکوه‌مندی یک استاد بنگرند.

وی با بیان این که بسیاری از استادان بزرگ داخلی و حتی خارجی دانشگاه تبریز را با دکتر مرتضوی می‌شناختند، در این باره اظهار کرد: من در اواخر دهه ۱۹۹۰ سفرهایی به هند داشتم و استاد پرفسور امیرحسن عابدی، که یاد ایشان را گرامی می‌دارم، اولین سوالی که وقتی من را می‌دیدند می‌پرسیدند این بود که دکتر مرتضوی چطور هستند و اصلاً وقتی نام تبریز را می‌شنید نام دکتر مرتضوی برای او تداعی می‌شد. دکتر صدری‌نیا ادامه داد: استاد من دکتر شفיעی

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیست و چهارمین نشست از سلسله نشست‌های این مؤسسه که روز پنجشنبه ۵ تیرماه ۱۳۹۹ به صورت مجازی در [صفحه اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب](#) برگزار شد به «بزرگداشت زنده‌یاد دکتر منوچهر مرتضوی» اختصاص داشت.

در این نشست دکتر باقر صدری‌نیا، استاد دانشگاه تبریز و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با موضوع «مرادوات علمی استاد منوچهر مرتضوی» و دکتر علیرضا مظفری، استاد و معاون آموزشی دانشگاه ارومیه، با موضوع «دکتر منوچهر مرتضوی و حافظ‌پژوهی» سخن گفتند و مدیریت این نشست نیز به عهده دکتر سعید طرزمی، پژوهشگر و نویسنده، بود.

دکتر صدری‌نیا در ابتدا با گرامیداشت یاد دکتر منوچهر مرتضوی و استادان بزرگ دانشگاه تبریز و سپاس از فرصت فراهم شده به مناسبت سالروز تولد و درگذشت دکتر مرتضوی در دهه نخست تیرماه، گفت: این جلسه فرصتی است تا دوستان جوانتری که ممکن است شناخت کمتری از دکتر مرتضوی دارند، با این استاد بزرگ ادب فارسی آشنا شوند و همچنین اطلاعاتی درباره دانشگاه تبریز و استادان آن در زمان زندگی و حضور ایشان به دست آورند.

وی با بیان این که دانشگاه تبریز دومین دانشگاه بعد از دانشگاه تهران است که در ایران و در سال ۱۳۲۵ تأسیس شده است، اظهار کرد: دانشگاه تبریز استادان به نامی را به خود دیده که از آن میان می‌توان استاد دانشمند عبدالرسول خیام‌پور، استاد قاضی طباطبایی، استاد امین توسی، استاد ماهیار نوابی، استاد محمدجواد مشکور، استاد ترجمانی‌زاده اشاره کرد و قطعاً بسیاری از بزرگان دیگر هم هستند که شاید من الان نامشان را به یاد نداشته باشم.

استاد دانشگاه تبریز با اشاره‌ای کوتاه به دوران تحصیل مرحوم مرتضوی گفت: استاد مرتضوی که دوران دبیرستان را در تهران و در دبیرستان فیروز بهرام درس خوانده بود در سال ۱۳۲۶ وارد دانشگاه تهران و در سال ۱۳۳۰ به عنوان شاگرد اول فارغ‌التحصیل شد و در آن هم سال به پیشنهاد دانشکده و دانشگاه نشان درجه یک فرهنگ را دریافت کردند.

**ورود تحول‌آفرین دکتر مرتضوی به دانشگاه تبریز**

## ابعاد علمی شخصیت دکتر مرتضوی

عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره جایگاه علمی استاد مرتضوی گفت: ایشان دانش وسیعی داشت و در حوزه‌هایی گام نهاده بود که پیش از آن دیگران با آن جدیت گامی نهاده بودند.

دکتر صدری‌نیا در این باره اظهار کرد: او در زمینه حافظ‌شناسی از همان سال ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ شروع به کار کرد و اولین اثرش را با عنوان «جام جم» در همین سال‌ها منتشر کرد و بعداً در سال ۱۳۴۴ «مکتب حافظ» را به چاپ رساند که سرفصلی در حافظ‌پژوهی در ایران است.

وی افزود: در حقیقت حافظ‌پژوهی به طور جدی با مکتب حافظ دکتر مرتضوی آغاز می‌شود و همه کسانی که بعداً در این حوزه وارد شده‌اند از مکتب حافظ دکتر مرتضوی استفاده کرده‌اند.

استاد دانشگاه تبریز همچنین با اشاره به اثر دکتر مرتضوی با عنوان «شناخت مسائل عصر ایلخانی»، گفت: این کتاب ترزاز اول در واقع رساله دکترای ایشان است که در سال ۳۷ از آن دفاع کرده‌اند و به مناسبت همین پژوهش در آن سال برنده نشان فرهنگ ایران شدند.

وی با بیان این که شخصیت دکتر مرتضوی را باید از زوایای مختلف دید، گفت: استاد مرتضوی به گواهی همه شاگردانش، که من بارها با آن‌ها صحبت کرده‌ام، استاد کم نظیری بودند و به عنوان یک استاد و معلم هم اشراف ویژه‌ای بر حوزه‌هایی که عهده‌دار تدریس آن می‌شدند داشتند و هم از بیان بسیار دلنشین و لحن گرم و گیرایی برخوردار بودند و این‌ها وقتی با شخصیت محتشم و با شکوه ایشان در یک جا گرد می‌آمد یک جاذبه ویژه‌ای را ایجاد می‌کرد.

دکتر صدری‌نیا افزود: استاد مرتضوی بی‌گمان در زمینه تدریس ترزاز اول بود و کسان بسیاری از استاد رشید عیوضی، که از نخستین شاگردانش بود، تا استاد دکتر نصرالله امامی و خانم دکتر معصومه مردکن، که جزو واپسین شاگردان استاد بودند، همه متفق القول هستند که او در تدریس یگانه بود.

**دکتر مرتضوی مدیری شایسته و نهادساز بود**

کدکنی همیشه در کلاس‌ها و گفتگوهای خصوصی با نیکی از استاد منوچهر مرتضوی یاد می‌کردند و یک بار که نهادی تصمیم‌گیر در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی از ایشان خواسته بود چند استاد ترزاز اول ایران را برای استفاده از دیدگاه‌هایشان معرفی کنند، استاد شفیع از استاد زریاب، استاد مرتضوی، استاد زرین‌کوب و استاد غلامحسین یوسفی نام برده بودند.

وی افزود: من همیشه ذکر خیر استاد مرتضوی را از استادان بزرگ مانند استاد اسلامی ندوشن، استاد مهدی محقق، استاد موحد، شادروان باستانی پاریزی شنیده‌ام و هر چند به درستی یاد ندارم که از استاد زرین‌کوب کلام مشخصی شنیده باشم ولی تردیدی ندارم که استاد زرین‌کوب هم از نزدیک ایشان را می‌شناخت و دوستی داشتند.

استاد دانشگاه تبریز با بیان این که اگر استاد مرتضوی در تهران اقامت داشت بیش از این قدر می‌دید و در صدر می‌نشست، افزود: به طور کلی زیست در شهرستان‌ها انگیزه‌کش است و این خود عاملی است که افرادی که در حوزه‌های دانش و ادبیات تحقیق می‌کنند کمتر به پژوهش و تدوین و گردآوری آثارشان می‌پردازند.

دکتر صدری‌نیا افزود: اتفاقاً دکتر مرتضوی در میان استادان دانشگاه تبریز، با توجه به کارهای بسیار دیگری که انجام داد، از همه در زمینه تحقیق و پژوهش فعال‌تر و کوشاتر بود.

وی درباره نخستین دیدارش با استاد مرتضوی که به نوروز ۱۳۷۷ بازمی‌گردد، گفت: آن زمان دوره‌ای بود که استاد منزوی شده، در بر روی جهانیان بسته و در گوشه‌ای نشسته بود و این یکی از رخدادهای تلخ در تبریز در حوزه علم و دانش و ادب بود.

وی با اشاره به پذیرایی استاد مرتضوی از علاقه‌مندان در عید نوروز و عید غدیر، گفت: در آن زمان، با راهنمایی استاد فتاحی قاضی که از شاگردان ایشان بود، من این توفیق را پیدا کردم که با دو تن از دوستان به خدمت استاد برسم و فرصت غنیمتی بود و گفتگویی طولانی خدمت استاد داشتیم و پس از بیرون آمدن از منزل ایشان دوست دیرین من آقای احسان شفیق از من پرسید که دکتر مرتضوی را چگونه دیدی و من گفتم که آمیزه‌ای از وقار استاد زرین‌کوب و صمیمیت استاد شفیع را در ایشان دیدم.

وی با اشاره به دیگر جنبه‌های شخصیتی دکتر مرتضوی، او را مدیری بسیار لایق و شایسته و فردی نهادساز خواند و گفت: مؤسسات علمی که دکتر مرتضوی تأسیس و مدیریت کرد و یا مدیریت آن را پس از تأسیس به دیگران واگذاشت و خود بر آنها اشراف داشت، گواه این موضوع است.

عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی از تأسیس مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران به عنوان یکی از مؤسسات تابع دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز توسط دکتر مرتضوی یاد کرد و گفت: علاوه بر این مؤسسه که کتاب‌های بسیاری در آن تصحیح و یا ترجمه و چاپ شد، یکی دیگر از فعالیت‌های ایشان اداره و هدایت نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، به عنوان نخستین مجله دانشگاهی حوزه علوم انسانی در ایران، بود که از سال ۱۳۳۵ که دکتر مرتضوی مدیریت و سردبیری آن را به عهده گرفت تحول عظیمی در این نشریه پدید آمد.

وی با بیان این که دکتر مرتضوی عامل پیوند دانشگاه تبریز با مؤسسات علمی اقصی نقاط جهان بود، در این باره اظهار کرد: پرونده‌های باقیمانده در دانشکده ادبیات نشان می‌دهد که در دوره دکتر مرتضوی دانشکده ادبیات تبریز و به خصوص نشریه دانشکده ادبیات با حدود ۷۳ دانشگاه ارتباط علمی داشت و مجله و انتشارات علمی دانشکده به دانشگاه‌های کشورهای مختلف از سورین، آکسفورد و هاروارد گرفته تا مسکو و استانبول می‌رفت و نشریات علمی آن‌ها هم به دانشکده ادبیات تبریز می‌رسید.

دکتر صدری‌نیا افزود: به همت استاد مرتضوی آثار دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز در مجامع ایران‌شناسی و شرق‌شناسی جایگاه بسیار مهمی داشت و اگر الان هم شما به کتابخانه‌های بزرگ دنیا مراجعه کنید مجموعه نشریات دانشکده ادبیات و انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ دانشکده ادبیات تبریز را در آن جا می‌بینید.

وی با اشاره به اهمیت و تأثیر ارتباطات دکتر مرتضوی با مجامع و محافل علمی بین‌المللی، گفت: دکتر مرتضوی تقریباً با همه محافل ایران‌شناسی دنیا در ارتباط بود و در واقع به همین مناسبت بود که شخصیت‌های بزرگی مانند لویی ماسینیون، یان ریپکا، هانری کربن، بازل نیکیتین و مینورسکی مقالات علمی خود را به مجله می‌فرستادند و یا استاد مرتضوی را برای سخنرانی دعوت می‌کردند و یا خودشان به تبریز آمدند.

استاد دانشگاه تبریز با اشاره به نمونه‌ای از این تعاملات، گفت: در سال ۱۳۳۸ که دکتر مرتضوی بسیار جوان و در واقع ۳۰ ساله بود، سفری به فرانسه کرد و آنجا با لویی ماسینیون، شرق‌شناس و عرفان‌پژوه بسیار برجسته فرانسه، که استاد دکتر علی شریعتی هم بود و شریعتی در کتاب کویر فصلی بسیار خواندنی به او اختصاص داده، آشنا شد و به دعوت ایشان یک سال بعد برای یک سلسله سخنرانی به فرانسه دعوت شد.

وی با اشاره به وسعت علمی ماسینیون و دقت او در میاحث علمی، گفت: این که ماسینیون تشخیص داده که شخصیت علمی دکتر مرتضوی در همان جوانی، در حدی است که باید از ایران برای سخنرانی به فرانسه دعوت شود، گواه عظمت علمی استاد است.

### آزادگی مرتضوی

دکتر صدری‌نیا در ادامه ضمن اشاره به نخستین آشنایی‌اش با نام دکتر مرتضوی به بیان یکی دیگر از جنبه‌های شخصیتی ایشان پرداخت و گفت: آنچه نام دکتر مرتضوی را در ذهن من حک کرد به زمانی بازمی‌گردد که ایشان مدت کوتاهی از اواخر سال ۱۳۵۶ تا اواخر خرداد ۵۷ رئیس دانشگاه تبریز بود و به همین مناسبت در برنامه‌ای تحت عنوان انقلاب آموزشی رامسر که شاه در آنجا حضور می‌یافت، شرکت کرده بود.

وی با اشاره به پخش بخش‌هایی از این برنامه از تلویزیون، گفت: در بخشی از آن برنامه رؤسای دانشگاه‌های کشور که بیش از ۱۰ تا ۱۲ نفر هم نبودند با لباس‌های رسمی به صف ایستاده بودند و شاه پس از ورود با تک تک آن‌ها دست می‌داد و این رؤسا به قدری خم می‌شدند که به نظر می‌آمد دست شاه را می‌بوسند و چه بسا که دست او را می‌بوسیدند، اما یکی از آن‌ها وقتی دست داد به آن معنا سر هم خم نکرد و مثل یک فرد همتراز با شاه دست داد.

این استاد دانشگاه تبریز ادامه داد: من که در آن زمان با آن حال و هوای خاص، دانشجو بودم برایم بسیار شگفت آمد که یک رئیس دانشگاه باشد که بر خلاف همه رؤسای دانشگاه‌ها با شاه به عنوان یک فرد همتراز برخورد کند و دستش را بی آنکه سری به آن معنا خم کند دراز کرده و همچون رئیس جمهور یک کشور بزرگ با شاه مواجه شود و وقتی در دانشگاه پرسیدم که این شخص چه کسی بود، گفتند که



دکتر مرتضوی است.

علاوه بر این قدرت فصاحت و بلاغت، اشراف کامل استاد به منابع را نیز دیدم.

این استاد دانشگاه ارومیه دکتر مرتضوی را محور گرد آمدن اساتید دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز دانست و گفت: استاد قاضی طباطبایی، شادروان استاد دکتر سرکارانی، دکتر ثروت، دکتر بهروز، دکتر انزابی‌نژاد، دکتر راشد محصل، خانم دکتر معدن‌کن، خانم دکتر باقری، دکتر بقایی، دکتر اجاللی، دکتر مقصودی و دکتر عیوضی هر کدام در نوع و تخصص خود وزنه‌ای بودند و همگی در یک گروه جمع نشده بودند مگر به خاطر شأن مدیریتی دکتر مرتضوی و حرمتی که ایشان برای همکاران‌شان قائل بودند و این همکاران نیز در زیر سایه فر و شکوه ایشان قلم می‌زدند و در تدریس و تحقیق چیزی از قلم نینداخته بودند.

### جایگاه دکتر مرتضوی در حافظ‌پژوهی

دکتر مظفری در ادامه به بیان مطالبی درباره جایگاه دکتر مرتضوی در حافظ‌پژوهی پرداخت و گفت: استاد منوچهر مرتضوی از آن اساتید شاخصی هستند که در هر حوزه وارد شدند نگاهی تاریخمند را همواره دنبال کردند و در مورد حافظ هم همین روش و شیوه را به کار بردند.

وی با اشاره به توصیف استاد بهاءالدین خرمشاهی از دکتر مرتضوی، گفت: این حافظ‌شناس شهیر و این شخصیت بزرگ و عزیز در کتاب‌شان درباره حافظ می‌فرمایند «دکتر منوچهر مرتضوی ادیب، نقاد، شاهنامه‌شناس، مولوی‌شناس، حافظ‌شناس و تاریخ‌نگار نامدار معاصر هستند» و این جملات نشان می‌دهد که جامع‌الاطراف بودن استاد مرتضوی برای شخصیتی همچون بهاءالدین خرمشاهی کاملاً مسلم است.

دکتر مظفری کتاب «مکتب حافظ» را ارزشمندترین کتاب استاد مرتضوی در حوزه حافظ‌شناسی خواند و گفت: جناب خرمشاهی درباره این کتاب می‌نویسند «این کتاب یکی از بهترین رهیافت‌ها به شعر حافظ و رمزگشایی از مفاهیم کلیدی و نمادهای اساسی هنر اوست. استاد مرتضوی صاحب تقدم فضل و فضل تقدیم در طرح اساسی‌ترین مباحث حافظ‌پژوهی، از جمله عشق و رندی و ملامت‌گری است. مکتب حافظ طبق عنوان فرعی و فروتنانه‌اش مقدمه بر حافظ‌شناسی نام دارد، ولی در واقع مفتاح حافظ‌شناسی و از مراجع عمده و کلاسیک نوین در حافظ‌پژوهی است.»

دکتر صدری‌نیا در پایان ضمن گرامیداشت مجدد یاد این استاد بزرگ گفت: امیدوارم که ما در نسل آینده ایران باز هم شاهد ظهور شخصیت‌های علمی برجسته‌ای نظیر این بزرگان و دکتر مرتضوی باشیم.

### مردی با قامتی استوار، مدیری با فر و شکوه و خطیبی تمام عیار



در بخش بعدی این نشست دکتر علیرضا مظفری، ضمن تشکر از مسئولان میراث مکتوب برای برگزاری این نشست و گرامیداشت یاد دکتر مرتضوی، با اشاره به دوران تحصیلش در دانشگاه تبریز گفت: وقتی ما در سال ۱۳۵۷ وارد دانشگاه تبریز شدیم استاد مرتضوی سه ماه بود که ریاست دانشگاه را واگذار کرده بود و ما ایشان را در صحنه دانشگاه و گروه ادبیات فارسی همواره می‌دیدم؛ مردی با قامتی بسیار استوار که با اطمینان خاطر قدم بر زمین می‌گذاشت و چنان با وقار و طمأنینه حرکت می‌کرد که گویی هیچ شک و ربیی در دلش نیست و من هر گاه ایشان را می‌دیدم با خود می‌گفتم این سرو سهی را هیچ تندبادی بر زمین نخواهد زد.

دکتر مظفری با اشاره به سخنوری مرحوم مرتضوی گفت: در آن مواردی که به صورت آزاد در کلاس استاد شرکت داشتم گویی که ایشان از روی متنی می‌خواند؛ و نه جمله‌ای را می‌شکست، نه جمله‌ای را پس و پیش می‌کرد.

وی دکتر مرتضوی را یک خطیب و بلیغ تمام عیار توصیف کرد و افزود: دکتر مرتضوی دارای چنان بیان فخیم و متعالی بودند که انسان آرزو می‌کرد ایشان چند ساعتی صحبت کنند و ما فقط گوش کنیم و در جلسه دفاع از رساله دکترای خانم دکتر معدن‌کن، من



معاون آموزشی دانشگاه ارومیه ادامه داد: به عقیده استاد خرمشاهی در عالم حافظ‌پژوهی کتاب‌های «تاریخ عصر حافظ» اثر شادروان غنی، «حافظ شیرین سخن» اثر شادروان معین و «مکتب حافظ» جناب مرتضوی سه اثر ماندگار و خدشه‌ناپذیرند که هیچ حافظ‌پژوهی از آنان بی‌نیاز نیست.

وی افزود: سخن این است که کار آقای دکتر مرتضوی در زمینه حافظ‌پژوهی فتح بابی شد برای نگارش و سلسله مباحث و آثاری که در حوزه حافظ‌شناسی به زیور طبع آراسته شد.

### محتوای کتاب «مکتب حافظ»

دکتر مظفری با اشاره به ویرایش‌ها و افزودن‌های چندباره مرحوم مرتضوی بر کتاب مکتب حافظ، در خصوص محتوای این اثر با بیان این که کتاب در صورت نهایی‌اش مشتمل بر سه باب است، اظهار کرد: باب اول کتاب قصد دارد جایگاه حافظ را از لحاظ فکری و معنوی در میان مکاتب مشهور تعیین کند که آیا جناب حافظ صوفی بود، یا عارف، یا فیلسوف، یا ملامتی، یا رند؟ و پس از بیان همه این‌ها نظر نهایی استاد مرتضوی این است که حافظ یک منشور جامع الاطراف است.

وی ادامه داد: از نظر استاد نمی‌شود گفت که حافظ با تمام نقدی که نسبت به صوفیه دارد از مقامات و مراتب و معارفی که صوفیه دارند بیگانه بوده است اما بر اثر ابتدالی که در حیطه تصوف در روزگار حافظ وجود داشته، وی صورت ظاهر و مشی روزگار خود را از صوفیه قبول نمی‌کند و بنابراین بارها این گروه را مورد نقد قرار می‌دهد.

دکتر مظفری با اشاره به طرح مباحثی در باب جام، پیر و عشق در فصل دوم کتاب مکتب حافظ، گفت: به نظر من این مباحث برای اولین بار با خود جناب مرتضوی در حوزه حافظ‌شناسی مطرح شد و برای مثال ایشان با یک نگاه تاریخ‌مندانانه بررسی می‌کند که جام جم از کجا وارد ادبیات شده و در حیطه ادبیات فارسی چه تغییرهایی پیدا کرده است و وقتی به دست حافظ رسیده، بر مبنای آن تاریخ‌مندی، چه معانی و مفاهیمی را به خود جذب کرده است و حافظ چه تلقی‌ای از آن ارائه می‌کند.

استاد دانشگاه ارومیه افزود: این فصل درباره پیر و مخصوصاً پیر مغان که استاد ایده‌آل و آرمانی حافظ

است نکته‌های بسیار ارزشمندی دارد.

وی با بیان این که سومین فصل کتاب به رموز مصطلحات دیوان حافظ اختصاص یافته است، گفت: دکتر مرتضوی مصطلحات حافظ را در دو ردیف تقسیم می‌کند؛ یک گروه مصطلحاتی که مردود و منفور هستند و حافظ همیشه با طعن و استهزاء از آن‌ها یاد کرده مانند واعظ و محتسب و ... و یک گروه مصطلحاتی که مقبول حافظ بوده‌اند مانند پیر مغان و میکده و خرابات و ... و استاد مرتضوی این تبادل و تقابل ارزش و ضد ارزش‌ها را در این بخش به خوبی بررسی کرده‌اند.

دکتر مظفری با بیان این که ضمیمه‌هایی که بعداً بر کتاب افزوده شده ارزش آن را به مراتب بالاتر برده است، اظهار کرد: «ایهام خصیصه اصلی سبک حافظ» که یکی از ضمایم این کتاب است یکی از مباحثی است که با خود جناب مرتضوی شروع شد و تا آن زمان هیچ کس به ایهام در دیوان حافظ به آن شکلی که آقای دکتر توجه فرمودند عنایتی نداشت.

وی با اشاره به این که بخش‌هایی از این ضمیمه به توضیح مشکلات و لطایف و نکته‌های دیوان حافظ اختصاص دارد، افزود: در مورد مشرب اشعری حافظ نیز برای اولین بار دکتر مرتضوی است که مسائلی را مطرح می‌کند و بعداً جناب خرمشاهی بر آن صحنه می‌گذارد و به طور کلی می‌توان گفت هر چیزی که امروز در عرصه حافظ‌پژوهی داریم به نوعی مدیون آثار ایشان هستیم.

### دوره‌های حافظ‌پژوهی و بهترین آثار در ساحت‌های مختلف آن

دکتر مظفری در ادامه به تبیین دوره‌ها حافظ‌پژوهی پرداخت و گفت: جناب ابوالحسن نجفی در نقدی که بر کتاب دیوان حافظ استاد خانلری داشتند چهار دوره را برای حافظ‌پژوهی مطرح کردند که اکثراً مبنی و مستند به نسخه‌پژوهی حافظ است.

وی در تشریح این دوره‌ها گفت: از نظر ایشان دوره اول دوره چاپ‌های غیر انتقادی از دیوان حافظ بود که هر کسی نسخه‌ای خطی از دیوان حافظ داشت آن را چاپ می‌کرد و دوره بعدی دوره چاپ‌های انتقادی است که با شخصیت‌هایی مثل انجوی شیرازی و علامه قزوینی این دوره پدید آمد و به پیش رفت.

جای گذاشتند.

وی از حافظ‌نامه استاد بهاء‌الدین خرمشاهی به عنوان اثری ماندگار در این حوزه نام برد و گفت: تا پیش از حضور خرمشاهی در عرصه حافظ‌پژوهی حافظ همواره به عنوان یک شخصیت تک بعدی با ابعاد عرفانی آن مورد توجه قرار می‌گرفت، اما با آثاری که جناب خرمشاهی تحریر فرمودند و به چاپ رساندند چهره جدیدی از حافظ به ایرانیان و جهانیان نشان داده شد که بر اساس آن حافظ تنها حافظ عارف نیست، بلکه حافظ عارف، منتقد اجتماعی هم می‌تواند باشد، آسیب‌شناس فرهنگی هم می‌تواند باشد، جهاد دنیوی هم می‌تواند داشته باشد و عشق زمینی هم در دیوان او جایی برای خودش دارد.

استاد دانشگاه ارومیه افزود: پس از طرح چنین دیدی نسبت به حافظ از سوی جناب خرمشاهی، شرح‌هایی که نوشته شد سعی کردند جنبه‌های عرفان‌نگری حافظ را تعدیل کنند و با اصرار تمام غزلیات حافظ را تعبیر عرفانی نکنند، بلکه غزلیاتی را که استعداد تعبیرپذیری عرفانی دارند شرح عرفانی کنند و غزلیاتی که چنین استعدادی ندارند و صرفاً جنبه اجتماعی و تاریخی دارند و یا عشق‌های زمینی و مادی در آنها مطرح شده متناسب با ساحت خودش مورد ارزیابی و شرح قرار بگیرد.

وی در مورد بهترین شرح‌های متأخر گفت: در این اواخر دو شرح بسیار بزرگ و کشف برای حافظ نوشته شده که یکی «شرح تحقیقی غزل‌های حافظ» از استاد ارجمند جناب دکتر منصور رستگار فسایی است و دیگری کتاب «شرح شوق» جناب آقای دکتر حمیدیان که شاید بتوان گفت این دو شرح در بردارنده تازه‌ترین یافته‌ها در ساحت حافظ‌پژوهی هستند.

دکتر مظفری در پایان گفت: جالب این است که تمام این بزرگان وقتی به درک خود از حافظ بر می‌گردند همواره یک گوشه چشم و عنایتی به آثار جناب آقای دکتر مرتضوی که اولین پله‌ها و پایه‌ها از حافظ‌پژوهی و شناخت جدید از حافظ را برای شیفتگان حافظ طرح کردند، دارند.

استاد دانشگاه ارومیه ادامه داد: مرحوم نجفی سومین دوره را دوره نهایی در چاپ دیوان حافظ به حساب آوردند و می‌گویند با چاپ تصحیح دکتر خانلری از دیوان حافظ این ساحت دیگر به پایان رسیده و ظاهراً به نظر ایشان بعد از این تصحیح نکته‌ای بر این ساحت نمی‌توان اضافه کرد و قائلند آخرین دوره هم دوره نقد است.

وی همچنین از چهار ساحت حافظ‌پژوهی سخن گفت و اظهار کرد: اولین ساحت حافظ‌پژوهی ساحت نسخه‌شناسی و نسخه‌پژوهی و دومین ساحت، ساحت تذکره‌ای، یعنی فراهم آوردن یک بیوگرافی مستند برای حافظ و معرفی شخصیت و بیان مراحل زندگی اوست؛ که بهترین کتاب‌ها در این زمینه «حافظ شیرین سخن» مرحوم استاد معین و «تاریخ عصر حافظ» جناب دکتر قاسم غنی است.

دکتر مظفری جستجوی افکار و احوال معنوی و درونی حافظ و شرح غزلیات او را ساحت‌های سوم و چهارم حافظ‌پژوهی دانست و گفت: محور ساحت سوم تجزیه و تحلیل و بررسی برای رسیدن به افکار حافظ است و این که چه مرامی داشته و از لحاظ ذوق هنری تابع چه مشخصه‌هایی و چه توابعی بوده است و در این ساحت اولین کار ارزشمندی که ارائه شده کتاب استاد منوچهر مرتضوی یعنی «مکتب حافظ» است که اصول حافظ‌شناسی و حافظ‌پژوهی را در این اثر به نیکی پایه‌گذاری کرده‌اند.

وی ادامه داد: در ساحت شرح غزلیات حافظ بیشترین یا قدیمی‌ترین کارهای صورت گرفته متأسفانه مربوط به ما ایرانیان نیست و در خارج از مرزهای ایران، یعنی در هندوستان، سند و دولت عثمانی انجام شده است، که از آن میان می‌توان به شرح‌هایی مانند «بدر الشروح» بدرالدین اکبرآبادی در هندوستان، یا «مرج البحرین» سیف‌الدین ابوالحسن، یا شرح‌های سودی، سروری یا شمعی که در دولت عثمانی نوشته و چاپ شده است، اشاره کرد.

دکتر مظفری از «لطیفه غیبی» شاه محمد دارابی مربوط به سده یازدهم به عنوان اولین شرح غزلیات حافظ در ایران نام برد و گفت: در دوره معاصر بعد از جهش درخشنده‌ای که جناب مرتضوی در معرفی پهنه‌های مختلف از جنبه‌های فکری حافظ ایجاد کردند، این عرصه مورد توجه ایرانیان قرار گرفت و بزرگواران بسیاری آثار نیکی در این زمینه از خود به



وبینار  
معرفی نقد و بررسی کتاب



# منتهی الإدراک فی تقاسیم الأفلاک



سخنرانان:

دکتر حسین معصومی همدانی

مجموعه متون و پژوهش‌های در تاریخ علم

دکتر امیر احسان کرباسی زاده

منتهی الإدراک برای فیلسوفان علم

دکتر امیر محمد گمینی

جایگاه منتهی الإدراک در سنت هیئت‌نگاری دوره اسلامی

دکتر حنیف قلندری

خرقی، نویسنده نخستین اثر جامع هیئت



یکشنبه ۸ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۸ تا ۲۰

نشانی: <http://vclas9.ut.ac.ir/webinar>



## دو دوره تحقیقات تاریخ علم در ایران

وی با اشاره به تازه بودن حوزه مطالعات و رشته تاریخ علم در جهان و به ویژه ایران، گفت: ما در تحقیقات تاریخ علم در ایران دو دوره را می‌توانیم از هم تفکیک کنیم و نخستین مرحله آن دوره‌ایست که کسانی به تاریخ علم اشتغال داشتند که حوزه اصلی کارشان رشته‌هایی مانند ادبیات فارسی، تاریخ، فلسفه و پزشکی بود و در کنار کار اصلی خود از سر علاقه به تاریخ علم می‌پرداختند.

عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران تعداد افرادی را که در این دوره به استانداردهای حرفه‌ای تاریخ علم نزدیک شدند در حد دو تا سه نفر دانست و گفت: البته حسن آن نسل اول در این بود که نسلی بسیار فرهیخته بودند که به فرهنگ گذشته ما و زبان‌های فارسی و عربی و احیاناً بعضی زبان‌های خارجی دیگر تسلط داشتند و این احاطه تا حدودی نداشتن یک آموزش منظم در حوزه تاریخ علم را جبران می‌کرد.

معصومی همدانی با اشاره به تبدیل شدن تاریخ علم به یک دوره رسمی دانشگاهی با تأسیس پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، این مقطع را آغاز دوره دوم تحقیقات تاریخ علم در ایران دانست و گفت: خوشبختانه ما تا به حال دانشجویان خیلی خوبی در این رشته داشته‌ایم که کارها و موفقیت‌های آنان چه در داخل و چه در خارج از کشور نشان‌دهنده این امر است و بسیاری از کارهایی هم که در پژوهشکده تاریخ علم به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد انجام شده کارهای بسیار ارزشمندی است.

وی در تبیین علت با کیفیت شدن این پژوهش‌ها، گفت: با توجه به این که تا مدتی هنوز دکترای تاریخ علم در ایران نبود بسیاری از دانشجویان ما امید نداشتند که بعداً بتوانند حتی از سطح کارشناسی ارشد فراتر بروند و بنابراین اگر به موضوعی علاقه‌مند می‌شدند همه نیروی خود را در همان دوران کارشناسی ارشد می‌گذاشتند.

### انتشار مجموعه «متون و پژوهش‌هایی در تاریخ علم»

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی ضمن بیان این که منتهی الإدراک اولین اثر از مجموعه پیشنهادی‌اش به میراث مکتوب با عنوان «متون و

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیست و پنجمین نشست از سلسله نشست‌های علمی و متن‌پژوهی این مؤسسه با همکاری پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، در قالب وبینار و با موضوع «معرفی، نقد و بررسی منتهی الإدراک فی تقاسیم الأفلاک» روز یکشنبه ۸ تیرماه ۱۳۹۹ برگزار شد.

در این نشست دکتر حسین معصومی همدانی با موضوع «مجموعه متون و پژوهش‌هایی در تاریخ علم»، دکتر امیراحسان کرباسی‌زاده با موضوع «منتهی الإدراک برای فیلسوفان علم»، دکتر امیرمحمد گمینی با موضوع «جایگاه منتهی الإدراک در سنت هیئت‌نگاری دوره اسلامی» و دکتر حنیف قلندری با موضوع «خرقی؛ نویسنده نخستین اثر جامع هیئت» سخن گفتند.

در ابتدای این نشست دکتر معصومی همدانی با اشاره به این موضوع که کتاب «منتهی الإدراک فی تقاسیم الأفلاک» در اصل رساله دکتری دکتر حنیف قلندری است، گفت: ایشان در طول هشت سالی که از دفاع رساله‌شان می‌گذرد به صورت مستمر و گاهی با فاصله روی این کتاب کار می‌کردند تا این که این اثر آماده چاپ شد و باید از مؤسسه میراث مکتوب و آقای دکتر ایرانی و همکاران ایشان و همچنین از آقای دکتر صادقی که اسباب انتشار این کتاب را فراهم آوردند، تشکر کرد.





پژوهش‌هایی در تاریخ علم» است، در تشریح اهداف انتشار این مجموعه، گفت: ما امیدواریم که به واسطه این مجموعه و ثمرات آن نسل دوم مورخان علم در ایران ظهور کنند.

وی با اشاره به قالب در نظر گرفته شده برای متون این مجموعه گفت: از آنجا که برخی از این متون ممکن است آثار تصحیحی باشد همیشه سعی خواهد شد که کتاب‌ها همراه با تحلیل و مقدمه تاریخی و مفهومی به چاپ برسد و علاوه بر این معتقدیم که هر کتاب باید یک مقدمه به زبان انگلیسی داشته باشد تا کسانی که فارسی نمی‌دانند بتوانند از آن استفاده کنند.

## وجه اشتغال به تاریخ علم

معصومی همدانی با اشاره به برخی از جوانب راه‌اندازی رشته تاریخ علم در ایران، گفت: وقتی رشته‌ای تازه در یک کشور یا دانشگاه تأسیس می‌شود افراد فعال در آن رشته مدتی باید به توجیه کار خودشان مشغول باشند.

وی به عنوان مثال از وجه راه‌اندازی رشته فلسفه ریاضی سخن گفت و اظهار کرد: وقتی دانشگاه‌های دنیا را بررسی می‌کنیم، در کشوری که یک جامعه ریاضیدان دارد ممکن است از هزار نفر ریاضیدان ۴۰۰ نفر در آنالیز، ۲۰۰ نفر در توپولوژی، ۲۰۰ نفر در جبر و ۵۰ نفر در منطق ریاضی کار کنند و در بین آن‌ها سه تا چهار نفر هم پیدا می‌شود که در فلسفه ریاضی کار می‌کنند.

این مدرس و محقق فلسفه و تاریخ علم ادامه داد: به عبارتی انگار تجربه تاریخی زیسته نشان داده است که اگر شما یک جامعه فعال ریاضی داشته باشید بی‌نیاز از فلسفه ریاضی نیستید و معمولاً در جامعه علمی هر کشوری یک درصدی از ریاضیدان‌ها و فلاسفه‌ای که آموزش ریاضی دیده باشند، جذب فلسفه ریاضی می‌شوند.

وی توجیه اشتغال به تاریخ علم را نیز مبتنی بر همین گونه استدلال دانست و افزود: معمولاً هر چه در کشوری فعالیت زنده علمی در حوزه‌های جدید بیشتر باشد، بر خلاف تصویری که ممکن است ما داشته باشیم، درصد کسانی که در زمینه تاریخ علم یا فلسفه علم کار می‌کنند بیشتر است.

معصومی همدانی با اشاره به نیاز جامعه به شناخت

گذشته خود، گفت: تاریخ علم اگر بخواهد خود را توجیه کند تاریخ به طور کلی باید خود را توجیه کند و ما اگر نیاز به دانش تاریخ داریم نیاز به تاریخ علم هم از آن جدا نیست.

وی درباره وجه نیاز به دانش تاریخ گفت: زمانی گفته می‌شد که تاریخ برای عبرت از گذشته است ولی الان هیچ مورخی کار خود را این گونه توجیه نمی‌کند که باید از گذشتگان عبرت بگیریم یا گذشته را چراغ راه آینده کنیم و اگر مورخی چنین چیزی در کتاب خود نوشته باشد ممکن است مخاطبان به کار او بدبین شوند.

عضو شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی ضمن بیان این که میل به شناخت گذشته چیزی است که در هر جامعه‌ای وجود دارد، افزود: این تمایل به خصوص در جوامعی که اتفاقات خاصی در آن روی داده و اشخاص ناچارند به گونه‌ای راجع به گذشته موضع بگیرند، بیشتر است.

وی ادامه داد: در جوامعی که افراد احساس می‌کنند گذشته‌ای بسیار شکوهمندی و یا به عکس گذشته در خور تحقیری داشته‌اند که بر وضعیت فعلی‌شان اثرگذار بوده، هم میل به فعالیت تاریخی زیاد است و هم به جهت تمایل به کار غیرحرفه‌ای آفات فعالیت تاریخی، همچون تعجیل در نتیجه‌گیری و صدور احکام کلی، بیشتر است و ما محصولات این نوع نگرش را در کشورمان زیاد می‌بینیم.

معصومی همدانی به عنوان مثال پروژه‌های تاریخ شفاهی را نمونه‌ای از کارهای غیراستاندارد تاریخی دانست و گفت: اشکال غالب این نوع کارها این است که مصاحبه شونده یک حالت تدافعی و قصد تبرئه خود و مسئول دانستن دیگران را دارد و از آنجا که احتمال تحریف ناخودآگاه و حتی گاه تحریف عمدی در این مواقع زیاد است، اگر فرد بخواهد این نوع گفته‌ها را مبنای داوری‌های تاریخی خود بگذارد، نیاز به ملاحظاتی دارد.

## برخی چالش‌های تاریخ علم در ایران

وی حوزه تاریخ علم را نیز تا حدودی در معرض چنین تهدیدی دانست و گفت: از آنجا که ما با دنیایی مواجهیم که علم و تکنولوژی در آن امر خیلی مهمی است دل‌مان می‌خواهد بفهمیم که در این میان چه سهمی داریم.

مورخان معروف ایران در زمینه تاریخ عمومی و سیاسی و اجتماعی، دانشگاهی هستند.

وی ادامه داد: اخیرا شاید کمی وضع عوض شده باشد ولی ۲۰ تا ۳۰ سال پیش مورخان معروف غالبا همان افرادی بودند که انگیزه‌های برون دانشگاهی و حتی برون علمی داشتند.

چگونگی نزدیک شدن به استانداردهای حرفه‌ای تاریخ علم

سرپرست مجموعه «زندگی‌نامه علمی دانشمندان اسلامی» چاره گذار از این مرحله و وضعیت را در حوزه تاریخ علم حرفه‌ای کردن آن دانست و گفت: برای این منظور اولاً لازم است که با فعالیت‌هایی که در بیرون از ایران در حوزه تاریخ علم انجام می‌شود، ارتباط داشته باشیم و ثانیاً سعی کنیم تا حد امکان به نحوی تاریخ علم در ایران یا در عالم اسلام را با تاریخ علم به طور کلی در ارتباط ببینیم.

وی ادامه داد: این کار مستلزم آگاهی از زبان‌های دیگر غیر از فارسی، عربی، ترکی و اردو، دانستن تاریخ علم به طور کلی، متصل شدن به مراکز پژوهشی فعال در سطح جهان، و ارائه کارهایی است که بتواند پژوهشگران همکاران ما را برانگیزد.

معصومی همدانی با اشاره به اهمیت مجموعه «متون و پژوهش‌هایی در تاریخ علم» برای تأمین این مقصود، گفت: تأکید ما بر ارائه مقدمه تفصیلی انگلیسی در ابتدای کتاب‌های این مجموعه، ارائه شایسته و پاکیزه این کتاب‌ها، این که آثار این مجموعه تکرار پژوهش‌های پیشین و یا پایان‌نامه‌های خام نباشد، بر همین اساس است.

وی ضمن بیان این مطلب که هیچ دانشجویی نیست که رساله‌اش کامل باشد ولی کتاب را باید تمام کرد، گفت: من می‌توانم بگویم که کتاب منتهی الادراک به یک معنا تمام شده است؛ هر چند گاهی ترک اولی‌هایی مانند اشکال در برخی اعراب‌گذاری‌ها در آن دیده می‌شود و باید میزان مراقبت به حدی باشد که حتی این گونه خطاها هم در کار راه پیدا نکند.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بیان این که دکتر قلندری در واقع یک فرد را زنده کرده است، اظهار کرد: ایشان به واسطه احاطه‌ای که به تاریخ عمومی دارد و کمتر کسی از دانشجویان ما به

عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران با بیان این که برگزیده شدن فردی مانند مریم میرزاخانی پس از حضور در آمریکا را نمی‌توان به معنای مساهمت یک ایرانی در علم به حساب آورد، اظهار کرد: هر چند میرزاخانی سطوحی از تحصیلاتش را در ایران انجام داده ولی ادامه تحصیلات وی در آمریکا بوده است و اینکه فرد در کدام نهاد علمی کار کرده، پروژه او از کجا آمده، مسائلش را از کجا گرفته، همکارانش اهل کجا بوده‌اند و مواردی از این دست بیشتر تعیین می‌کنند که نتیجه کار از آن کجاست.

وی در این مورد که چه می‌توانیم درباره گذشته علمی جامعه خود بگوییم، اظهار کرد: ما در تمدن اسلامی یک دوران با شکوه علمی داشته‌ایم، اما واکنش‌ها نسبت به همین امر هم، حتی بعضاً از سوی یک شخص واحد، یکسان نیست و طیفی از مواضع را در این رابطه شاهد هستیم.

معصومی همدانی ادامه داد: گاه می‌شنویم که گفته می‌شود آن شکوفایی علمی از آنجا که علوم مربوط به آن دوره به کلی متفاوت با علم جدید است و فقط برای زمانه خودش مناسب بوده در وضع فعلی ما تغییری ایجاد نمی‌کند و بنابراین اهمیتی ندارد و گاه در سوی دیگر بام مشعوف از آن گذشته، با استناد به برخی نظریه‌های خاص و تعمیم آن، ادعاهای عجیبی مطرح می‌شود و سخن از آن است که عوامل شیطان صفت خارجی عامل تخریب آن دوران اوج بوده‌اند.

وی با اشاره به تلاش جوامع مختلف مسلمان برای منتسب کردن موارث گذشته به خودشان، گفت: چاره افراط و تفریط‌هایی که در این زمینه‌ها می‌بینیم این نیست که درگیر بحث‌های نظری در این گونه مسائل شویم، بلکه بایستی تا حدی خودمان را از وضعیت فعلی و از انگیزه‌های امروزی مان دور نگه داریم و همان طور که در زمینه‌های هندسه و جبر و آنالیز کار می‌کنیم، بدون این که فوراً از خودمان بپرسیم این کار ما به چه دردی می‌خورد، به پژوهش تاریخی، چه در حوزه تاریخ عمومی و چه در حوزه تاریخ علم، بپردازیم.

این مدرس و محقق تاریخ و فلسفه علم مانع تحقق این موضوع را حرفه‌ای نبودن پژوهش تاریخی در ایران دانست و گفت: متأسفانه یکی از زمینه‌هایی که می‌توان گفت در ایران شاید کمتر از بقیه رشته‌ها حرفه‌ای شده پژوهش تاریخی است و برای پی بردن به علت آن هم می‌توانید بررسی کنید که چند نفر از

که هم می‌توان از جنبه فلسفی و هم از جنبه تاریخی به آن‌ها پرداخت، اشاره کنم.

کرباسی‌زاده اولین نکته‌ای را که در مقدمه کتاب نیز منعکس شده پرداختن خرقی به موضوع علوم و شرف آن‌ها دانست و گفت: نویسنده کتاب می‌گوید که اجل و اشرف علوم علم الهی و علم به وجود صانع است و بلافاصله بعد از آن از علم هیئت سخن می‌گوید و این نکته بسیار عجیبی است.

وی با مقایسه این نگاه با نگاه ابن سینا در مقاله اول فن سماع طبیعی، گفت: ابن سینا در موضوع رتبه‌بندی علوم بیان می‌کند که مسائل علم هندسه با مسائل علم طبیعی اشتراک ندارد و مشارکت علم حساب با علم طبیعی، به جهت بساطتش، از هندسه هم دورتر است، و همچنین معتقد است که علوم کاربردی ریاضی، شامل علم اثقال، علم موسیقی، علم کرات متحرک، علم مناظر و علم هیئت مناسبت‌شان با علم طبیعی بیشتر است و ظاهراً در این بین علم هیئت را هم در آخر آورده است.

عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران با اشاره به تقسیم‌بندی ارسطویی علوم که بر اساس آن بررسی امور وابسته به اختیار انسان در دسته حکمت عملی و بررسی دیگر امور در دسته حکمت نظری قرار می‌گیرد، گفت: بر اساس نظر قدما اموری که به اختیار و فعل ما نیستند یا آمیخته با حرکت و ماده هستند و یا نه، و اگر آمیخته با حرکت و ماده نباشند و بسیط باشند از جنس عقل هستند و هر چه این آمیختگی با حرکت و ماده کمتر باشد شرف یک علم و موضوع آن بالاتر است.

وی با اشاره به این که موضوع علم هیئت امور آمیخته با حرکت است، گفت: اینکه خرقی، در آن زمانه که نگاه ارسطویی و ابن‌سینایی در مورد رتبه‌بندی علوم حاکم بوده، علم هیئت را بلافاصله بعد از علم الهی می‌آورد، نکته‌ای قابل بررسی است و من با کمکی که از آقای دکتر معصومی و مقدمه بسیار خوب دکتر قلندری می‌گیرم، می‌توانم بگویم که به نظر می‌رسد مسئله خرقی دفاع از مشروعیت سنتی است که می‌خواهد آن را جا بیندازد و موضوع آن را موضوعی بسیار مهم معرفی کند.

کرباسی‌زاده شاهد این نکته را استفاده فراوان نویسنده از کتاب شفای ابن‌سینا دانست و گفت: وقتی منابع

اندازه ایشان تاریخ سیاسی و عمومی می‌داند، موفق شدند نویسنده کتاب یعنی عبدالجبار خرقی را شناسایی و زندگی‌نامه او را در مقدمه مبسوط ۲۰۰ صفحه‌ای که برای کتاب نوشته‌اند، در کنار مباحثی درباره تاریخ علم هیئت، طبقه‌بندی آثار هیئت و جایگاه خرقی در این زمینه، ارائه کنند.

وی اظهار امیدواری کرد که انتشار این کتاب انگیزه‌ای برای دیگر دانشجویان در جهت آماده‌سازی و انتشار پایان‌نامه‌های‌شان ایجاد کند و افزود: یک پایان‌نامه اگر به خوبی کار شود، راهنمایی مناسبی در حین کار وجود داشته باشد و دانشجو به منابع مناسب رجوع کند، بر کاری که پژوهشگر از سر ذوق در خانه انجام می‌دهد برتری دارد.

معصومی همدانی ضمن اکتسابی دانستن این موارد و شرایط، گفت: من گمان می‌کنم آقای قلندری همه این شرایط را داشته‌اند و در تصحیح و تدوین کتاب منتهی‌الادراک از قرار گرفتن در فضای تاریخی علمی هم پژوهش‌کننده تاریخ علم دانشگاه تهران و هم پژوهشگاه علوم انسانی حداکثر استفاده را کرده‌اند و حداکثر استفاده را هم رسانده‌اند و من امیدوارم که بعد از این هم بیشتر این استفاده را برسانند.

### منتهی‌الادراک برای فیلسوفان علم



در ادامه این نشست دکتر امیراحسان کرباسی‌زاده ضمن بیان مراتب تقدیر و تشکر خود از مصحح کتاب و برگزارکنندگان نشست، به ارائه مطالب خود از منظر فلسفه علم پرداخت و گفت: با توجه به این که من اطلاعات کمی در حوزه تاریخ علم و اطلاعات کمتری در حوزه تاریخ علم اسلامی به خصوص علم هیئت دارم، سعی خواهم کرد این کتاب را در سیاق وسیع‌تری مورد توجه قرار دهم و به نکات جالب توجهی از کتاب



متفاوت است. وی نمونه‌ای از تفاوت‌های این دو اثر را وجود احکام تنجیم در التفهیم و مطرح نشدن این مباحث در منتهی الادراک دانست و درباره میزان توجه خرقی به روش‌شناسی گفت: بیرونی معتقد است که فعالیتی وجود دارد که ما نیازی به مشروعیت‌بخشی به آن و توسل به فلسفه یا فلسفه طبیعی برای این کار نداریم، اما خرقی این نیاز را حس می‌کند و تعاملش با پیشفرض‌های فلسفی بیشتر است.

عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران با اشاره به دلایل خرقی برای کروی بودن آسمان، گفت: سه دلیل اولیه خرقی دلایل رصدی است اما دلیل چهارمی که ارائه می‌کند دلیل فلسفی است و انگار با یک هوشمندی دارد می‌گوید من، به عنوان کسی که در زمینه هیئت کار می‌کنم، ابتدا باید به دلایل درونی این حوزه که تماما دلایل مشاهدتی است، متوسل شوم و بعد اگر بخواهم مشروعیت آن را برای بیرون از حوزه هیئت هم توجیه کنم، تا فلاسفه هم کار من را جدی بگیرند، برای آن‌ها دلیل فلسفی هم می‌آورم.

وی افزود: خرقی همین نوع استدلال‌آوری را برای کروی بودن زمین هم به کار می‌گیرد و در آنجا نیز پنج دلیل ارائه شده که چهار دلیل آن مشاهدتی است و دلیل پنجم تا حدی فلسفی و یا به عبارتی طبیعی و مبتنی بر پیشفرض‌های فلسفی است.

کرباسی‌زاده یکی دیگر از نکات جالب توجه کتاب را ارجاعات خرقی به شفا در مبحث ترتیب ستارگان و سیارات دانست و گفت: خرقی در این مورد که آیا همان ترتیبی را که بطلمیوس برای ستارگان و سیارات آورده اتخاذ کنیم یا نه، به کتاب شفا متوسل می‌شود.

وی با اشاره به نکته‌ای که خرقی در این مبحث مطرح کرده است، گفت: از نظر خرقی منجمان می‌توانند در استدلال‌های‌شان از مقدمات رصدی استفاده کنند و هر چند این مقدمات یقینی نباشند اما کاربردشان موجه است؛ چرا که ما می‌توانیم هیئت را بر پایه آن‌ها بنا کنیم و پیش ببریم.

عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران افزود: در عین حال که از نظر او این مقدمات رصدی غیریقینی هستند اما لزومی ندارد صرفاً نگاهی ابزاری به آن‌ها داشته باشیم؛ چرا که وقتی نتایج درستی از این مقدمات حاصل می‌شود دلیل آن می‌تواند درستی نظریه‌ای باشد که این نظام بر پایه آن نظریه بیان

منتهی الادراک را می‌بینیم، غیر از کتاب المجسطی بطلمیوس که چندین بار در این کتاب ذکر شده، بیشترین کتابی که به آن اشاره شده کتاب شفا است و این بسیار عجیب است که خرقی به عنوان کسی که در علم هیئت کار می‌کند، حداقل سه بار در ابتدای مقدمه از شیخ و کتاب شفا نام می‌برد.

وی ادامه داد: گویی خرقی می‌خواهد بگوید باید اثرش هم ارز آثار فلسفی در نظر گرفته شود و بیشترین علمی که در میان علوم به فلسفه نزدیک است همین علم هیئت است و می‌توان گفت یکی از انگیزه‌های طرح چنین نگرشی از سوی خرقی موجه کردن آموختن دانش هیئت است.

این پژوهشگر تاریخ و فلسفه علم یکی دیگر از لوازم موجه شدن دانش هیئت در آن چارچوب را تعیین تکلیف هویات نظری به کار رفته در آن دانست و گفت: خرقی یک دید واقع‌گرایانه نسبت به افلاک یا معدل المسیر و این دست مواردی داشت که برای منجمان و عالمان علم هیئت معمولاً فقط ابزار محاسباتی است و معتقد است دلایل محاسباتی آنها برای توضیح این مفاهیم کفایت نمی‌کند؛ چرا که محاسبه یک ابزار است و آن چیزی که مهم است این است که واقعا فلک وجود داشته باشد.

وی تلاش‌های خرقی برای آوردن دلایلی برای وجود افلاک را قابل تقدیر دانست و گفت: اگر تا حدی بخواهیم ذهن‌خوانی و نیت‌خوانی کنیم شاید ارائه این دلایل هم ناشی از دغدغه مشروعیت برای این نوع فعالیت و نظام فکری باشد.

کرباسی‌زاده با مقایسه کتاب منتهی الادراک با التفهیم ابوریحان بیرونی که حدود ۱۰۰ سال پیشتر نوشته شده، گفت: اصولاً نوع نگاه ابوریحان به مسائل نجوم و هیئت کاملاً متفاوت از نگاه خرقی است و دلایلی که تحت عنوان دلایل ریاضی یا دلایل رصدی برای وجود افلاک آورده می‌شود اصلاً در کتاب التفهیم وجود ندارد و همچنان که دکتر معصومی و دکتر قلندری هم گفته‌اند، دقیقاً می‌شود تشخیص داد که تعلق آنها به دو نوع سنت است که شاید در بعضی از مسائل اشتراک داشته باشند، ولی پیشفرض‌های فلسفی و روش‌شناسی آن‌ها، نگاه‌شان به جایگاه علم هیئت در بین سایر شاخه‌های علمی، شیوه هر کدام در اقناع خوانندگان در مورد مشروعیت و بلکه اصیل بودن این فعالیت، و حتی بعضاً در نوع مباحث مطرح شده، با دیگری





شده است. وی اشاره خرقی به ملاک سادگی یک نظریه را در ضمن بحث از افلاک خورشید نکته جالب توجه دیگر کتاب منتهی الادراک دانست و گفت: خرقی در مبحث افلاک خورشید مدل خارج از مرکز و مدل تدویر و فلک حامل را هم ارز می‌داند و معتقد است بطلمیوس مدل خارج از مرکز را به دلیل سادگی آن پذیرفته است و به این ترتیب به معیارهای انتخاب نظریه توضیح‌دهنده نتایج مشاهدتی یکسان اشاره می‌کند.

کرباسی‌زاده ضمن طرح نکته‌ای دیگر سخن گفتن خرقی از تاریخ در این رساله هیئت را یکی از نکات جالب توجه و به نوعی از ابهامات افکار خرقی دانست و گفت:

در بخش بعدی نشست دکتر امیرمحمد گمینی به بیان سخنان خود پرداخت و ضمن اشاره به زحمات دکتر قلندری برای ترجمه و تصحیح متن عربی کتاب منتهی الادراک و دشوار توصیف کردن این کار، گفت: بسیار جای خوشحالی است که این کتاب با این شکل و این کیفیت منتشر شده است و امیدوارم به زودی این متن به دست همه علاقه‌مندان این گونه متون برسد.

بر اساس تعریفی که هم‌قدم عرضه کرده‌اند و هم خود خرقی به آن قائل است، وقایع تاریخی منحصر بفرد و جزئی هستند و باید دید که آیا متصل کردن هیئت به تاریخ در این کتاب، که بعداً به شکل یک سنت ادامه پیدا می‌کند، شأن هیئت را، که مورد توجه خرقی است، زیر سؤال نمی‌برد؟ و چگونه می‌توان در آن سنت به توضیح و توجیه این موضوع پرداخت.

گمینی در تعریف آثار هیئت، گفت: معمولاً تعریف مشخصی از این زمینه در خود آثار هیئت و دیگر کتاب‌ها وجود دارد اما کتاب منتهی الادراک اساساً تعریف علم هیئت را تغییر داد و نوع جدیدی از آثار هیئت را به وجود آورد.

وی در بخش پایانی سخنان خود اشاره‌ای اجمالی به وضعیت حوزه مطالعاتی فلسفه علم در ایران داشت و ضمن بیان این مطلب که فلسفه علم در جامعه ما خیلی متورم شده است، گفت:

وی با بیان این که معمولاً آثار هیئت به عنوان کتاب‌هایی که درباره شکل هندسی و حرکت اجرام فلکی نوشته شده شناخته می‌شود، اظهار کرد: می‌توان گفت موضوع دانش هیئت به یک معنا کیهان‌شناسی هندسی و ریاضی است که افلاک را همچون چرخ دنده‌های تو در تو و بر اساس مسیر حرکت سیارات توصیف می‌کند تا بتوان به شیوه ریاضی و هندسی موقعیت سیارات را در هر لحظه تبیین و پیش‌بینی کرد.

دانشجویان فلسفه علم معمولاً به متون تاریخ علمی نمی‌پردازند، در حالی که سر و کار داشتن با متون تاریخی می‌تواند برای آنان تجربه لذت‌بخشی باشد.

این پژوهشگر تاریخ و فلسفه علم با اشاره به تحقیقات فیلسوفان علمی همچون بلور، مکنزی و ... در زمینه‌های مورد توجه از منظر تاریخ دانش در غرب همچون مجسمه‌شناسی، گفت:

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران افزود: البته کتب هیئت به دنبال پیش‌بینی نبودند و این کار که مشتمل بر محاسبات ریاضی و عددی است به کتاب‌های عمل یا کتاب‌های زیج سپرده شده بود و در کتاب‌های هیئت مدل‌های هندسی افلاک تو در تو برای خوانندگان معرفی می‌شد.

افراد علاقه‌مند به مطالعات علم در کشور ما نیز می‌توانند با بهره بردن از کتاب‌های علمی تاریخی خودمان به طرح پرسش‌های محلی دست بزنند و از منظرهایی همچون تاریخ علم و جامعه‌شناسی علم به بررسی این آثار بپردازند.

**جایگاه منتهی الادراک در سنت هیئت‌نگاری دوره اسلامی**

هیئت هم محسوب نمی‌شوند و باید آن‌ها را به دلیل استفاده از براهین هندسی و رصدی، کتاب جامع هیئت دانست.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران افزود: کتاب‌های قطب‌الدین شیرازی و مؤیدالدین عرضی آثار بسیار مفصلی هستند که برخلاف گفته کپری‌زاده، نه تنها دارای برهان‌های هندسی است بلکه در کتاب دیدگاه‌های دیگران هم طرح و نقد شده است و نویسندگان دیدگاه‌های خود را با استدلال بیان کرده‌اند.

وی افزود: با وجود مناسب بودن ملاک برهان‌آوری و عدم برهان‌آوری برای دسته‌بندی کتاب‌های هیئت همچنان برخی آثار همچون جهان دانش مسعودی وجود دارد که به جهت یکدست نبودن اثر در برهان‌آوری به سختی می‌توان آن‌ها را در یک دسته قرار داد.

این پژوهشگر تاریخ علم کتاب منتهی‌الادراک فی تقاسیم الافلاک خرقی را نقطه آغاز جریان کتاب‌های جامع هیئت دانست و گفت: همان‌طور که روی جلد کتاب منتشر شده هم آمده منتهی‌الادراک اولین کتاب جامع هیئت است و بعد از آن این جریان ادامه پیدا کرده و کسانی مانند خواجه نصیر، قطب‌الدین شیرازی و مؤیدالدین عرضی و شارحان تذکره خواجه آن را تداوم بخشیده‌اند.

وی با اشاره به تداوم جریان تا اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار از کتاب المستقصا فی الیهیئة ملاحمد نراقی در این دوره نام برد و گفت: این کتاب به قدری پر از استدلال و برهان‌های هندسی تو در تو است که حتی از کتاب‌های قطب‌الدین هم حجیم‌تر است.

گمینی در ادامه به کتاب منتهی‌الادراک پرداخت و گفت: خرقی در مقدمه کتاب به این نکته اشاره می‌کند که برهان‌های کتاب مجسطی در توضیح وضع افلاک و موقعیت سیارات کامل است اما ابن هیثم بسیاری از مباحث این چینی را ناگفته گذاشته است و وجه تألیف منتهی‌الادراک را تدوین کتابی مشتمل بر موضوعات مورد نیاز در این حوزه با پیروی از شیخ ابوعلی و با مطالبی افزون بر آنچه او گفته است، عنوان می‌کند.

وی با اشاره به تخصصی بودن کتاب‌های جامع هیئت گفت: آثاری همچون تشریح الافلاک شیخ بهایی و ملخص الیهیئت چغینی برای کسانی نوشته شده که متخصص هیئت نیستند و ممکن است فقیه، محدث یا

وی از کتاب فی هیئت العالم ابن هیثم به عنوان نخستین اثر استاندارد در این دانش نام برد و گفت: از آثار مقدماتی هیئت که بگذریم، در میان کتب هیئت به آن معنایی که بعدها تثبیت شد، فی هیئت العالم اولین اثری بود که بر جنبه مجسم بودن فلک‌ها تأکید داشت و افلاک را نه صرفاً مدل‌هایی ریاضی برای پیش‌بینی موقعیت سیارات، بلکه به مثابه مدل‌هایی برای فهمیدن هیئت و شاکله عالم مطرح کرد.

این متخصص هیئت و نجوم دوره اسلامی افزود: در چنین رویکردی است که به موقعیت زمین در عالم، و اینکه افلاک به چه شکل دور تا دور زمین را گرفته‌اند، فاصله تک تک سیارات با زمین و اندازه آن‌ها توجه می‌شود.

وی با بیان این که البته برخی از این مباحث بعد از ابن هیثم مطرح شده است، افزود: سابقه مدل‌های هندسی افلاک اساساً به مجسطی بطلمیوس می‌رسد اما تعبیر فیزیکی از این مدل‌ها و این که فقط مجموعه‌ای از دایره‌های هندسی نیستند و تأکید بر جنبه واقع‌گرایانه آن‌ها با کتاب فی هیئت العالم ابن هیثم شروع می‌شود.

گمینی با اشاره به وجود تعریفی متفاوت از علم هیئت در برخی از کتب، گفت: برای مثال در کتاب مفتاح السعادة اثر تاش کپری‌زاده، مربوط به قرن دهم هجری، موضوع علم هیئت شناسایی احوال اجرام بسیط با تکیه بر براهین هندسی توصیف شده است و نویسنده آثار هیئت فاقد براهین هندسی را در زمره هیئت بسیط دانسته و قرن‌ها بعد از ابن هیثم، خرقی و خواجه نصیر از تذکره خواجه نصیر، الیهیئت مؤیدالدین عرضی، تحفه شاهیه و نهاییه الادراک قطب‌الدین شیرازی به عنوان نمونه‌های کتاب‌های هیئت بسیط و فاقد برهان هندسی نام برده است.

وی کتاب‌های هیئت بعد از ابن هیثم را بر دو نوع آثار مشتمل بر براهین هندسی و استدلال‌های رصدی و آثار فاقد این نوع برهان‌ها دانست و گفت: تعریفی را که تاش کپری‌زاده ارائه کرده شاید بتوان فقط در مورد آثار مختصر هیئت، مانند فارسی هیئت قوشچی، تشریح الافلاک شیخ بهایی، و لباب اسکندری غیاث‌الدین جمشید کاشانی، به کار برد اما کتاب‌های دیگری همچون تذکره خواجه، وجود دارد که هر چند ممکن است حجم زیادی نداشته باشند اما کتاب مختصر

مفسر باشند و متخصص در علوم دینی یا فلسفی باشند و نخواهند زیاد در علوم ریاضی غور کنند یا آشنایی زیادی با جزئیات نداشته باشند، اما دوست دارند با مدل‌های نجومی آشنا شوند.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران افزود: در واقع می‌توان این کتاب‌ها را به تعبیر امروزی نجوم به زبان ساده دانست؛ اما کتاب‌های جامع به جهت اشتغال بر براهین و احیاناً نقد و بررسی آراء دیگران، کتاب تخصصی محسوب می‌شوند.

وی با اشاره به سیری که این موضوع طی کرده است، گفت: کتاب خرقی تا حدی وارد بحث و بررسی آراء و استدلال‌آوری شده است اما ادامه‌دهندگان راه او یعنی خواجه نصیر و به خصوص قطب‌الدین شیرازی و مؤیدالدین عرضی این کار را به منتهای آن می‌رسانند و حتی قطب‌الدین اشکالات فراوانی به دیدگاه‌ها و تعاریف خود خرقی وارد می‌کند.

گمینی گفت: خرقی در هر باب در فصل نخست هیئت فلک را بیان می‌کند، در فصل دوم اموری را که برای سیارات به واسطه حرکت‌شان روی می‌دهد آورده است، و در فصل سوم به سراغ دلایل می‌رود، در حالی که مطالب فصل‌های دوم و سوم در کار ابن هیثم دیده نمی‌شود.

وی هسته اصلی کار خرقی را مطالب فصل سوم دانست و افزود: برای مثال تبیین خرقی در مورد دلیل نیاز به فلک تدویر و یا فلک خارج مرکز در این بخش از کتاب آمده است و همین مباحثی که خرقی به صورت مختصر بیان کرده محل بحث‌های مفصل خواجه و قطب‌الدین شده است.

این متخصص هیئت و نجوم دوره اسلامی اهمیت این جریان را در طرح دوباره هیئت و شکل کیهان دانست و گفت: در حالی که تا پیش از ابن هیثم هیئت بطلمیوسی پذیرفته شده تلقی می‌شد و کار در زمینه هیئت تقریباً به اشکال از بطلمیوس در مسائل ریاضی و تصحیح پارامترهای بطلمیوسی با ابزار رصد منحصر شده بود، و بیشتر کتاب‌های زیج نوشته می‌شد، اما علم هیئت دوباره با ابن هیثم احیا شد و خرقی کار ناتمام او را ارتقا بخشید و به پیش برد.

### تأثیرپذیری کوپرنیک از هیئت‌نگاری اسلامی

وی از تأثیرپذیری کوپرنیک از کتاب‌های جامع هیئت

سخن گفت و اظهار کرد: بعضی از استدلال‌های کوپرنیک در مورد امکان حرکت زمین ادامه بحث‌هایی است که خواجه و قطب‌الدین به واسطه اختلاف‌نظرشان، با هم داشته‌اند و این مطلب را پروفیسور رجب نیز در چند مقاله مطرح کرده‌اند.

گمینی ضمن بیان این که کوپرنیک فردی است که دوباره درباره شکل واقعی کیهان سخن می‌گوید، گفت: در واقع این جریان که در دانش هیئت برای هر حرفی باید استدلال بیاوریم و می‌توانیم در استدلال‌ها مناقشه کنیم، منجر می‌شود به این که کوپرنیک هم در امور و تصوراتی پایه‌ای‌تر مناقشه می‌کند.

وی در پایان با اشاره به وظیفه مورخ علم گفت: تاریخ علم با همین آجرهای کوچکی که روی هم قرار می‌گیرد شکل گرفته و وظیفه مورخ است که نقش به ظاهر کوچک تک تک دانشمندی را که در طول قرن‌ها کتاب نوشته و نظریه‌پردازی کرده‌اند، نشان بدهد.

### کشفیات تاریخی مصحح درباره عبدالجبار خرقی

در بخش پایانی نیز دکتر قلندری مصحح کتاب منتهی الإدراک فی تقاسیم الأفلاک به بیان مطالب خود پرداخت و ضمن تشکر از همراهی دکتر معصومی همدانی در تمام مسیر ترجمه و تصحیح و چاپ کتاب، گفت: منتهی الإدراک در دنباله سنت و آثاری نوشته شده که با تمرکز کمتر بر حسابات ریاضی به اوضاع کلی آسمان و زمین پرداخته‌اند و نمونه‌هایی از آن را می‌شود در سده‌های چهارم و پنجم مثال زد.



قلندری با اشاره به سخن خرقی درباره ابتکاری بودن ساخت منتهی الإدراک، گفت: خرقی می‌گوید آن چه را



عبدالجبار خرقی است که برخی از آنان از جمله عمو و پدر عبدالجبار، فقیه بوده‌اند و اتفاقاً سمعانی نیز از پدر خرقی حدیث شنیده و به واسطه همین آشنایی در کتاب التحبیر گزارش کاملی از عبدالجبار خرقی به دست داده است.

وی در ادامه به شواهدی که در چهار سال اخیر درباره عبدالجبار خرقی به دست آورده پرداخت و با اشاره به دست یافتن به نامه‌ای مربوط به خرقی با راهنمایی دکتر معصومی همدانی، گفت: در نامه‌های فارسی رشیدالدین وطواط، دبیر آتسز خوارزمشاه، نامه‌ای خطاب به بهاءالدین خرقی وجود دارد که ضمن مطالب آن اشاره‌ای به اوضاع ناآرام زمانه و گردآمدن لشکرها از مناطق مختلف وجود دارد.

مصصح منتهی الادراک افزود: همچنین در گزارش بیهقی در تتمه صوان الحکمه از حمله آتسز به مرو سخن گفته شده که وی در آن لشکرکشی گروهی از دانشمندان مرو را با خود همراه کرده و بیهقی در گزارش خود در بین این دانشمندان از شخصی به نام ابومحمد خرقی نام می‌برد.

وی با بیان این که بر اساس گزارش سمعانی ما می‌دانیم که بهاءالدین و ابومحمد هر دو کنیه عبدالجبار خرقی است، اظهار کرد: در واقع آن نامه در کنار بقیه شواهد، ضمن تأیید تفاوت عبدالجبار خرقی با ابوبکر خرقی، به ما نشان داد که زندگی عبدالجبار خرقی چگونه بوده و در دوره مورد نظر در کجا زندگی می‌کرده است. این پژوهشگر تاریخ علم گفت: با قرائن به دست آمده مشخص شد نامه وطواط مربوط به یکی از مقاطع مهم در تاریخ خراسان و زمانی است که غزها، که از جمله دسته‌های مزدور در خدمت سلجوقیان بوده‌اند، در دوره پایانی حکومت آنان دست به شورش می‌زنند و صحنه‌هایی شبیه به حمله مغول را پدید می‌آورند و پس از گریختن سنجر از اسارت آنان، آتسز در سال ۵۵۰ حاکمان مناطق مختلف را برای رویارویی با غزها فراخوانده است.

قلندری گفت: این مطالب نشان می‌دهد ابومحمد خرقی در سال ۵۳۶ زنده بوده در حالی که ابوبکر خرقی در سال ۵۳۳ از دنیا رفته است و علاوه بر آن نشانگر آن است که عبدالجبار خرقی تا سال ۵۵۱ یا حداقل تا زمان مرگ آتسز در خوارزم باقی مانده بود و در نهایت در مرو از دنیا رفته است؛ در حالی که ابوبکر خرقی در خرق از دنیا رفته بود.

قبل از او بیان شده گردآوری و کتابی مفصل تدوین کرده است و ادعای ما این است که می‌توان رد پای منتهی الادراک را در کتاب‌های هیئت پس از آن، به ویژه در آثار مربوط به قرن هفتم که نقش مهمی در سنت نگارش کتاب‌های هیئت دارند، دید.

وی سپس به روند تصحیح کتاب پرداخت و با اشاره به پراکنده بودن نسخه‌های این اثر در اطراف و اکناف دنیا، از ایران گرفته تا مصر و از برلین و پاریس تا فلورانس، گفت: من اولین بار زمانی که روی پایان‌نامه فوق لیسانس کار می‌کردم با رساله منتهی الادراک آشنا شدم و در پایان‌نامه‌ام، با استناد به بزرگانی همچون پروفیسور رجب و دیگرانی که درباره خرقی مطالبی نوشته بودند، اسم خرقی را ابوبکر شمس‌الدین نوشتم، اما بعد از ورود به دوره دکترا اولین باری که یک نسخه از کتاب، یعنی نسخه برلین، به دستم رسید دیدم که در صفحه عنوان کتاب نام نویسنده عبدالجبار خرقی نوشته شده است.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران با اشاره به نسبت داده شدن کتاب منتهی الادراک از سوی محققان اروپایی به ابوبکر خرقی، گفت: نسخه‌های اصلی این کتاب در پاریس و برلین بود و در اوایل قرن بیستم هم نالینو از نسخه‌های پاریس و فلورانس استفاده کرده بود و هم ویدمان بر اساس نسخه برلین مقدمه منتهی الادراک را و علاوه بر آن مقدمه تبصره، اثر دیگر خرقی را، به آلمانی ترجمه کرده بود و همه آن‌ها با وجود این که در صفحه ابتدای اثر از عبدالجبار خرقی نام برده شده بود، نویسنده را ابوبکر خرقی معرفی کرده بودند.

وی منشأ احتمالی این اشتباه را کشف الظنون حاجی خلیفه دانست و درباره سیر کشف تفاوت این دو فرد گفت: فضل تقدم در بازشناسی عبدالجبار خرقی و تفاوت قائل شدن میان او و ابوبکر خرقی با تحقیق مرحوم حائری منتشر شده در نامه بهارستان، و پیش از آن اشاره مختصر آقای محمد شفیق، مصصح تتمه صوان الحکمه در حاشیه این کتاب، است و من نیز با تحقیقاتی که داشتم و شواهدی که از التحبیر سمعانی، انساب سمعانی و تتمه صوان الحکمه به دست آوردم به این نکته آگاه شدم.

قلندری با بیان این که ابوبکر خرقی معاصر مسن‌تر عبدالجبار است، اظهار کرد: خاندان‌های زیادی به خرق مرو منتسب هستند که یکی از آن‌ها خاندان





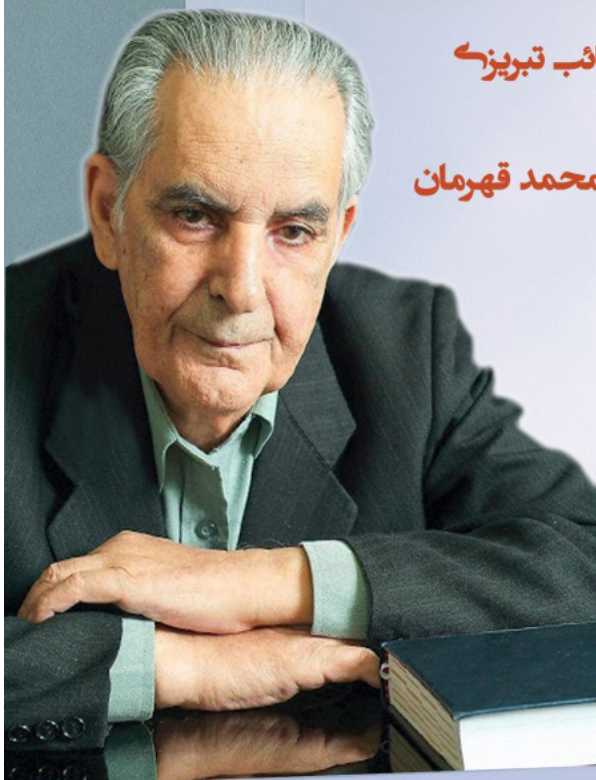
مرکز آرش و اسناد دانشگاه  
فردوسی مشهد

# صائب و قهرمان

به مناسبت روز بزرگداشت صائب تبریزی

و

نودویکمین سالگرد تولد استاد محمد قهرمان



با حضور

مصطفی جیحونی

شاهنامه‌شناس و متن‌پژوه

محمود عابدی

استاد دانشگاه خوارزمی

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

محمدجعفر یاحقی

استاد دانشگاه فردوسی

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

مدیر جلسه: الوند بهاری

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۹

پخش زنده در صفحه اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

به نشانی @mirasmaktoob

صدای شهپر جبریل عشق هر ساعت  
ز رخنه دل پر اضطراب می شنوم  
مگر ز سیر بناگوش یار می آید؟  
که بوی یاسمن از ماهتاب می شنوم  
مگر ز صحبت دل های گرم می آیی؟  
که از لباس تو بوی کباب می شنوم  
چه حرف های خنک صائب از سیاه دلان  
به پشت گرمی آن آفتاب می شنوم

## تقارن روز بزرگداشت صائب و تولد محمد قهرمان



بهاری در ادامه با اشاره به این که نامگذاری روز دهم تیر به عنوان بزرگداشت صائب در دسته مناسبتهای ضمیمه تقویم قرار گرفته است، یکی از اهداف این نشست را پرداختن به مناسبتی که کمتر از مناسبت های رسمی تر تقویم مورد توجه قرار گرفته عنوان کرد و درباره چگونگی تعیین این روز برای این مناسبت گفت: با توجه به این که در تواریخ هیچ روزی که ارتباطی با صائب تبریزی پیدا کند یافت نشده، بر اساس اینکه کلمه «صائب» به حساب حروف ابجد مساوی ۱۰۳ است، صد و سومین روز سال که دهم تیرماه است، به عنوان روز بزرگداشت صائب تعیین شده است. جالب توجه است که از قضا دهم تیر مصادف با سالگرد تولد استاد محمد قهرمان نیز هست که نام او با نام صائب تبریزی گره خورده و مصحح دیوان صائب تبریزی است.

وی گفت: استاد محمد قهرمان از سال ۱۳۴۵ کتابدار و بعدها رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد بودند. تحصیلاتشان در رشته حقوق بود و کار ادبی و شاعری را از نوجوانی پیش گرفته بودند. رفاقت

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیست و ششمین نشست این مؤسسه به مناسبت روز بزرگداشت صائب تبریزی و نود و یکمین سالگرد تولد استاد محمد قهرمان، روز سه شنبه ۱۰ تیرماه ۱۳۹۹ از طریق صفحه اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب برگزار شد.

در این نشست که با همکاری مرکز آثار، مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد و خردسرای فردوسی مشهد برگزار شد، محمود عابدی، استاد دانشگاه خوارزمی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مصطفی جیحونی، شاهنامه پژوه و متن پژوه، و محمدجعفر یاحقی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با اجرای الوند بهاری سخن گفتند.

در ابتدای این نشست الوند بهاری ابیات زیر را از صائب تبریزی خواند:

هوالغفور ز جوش شراب می شنوم  
صریر باب بهشت از رباب می شنوم

تفاوت است میان شنیدن من و تو  
تو بستن در و من فتح باب می شنوم

بر آستان خرابات چون نباشم فرش؟  
که بوی زنده دلی زان تراب می شنوم

دویدن می گلرنگ را به کوچه رگ  
به صد رسایی آواز آب می شنوم

صفای پردگیان خیال می بینم  
صدای پای غزالان خواب می شنوم

ترانه ای که سر دار از آن شود رنگین  
به هر چه می نگرم بی حجاب می شنوم



دیرینی با مهدی اخوان ثالث داشتند. استاد قهرمان از سال ۱۳۳۹ یعنی دقیقا ۶۰ سال پیش، عصرهای سه شنبه در منزل‌شان محفلی داشتند که در آن شاعران خراسان جمع می‌شدند و شعر می‌خواندند و درباره شعرها بحث می‌کردند.

## مروری بر برخی آثار قهرمان

این پژوهشگر درباره آثار شادروان قهرمان گفت: یکی از کتاب‌های ایشان «صیادان معنی»، برگزیده‌ای مفصل از تک بیت‌های شاعران سبک هندی است که انتشارات امیر کبیر منتشر کرده است. استاد قهرمان پدید آورنده گزیده‌ای از اشعار صائب با عنوان «رنگین گل» نیز هست. «برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی» یکی دیگر از آثار ایشان است که از سوی انتشارات سمت دفعات متعدد چاپ و منتشر شده است.

بهاری افزود: علاوه بر این استاد قهرمان دواوین چند شاعر دیگر از شاعران دوره صفوی را تصحیح کرده‌اند و به حق از نامدارترین محققان شعر سبک هندی هستند. همچنین کتاب «عرفات العاشقین و عرصات العارفین» را ایشان با همکاری مرحوم ذبیح الله صاحبکار تصحیح کردند که میراث مکتوب آن را منتشر کرده است.

وی ادامه داد: استاد قهرمان با این که عمر زیادی بر شعر صائب گذاشته بودند تعصبی هم نداشتند. به عنوان مثال در گزیده‌ای که انتشارات سمت منتشر کرده است، ایشان بعد از معرفی صائب، اشکالات زبانی شعر او را برشمرده‌اند و بر خلاف خیلی‌ها که اگر درباره یک شاعر درجه چندم هم چند سال کار کنند شیفته او می‌شوند استاد قهرمان ظاهرا از این خصلت به دور بودند.

بهاری در معرفی برخی دیگر از آثار محمد قهرمان گفت: «روی جاده ابریشم شعر» کتابی است حاوی شعرهای مربوط به سال‌های پایانی زندگی استاد قهرمان که چند غزل و نزدیک به هزار رباعی از ایشان در این کتاب آمده و نشر جمهوری آن را منتشر کرده است. علاوه بر چند گزیده از شعرهای رسمی و محلی ایشان که در مشهد منتشر شده، ترانه‌ها و تصنیف‌های محمد قهرمان را نیز چند سال پیش انتشارات شهرستان ادب مشهد منتشر کرده است.

وی از «ده‌نامه» به عنوان یکی از کتاب‌های خواندنی منتشرشده به اهتمام آقای قهرمان نام برد و گفت:

این کتاب دربرگیرنده نامه‌هایی از اخوان ثالث با توضیحات و حواشی بسیار خواندنی آقای قهرمان است. در این کتاب علاوه بر این که آن محمد قهرمان آرشویست به خوبی دیده می‌شود، می‌بینیم که ایشان توانسته‌اند با نامه‌های دوست نزدیک‌شان مثل متن ادبی کهن و سند برخورد کنند. این نظم در اخوانیات چیزی است که حتی برخی محققان که در کارهای‌شان جدی هستند، ندارند.

## زندگی صائب تبریزی

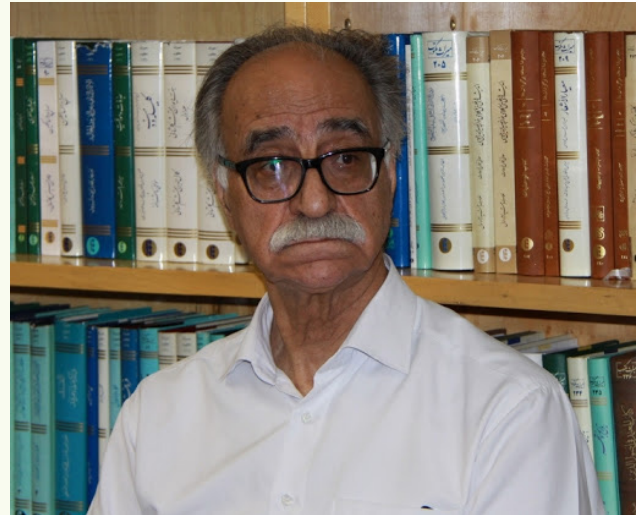
در ادامه نشست دکتر عابدی به بیان سخنان خود پرداخت و گفت: من از سال ۱۳۴۵ و ۴۶ با شعر صائب آشنایی داشتم؛ یعنی از زمانی که آرامگاه صائب در اصفهان پیدا و تعمیر شد. در آن زمان روزهای جمعه در آن محل انجمن صائب تشکیل می‌شد که مجمع ستارگان ادب فارسی اصفهان بود و محضرشان در صبح‌های جمعه برای شناخت صائب و شناخت شعر و ادبیات فارسی بسیار مغتنم بود. من برای بار اول بسیاری از استادان ادب فارسی را در صبح‌های جمعه در همان آرامگاه صائب زیارت کردم و بعد از آن آنها را بیش از گذشته شناختم.

دکتر عابدی ضمن بیان این که حداقل سخنی که در مورد صائب می‌شود گفت این است که بزرگترین شاعر دوره صفویه است، ادامه داد: صائب و شعرش از دو جهت قابل شناختن است؛ یکی این که خود شاعر، محدوده زندگی او و کم و کیف شعرش را بشناسیم و یکی هم این که وارد شعر صائب بشویم و از این طریق شعر دوره صفویه را شناسایی کنیم.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره صائب و زندگی او گفت: صائب از یک خاندان فرهنگی تبریزی است که در زمان پادشاهان صفویه از تبریز کوچیده‌اند و در محله عباس آباد کنونی، یعنی همان جایی که آرامگاه صائب و تکیه صائب و باغ صائب هم در آنجاست، ساکن شده‌اند. بنا بر مشهور در آن زمان تبارزه اصفهان همان مردم را می‌گفتند.

وی خط خوب صائب در جوانی را یکی از نشانه‌های تربیت یافتن او در خاندانی فرهنگی دانست و افزود: صائب در جوانی به قصد تجارت به هندوستان رفته و نزدیک به ده سال در آنجا بوده و شاید بتوان گفت یکی از توفیقات او دیدارش با شخصیتی فرهنگی به نام ظفرخان اعظم باشد که در آن نواحی حاکم بوده و

صائب در خدمت او بوده و با هم مشاعراتی داشته‌اند و شاعری را بیشتر در آنجا ورزیده و تمرین کرده است.



دکتر عابدی ادامه داد: ظفرخان اعظم شاعر بسیار معروفی بوده و به صائب هم بسیار علاقه داشته است. بعد از مدتی پدر صائب به قصد بازگرداندن صائب به هندوستان رفته و اتفاقاً صائب در همین زمان قصیده‌ای سروده، که در قیاس با قصاید دوره صفویه بسیار قصیده لطیفی است، و در آن از این که پدرش از اصفهان به قصد بازگرداندن او آمده سخن گفته و آن را برای ظفرخان اعظم خوانده و از او اجازه گرفته که به اصفهان بازگردد.

وی با اشاره به این که صائب بین سال‌های ۱۰۱۰ تا ۱۰۱۶ متولد شده، گفت: او در این زمان جوانی و میان‌سالی را می‌گذرانده و به تدریج شعرش شهرتی پیدا می‌کند. صائب با شاعران دیگر التفی داشته و گفته‌اند که در همین سال‌ها به مکه و مشهد مشرف شده است و این سفرها نشان می‌دهد که صائب به ظاهر آدم بسیار متشرعی بوده است. او در زمان شاه عباس دوم به مقام ملک الشعرائی رسیده است.

### ویژگی‌های شعر صائب

دکتر عابدی درباره ویژگی‌های اشعار صائب گفت: شعر او غالباً با پادشاهانی مثل شاه سلیمان و شاه عباس دوم ارتباط داشته است، اما البته مثل شعر دوره صفویه، مخاطب اولیه شعر صائب مردم عامه و توده و مردم کم سواد بوده‌اند؛ مردمی که شعر را برای لذت بردن از معنی نمی‌خوانده‌اند، بلکه آن را برای کشف دقایق و رسیدن به پیچ و خم الفاظ و رابطه پنهان کلمات و برای ایجاد رابطه میان آن شعر و زندگی خودشان می‌خوانده‌اند. این نوع شعر طبعاً شعر قهوه‌خانه‌ها و

جایی است که مردم عامی و توده مردم کم سواد در آنجا حضور دارند.

وی ضمن اشاره به این موضوع که مدت عمر صائب حدود ۷۰ سال و به همان اندازه که حافظ زندگی کرده، بوده است، گفت: مقدار شعر صائب نسبت به تقریباً بیشتر شاعران فارسی بسیار زیاد است و اگر از علاقه‌مندان شعر صائب اجازه داشته باشم که این ویژگی را یک نوع حرص‌ورزی نسبت به انبوه کردن شعر بنامم، این امر لطمه بزرگی بر شعر صائب وارد کرده است.

دکتر عابدی شعر صائب را بر اساس ظاهر آن شعری بسیار آسان‌پذیر توصیف کرد و گفت: صائب به آسانی اجازه می‌دهد که شعرش به تقلید شاعران دیگر و یا منطبق بر ذوق کسانی باشد که در قهوه‌خانه‌ها می‌نشسته‌اند و مصراع برجسته‌ای را کشف می‌کرده‌اند و یا از شاعر بر شعری استقبال می‌طلبیده‌اند. شما اگر نگاه دقیقی به کل دیوان صائب که به همت مرحوم استاد محمد قهرمان به چاپ رسیده، بیندازید می‌بینید که نام بیش از ۶۰ شاعر در اشعار صائب آمده است؛ در حالی که در شعر دیگر شاعران مانند مولوی، حافظ، عطار، سعدی و دیگران این پدیده بسیار نادر است.

وی ادامه داد: کسانی هم که نام‌شان در اشعار صائب آمده می‌تواند حافظ، سعدی، مولوی، سنایی، خاقانی، خواجو، جامی و امثال این‌ها باشند و می‌تواند بسیاری از کسانی که امروز گمنام‌اند و شاید در آن روزگاران فقط غزلی ساخته‌اند، باشند؛ و صائب گفته این جواب آن غزل صائب که فلانی گفته است، و به این ترتیب غزلی ساخته است.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی افزود: این نوع شعر اصولاً شعر جوششی و شعری که اندیشه شاعر را منعکس کند نیست و شعری است که فقط در صدد مضمون‌پردازی و قافیه‌پردازی و معارضه و مبارزه با شعری است که شاعر پیش روی خود دیده است.

وی یکی دیگر از ویژگی‌های شعر صائب را زیاد خوانده شدن آن دانست و گفت: شعر صائب متأثر از زندگی و زیستگاهی که داشته در قیاس با دیگر شاعران بسیار خوانده می‌شده و دست به دست می‌گشته است. از هندوستان از صائب اشعارش را طلب می‌کرده‌اند و او هم شعر به آنجا می‌فرستاده است. خود صائب



هم چنان که گفته است «دوردستان را به احسان یاد کردن همت است / ورنه هر نخلی به پای خود ثمر می‌افکند»، علاقه‌مند بوده که شعرش را به نواحی مختلف بفرستد. همین امر باعث شده که شما در دیوان صائب بخش به خصوصی را می‌بینید به نام «مطالع» که در دیوان شاعران دیگر نمی‌بینید.

دکتر عابدی ادامه داد: بسیاری از این مطلع‌ها مطلع‌هایی هستند که غزلی با چنان مطلع در دیوان آمده و بعضی از مطلع‌ان‌هایی هستند که به صورت غزل در نیامده است. این نشان می‌دهد که شاعر مطلع‌ها را می‌گفته و سر فرصت آن‌ها را به غزل تبدیل می‌کرده است و برخی از این مطلع‌ها توفیق پیدا نکرده‌اند که به صورت غزلی در بیایند.

وی با اشاره به حجم ۷۲ هزار بیتی دیوان منتشر شده از صائب به تصحیح مرحوم محمد قهرمان، گفت: محمد قهرمان مجبور شده است شعرهای این دیوان را دو درجه‌ای تنظیم کند؛ اول بر اساس حروف آخر غزل‌ها و بعد بر اساس وزن غزل‌ها. گاهی می‌بینید ده تا بیست غزل در یک وزن به دنبال یکدیگر آمده و عجیب است که گاهی اوقات می‌بینید غزل‌هایی آمده که وزن‌شان یکی و قافیه یکی و ردیف هم یکی است.

دکتر عابدی با اشاره به اهمیت ذوق انتخاب شعر و مشهور بودن آن در همان دوره، گفت: قاعده بوده در آن عصر که وقتی برای تنظیم بیاض - که همان مجموعه شعرهای منتخب و پاک‌نویس اشعار بوده - دیوانی را می‌خواندند و ابیاتی را انتخاب می‌کردند و در برابر بیتی که پسندیده بودند نقطه‌ای می‌گذاشتند که به آن نقطه انتخاب می‌گفتند. اگر صائب یک روز مثل حافظ فکر می‌کرد و دیوان خود را در ۵ هزار بیت تنظیم می‌کرد بی هیچ شک یکی از بزرگان ادب پارسی بود. دریغا که شعر و هنر دائماً در تاریخ از مخاطب سفارش می‌گیرد و شعر صائب هم از مخاطب کم‌سواد سفارش گرفته است.

### نسبت صائب با دیگر شاعران ادب فارسی

وی با اشاره به نسبت صائب با دیگر شاعران ادب فارسی، گفت: صائب با مولوی ارتباط خاصی دارد و مریدانه شعر مولوی را می‌خواند. به نظرم بعد از مولوی در بخش‌های مرکزی ایران و مراکز فرهنگی ایران شعر مولوی را کمتر می‌خوانده‌اند و اگر هم

می‌خوانده‌اند مشهورترین آن‌ها در دوره صفویه صائب است. صائب است که بسیاری از تعابیر خاص مولوی را در شعر خودش دارد؛ از جمله تعابیری همچون نمود آینه، خار سر دیوار، آب زیر کاه و ... در مناقب العارفین نیز به این موضوع اشاره شده و نشانی دنباله‌های برخی موارد در شعر صائب داده شده است و گفته‌اند که صائب از بزرگترین شخصیت‌هایی است که بعد از مولوی آثارش را خوانده است.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی ادامه داد: صائب در عین این که به شعر مولوی توجه داشته نسبت به سعدی چندان ارادتی ندارد و یک بیت بسیار معروف دارد که می‌گوید «صائب از خاک پاک تبریز است / هست سعدی گر از گل شیراز». اما نسبت به حافظ بسیار ارادت دارد و گفته است که «شعر حافظ شیراز انتخاب ندارد». صائب بسیاری از شعرهای حافظ را جواب گفته است البته حقیقت این است که بگوییم که به دلیل ذهن مضمون‌اندیش، نتوانسته غالباً از عهده جواب بریاید، اما گاهی اوقات ابیاتی دارد که بسیار درخشان است.

وی ضمن اشاره به قابل بررسی بودن این موضوع که چرا شعر دوره صفویه با شعر و ادبیات قبل از صفویه فاصله دارد، افزود: دروازه شعر دوران صفویه برای ورود هر گونه کلمه باز است چرا که این زبان همانند دوره قبل از مغول، زبان ادب و شاعران و ادیبان یا شعر ادب حافظ و سعدی نیست. دوران صفویه، به خصوص دوره‌ای که صائب زندگی می‌کرد، دوران حکومت تشیع و به تعبیری دوران حکومت دین بود و عجباً که در ۷۲ هزار بیت شعر صائب شما صد جا از قرآن اثر نمی‌بینید و از حدیث نشانه آشکاری نمی‌بینید؛ هر چند از نظر معارف دینی اشعار او بسیار عالی است.

دکتر عابدی افزود: موارد بسیاری، چه از جهت صوری و چه از جهت مضمونی، در باب شعر صائب قابل بررسی است، اما اجمالاً می‌توان گفت شعر صائب خواندنی است و شعر یک دوره ادب فارسی است و زیبایی‌هایی دارد که در شعر هیچ شاعری نیست. به همین دلیل هم عامه مردم وقتی می‌خواهند درد دل‌های خود را با یک بیت بیان کنند از صائب کمک می‌گیرند.

وی در پایان ضمن بیان این مطلب که شعر صائب غالباً شعر شکوه و شکایت و پند و اندرز است، غزلی از منتخبات دکتر صفا را برای مخاطبان خواند:

یک روز گل از یاسمن صبح نچید  
پستان سخن خشک شد از بس نچکید  
صد بار فلک پیرهن خویش قبا کرد  
یک بار تو بی درد گریبان ندریدی  
چون بلبل تصویر به یک شاخه نشستی  
ز افسردگی از شاخ به شاخی نپریدی  
پیوسته چراگاه تو از چون و چرا شد  
از گلشن بی چون و چرا رنگ ندیدی  
یک صبحدم از دیده سرشکی نفشاندی  
از برگ گل خویش گلابی نکشیدی

### منش و شخصیت استاد محمد قهرمان

در ادامه این نشست مهندس مصطفی جیحونی، پژوهشگر متون ادبی و شاهنامه‌پژوه که سال‌ها با شادروان قهرمان دوستی و مراوده پیوسته داشته به بیان خاطراتی از آن مرحوم پرداخت.

مهندس جیحونی ضمن اشاره به آشنایی‌اش با آقای قهرمان در سال ۱۳۷۱، گفت: در آن سال آقای قهرمان و آقای صاحبکار و آقای محمدرضا طاهری (حسرت) به اصفهان آمده بودند و در دفتری که دوست ما استاد مصطفی کاویانی در خیابان سیدعلی خان به ادبیات فارسی و شعر اختصاص داده بودند، استاد قهرمان را دیدیم و ایشان را دعوت کردیم و به منزل ما آمدند. در آنجا استاد کسای که همیشه شمع مجلس ما بودند و سروری داشتند و خوانندگان اصفهانی هم، تشریف داشتند و آن جا شروع آشنایی ما با استاد بود. پس از آن هم من هر زمان به مشهد مشرف می‌شدم معمولاً سه‌شنبه را سعی می‌کردم منزل آقای قهرمان باشم و در محفل ادبی‌شان شرکت کنم.

وی با اشاره به تمجید فردوسی از کیخسرو با توصیف او به برخورداری از نژاد، گوهر، هنر و خرد، گفت: آقای قهرمان در همه این موارد ممتاز بود. او نژاده بود و ذاتی عالی داشت؛ از همه لحاظ هنرمند بود؛ دقتی قابل توجه در کار خود داشت و از همه مهم‌تر صداقت و درستی و پاکی او بود. ممکن است شاعری شعرهای خوبی بگوید، اما اخلاق پسندیده‌ای نداشته باشد. طبیعتاً افراد بسیاری هستند که من با آنها تعاملی نداشته‌ام، اما در میان کسانی که با آنها حشر و نشر داشته‌ام آقای قهرمان، آقای یدالله بهزاد و آقای صاحبکار را از

جهت واقعا عالی می‌دانم.

این پژوهشگر در ادامه به بیان خاطره‌ای از جستجویش برای دسترسی به فرهنگ ولف پرداخت و گفت: گفتن این داستان این حسن را دارد که مخاطبان جوانتر بدانند امروز دستیابی به منابع آسان شده و در بررسی‌ها کوشش‌های پیشین را مد نظر قرار دهند.

وی ادامه داد: شخصی به نام ولف بیست سال تمام کلماتی را که در شاهنامه به کار رفته بر اساس نسخه مول و بر اساس نسخه فولرز و در اغلب موارد نسخه مکان فهرست کرده است. امروزه ما به نرم‌افزاری مانند «درج» در همه جا دسترسی داریم، اما فرهنگ ولف اثری بود که برای نخستین بار در زمان هیتلر و بعداً هم در حدود سال‌های ۱۹۶۰ به چاپ رسیده بود و زمانی که من به آن نیاز داشتم بسیار نایاب بود.

این مصحح شاهنامه گفت: من برای کار بر شاهنامه به این فرهنگ احتیاج داشتم. در اصفهان شخصی این کتاب را داشت، اما با توجه به اینکه نگران خراب شدن کتاب بود آن را در اختیار من قرار نداد. من در زمان دانشجویی در پی این کتاب به کتابفروشی طهوری مراجعه کردم و مرحوم عبدالغفور طهوری هم آقای نورالله ایران‌پرست (ایزدپرست)، مؤسس کتابفروشی و کتابخانه دانش و مجله دانش را به من معرفی کرد. آقای ایران‌پرست هم با این که کتابخانه عجیبی از متون قدیمی و نسخ خطی داشتند، این کتاب را نداشتند اما من را به آقای بهرام فرهوشی معرفی کردند. آقای فرهوشی هم آدرسی در سوییس به من دادند تا با مکاتبه از وضعیت انتشار کتاب در آنجا مطلع شوم اما از این طریق هم به نتیجه نرسیدم.

وی ادامه داد: در حالی که مدت‌ها تلاش من برای دسترسی به این کتاب بی نتیجه مانده بود، یک بار در مشهد در منزل آقای قهرمان از این کتاب حرف زدم و روز بعد دیدم که فرهنگ ولف روی میز است. در واقع آقای قهرمان با این که در آن زمان بازنشسته شده بود با کتابخانه تماس گرفته بود تا کتاب را برای من بیاورند و این نشان بزرگواری آقای قهرمان بود.

مهندس جیحونی با یادکردی از یکی از استادانش به نام یدالله بهزاد، گفت: آقای بهزاد روزی تماسی با من گرفتند و رباعی‌ای خواندند و به من گفتند آن را تلفنی برای آقای قهرمان بخوانم. آن رباعی این است: «آوازه ما بلند از نام شماست / مستیم از آن باده که در

جام شماست / بر تارک بی قدر چو من بی هنری  
/ این تاج کرامت هم از اکرام شماست». این رباعی  
در آثار آقای بهزاد موجود نیست. آقای قهرمان نیز  
هرچند اشاره کرده که آقای بهزاد با این رباعی سر  
مرا به عرش رسانده اما تمایلی به ذکر آن نداشته و در  
یادداشت‌های ایشان باقی نمانده است.

وی یکی از ویژگی‌های مرحوم قهرمان را حافظه قوی  
او دانست و گفت: کسانی ممکن است غزلیات حافظ  
و بخش‌هایی از شاهنامه و اشعاری از سعدی و دیگر  
شاعران را حفظ باشند، اما تسلط بر اشعار صائب دشوار  
است. اشعار صائب حدود ۷۰ هزار بیت است اما وقتی  
یک بیت از صائب در حضور آقای قهرمان خوانده  
می‌شد ایشان غزل را از ابتدا تا انتها می‌خواند.

این پژوهشگر همچنین با اشاره به گزیده شادروان  
قهرمان از اشعار صائب گفت: زمانی که قرار بود  
گزیده‌ای از صائب به انتخاب آقای قهرمان چاپ شود  
ما از ایشان خواستیم که ۲۵۰ غزل را به ۳۰۰ غزل  
برسانند. اما ایشان معتقد بودند افزودن ۵۰ غزل دیگر  
به آن مجموعه دشوار است و نهایتاً به دشواری این  
کار را انجام دادند. بنابراین اگر کسی بخواهد انتخابی از  
شعر صائب داشته باشد به نظر می‌رسد که به همین  
مقدار ختم می‌شود.

وی همچنین با اشاره به عدم تمایل مرحوم قهرمان  
برای انتشار اشعار و آثارش گفت: شاید من مشوق  
آقای قهرمان بودم که شعرهایش را چاپ کند. در واقع  
پس از اصرارهای مکرر ما بود که نهایتاً در حدود سال  
۱۳۸۰ ایشان موافقت کرد که ما کتاب حاصل عمر را  
در انتشارات شاهنامه‌پژوهی چاپ کنیم. البته غزل‌های  
بعد از سال ۸۴ را به نشر دیگری برای چاپ سپردند  
که ظاهراً از نتیجه کار هم چندان راضی نبودند ولی  
گزیده‌ای از آن توسط آقای امیری اسفندقه چاپ شده  
که خیلی خوب است.

مهندس جیحونی در ادامه درباره سبک شاعری قهرمان،  
گفت: می‌گویند آقای قهرمان شاعر سبک هندی  
است. ممکن است شعرهای اولیه او در دوره جوانی این  
گونه بوده باشد ولی شعرهای دهه ۷۰ به بعد او را  
نمی‌توان در سبک هندی دانست و سبکی منحصر به  
خودشان است.

وی در پایان سخنان خود غزلی از محمد قهرمان خواند:

به هر گلشن گل سرخی به خاک افتاد، من بودم

وگر شد برگ سبزی زرد و بردش باد، من بودم

دل از افغان تهی کردند یاران هم آوازم  
کسی کو را گره شد در گلو فریاد، من بودم  
همان می‌برد خوابم، آب اگر می‌برد دنیا را  
میان دل به دنیا بستگان آزاد، من بودم

فراموشم نخواهد کرد آن صیاد، می‌گفتم  
ولی اول گرفتاری که رفت از یاد، من بودم

ز پا افتادم و ساقی گرفت از دوستی دستم  
ز ویرانی اگر دیدی کسی آباد، من بودم

نه باکم از نصیحت گو، نه شرمم از ملامت‌گر  
میان عاشقان رسوای مادرزاد، من بودم

دویی چون از میان برخاست از تأثیر یکرنگی  
درآمد هر که از پا، کشته بیداد من بودم

ز چشم مست او دیشب گرفتم تا سحر ساغر  
سیه روزی که یک شب دادِ عشرت داد، من بودم

نخست از قتل خسرو کام خود می‌ساختم شیرین  
به تلخی جان نمی‌دادم، اگر فرهاد من بودم

به زحمت خانه‌ای کردم بنا وز پایه ویران شد  
در این دریا حباب سست بی بنیاد من بودم

دل‌م از دیدنت‌ای صید زخمی غرقه در خون شد  
رها می‌کردمت از دام، اگر صیاد من بودم

## انجمن ادبی قهرمان جایگزین انجمن محمود فرخ در خراسان بود



در بخش بعدی نشست دکتر محمدجعفر یاحقی به بیان



حال بررسی نسخه‌های خطی بود و دائماً کار می‌کرد. قهرمان دیوان صائب را در کتابخانه تصحیح می‌کرد و ما نسخه‌های عکسی آن زمان دیوان صائب را روی میز آقای قهرمان می‌دیدیم. در واقع بخشی از عمر خدمتی قهرمان در ارتباط با صائب گذشت و او این کتاب را در شش جلد از سال ۶۴ تا ۷۰ چاپ کرد.

وی گفت: بسیاری از تصحیحاتی که قهرمان انجام داد یک طرف آن در کتابخانه بود به این معنی که نسخه‌ها را در زمانی که در کتابخانه حضور داشت تهیه کرده بود و کارهای مقدماتی آن را انجام می‌داد و بعد از بازنشستگی تمام وقتش را به تصحیح متون معروف به سبک هندی یا سبک اصفهانی اختصاص داد. البته آقای قهرمان این اصطلاح را به کار نمی‌برد و معتقد بود سبک هندی یک اصطلاح بعد الوقوع است که بعداً ترجیح دادند سبک اصفهانی خوانده شود و ایشان از آن با عنوان طرز نو و طرز متفاوت یاد می‌کرد و شاید هم حق با ایشان باشد. در هر صورت قهرمان کارهای شاخصی در این زمینه انجام داد و امروز از مصححان برجسته فرهنگ ماست.

### تعاملات علمی محمد قهرمان

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به برخی از تعاملات علمی قهرمان گفت: من در سفرهایی که بعداً داشتم پیام‌هایی را از آقای قهرمان برای بعضی از دانشمندان هندی می‌بردم و از آن‌ها جواب پیغام را دریافت می‌کردم. به یاد دارم که مرحوم سیدیونس جعفری دیدگاه‌هایی درباره دیوان صائب داشت که من به آقای قهرمان ارائه کردم و ایشان کاملاً استقبال کرد.

وی با اشاره به تبادلات علمی استاد قهرمان با مرحوم احمد گلچین معانی، گفت: گلچین معانی در واقع یکی دیگر از ستون‌های شناخت ادبیات معروف به سبک هندی بود. همکاری او با گلچین معانی یک ترکیب میمون و خجسته‌ای بود؛ چرا که گلچین به خصوص در زمینه تذکره‌ها و شناختن شاعران بسیار صاحب نام بود. من پیشنهاد می‌کنم میراث مکتوب جلسه‌ای هم برای آقای گلچین بگذارد و بسیار جا دارد که کارهای استاد گلچین معانی هم در جلسه جداگانه‌ای مورد بحث قرار بگیرد و به خصوص خدماتی که به تذکره‌نویسی فارسی و شاعران همین دوره کرده است نشان داده شود.

مطالب خود پرداخت و ضمن گرامیداشت روز بزرگداشت صائب و نود یکمین سال تولد استاد محمد قهرمان و آرزوی ماندگار بودن نام و یاد قهرمان بر صفحه ادبیات ایران، گفت: من از سال ۱۳۴۵، یعنی از همان زمانی که به عنوان دانشجوی ادبیات وارد دانشگاه مشهد آن روز و دانشگاه فردوسی امروز شدم با محمد قهرمان آشنا شدم و ما از راهنمایی‌های ایشان که به عنوان کتابدار در کتابخانه خدمت می‌کردند، برخوردار بودیم.

دکتر یاحقی با اشاره به محفل ادبی روزهای سه‌شنبه در منزل شادروان قهرمان، تقارن این روز را با نشست حاضر به فال نیک گرفت و گفت: من هر چند شاعر نبودم اما به شعر علاقه‌مند بودم و از سال‌ها پیش توفیق داشتم که گاهی در این جلسه شرکت می‌کردم و با استاد قهرمان و میهمانانی که آنجا رفت و آمد داشتند و در سطح‌های بسیار بالای ادبی کشور بودند در ارتباط بودم. به حق انجمن ادبی قهرمان جایگزین انجمن محمود فرخ در خراسان بود و پایگاه ادبیات خراسان به حساب می‌آمد. بعد از آن که محروم قهرمان به دیار حق شتافتند ما از خانواده ایشان اجازه گرفتیم که جلسات این انجمن در خردسرای فردوسی ادامه پیدا کند و آن را ادامه دادیم و تا پیش از بیماری کرونا هر سه‌شنبه این برنامه اجرا می‌شد و بعد از این هم اجرا خواهد شد.

### ویژگی قهرمان در مقام یک کتابدار

وی در ادامه با اشاره به ویژگی قهرمان در مقام یک کتابدار گفت: قهرمان از سال ۱۳۴۱ با دعوت مرحوم دکتر علی‌اکبر فیاض کتابدار کتابخانه دانشکده ادبیات بوده است. تنها کتابداری که من در طول عمرم دیدم و واقعاً کتابدار بود محمد قهرمان است. او فقط نگهدارنده کتاب نبود، بلکه کتاب را می‌خواند و با آن زندگی می‌کرد. قهرمان تا سال ۱۳۶۸ که در دانشکده بود مرتب کار می‌کرد و این صفت کتابدار واقعی بود. کتابدار باید خودش را با کتاب یکی کند و از کتاب بهره‌بردار و ایشان این استفاده را می‌کرد.

دکتر یاحقی ادامه داد: من می‌دیدم و بسیاری از کسانی که مثل من در دانشکده ادبیات بودند می‌دیدند که بسیاری از کارهایی که محمد قهرمان منتشر کرده مولود همین حرفه کتابداری او بود و پشت میز کتابخانه انجام شده است. من کمتر کتابداری را دیده‌ام که اینقدر در کتابخانه مشغول کتاب خواندن باشد. هر وقت او را در اتاقش می‌دیدیم یا کتاب می‌خواند یا در



دکتر یاحقی ادامه داد: محمد قهرمان در جاهای مختلف از گلچین معانی تشکر کرده است؛ چون این دو کار یکدیگر را تکمیل می‌کردند و دائماً با هم مشورت داشتند. هم گلچین به کتابخانه دانشکده می‌آمد و با شادروان قهرمان مشورت می‌کرد و هم قهرمان در کارهایش بسیار با ایشان مشورت می‌کرد و هر چه می‌نوشت به ایشان ارائه می‌کرد تا بخوانند و در نهایت هر دو کار هم را تکمیل می‌کردند.

وی با ابراز خرسندی از این که بیشتر پرچمداران سبک معروف به سبک هندی بعد از شادروان امیری فیروز کوهی از خراسان و عمدتاً در دانشکده ادبیات مشهد بوده‌اند، گفت: خوشحالم که امروز هم این راه را یکی از همکاران جوان‌تر ما آقای دکتر محمود فتوحی دنبال می‌کنند و امیدواریم همچنان پژوهش در سبک معروف به سبک اصفهانی یا هندی با پرچمداری ایشان ادامه پیدا کند.

### مروری بر برخی آثار قهرمان

استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد با اشاره به دیگر آثار مرحوم قهرمان علاوه درباره صائب، گفت: یکی از نخستین مجموعه‌هایی که ایشان از شعر صائب انتخاب کرد مجموعه «رنگین گل» است که برای اولین بار در سال ۷۱ چاپ شد و بارها و بارها از سوی انتشارات سخن به تجدید چاپ رسید و جزو گزیده‌های خوب اشعار صائب است. قهرمان آدم دقیقی بود و حسن انتخاب داشت؛ به خصوص در قلمرو سبک معروف به سبک هندی که بهترین صلاحیت‌ها را برای انتخاب محمد قهرمان داشت.

وی ادامه داد: ما می‌دیدم که قهرمان هم حضور ذهن بسیار شایسته‌ای نسبت به این مکتب داشت و هم حوصله و وقوف به ظرائف کار. کاملاً ظرائف سخن را تشخیص می‌داد و شعرهایی که به مناسبت می‌خواند و استشهادهایی که از شاعران این دوره می‌کرد ناب و ممتاز بود؛ به طوری که بالادست آن در ادبیات فارسی کمتر ممکن است اتفاق بیفتد. کمتر دیده شده و کمتر اتفاق افتاده است که کسی به این اندازه به یک دوره خاص در ادبیات فارسی وقوف داشته باشد. البته افرادی مانند فروزانفر جای خود را دارند اما از آن‌ها که بگذریم به نظر می‌رسد محمد قهرمان در این حوزه ممتاز بود و هنوز هم گمان می‌کنم تالی و نظیری نداشته باشد. من شادروان امیری فیروز کوهی را هم دیده بودم و ایشان هم بسیار وقوف داشت اما به نظرم

در استاد قهرمان یک جامعیتی وجود داشت که شاید در استاد امیری فیروز کوهی هم نبود.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ادامه توصیف آثار قهرمان، گفت: گذشته از مجموعه رنگین گل که یکی از بهترین انتخاب‌ها از اشعار صائب است، در گزیده «خلوت خیال»، که آن را آقای مهندس جیحونی در اصفهان و در انتشارات شاهنامه‌پژوهی چاپ کرده‌اند، غزل‌های بسیار خوب و نابی از صائب آمده است و به نظرم بهتر از این غزل‌ها در دیوان ۷۰ هزار بیتی صائب پیدا نمی‌شود.

وی گفت: علاوه بر این در اوایل دهه ۸۰ سازمان سمت می‌خواست که گزیده‌ای از شاعران سبک هندی را برای متن درسی تهیه کند. شادروان دکتر احمدی با من مشورت کردند و من از محمد قهرمان خواهش کردم که این کار را انجام دهند و ایشان گزیده اشعار صائب و شاعران سبک هندی را تهیه کرد که هنوز هم شاید برای تدریس این عنوان در دانشگاه‌ها بی‌نظیر و بی‌رقیب باشد.

دکتر یاحقی درباره کتاب «صیادان معنی» هم گفت: این کتاب واقعا صیدها و شکارهای مکتب معروف به سبک هندی است و مرحوم قهرمان از همه شاعران ممتاز سبک هندی ممتازترین ابیات‌شان را با وقوف دو چندان و با آگاهی از زیر و بم‌های این مکتب انتخاب و در این کتاب ذی‌قیمت جمع کرده است. شاید اگر این کتاب را در دست داشته باشیم از مجموعه دواوین شعرای سبک معروف به هندی بی‌نیاز باشیم. حدود ۹۰ صفحه از این کتاب مربوط است به گزیده اشعار صائب و احتمالاً دربرگیرنده ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ بیت از صائب است که به نظرم بهترین‌های صائب را شامل می‌شود.

وی با بیان این که صائب را در این تک‌بیت‌ها بیشتر می‌توان شناخت، افزود: اصلاً شاعران سبک هندی عمدتاً و صائب به طور خاص، شاعر تک‌بیتی هستند و ابیات منفرد و مفرداتشان بسیار مهم است. قهرمان با وقوفی که داشت این مفردات را به شکل بسیار زیبایی انتخاب کرده بود و این انتخاب در واقع جوابگوی حاجت کسانی است که به شعر سبک هندی نیاز دارند.

استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد با بیان این که آثار قهرمان فقط محدود به پژوهش در اشعار صائب نبوده است، اظهار کرد: تصحیح دیوان‌های قدسی

گفت: خانواده قهرمان بخش عمده کتاب‌های ایشان را به کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد اهدا کردند. همچنین ما به اهتمام سرکار خانم قهرمان و به کوشش دکتر ساکت و دکتر فتوحی یک جایزه ادبی در مشهد ایجاد کردیم که هر دو سال یک بار به بهترین کتابی که در حوزه سبک هندی نوشته می‌شود تعلق می‌گیرد. این جایزه با همکاری خانواده قهرمان و دانشگاه فردوسی اهدا می‌شود که یک حرکت فرهنگی شیرین است و امیدوارم دیگران نیز به این کار تأسی داشته باشند.

استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد همچنین با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته برای منزل محمد قهرمان به پایگاه ادبی خراسان، گفت: ما مذاکراتی را با شورای شهر و شهرداری مشهد آغاز کرده‌ایم که منزل محمد قهرمان و جایی که او در آن نفس می‌کشد خریداری و به عنوان مرکز انجمن‌های ادبی و مرکز ادبیات خراسان شناخته شود تا به این وسیله چراغی که را شادروان قهرمان روشن کرده‌اند در همان مکان روشن بماند. امیدواریم اهتمام شورای شهر و شهرداری مشهد به نتیجه برسد و ما بتوانیم این اقدام را انجام بدهیم و با استمداد از روان آن شادروان کار شعر خراسان تقویت شود و استمرار پیدا کند.

دکتر یاحقی سخنان خود را با قطعه شعری از محمد قهرمان به پایان برد:

دردا که آدمی محروم مانده است  
از حق دم زدن در سرزمین خود

خضم تعصبم ای کاش هیچ کس  
این داغ را نداشت بر جبین خود

می‌شد جهان بهشت گر بود در زمین  
عیسی به دین خود موسی به دین خود

مشهدی، میلی مشهدی، میررضی دانش مشهدی، صیدی تهرانی، سلیم تهرانی، کلیم کاشانی (همدانی) از دستاوردهای علمی و فرهنگی و ارزشمند محمد قهرمان است.

## قهرمان؛ سرآمد محلی سرایانان

وی با اشاره به توانمندی محمد قهرمان در سرودن شعر محلی، گفت: ما اگر بخواهیم چند شاعر محلی سرای برجسته در ادبیات فارسی سراغ بگیریم یکی از آنها و در روزگار ما شاید سرآمد آنها محمد قهرمان است. این خود مبحث خاصی است که جداگانه باید راجع به آن صحبت کرد اما در هر صورت شعر محلی محمد قهرمان بسیار ممتاز و مشخص و اصیل است. قهرمان لهجه تربتی و منطقه خاصی را که با لهجه آن شعر می‌گفت خوب می‌شناخت و بسیار خوب و زیبا می‌خواند. خوشبختانه ما توانستیم مقداری از این اشعار را با صدای محمد قهرمان ضبط کنیم و الان فایل‌های آن موجود است و یکی از غنایم شعر محلی فارسی است.

دکتر یاحقی با اشاره به تواضع و گوشه‌گیری محمد قهرمان، گفت: او هیچگاه به این که مطرح شود و از او سخن بگویند و تمجیدی از او شود، راضی نبود. در سال ۱۳۸۴ ما پس اصرارهای فراوان و به زحمت توانستیم رضایتش را برای برگزاری مراسم تجلیلی از او به دست بیاوریم. البته حمایت و تشویق استاد دکتر شفیعی کدکنی باعث شد که آقای قهرمان به برگزاری این جلسه رضایت بدهند. در آن مراسم مجموعه‌ای با عنوان «پردگیان خیال» رونمایی شد.

## تداوم راه قهرمان در خراسان

وی با اشاره به ادامه یافتن راه قهرمان در خراسان، گفت: در مکتب محمد قهرمان شاعران و دست‌پروردگان زیادی بودند که امروز چراغ‌دار و آیین‌دار شعر خراسان هستند و سعی می‌کنند مشعلی را که محمد قهرمان در سال ۹۲ از دست فرو گذاشت انشالله زنده نگهدارند. ما هم تلاش خواهیم کرد که زمینه را برای رشد شعر مکتب محمد قهرمان و انجمن ادبی قهرمان فراهم بیاوریم و امیدواریم با کمک شاعران خراسان و دست‌پروردگان محمد قهرمان بتوانیم این چراغ را همچنان برافروخته و روشن نگه داریم.

وی همچنین با سپاسگزاری از خانواده محترم قهرمان و به خصوص همسر محمد قهرمان بخاطر خدمات‌شان،



گرامیداشت چهل و نهمین سالگرد درگذشت

# دکتر محمد معین

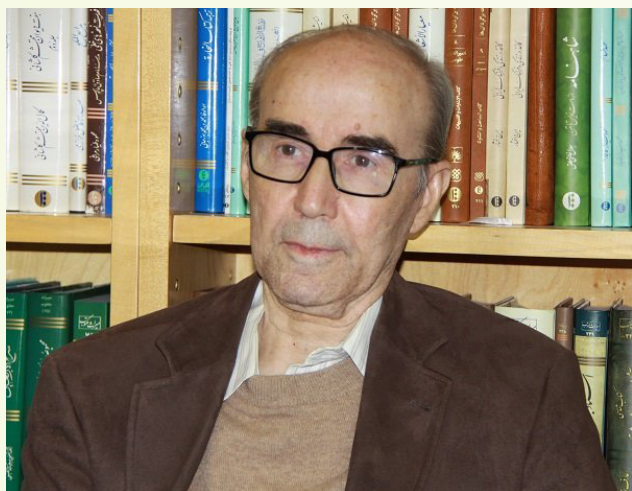
میراث مکتوب  
دکتر محمد معین  
با حضور  
علی اشرف صادقی  
مهدخت معین  
مدیر جلسه: الوند بهاری  
یکشنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۹  
بخش زنده در صفحه اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
به نشانی @mirasmaktoob



وی در ادامه در معرفی دکتر علی اشرف صادقی، یکی از سخنرانان این جلسه، گفت: دکتر صادقی در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ و آغاز دهه ۴۰ در دانشگاه تهران ادبیات فارسی خوانده‌اند؛ یعنی زمانی که بهترین استادان در تاریخ رشته ادبیات دانشگاه تهران در آنجا حضور داشتند. ایشان با دریافت بورسیه شاکرد اولی برای تحصیل در خارج از کشور، تحصیلاتشان را در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان‌شناسی عمومی ادامه داده‌اند و در این دوره نیز استادانی همچون آندره مارتینه داشته‌اند. البته دکتر صادقی به موازات زبان‌شناسی عمومی در زمینه فرهنگ و زبان‌های باستانی نیز تحصیل کرده و مطالعاتی داشته‌اند.

بهاری ادامه داد: ایشان استاد بازنشسته گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و سرپرست فرهنگ جامع زبان فارسی هستند که تا کنون دو جلد آن منتشر شده است. همچنین مقالات فراوانی از ایشان در زمینه‌های پژوهش‌های لغوی، فرهنگ‌نویسی، مسائل تاریخی زبان فارسی و دستور زبان فارسی به چاپ رسیده است. من دست‌کم پنج نوشته از دکتر صادقی درباره دکتر معین دیده‌ام؛ یادداشتی در راهنمای کتاب در سال ۱۳۵۰، مقاله‌ای درباره فرهنگ فارسی، مقاله‌ای درباره برهان قاطع، خاطراتی از دکتر معین در ارج‌نامه ایشان و مطالبی درباره نامه‌های مرحوم دکتر معین.

### پشتکار بسیار عجیب دکتر معین و دقت بسیار او در تصحیح متون



در ادامه دکتر صادقی به بیان مطالب خود پرداخت و گفت: دکتر معین سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استاد من بود. ایشان چندین ویژگی داشت که در کمتر کسانی دیده می‌شد. دکتر

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیست و هفتمین نشست این مؤسسه که روز یکشنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۹۹ برگزار شد به گرامیداشت چهل و نهمین سالگرد درگذشت دکتر محمد معین اختصاص داشت.

در این جلسه که در صفحه اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب برگزار شد، دکتر علی اشرف صادقی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، و مهدخت معین، دختر مرحوم دکتر معین و استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، سخن گفتند و مدیریت این نشست نیز به عهده الوند بهاری بود.

در ابتدای این نشست الوند بهاری بخش‌هایی از یادداشت دکتر صدرالدین الهی درباره کلاس‌های دکتر محمد معین را خواند و سپس گفت: پیش از این هر ساله در زادگاه دکتر محمد معین در آستانه اشرفیه، مراسم یادبوی برگزار می‌شد و امسال شاید اولین سالی است که بعد از نزدیک به سه دهه این مراسم برگزار نمی‌شود. به همین دلیل مؤسسه میراث مکتوب امسال به سهم خود، در جلسه‌ای اینستاگرامی به این مناسبت، یاد ایشان را با حضور و سخنان یکی از برجسته‌ترین شاگردان ایشان و دختر ایشان گرامی می‌دارد.

وی در خصوص آثاری که درباره مرحوم دکتر معین نوشته شده، گفت: «ارج‌نامه محمد معین» از مجموعه ارج‌نامه‌های مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب سال ۱۳۸۹ منتشر شده است و مثل بقیه این دست ارج‌نامه‌ها چاپش به اتمام رسیده ولی فایل آن از فروشگاه اینترنتی این مؤسسه قابل تهیه است. مقالات خواندنی و بسیار مفیدی به خصوص درباره تحقیقات متن‌شناختی دکتر معین در این کتاب به چاپ رسیده است. فهرستی از مقالات، ترجمه‌ها و تألیفات ایشان و نیز یادداشت‌هایی درباره زندگی و ویژگی‌های شخصی ایشان هم در این ارج‌نامه آمده است.

بهاری درباره دیگر آثاری که به دکتر معین پرداخته‌اند، گفت: «کارنامه دکتر معین» به کوشش دکتر عبدالله نصری را نیز سال‌ها پیش انتشارات امیرکبیر منتشر کرد. از کتابچه‌هایی که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ می‌کند شماره ۹۲ به دکتر محمد معین اختصاص یافته است. در جلد دهم «پژوهشگران معاصر ایران» آقای هوشنگ اتحاد نیز یکی از افراد معرفی شده آقای دکتر معین است.



معین در زمینه‌هایی که مورد علاقه‌اش بود، یعنی در زمینه تصحیح متون، در زمینه فرهنگ‌نویسی و سایر مسائل مربوط به ادبیات فارسی، پشتکار بسیار عجیبی داشت.

وی با بیان این که دکتر معین در زمینه تصحیح متون بسیار دقیق عمل می‌کرد، اظهار کرد: یک نمونه از تصحیحات ایشان متن چهار مقاله است که پیشتر علامه قزوینی ظاهراً در سال ۱۹۲۷ در لایدن هلند چاپ کرده بود. دکتر معین این متن را دوباره با نسخی مقابله کردند و توضیحاتی برای دانشجویان نوشتند و بعد هم تعلیقات قزوینی را با یادداشت‌های استادان دیگر مانند استاد مینوی، نفیسی و دیگران در یک مجلد قطور جمع‌آوری کردند. این کتاب در حدود سال‌های ۱۳۳۶ و ۳۷ چاپ شد و بعدها هم دوباره به چاپ رسید.

دکتر صادقی ادامه داد: نمونه دیگری از تصحیحات دقیق ایشان جوامع الحکایات عوفی است که یک باب آن را در زمان حیات خودشان با مقابله با نسخی که در دست داشتند به چاپ رساندند. دو باب آن را خانم دکتر مهدخت معین بعد از فوت ایشان در سال‌های بعد به چاپ رساندند و اگر ایشان زنده می‌ماندند یک تصحیح بسیار معتبر و قابل اتکا از آن به دست می‌دادند. خانم دکتر امیربانو کریمی هم در مقدمه یکی از جلدهای این کتاب گفته‌اند که ای کاش خود دکتر معین زنده می‌ماندند و کتاب را به همان شیوه خودشان تصحیح می‌کردند.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی ضمن بیان این مطلب که دکتر معین برخی از تحقیقاتش را بسیار عمیق پیش برده است، گفت: رساله دکترای ایشان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی» بود که بعدها آن را در دو جلد گسترش دادند که یک جلد آن را خودشان به اسم «مزدیسنا و ادب فارسی» چاپ کردند و جلد دیگر آن بعد از درگذشت ایشان چاپ شد.

### آثار لغوی و دستوری دکتر معین

دکتر صادقی با اشاره به جستجوهای بسیار دکتر معین در زمینه دستور زبان فارسی گفت: ایشان در این زمینه کار خود را با رساله‌های کوچکی همچون علامت‌های جمع، اسم مصدر، معرفه و نکره شروع کرده بودند. در سال‌های بعد مطالبی، اعم از یادداشت‌های خودشان و یادداشت‌هایی از دیگران که در اختیارشان قرار داده

شد، به این رساله‌ها افزودند. شواهد زیادی هم به این نوشته‌ها اضافه کردند و نهایتاً کتابفروشی ابن سینا آن را در چهار جلد به چاپ رساند. کسانی که در دستور زبان کار می‌کردند از این نوشته‌ها استفاده زیادی بردند و ای کاش می‌ماندند و این کار را ادامه می‌دادند و بخش‌های دیگری از دستور زبان فارسی را مورد بررسی و جستجوهای موشکافانه خودشان قرار می‌دادند.

سرپرست فرهنگ جامع زبان فارسی دکتر معین را یک لغوی توصیف کرد و گفت: ایشان وقتی برهان قاطع را چاپ کرد، با استفاده از تحقیقات ایران‌شناسان غربی و متون شرقی که به صورت علمی تدوین شده بود، حواشی‌ای بر این کتاب نوشتند که در آن زمان، یعنی از ۱۳۳۰ تا ۳۵، بسیار مغتنم بود. این کتاب در چهار جلد چاپ شد و بعدها نیز در چاپ سال ۱۳۴۲ یادداشت‌های دیگری از خودشان و از دیگران به کتاب افزودند که بعضی اغلاط برهان را تصحیح می‌کرد.

وی در خصوص فرهنگ معین نیز گفت: ایشان از سال‌ها پیش یادداشت‌هایی از متون و از تحقیقات میدانی جمع‌آوری کرده بودند و قصد داشتند فرهنگ‌هایی فارسی در سه سطح مفصل، متوسط و مختصر تدوین کنند.

### همکاری دکتر صادقی با دکتر معین در مؤسسه لغتنامه دهخدا

دکتر صادقی با اشاره به همکاری دو ساله‌اش با دکتر معین در مؤسسه لغتنامه دهخدا، گفت: سال سوم دانشکده بودم که به من گفتند در مؤسسه لغتنامه، که در آن زمان نامش سازمان لغتنامه دهخدا بود، همکاری داشته باشم. در آنجا به آقای دکتر شهیدی که معاون لغتنامه بودند گفتند یک حرف را به ایشان بدهید تدوین کند و حرف گاف را که دکتر رضا قاسمی مشغول تدوین آن بودند به من سپردند و حرف سین را به مرحوم دکتر قاسمی دادند.

وی با اشاره به نوع فعالیت‌های دکتر معین گفت: من در مؤسسه لغتنامه شاهد بودم که ایشان در طبقه بالا مشغول تهیه فیش‌های فرهنگ‌های خودشان بودند و به جد می‌شود گفت که هیچ فرصتی نداشتند که یک دقیقه از وقت‌شان را برای بحث در مورد مسائل دیگر بگذارند و یا با کسی صحبت و به قول خودمان اختلاط کنند. گاهی که برای بعضی سؤال‌های مربوط

به لغات و لغتنامه به ایشان رجوع می‌شد می‌گفتند این سوالات را از آقای پروین گنابادی بپرسید؛ چون می‌خواستند کار خودشان را ادامه دهند.

دکتر صادقی ادامه داد: ایشان موفق شدند در زمان حیات خود چهار جلد فرهنگ متوسط را منتشر کنند که یک جلد اعلام و سه جلد لغت بود. جلد چهارم لغت هم تقریباً در پایان بود که فوت کردند و جلد ششم که نیمه دوم اعلام بود توسط مرحوم دکتر شهیدی، با استفاده از منابعی که در دسترس بود، به پایان رسید. متأسفانه مرحوم دکتر معین فرصت نکردند که فرهنگ مفصل و فرهنگ مختصرشان را در اختیار عموم قرار بدهند. ای کاش افرادی پیدا می‌شدند که لغوی بودند و یادداشتهای ایشان را می‌گرفتند و مدون می‌کردند و این کار ایشان را به همان سبکی که بود به سرانجام می‌رساندند.

### جایگاه فرهنگ معین

سرپرست فرهنگ جامع زبان فارسی با اشاره به نیازی که در آن زمان به چنین فرهنگی وجود داشت، اظهار کرد: در آن زمان به غیر از لغتنامه دهخدا که نیمه کاره بود و فرهنگ عمید که فرهنگی بود که برای عموم مردم و نه برای ادبا نوشته شده بود، فرهنگ دیگری در دسترس نبود. فرهنگ معین در آن شرایط خیلی کارها را راه می‌انداخت؛ چه برای دانشجویان ادبیات، چه برای عموم مردم و چه برای برخی استادان.

وی ادامه داد: البته بعدها فرهنگ دیگری به نام فرهنگ سخن منتشر شد که با استفاده از آنچه در زبان امروز فارسی به کار می‌رود و آنچه در متون فارسی به کار رفته است، تدوین شده بود. فرهنگ سخن فرهنگی امروزی بود و مقداری از لغت‌های متون قدیم هم با استفاده از لغتنامه و فرهنگ معین در آن گنجانده شده بود.

دکتر صادقی ضمن بیان این مطلب که فرهنگ دهخدا و فرهنگ معین منعکس‌کننده مواد لغوی فرهنگ‌های موجودی بود که بیشتر در هند نوشته شده بود، گفت: متأسفانه هندی‌ها در نگارش فرهنگ‌های فارسی خیلی به اهل زبان رجوع نمی‌کردند و با نسخه‌های مغلوط متون فارسی سر و کار داشتند. به همین دلیل واژه‌های مصحّف بسیاری در این فرهنگ‌ها آورده‌اند و معانی‌ای که استنباط کرده‌اند خیلی جاها درست نیست. این اشتباهات متأسفانه وارد لغتنامه دهخدا و فرهنگ‌های

دیگر، به جز فرهنگ سخن، شده است.

استاد بازنشسته گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران ادامه داد: ای کاش ایشان توانسته بودند کار را به سرانجام برسانند. بعد از ایشان هم دختر دانشمندشان سرکار خانم دکتر مهدخت معین که یادداشتهای در اختیارشان است باید در سال‌های گذشته این کار را می‌کردند. حالا هم ما از ایشان تقاضا می‌کنیم که با دانش ژرفی که در زمینه‌های مختلف ادبیات دارند و به کمک عده‌ای از پژوهشگران جوان این کار را آغاز کنند و به انجام برسانند.

وی با اشاره به استقبال دکتر معین برای اصلاح اشتباهات فرهنگ منتشرشده، گفت: در آن زمان مرحوم دکتر معین خواسته بودند کسانی که در فرهنگ متوسط نقایص یا اشتباهاتی می‌بینند برای ایشان یادداشت بفرستند. افراد زیادی هم یادداشت فرستادند. حتی از بعضی دانشمندان هندی هم یادداشت‌هایی رسیده بود. خود من هم در پاریس که بودم یادداشت‌هایی در زمینه ریشه‌شناسی و در مواردی دیگر برای ایشان می‌فرستادم. بعدها از مرحوم دکتر شهیدی پرسیدم که چرا این یادداشتهای را در آخر جلد ششم چاپ نکردید و ایشان گفتند به علت این که دکتر معین فوت کرده بود صلاح ندیدم آن‌ها را چاپ کنیم. البته این یک حرف کاملاً غیرعلمی بود.

### برخی ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای دکتر معین

دکتر صادقی در ادامه درباره ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای دکتر معین گفت: ایشان حتی یک لحظه از وقت خودشان را هدر نمی‌دادند و بهترین استفاده را از وقت می‌کردند. حتی در بعضی مجالس که در زمینه‌های مختلف صحبت می‌شد یک مرتبه می‌دیدیم که ایشان کاغذی به دست می‌گرفتند و یادداشت می‌کردند. برای مثال یک نفر تعبیری یا لغتی را در معنایی به کار برده بود و ایشان که به نظرش این کاربرد تازه می‌آمد آن را یادداشت و در کارهای خود از آن استفاده می‌کرد.

وی ادامه داد: دکتر معین بسیار امانتدار بودند و هر کس یادداشتی برای ایشان می‌فرستاد به نام آن شخص چاپ می‌کردند. من به یاد دارم که زمانی از شیراز فردی به نام حبیب آیت‌اللهی یادداشت‌هایی برای ایشان فرستاده و ایشان در برهان قاطع چاپ کرده

وی افزود: در حال حاضر همچنین مشغول تکمیل یادداشت‌هایم دربارهٔ پسوندهای تحبیبی نام‌های خاص هستم. بخشی از این پژوهش در شماره‌های اخیر مجله فرهنگ‌نویسی منتشر شده و چند بخش دیگر از آن باقی مانده است. در این رابطه مشغول بررسی کتب رجالی و حدیثی عربی هستم که نام‌های قدیمی ایرانی بسیاری در آنها به کار رفته و منبعی بسیار غنی است که تا به حال چندان مورد توجه نبوده است. من این نام‌ها را استخراج کرده‌ام و یادداشت‌های زیادی دارم که نتیجه آن‌ها در مجله فرهنگ‌نویسی ارائه خواهد شد. بد نیست اشاره کنم که مفصل‌ترین مورد پسوند «ویه» است که بیش از هر پسوند دیگری در نام‌های تحبیبی فارسی به کار رفته است.

### مروری بر آثار چاپ شده پس از درگذشت دکتر محمد معین توسط دکتر مهدخت معین



در ادامهٔ این جلسه دکتر مهدخت معین، دختر مرحوم دکتر محمد معین، ضمن سپاس از مدیریت و کارکنان مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب برای برگزاری این جلسه، گفت: امسال پس از سال‌ها که به طور مرتب حوالی ۱۳ تیرماه مراسم سالگرد مرحوم استاد معین در آستانهٔ اشرفیه و در محل آرامگاه ایشان برگزار می‌شد با توجه به محدودیت‌ها مراسم هر ساله برگزار نشد و از مؤسسهٔ میراث مکتوب که این برنامه را اجرا کرد سپاسگزاریم.

دکتر مهدخت معین در ادامه به بیان مطالبی دربارهٔ آثاری از دکتر معین که پس از درگذشت ایشان منتشر شده است، پرداخت و گفت: مرحوم استاد معین کتاب «مزدیسنا و ادب فارسی» را ابتدا در یک جلد چاپ کرده بودند و بعد اضافاتی بر آن نوشتند که بعدها من آن

بود. بعدها در پاریس من ایشان را دیدم که آمد معماری خواند و بعدها استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. خود من در زمانی که دانشجوی بودم یادداشت‌های مختصری درباره برهان قاطع و حواشی آن داشتم که در اختیار ایشان قرار دادم و ایشان آن یادداشت‌ها را در چند بخش در پایان جلد پنجم چاپ کردند و نام من را پای هر بخش گذاشتند.

عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به رایج بودن ضد این ویژگی در بین استادان، گفت: این ویژگی مرحوم دکتر معین در استادان، چه استادان قدیم و چه استادان لاحق، دیده نمی‌شد. دیده‌ایم که بعضی دانشجویان تیزهوش بعضی مطالب را به استادان می‌گویند و بعداً در چاپ کتاب یا متن، این مطلب به اسم خود استاد چاپ شده و اسمی از آن دانشجو برده نشده است.

وی یکی دیگر از ویژگی‌های دکتر معین را به یاد داشتن دوستان صمیمی دانست و گفت: مرحوم دکتر محمد مکرری که بعد از کودتای ۲۸ مرداد به پاریس رفته و در آنجا ساکن شده بود با دکتر معین دوست بود. دکتر مکرری قبلاً یک جلد فرهنگ به نام فرهنگ فارسی نوشته بود که چند حرف آن را انتشارات طهوری به چاپ رسانده بود. البته ایشان نامش محمد کیوانپور مکرری بود و بعد که به پاریس آمده بود کیوانپور را حذف کرده بود. هر موقع که دکتر معین به پاریس می‌آمد به آقای مکرری تلفن می‌کرد و ایشان هم به ما خبر می‌داد و ما به منزل دکتر مکرری می‌رفتیم و ایشان را می‌دیدم. خاطریم هست که یک بار هم با مرحوم ابوالحسن نجفی، دکتر محمودیان، که بعدها استاد زبان‌شناسی دانشگاه لوزان شد، دکتر حبیب‌اللهی و دکتر زمریدیان به منزل ایشان رفتیم.

### فعالیت‌های علمی فعلی دکتر صادقی

دکتر صادقی در بخش پایانی سخنانش در پاسخ به پرسشی دربارهٔ فعالیت‌های علمی خود از اتمام کار دیوان عنصری تا پایان سال خبر داد و گفت: این کار نقایص کوچکی داشت که در حال برطرف کردن آن‌ها هستیم. من می‌خواستم در فرصتی بعضی یادداشت‌های ناقص را بر اساس جنگ‌های موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تکمیل کنم که خوشبختانه اخیراً تمامی نسخه‌های خطی این جنگ‌ها در اختیار قرار گرفته است.



را چاپ کردم. بعد از آن هم دو جلد مقالات ایشان را جمع‌آوری و چاپ کردم. آقای الوند بهاری هم مقالات زیادی را گردآوری کرده و در اختیار من قرار داده‌اند که انشالله در آینده توفیق چاپ آنها را داشته باشیم.

وی با اشاره به نگارش «حافظ شیرین سخن» در سال ۱۳۱۸ در دو جلد، گفت: استاد معین فقط جلد اول را چاپ کرده بودند. ایشان بعداً یادداشت‌های مفصلی بر جلد اول نوشته بودند. جلد دوم هم در ابتدا در دسترس من نبود و بعد که به کمک مادرم این بخش را یافتیم به همراه یادداشت‌ها توانستیم حافظ شیرین سخن را در دو جلد چاپ کنیم. البته این کتاب در چاپ‌های بعدی در یک جلد منتشر شد.

دکتر مهدخت معین افزود: لازم است به این نکته هم اشاره کنم که مادرم خانم مهین پرنیان امیرجاهد برای پیدا کردن کتاب‌ها و یادداشت‌های پدر خیلی کوشش کردند و در کارهای خانواده و منزل نیز به من کمک زیادی کردند تا بتوانم به کار چاپ این کتاب‌ها برسم.

وی با اشاره به چاپ بخش دوم «جوامع الحکایات» پس از فوت مرحوم دکتر معین، گفت: البته من در این زمینه کار خاصی نکردم چون کتاب عینا در زمان خودشان چاپ شده بود، اما از آنجا که انبار انتشارات دانشگاه دچار آتش‌سوزی شده بود به ایشان اطلاع داده بودند که فرم‌ها سوخته و از بین رفته است، ولی بعدها گفتند که فرم‌های چاپ شده را یافته‌اند و ما توانستیم آنها را چاپ و منتشر کنیم.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به چاپ و انتشار «چهار مقاله و تعلیقات» در دو نوبت در سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ توسط خود استاد معین، گفت: از این کتاب که نایاب شده بود من فقط دو جلد را دیدم؛ یکی در کتابخانه خودمان و یکی که متعلق به جناب آقای دکتر شمیسا بود. ایشان بزرگواری کردند و کتاب را که باید اوراق و برای چاپ استفاده می‌شد در اختیار ما قرار دادند.

وی افزود: یکی دیگر از کتاب‌های استاد معین که آن را دو یا سه بار چاپ کردیم مجموعه دستور در چهار جلد و مشتمل بر مباحث «مفرد و جمع»، «اسم مصدر»، «حاصل مصدر»، «اضافه»، «اسم جنس» و «معرفه و نکره» بود.

دکتر مهدخت معین با بیان این که در حال حاضر «گنجینه عرفان» که به شرح اشعار حافظ اختصاص

دارد مراحل نهایی چاپ را می‌گذراند، اظهار کرد: استاد معین گنجینه عرفان را در دو جلد نوشته بودند که جلد اول در برگزیده غزل‌های منتهی به حرف «الف» تا غزل‌های منتهی به حرف «د» است و جلد دوم هم قاعدتاً باید از حرف «ر» تا آخر دیوان حافظ را در بر بگیرد، اما آنچه ما یافته‌ایم تا حرف «ش» است و اطلاعی نداریم که ایشان ادامه شرح غزلیات را تألیف کرده‌اند و یا ما پیدا نکرده‌ایم.

وی ادامه داد: آنچه هم مربوط به بخش دوم است به صورت چرکنویس و نامنظم بود و چاپ آن کار خیلی مشکلی است. با این وجود چند سال است که من مشغول این کار هستم و امیدوارم که خطاهای کمی در آماده‌سازی و چاپ این کتاب مرتکب شده باشم. در مجموع از میان کتاب‌هایی که نام برده شد زمان خیلی زیادی صرف آماده‌سازی و چاپ دو کتاب «چهار مقاله و تعلیقات» و «گنجینه عرفان» شد.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی افزود: با این که استاد معین همزمان با حافظ شیرین سخن، یعنی حوالی سال ۱۳۱۸، در سن ۲۱ یا ۲۲ سالگی، غزلیات حافظ را شرح کرده‌اند ولی مطالبی بسیار جالب و خواندنی در شرح ایشان وجود دارد و می‌توان گفت با همه تحقیقات عالی و ارزشمندی که تا حالا درباره حافظ انجام شده است، باز هم کتاب «گنجینه عرفان» همچون کتاب «حافظ شیرین سخن» قابل استفاده است.

دکتر مهدخت معین با ارائه توضیحاتی درباره کلیت چاپ آثار مرحوم دکتر محمد معین، گفت: من در روند کار مهارت زیادی در خواندن خط استاد معین پیدا کردم و تقریباً می‌توانستم اکثر بخش‌هایی را که مشکل و ناخوانا بود بخوانم. در این میان فقط موارد بسیار اندکی پیش آمد که نتوانستم و به آنها در حاشیه اشاره کردم. همچنین دوست دارم درباره همه کتاب‌هایی که چاپ کرده‌ام سخن مرحوم دکتر بهرام فرهوشی را در آغاز مزه‌سنا یاد کنم که نوشته بودند: «دریغا کتاب هنگامی نشر می‌یابد که مؤلف گرانقدر آن روی در نقاب خاک کشیده است. شاید اگر خود او چنین نابهنگام به سرای جاودان نمی‌شتافت این کتاب رنگی دیگر می‌گرفت». مسلماً همین طور است؛ آقای دکتر صادقی هم اشاره فرمودند؛ ولی من فکر می‌کردم وظیفه دارم این کار را انجام دهم.

وی با اشاره به نمونه‌ای مشابه، گفت: یکی از ریاضدیدانان بسیار معروف اروپا مطالب بسیاری را

را چاپ کردم. بعد از آن هم دو جلد مقالات ایشان را جمع‌آوری و چاپ کردم. آقای الوند بهاری هم مقالات زیادی را گردآوری کرده و در اختیار من قرار داده‌اند که انشالله در آینده توفیق چاپ آنها را داشته باشیم.

دکتر مهدخت معین با بیان این که در حال حاضر «گنجینه عرفان» که به شرح اشعار حافظ اختصاص



کشف کرده و نوشته، اما آنها را چاپ نکرده بود. گویا یکی از شاگردانش اخیراً موفق شده همه نوشته‌های او را به صورت اینترنتی ارائه کند. با این اقدام دیگران می‌توانند هر کدام بخشی را تدوین و چاپ کنند و یا از آن‌ها استفاده کنند و یا در معرض استفاده دیگران قرار بدهند. من فکر می‌کنم اشخاصی مثل استاد معین نیز هر چه نوشته‌اند باید در اختیار دیگران قرار بگیرد. الان یادداشت‌های ایشان برای فرهنگ مشروح موجود است ولی متأسفانه ما توفیق چاپ آن را نداشته‌ایم و امیدوارم در آینده به نحوی توفیق انتشار این یادداشت‌ها فراهم شود.

## گلایه از ناشران متعرض به مالکیت معنوی آثار مرحوم دکتر معین

دکتر مهدخت معین در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به قانون مالکیت معنوی مؤلفان پس از درگذشت آنان، گفت: متأسفانه در حالی که طبق قانون پیش از این تا ۳۰ سال بعد از فوت مؤلف بازماندگان او امتیاز انحصاری چاپ آثارش را در اختیار دارند اما خیلی‌ها در مورد آثار دکتر معین این قانون را رعایت نکردند. بعداً هم که قانون تغییر کرد و ۳۰ سال به ۵۰ سال تغییر داده شد، باز هم ادامه دادند. من مکرر به وزرات ارشاد مراجعه کردم و مسئولان قول همکاری دادند و به ناشران هم اخطار دادند ولی به هر حال آنها کارشان را ادامه دادند.

وی ادامه داد: در قانون مربوطه دو ماده وجود دارد یکی این که اثر نباید مشابه اثر اصلی باشد و من استنباطم این است که منظور از مشابه نبودن این است که باید عین اثر اصلی باشد. قبلاً کتاب‌های رمان، مثل کتاب‌های صادق چوبک یا کتاب‌هایی که مشمول این ۳۰ سال قرار گرفته بود چاپ می‌شد، ولی این که یک فرهنگ شش جلدی را تغییر بدهند و تبدیل به یک جلد یا دو جلد یا سه جلد یا چهار یا پنج جلد کنند و در قطع‌های مختلف چاپ و منتشر کنند به نظرم اصلاً درست نیست و هیچ کس حق ندارد چنین کاری را بدون اجازه بازماندگان مؤلف انجام بدهد؛ ولی این کار انجام شد.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی ادامه داد: دومین ماده این بود که حقوق معنوی مؤلف زمان و مکان ندارد و همیشه باید حفظ شود؛ از جمله نام مؤلف. در این شرایط وقتی اغلاط و اشتباهات زیاد وارد یک اثر می‌شود به تبع به نام مؤلف هم لطمه می‌خورد و

من متأسفم از این مسئله که درباره اثر استاد معین اتفاق افتاده است. در کشورهای دیگر رسم این است که این کار را اطلاع می‌دهند و شاید من می‌توانستم جلوی خیلی از اشتباهات را بگیرم. البته می‌دانم که خوشبختانه هیچ کدام از ناشران درجه اول اقدام به این کار نکردند و چاپ آثار دکتر معین به این صورت نقطه ضعف مهمی در پرونده ناشران به شمار می‌رود. حتی در یک مورد ناشری ادعا کرده بود که من با آنها همکاری کرده‌ام. من از این همه ناجوانمردی متأسفم.

وی افزود: یک مطلب هم در این مورد وجود دارد که صورت طنز پیدا کرده است. قبل از اتمام ۳۰ سال بعد از فوت استاد از کسی که دست اندر کار چاپ و نوشتن بود پرسیدند چه کار می‌کنی؟ گفت فرهنگ معین می‌نویسم. بعدها معلوم شد که ایشان فرهنگ شش جلدی معین را به صورت یک جلدی خلاصه می‌کرده که بعد از ۳۰ سال به صورت یک جلدی چاپ کند.

## خانه موزه دکتر معین

دکتر مهدخت معین در بخش دیگری از سخنان خود به تبدیل منزل دکتر معین به خانه موزه اشاره کرد و گفت: مادرم خیلی مایل بودند خانه را در اختیار نهادی قرار بدهند که حفظ شود و سال‌ها این را در ذهن داشتند بود تا این که در سال ۱۳۸۰ شهرداری مراسم بزرگداشتی برگزار کرد و در آنجا اعلام کردند که هم خانه استاد معین و هم خانه استاد محمدعلی امیرجاهد (یعنی پدر بزرگ من) را که هر دو در جوار هم بودند، می‌خواهیم تبدیل به خانه موزه کنیم.

وی ادامه داد: با موافقت مادرم خانه تخلیه شد و در اختیار شهرداری قرار گرفت و پس از انجام تعمیرات به صورتی زیبا درآمد. در حال حاضر در منزل استاد امیرجاهد کارگاه‌ها و کلاس‌های موسیقی دایر است و در منزل استاد معین نشست‌های ادبی و جلسات تفسیر حافظ و مولوی برگزار می‌شود. من پیشنهاد می‌کنم علاقه‌مندان به ادب و هنر از این خانه موزه‌ها، که بازدید از آن‌ها برای عموم آزاد است، در منطقه پیروزی و انتهای خیابان بایزید بسطامی، دیدن کنند. دسترسی به این منطقه از طریق اتوبان امام علی امکانپذیر است.

دکتر مهدخت معین در پایان با بیان این که استاد معین در ۲۴ ساعت ۱۸ ساعت کار می‌کردند، با ذکر خاطره‌ای از دکتر معین در حین ترجمه کتاب «ایران

از آغاز تا اسلام» پروفیسور رومن گریشمن از انگلیسی و فرانسه و گفت: ایشان فرانسه و انگلیسی و عربی را خیلی خوب می‌دانستند و از هر سه این زبان‌ها هم ترجمه دارند، هم سخنرانی‌هایی به هر سه زبان ارائه می‌دادند و هم مقالاتی به این زبان‌ها نوشته‌اند. علاوه بر این‌ها ترجمه‌هایی نیز از زبان پهلوی انجام دادند.



وبینار

رونمایی، نقد و بررسی

# کتابشناسی متون چاپ شده در ایران

(از سال ۱۲۳۳ قمری تا ۱۳۹۰ شمسی)



سخنرانان:

فریبا افکاری

ابوالفضل حافظیان بابلی

عارف نوشاهی

سید سعید میر محمد صادق

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۷ تا ۱۹

Wednesday, 15 July 2020, 17:00-19:00

نشانی وبینار: <http://sbu.ac.ir/webibnar>



ببیند که قبل از او در موضوع مورد نظر یا موضوعات مربوطه چه کارهایی انجام شده است و بعد کار را شروع کند.

وی در ادامه به بیان نکاتی درباره کتابشناسی متون چاپ شده در ایران پرداخت و در ابتدا با اشاره به بیان نشدن ملاک و مرزبندی میان متن و غیر متن در این کتابشناسی، گفت: نخستین پرسش من از مؤلفان محترم این است که «تعریف متن چیست و وقتی از کتابشناسی متون سخن می‌گوییم چه کتاب‌هایی را متن در نظر می‌گیریم و چه کتاب‌هایی را کنار می‌گذاریم؟». این نکته در این کتابشناسی مشخص نشده است.

این نسخه‌پژوه در ادامه با اشاره به نکاتی همچون بالاتر بودن آمار چاپ کتاب‌های مهم ادبیات فارسی مانند مثنوی مولانا، گلستان سعدی، دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی در هند نسبت به ایران بر اساس اطلاعات آمده در این کتابشناسی، نبود مدخل گلستان، اشاره فقط به یک چاپ از بوستان سعدی و ارجاع فقط به دو صفحه در بخش نمایه در جلوی نام سعدی در این کتابشناسی، گفت: من به طور خاص بررسی کردم که آیا آن قدر که ما در شبه قاره گلستان و بوستان و مثنوی و دیوان حافظ را چاپ کرده‌ایم در ایران هم چاپ شده است، اما دیدم که گلستان اصلاً مدخلی ندارد و برای بوستان، دیوان سعدی و غزلیات سعدی هر کدام فقط یک چاپ نشان داده شده است. من گمان می‌کنم موارد زیادی از کتاب‌های مهم ادبیات فارسی در این کتابشناسی از قلم افتاده است.

نوشاهی با اشاره به مشتمل بودن کتابشناسی متون چاپ شده در ایران بر اطلاعات رسائل چاپ شده در مجموعه‌ها و مجله‌ها، گفت: من چندین اثر در مجلات و مجموعه‌های ایرانی چاپ کرده‌ام؛ از جمله جلد دوم «مقالات عارف» که موقوفات افشار آن را در سال ۱۳۸۶ چاپ کرده است و در برگیرنده ۲۷ متن فارسی است که در این کتابشناسی به آن اشاره نشده است. این متن‌ها پیشتر هم در مجله معارف مرکز نشر دانشگاهی چاپ شده است اما از آنجا هم نقل نشده است. همچنین مجموعه‌ای برای پاسداشت استاد جعفر شهیدی با عنوان «نامه شهیدی» چاپ شده بود که من در آن هم متنی چاپ کردم اما به این مورد هم اشاره نشده است.

وی با اشاره به فراوان بودن کتاب‌های چاپ هند در این کتابشناسی، گفت: با وجود این که در مقدمه

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و بیست و هشتمین نشست این مؤسسه به رونمایی، نقد و بررسی «کتابشناسی متون چاپ شده در ایران» اختصاص داشت که در قالب وبینار و با همکاری معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید بهشتی ۲۵ تیرماه ۱۳۹۹ برگزار شد.

در این نشست دکتر عارف نوشاهی، محقق و نسخه‌پژوه اهل پاکستان و نویسنده کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، حجت‌الاسلام محمود طیار مراغی و دکتر سیدسعید میرمحمدصادق، مؤلفان کتابشناسی متون چاپ شده در ایران، دکتر سید نقی عباس، کارشناس نسخ خطی در موزه ملی هند، دکتر فریبا افکاری، عضو هیئت علمی انجمن ایرانی مطالعات جهان، حجت‌الاسلام ابوالفضل حافظیان بابلی، کتابشناس و نسخه‌شناس، سخن گفتند.



در ابتدای این نشست دکتر عارف نوشاهی ضمن تبریک به مؤلفان و مدیریت مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب برای انتشار این اثر، گفت: این که مؤسسه میراث مکتوب همت گماشته و با توجه و بها دادن به کارهای اساسی در طول اسلیان فعالیتش اقدام به انتشار کتابشناسی‌ها و فهرست‌های نسخ کرده است، بسیار ارزشمند است. کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره در چهار جلد یکی از کتابشناسی‌های مهم در موضوع خود بوده است که به صورت خیلی زیبا و شکیل از سوی مؤسسه میراث مکتوب چاپ شده است.

نوشاهی در اشاراتی به اهمیت این گونه کتاب‌ها، گفت: همه از اهل فن و اهل تحقیق می‌دانند که فهراس و کتابشناسی‌ها کلید درهای بسته تحقیق و همچون چراغی در جاده پژوهش است. هر کسی می‌خواهد وارد وادی تحقیق شود اول باید به فهراس رجوع کند و





در ادامه این جلسه حجت‌الاسلام محمود طیار مراغی، یکی از مؤلفان کتابشناسی متون چاپ شده در ایران به بیان مطالب خود پرداخت و ضمن تقدیر از مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب برای ربع قرن فعالیت در زمینه تدوین، تنظیم، تصحیح، تألیف، نشر و توزیع آثار متعدد، گفت: برخی از نکته‌ها و اشکالات استاد عارف نوشاهی وارد است، بخشی از آن‌ها مربوط به ساختار کتاب است و بخشی از آن‌ها هم به علت طولانی شدن این پروژه، که نزدیک به ۲۳ سال طول کشید، روی داده است.

طیار مراغی درباره متون مورد نظر در این کتابشناسی گفت: در جلساتی که حدود سال ۱۳۷۶ با کارشناسان میراث مکتوب، آقای کامران فانی و دیگر بزرگان داشتیم قرار بر این شد که ما کتاب‌ها و متون ترائی پیشینیان را که از زمان فتحعلی شاه قاجار تصحیح و به صورت سربی، سنگی و یا حروف‌چینی شده چاپ شده است، گردآوری کنیم و به صورت یک بانک اطلاعات در اختیار محققان قرار دهیم. برای این کار یک بازه زمانی ۲۰۰ ساله از سال ۱۲۳۳ قمری تا سال ۱۴۳۲ قمری در نظر گرفته شد. پیش از این مدت هم از آن جهت در نظر گرفته نشده که اصلا صنعت چاپ در ایران وجود نداشته است.

وی ادامه داد: اگر در این بازه زمانی هم کسی کتابی نوشته باشد و به صورت خطی بوده و بعد از آن به صورت سنگی منتشر شده است، نام آن اثر در این کتابشناسی آمده است. برای مثال در اواسط قرن سیزدهم کتاب‌های شیخ انصاری یا دیگر بزرگان، از دیوان سالاران و ادیبان و ... در ابتدا به صورت دستنویس

گفته شده اول تصمیم داشتند متون چاپ هند را هم در این فهرست بیاورند اما بعدا تصمیم بر آن شده که کتاب‌های چاپ هند را کنار بگذارند و این کتاب‌ها پالایش شده، من در یک تورق خیلی مختصر حدود ۱۵ مورد کتاب‌های چاپ لاهور، چاپ بمبئی، چاپ اسلام‌آباد و چاپ لکنهو را دیدم که در این فهرست آمده است. لازم است یک بار دیگر کتاب مرور و این موارد حذف شود.

این پژوهشگر نسخ خطی در ادامه به برخی اشتباهات راه یافته در ضبط عناوین، تواریخ و محل چاپ کتاب‌ها و نام مؤلفان اشاره کرد و با بیان این که در این کتابشناسی به موضوع کتاب‌ها اشاره نشده است، گفت: عدم اشاره به موضوع کتاب فایده این کتابشناسی را بسیار کم می‌کند. این کتابشناسی الان فقط یک خبر به مخاطب می‌دهد و آن این است که این کتاب در ایران چاپ شده است و فراتر از آن چیزی نمی‌گوید.

وی در نقد روش به کار رفته در نمایه‌ها نیز گفت: این کتاب الان فقط یک نمایه دارد. در نمایه‌ها نیز بعضا ضبط همه کتاب‌های یک مؤلف دیده نمی‌شود. برای مثال در نمایه‌ها ذیل نام خواجه عبیدالله آزاد فقط دو اثر او ثبت شده است، در حالی که در این کتابشناسی کتاب‌های دیگری هم از این نویسنده وجود دارد.

نوشاهی یکی دیگر از اشکالات این کتابشناسی را آمدن برخی عناوین ترجمه‌های کتاب‌های ترکی به فارسی در بخش ترکی این کتابشناسی و برخی هم در بخش فارسی و هم در بخش ترکی بدون توجه به محل چاپ آن‌ها دانست و افزود: مؤلفان که در گردآوری اطلاعات و داده‌های این کتابشناسی زحمت زیادی کشیده‌اند باید در تنظیم آنها به گونه‌ای عمل می‌کردند که از طریق نمایه‌ها و مطالب، می‌توانست بیشتر مورد استفاده قرار بگیرد.

وی در پایان گفت: من معتقدم که خود مؤلف بیش از هر کسی نواقص کارش را متوجه می‌شود؛ همان گونه که من در کتابشناسی متون چاپ شده در شبه قاره متوجه شدم کارم چه نواقصی دارد. امیدوارم که مؤلفان محترم در چاپ‌های بعدی این کتاب آن چه را از قلم افتاده بر کتاب بیفزایند و آن را با نمایه‌هایی مفید و به عنوان اثری فراتر از فهرست مشار ارائه کنند.

و این اشتباهات و نقص‌ها انشالله باید در چاپ‌های بعدی رفع شود.

این نسخه‌پژوه افزود: در عین حال به یاد ندارم که در نسخه اولیه‌ای که من تحقیق کردم و در سال ۱۳۸۴ تحویل دادم دقیقا چه تعداد از چاپ کتاب‌های شاخص ذکر شده بود و آیا من از ابتدا همین تعداد را آورده‌ام یا در ویرایش بعدی به این تعداد رسیده است.

وی اشتباهات راه یافته در ضبط عناوین، نام‌ها و تواریخ را پذیرفت و گفت: این کار مربوط به سال‌های جوانی و کم‌تجربگی ماست و علاوه بر آن در آن زمان منابع اطلاعاتی محدود و روش مورد استفاده من میدانی بود. به این عوامل باید محدودتر بودن منابع و کتابخانه‌ها در قم نسبت به تهران و نوع خدمات‌دهی آن‌ها را هم اضافه کرد. بنابراین اذعان دارم که تعداد قابل توجهی کتاب‌ها از قلم افتاده است و همان طور که آقای نوشاهی مشغول استدراک کتاب‌های فوت شده از کتابشناسی متون چاپ شده در شبه قاره هستند این کار باید در مورد کتابشناسی متون چاپ شده در ایران هم انجام شود.

طیار مراغی با اشاره به بروز خطاهای احتمالی در ضبط نام افراد به واسطه تغییر روشی که در سال‌های میانی دهه ۱۳۸۰ از سوی مؤسسه اعمال شد و بر اساس آن نام خانوادگی پیش از نام قرار داده شد، در مورد ذکر موضوع کتاب‌ها نیز گفت: این موضوع در جلسه ابتدایی پروژه مطرح شد اما رأی نیارود. در فهرست نسخ خطی پس از نام کتاب در پراتنژ موضوع و زبان نسخه نوشته می‌شود. اما از آنجا که تعداد متون زیاد بود و اشکالات زیادی می‌توانست بعدا به دلیل عدم موافقت در مورد قرار دادن یک متن ذیل یک موضوع مطرح شود، ذکر موضوع از دستور کار خارج شد.

وی ادامه داد: در واقع تشخیص موضوع و قرار دادن یک کتاب ذیل یک موضوع کار بسیار سختی است و معمولا کتابدارها با صعوبت آن را انجام می‌دهند. کتاب‌های زیادی هم در این زمینه نوشته شده است. اگر هم می‌خواستیم به یک عنوان کلی مانند «فقه» اکتفا کنیم شاید این کار فایده چندانی نداشت. ولی چنان که در مقدمه هم ذکر شده جا داشت در پایان کتاب یک نمایه موضوعی ارائه می‌شد تا کسانی که فرضا دنبال کتاب‌های نجوم، یا کتاب‌های اسبشناسی یا کتاب‌های طب، هندسه و جبر و ... هستند، می‌توانستند کتاب‌های مورد نظرشان را راحت‌تر بیابند.

بوده و بعد به صورت سربی یا سنگی یا چاپ حرفی چاپ شده است. ما این موارد را هم اطلاع‌رسانی کرده‌ایم که به چه صورت چاپ شده است.

این فهرست‌نویس و پژوهشگر نسخ گفت: در این کتابشناسی متن‌های دستنویس، چه آن‌ها که بسیار طولانی و چند ده جلدی بوده‌اند، مثل بحار الانوار یا جواهر الکلام، و چه رساله‌های کوتاه که در لابلای کتاب‌ها و مجموعه‌های خطی بوده‌اند و بعدا به صورت مستقل در مجلات و یادنامه‌ها و ارجنامه‌ها چاپ شده‌اند، به عنوان متن شناسایی شده‌اند. هدف از این کار آن بوده که محققان ببینند چه اثری چاپ شده و از دوباره کاری پرهیز و از هدر رفت سرمایه‌ها و عمر پژوهشگران جلوگیری شود و اگر اثری هم ارزش چاپ دوباره دارد به واسطه این فهرست شناسایی شود.

وی درباره اشکال آقای نوشاهی در مورد متون برجسته ادبیات فارسی گفت: در جلسه اولیه‌ای که برای این پروژه تشکیل شد این نکته مطرح شد که از آنجا که هدف اصلی اطلاع‌رسانی درباره نوشته‌های چاپ‌شده پیشینیان و ایجاد یک بانک اطلاعاتی در این مورد برای محققان است، نیاز به تأکید زیاد بر کتاب‌های شاخص نیست. تا جایی که به یاد دارم آنچه در آن جلسه مطرح شد این بود که کتاب‌هایی را که به دفعات متعدد چاپ شده‌اند یا در این کتابشناسی نیاروریم و یا به چاپ‌های مهم آنها اشاره کنیم.

طیار مراغی ادامه داد: در واقع گاهی هدف ما از کتابشناسی، همچون کتاب ارزشمند خود آقای نوشاهی، استقصاء تام اطلاعات است و برای مثال می‌خواهیم بدانیم که گلستان سعدی در شبه‌قاره چه چاپ‌هایی داشته است. ولی گاهی هدف این است که یک بانک اطلاعات دم‌دستی در اختیار محققان گذاشته شود که در اینجا پرداختن تفصیلی به کتاب‌های پر رونق، که چاپ‌های متعدد و شناخته‌شده‌ای هم از سوی اساتید مطرح داشته‌اند، شاید اولویتی نداشته باشد.

وی گفت: به همین خاطر ما در مورد آثار شاخص و آثاری که هم نسخه‌ها و هم چاپ‌های زیادی دارند به گزیده‌گویی اکتفا کرده‌ایم. بنابراین مسئله در اینجا نادیده گرفتن یا نپرداختن یا فراموشی نیست. البته من فراموشی را انکار نمی‌کنم و احتمال آن وجود دارد؛ چرا که گاهی اوقات ممکن است دم‌دستی‌ترین چیزها را فراموش کنیم و مورد غفلت قرار دهیم. احتمالا کتاب‌های خیلی مهمی هم از چشم ما پنهان مانده

برای همیشه و برای همه بسیار مفید است و سلسله انتشار این گونه آثار باید ادامه داشته باشد.

او همچنین با اشاره به تقدیر از برگزاری نشست‌های مجازی دربارهٔ ادب فارسی، گفت:

این جلسات برای ما دانشجویان و دانش‌آموختگان فارسی در خارج از ایران بسیار مفید دانست و من در این نشست از گفتار استادان استفاده کردم و به نظر من باید به مواردی که آقای عارف نوشاهی اشاره کردند، توجه شود.

در ادامه این جلسه دکتر سعید میرمحمدصادق، یکی از مؤلفان کتابشناسی متون چاپ شده در ایران به بیان نکاتی دربارهٔ اشکالات مطرح شده و روند و شیوهٔ تألیف کتاب پرداخت و گفت:

این پروژه که سال ۱۳۷۶ شروع شد و بعد از بیست و چند سال به چاپ رسیده است، چند مرحله داشته که در مقدمهٔ کتاب به همه مراحل اشاره شده است. همیشه طولانی شدن کار آفت است و به کار آسیب می‌زند و بخشی از اشکالات راه یافته به اثر از اینجا نشئت می‌گیرد.

میرمحمدصادق ادامه داد: علاوه بر این در ابتدا اطلاعات با محوریت مؤلف تنظیم شده بود و بعد قرار بر این شد که بر اساس نام کتاب تنظیم شود. در این تغییرات ممکن است افتادگی‌هایی پیش آمده باشد و به نظر من در مورد آثار شاخص ادب فارسی همین عامل باعث مخفی ماندن برخی چاپ‌ها از چشم ما شده است.

وی یکی از اشتباهات این پروژه را اردغام نتایج کار دو مؤلف دانست و گفت: آقای طیار مراغی متون چاپ شده تا سال ۱۳۸۰ را احصاء و معرفی کرده است و متون چاپ شده از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ را من شناسایی و فهرست کرده‌ام. به نظر من یکی از اشتباهات این بود که کتاب‌های سال ۸۱ تا ۹۰ را در کار آقای طیار مراغی ادغام کردند.

این ادغام هم به نظر من ممکن است ایراداتی را در کار ایجاد کرده باشد و تا حدی باعث شده که افتادگی‌ها مشخص نشود.

طیار مراغی با اشاره به دشواری کار، گفت: در مجموع تألیف این کتابشناسی به صورت تام و تمام کار بسیار دراز دامنی بود که قطعاً در آن زمان از عهده من به تنهایی بر نمی‌آمد. من در آن زمان تمام پروژه‌هایم را تعطیل کردم یا به صورت نیمه تعطیل در آوردم و به کتابخانه‌های متعددی می‌رفتم و تا دیر وقت مشغول بررسی و یادداشت‌برداری بودم.

وی نقص اصلی کتابشناسی متون چاپ شده در ایران را نداشتن نمایه‌های کافی دانست و گفت: جای چند نمایه، از جمله نمایهٔ محققان و مصححان، در این کتابشناسی خالی است.

البته علت اصلی که این نمایه‌ها فراهم نشده این بود که مراحل نگارش و آماده‌سازی کتاب به صورت طاقت‌فرسایی حدود ۲۳ سال طول کشید و اگر قرار بود نمایه هم فراهم شود چاپ اثر بیش از این به تأخیر می‌افتاد.

علاوه بر این عامل دیگری که موجب شد فقط به نمایهٔ مؤلفان اکتفا شود مسئله بودجه و اضافه شدن حجم کتاب و محدودیت‌های ناشر در این خصوص بود. انشاءالله چاپ‌های بعدی اثر هم در تیراژ بیشتر و هم با استدراک و رفع اشکالات و اضافه کردن نمایه‌ها منتشر شود و محققان استفاده بیشتری از این کتابشناسی ببرند.



در بخشی از این نشست دکتر سید حسن عباس نیز در سخنان کوتاهی ضمن تبریک انتشار کتابشناسی متون چاپ شده در ایران به مؤلفان این اثر، مؤسسهٔ میراث مکتوب و دکتر ایرانی، گفت: این گونه کتابشناسی‌ها





ما در ضبط عناوین تابع نسخه چاپ شده توسط مصحح بوده‌ایم. در مواردی هم که چند چاپ وجود داشته، مانند سفرنامه‌های ناصرالدین شاه که یک سفرنامه واحد توسط افراد مختلف تصحیح شده و تحت چند عنوان به چاپ رسیده است، ما برای یکدست‌سازی، عنوان سفرنامه اصل را پیدا کرده‌ایم و همه چاپ‌ها را ذیل آن عنوان اصلی قرار داده و به آن ارجاع داده‌ایم.

این پژوهشگر با اشاره به محدودیت ناشر در ایجاد نمایه‌های متعدد گفت: شخصا علاقه داشتم که فهرست مصححان و فهرست شهرهایی که در آن‌ها کتاب چاپ شده است در پایان کتاب بیاید. به نظر من خیلی مهم است که بینیم چه شهرهایی غیر از تهران و قم نقشی در تصحیح و چاپ متون کهن داشته و دارند. چنین آماری میزان سرمایه‌گذاری فرهنگی در حوزه تصحیح متن در یک منطقه را مشخص می‌کند. البته اکثر مدخل‌هایی که در کتابشناسی متون چاپ شده در ایران آمده چاپ تهران و قم است اما برای من مهم بود که بدانم به لحاظ فرهنگی کدام شهرها بیشترین نقش را در حوزه تصحیح متن دارند و هر کدام به چه میزان. در آینده هم این امکان وجود دارد که در قالب یک نمودار نشان داده شود که در چه سال‌هایی چه شهرهایی غیر از تهران و قم در این زمینه فعال بوده‌اند. این موضوع از جهت تاریخ فرهنگی می‌تواند مهم باشد.

وی افزود: البته اگر این کتابشناسی به قالب نرم‌افزار در آید خیلی از این مشکلات حل می‌شود و امکان جستجوی اطلاعات مورد نظر به راحتی فراهم می‌شود.

دکتر فریبا افکاری



در ادامه دکتر فریبا افکاری ضمن تشکر از انتشارات مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب و مشارکت کتابخانه

این پژوهشگر نسخ خطی با اشاره به دشواری کار گفت: حجم کار بسیار زیاد بوده است، علاوه بر این بعضا لازم بود که ما اطلاعاتی از شهرهای دورافتاده کسب کنیم. به عنوان مثال من به تازگی در همین سال ۱۳۹۹ خورشیدی کتابی دیدم که در سال ۹۵ در طبرس چاپ شده است. گاهی هم که از طریق فیبا جستجو می‌کردیم می‌دیدم که کتابی فیبا گرفته اما هنوز چاپ نشده و به کتابخانه‌ها وارد نشده است. در هر صورت رصد کتاب و کتابشناسی مشکلات خاص خودش را دارد و به جهت سختی و گستردگی کار، راه یافتن برخی نواقص در کتابشناسی ناگزیر است.

وی در مورد شیوه ضبط نام افراد نیز گفت: ابتدا قرار بود نام کامل افراد به شکل معمول ذکر شود اما بنا به خواست مؤسسه بعدا قرار شد نام خانوادگی یا شهرت پیش از نام قرار بگیرد و از آنجا که در گذشته این شیوه معمول نبوده اشکالاتی هم پیش آمده است. در مورد اهالی شبه قاره نیز سعی ما این بوده که ضبط نام‌ها به شهرت مؤلفان در شبه قاره نزدیک باشد. در این موارد هم اگر ایرادی وارد شده است سعی می‌کنیم در ویراست‌های بعدی برطرف شود.

میرمحمدصادق درباره مشخص کردن موضوع متون نیز گفت: موضوع دادن به بعضی از آثار واقعا سخت است. در حوزه‌های تاریخ و ادبیات، یا ادبیات و عرفان واقعا بعضی از آثار قابل تفکیک نیستند. این مشکل در فهرست‌نویسی نسخ خطی هم وجود دارد. برای مثال پیش آمده که خود من نسخه‌های تاریخی را در نسخه‌های ادبی پیدا کرده‌ام؛ چون فهرست‌نویس سلیقه‌ای آن را در حوزه ادبیات معرفی کرده است.

وی در توضیحی درباره نحوه ضبط عناوین کتاب‌ها گفت: ممکن است یک نسخه در فهرست نسخ خطی به شکلی متفاوت از عنوان چاپی آن ضبط شده باشد.



ملی در تهیه و تدوین این اثر، گفت: کتابشناسی متون چاپ‌شده در ایران اثری با ارزش و یکی از منابع مهم پژوهشی و کتابی مرجع برای متخصصان حوزه متون و نسخ خطی، علاقه‌مندان به کتابشناسی و متخصصانی است که در هر زمینه می‌خواهند از نسخه‌های خطی آن حوزه استفاده کنند.

همان طور که می‌دانید حجم انتشارات تخصصی به صورت‌های مختلف آن قدر زیاد است که پژوهشگران برای دستیابی به منابعی مانند کتابشناسی‌های تخصصی و فهرست‌ها ناچارند به جاهای مختلف سر بزنند ولی یک کتابشناسی که جامع متون و رسائل منتشرشده و به این شکل کامل باشد تا به امروز وجود نداشته است.

افکاری ادامه داد: من به عنوان یک کتابدار و کسی که از این منبع استفاده می‌کند علاقه‌مند بودم که مؤلفان محترم به تعریف واحد متن و دسته‌بندی آن بپردازند. البته در مقدمه گفته شده که این اثر شامل متون نسخه‌برگردان‌ها، رسائل و مجموعه‌ها به سه زبان عربی، فارسی و ترکی است.

اما این که واحد شمارش متن چیست و نسخه‌برگردان‌ها از کجاها تهیه شده و از چه منابعی در این کتابشناسی استفاده شده، ذکر نشده است.

وی با اشاره به عدم درج فهرست منابع در این اثر، گفت: مؤلفان محترم سال‌ها زحمت کشیده و به منابع بسیاری مراجعه کرده‌اند و اگر مهمترین منابعی که مورد استفاده آنان بوده ذکر می‌شد فهرست مفیدی فراهم می‌آمد که منبع مهم و مفیدی برای محققانی بود که می‌خواستند به این حوزه استناد کنند. در هر صورت گردآوری منابع کتابشناسی‌ها خود یک فهرست کتابشناسی خیلی خوب است.

این پژوهشگر عدم یکدستی در روش را یکی از کاستی‌های این کتابشناسی دانست و گفت: این اشکال به این علت ایجاد شده که کار در سالیان طولانی و توسط گروه‌های مختلف انجام شده است.

وی ضمن بیان این مطلب که این کتابشناسی می‌توانست مشتمل بر تصحیحات انجام شده در قالب پایان‌نامه و رساله‌های دانشگاهی و نیز نقدهای نوشته شده بر تصحیحات باشد، اظهار کرد:

البته گفته شده که در نظر نگرفتن این بخش به

دلیل نبود بانک اطلاعات از پایان‌نامه‌ها در زمان شروع پروژه بوده است. اما با توجه به شرایط جدید و این که در تحقیقات دانشگاهی بسیاری از رسائل و متون تصحیح می‌شود، مناسب است که پایان‌نامه‌ها هم به این کتابشناسی اضافه شود.

افکاری با اشاره به اشتباهات راه یافته در ضبط اسامی ترکی و عربی، گفت:

اگر از منبع و کتابشناسی خاصی برای ضبط اسامی استفاده شده خوب است که در مقدمه ذکر شود. در مجموع هم با وجود توضیحات خوبی که در مقدمه داده شده است، درباره جزئیات کار، که اتفاقاً همین‌ها مورد سؤال واقع می‌شود، توضیحی نیامده است. من پیشنهاد می‌کنم اگر قرار است این کار ادامه پیدا کند، که حتما هم باید ادامه پیدا کند، خوب است که این توضیحات ذکر و تکمیل شود.

در ادامه میرمحمد صادق با ارائه توضیحاتی گفت: در باب پایان‌نامه‌ها باید عرض کنم که پایه کتابشناسی ما کتاب‌های چاپ شده در ایران بوده است و بنا بر این پایان‌نامه‌ها جزو کار ما نبوده است.

اگر پایان‌نامه‌ای چاپ شده باشد به عنوان یک کتاب ذکر شده است. گذشته از این مورد، پیشتر آقای بهروز ایمانی فهرست پایان‌نامه‌هایی را که به تصحیح متن اختصاص داشته است، کار کرده‌اند. تا جایی که اطلاع دارم نوشته‌های ایشان در این باب تا سال ۱۳۸۵ در مجله آینه میراث به چاپ می‌رسید؛ اما اطلاع ندارم که این کار را ادامه داده‌اند یا خیر.

وی درباره پرداختن به نقد تصحیحات نیز گفت: از ابتدا قرار بر این نبوده است که اگر خلاصه‌ای از یک متن دستنویس چاپ شده یا نقدی بر کتاب تصحیح شده، در جایی چاپ شده باشد جزء اطلاعات تکمیلی این کتابشناسی قرار بگیرد.

آن چه در این کتابشناسی مد نظر بوده است این بوده که کتاب‌ها، رساله‌ها، سندها و وقف‌نامه‌هایی که در بازه زمانی مد نظر چاپ شده است معرفی شوند و اطلاعات آن‌ها ذکر شود تا از دوباره کاری پرهیز شده و مشخص شود که این کتاب‌های چاپ‌شده در دسترس است یا نیست.

کار را به صورت تمام و کمال انجام دهد.

این کتابشناس و نسخه‌شناس در مورد اهمیت این اثر نیز گفت: از زمانی که نسخه‌ای از این کتاب به لطف جناب آقای طیار مراغی به دست من رسیده است می‌بینم که به عنوان یک فهرست‌نگار همان گونه که به فنخا نیاز دارم به این کتابشناسی متون هم نیاز پیدا کرده‌ام. در واقع خود من علاقه دارم بدانم کتابی را که دارم فهرست‌نگاری می‌کنم به چاپ رسیده است یا نه.

وی ادامه داد: من به عنوان یک فهرست‌نگار وقتی به نسخه‌ای خطی و یا کتاب برخورد می‌کنم و می‌خواهم آن را معرفی کنم اولاً می‌خواهم بدانم که: چاپ شده است یا نه؟ آیا چاپ سنگی شده است؟ آیا بعد از آن چاپ حروفی و تحقیقی شده است یا نه؟ از چه نسخه‌هایی در تصحیح استفاده کرده‌اند؟ آیا محقق در مقدمه نسخه‌ها را بررسی کرده است یا نه؟ آیا نسخه‌ای که در دست دارم اصلاً چاپ نشده است یا نه؟ آیا نسخه منحصر بفرد است؟ و ... من به عنوان یک فهرست‌نگار می‌خواهم این مطالب را بدانم. همچنین اگر بخواهم یک فهرست کامل بنویسم ترجیح می‌دهم نسخه چاپی هم در دسترس من باشد.

حافظیان بابل‌ی ضمن اظهار همدلی با گلایه مطرح شده از سوی رسول جعفریان، گفت: ما یک هارد کامل نداریم که همه متون چاپ سنگی شده را در بر داشته باشد. مگر چه تعداد از این متون وجود داشته است؟ لازم است همه این متن‌ها در دسترس باشد تا محققان بتوانند به آن‌ها مراجعه کنند. حداقل کار این است که اطلاع‌رسانی شود که محقق بداند کتاب چاپ شده یا نه، کجا چاپ شده است، خصوصیات چاپش چیست و اگر خود کتاب هم در دسترس قرار بگیرد عالی است و کمک قابل توجهی به تحقیق می‌کند.

وی در پایان گفت: ما به هر دو مؤلف دست مریزاد می‌گوییم. کاری که آن‌ها انجام داده‌اند مائده مادی چندان هم برای‌شان نداشته است اما ما قدردان زحماتشان هستیم.



در ادامه ابوالفضل حافظیان بابل‌ی به بیان مطالب خود پرداخت و گفت: بالاخره بعد از تأخیری طولانی چشم ما به کتابشناسی متون چاپ شده در ایران روشن شد؛ اما متأسفانه وقتی فاصله زیادی میان زمان نگارش تا زمان چاپ و نشر چنین کتابی که منبع و مصدر است، می‌افتد، اطلاعات کتاب بیات می‌شود. در این ۱۰ ساله متون زیادی منتشر شده که در این کتابشناسی اسم و یادی از آنها نشده است. این نقدی است که بر نویسندگان محترم این اثر وارد نیست. اما از سوی دیگر وضعیت نشر و انتشار هم به گونه‌ای بوده که مؤسسه میراث مکتوب همین که توانسته الان هم این کتاب را به چاپ برساند باید به دست‌اندرکاران دست مریزاد گفت.

حافظیان بابل‌ی ادامه داد: در هر صورت این فاصله طولانی نشانگر این است که وضعیت چاپ و نشر در کشور ما مناسب نیست. گذشته از آن وقتی یک کتاب چاپ می‌شود توزیع آن شکل ناکارآمدی دارد و از توزیع هم که بگذریم اطلاع‌رسانی‌ها خیلی ضعیف است. خود من برای اطلاع از این که چه کتاب‌هایی منتشر شده است معمولاً از دوستان می‌خواهم که بروشورهای انتشارات مختلف را اگر به دستشان رسید برای من بیاورند و آن‌ها را مطالعه می‌کنم.

وی با اشاره به نقصان‌های کار، گفت: این کار گستره وسیعی دارد و نمی‌توان با مراجعه میدانی به چند کتابخانه به صورتی بی نقص آن را به انجام رساند؛ و شاید انجام آن به صورت یک نفره باعث برخی اشکالات شده است. شخصاً شاهد زحمات آقای طیار مراغی که بخش گسترده‌تری از کار را به عهده داشتند، بودم. آقای میرمحمدصادق هم زحمات زیادی کشیدند ولی نباید توقع داشت که یک نفر به تنهایی بتواند متون چاپ شده را به طور کامل استقصاء کند. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که به تنهایی می‌تواند این



# بیاد استاد جلال الدین بهمانی

به مناسبت چهلمین سالگرد درگذشت ایشان

عکس از مریم زندی

با حضور

محمد باقری (کار سترگ همایی در تصحیح التفهیم بیرونی)

مهدی نوریان (استاد همایی و احیای متون کهن)

ماهدخت بانو همایی (اسفهان، پاسدار گنجینه‌های علم و ادب و هنر ایران)

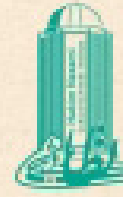
مدیر جلسه: الوند بهاری

جمعه ۲۷ تیر ۱۳۹۹، ساعت ۱۹

پخش زنده در صفحه اینستاگرام

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب





رونمایی و معرفی کتاب

# زبان خیال انخیز نظامی

سخنرانان:

محمود جعفری دهقی

حکیم نظامی گنجه‌ای و ایران‌شناسان

محمد خاکپور

یوعلیق‌ای نظامی

سعید فیروزآبادی

علموت ریتر آلمانی و اهمیت ترجمه این کتاب

با آواز غلامرضا رضایی

از اشعار نظامی گنجه‌ای

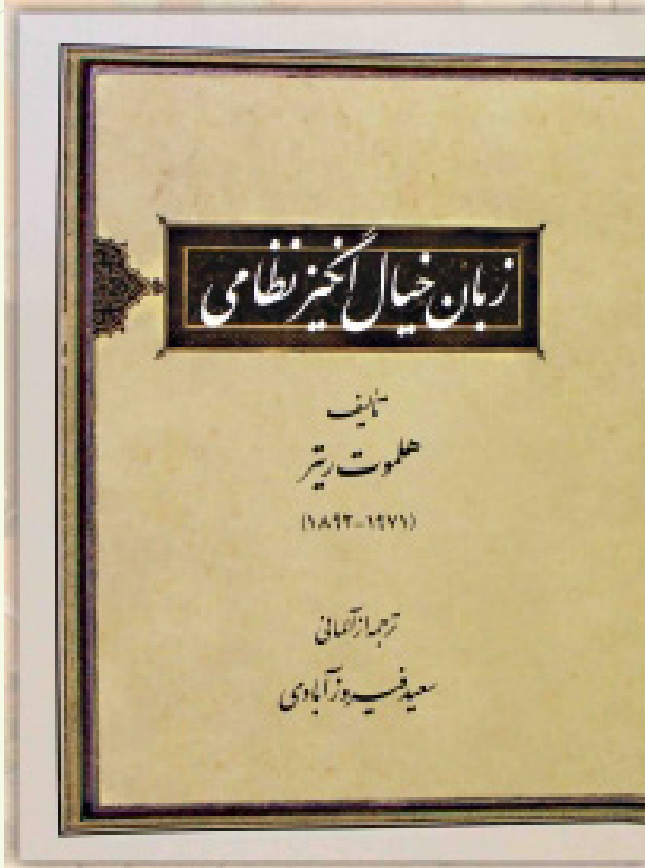
دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۹، ساعت ۱۹

بخش زنده در صفحه اینستاگرام

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

به نشانی @mirasmaktoob

مدیر جلسه: محمود جعفری دهقی





دانشگاه شهید باهنر کرمان



رونمایی و معرفی کتاب

# رسائل خواجه کرمانی

مدیر جلسه: الوند بهاری

سخنرانان:

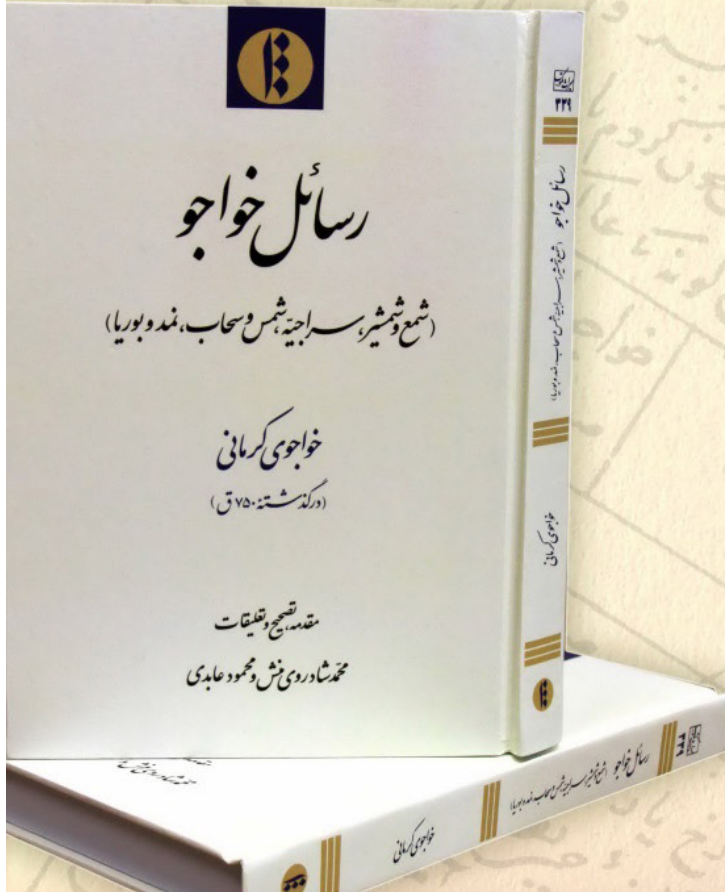
محمود مدبری

محمود عابدی

محمد شادروی منش

با آواز مجید حسینخانی

بر اساس اشعار خواجه



شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۹، ساعت ۱۹

پخش زنده در صفحه اینستاگرام

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

به نشانی @mirasmaktoob



به مناسبت روز بزرگداشت محمد بن زکریای رازی

رونمایی و معرفی

«رسالة في اوجاع المفاصل وعلاجها»

نوشته ابوبکر محمد بن زکریا الرازی

«کتاب الحاصل في علاج المفاصل»

ترجمه فارسی اوجاع المفاصل از مترجمی ناشناخته

به همراه ترجمه فارسی "مقالة في النقرس" رازی

سخنرانان:

**حسین رضوی برقی**

صحت انتساب اوجاع المفاصل به رازی و اهمیت مباحث پزشکی این اثر

**محمد ابراهیم ذاکر**

معرفی رساله فی اوجاع المفاصل و علاجها

مدیر جلسه:

**حسین جزایری**



چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۹۹، ساعت ۱۹

لایو (پخش زنده) اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

به نشانی @mirasmaktoob





## نکوداشت زادروز ابوریحان محمد بن احمد بیرونی همزمان با هزاره درگذشت او

سخنرانان:

پرویز اذکایی

ابوریحان بیرونی و آثار الباقیه

محمد باقری

نگاهی به آثار ریاضی و نجومی بیرونی

مدیر جلسه:

امیر محمد گمینی

مکتوبات محمد بن ابوریحان  
لنصحه صیفا فالولینا کسر  
و فرهنگ منه بفرزه لیسو دین من رجب  
پسته پسته عشر وارده سلیمه

جمعه ۱۴ شهریور ۱۳۹۹، ساعت ۱۹

پخش زنده در اینستاگرام میراث مکتوب @mirasmaktoob



۱۳۴ نشست از سلسله نشست‌های مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی

وبینار

# علامه قزوینی و گفتمان هویت ملی در عصر جدید:

## تصحیح چهارمقاله عروضی

سخنران:

**سیما داد**

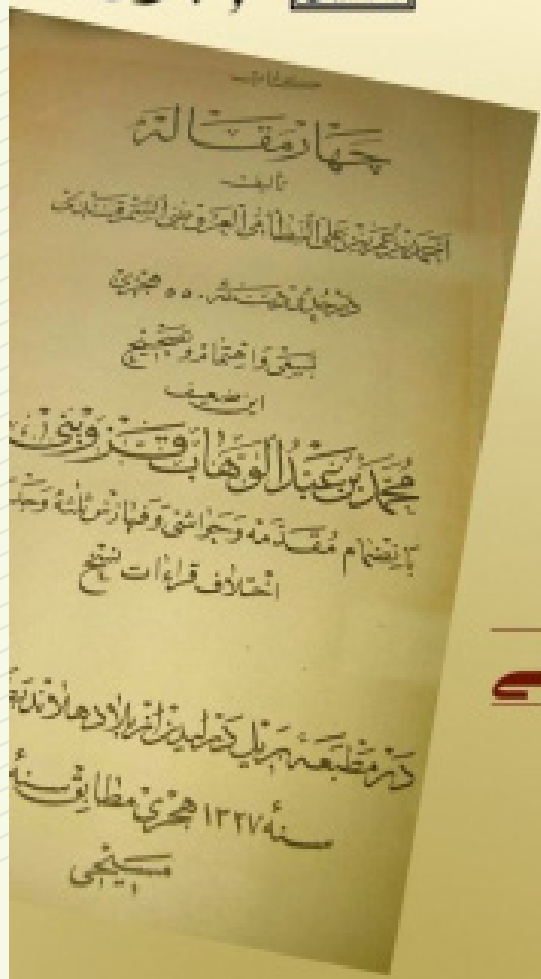
دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه واشنگتن

مدیر جلسه: بهرام پروین گنابادی

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹، ساعت ۲۰:۱۵

نشانی وبینار:

<https://sbu.ac.ir/webinar>



۱۳۵ نشست از سلسله نشست‌های مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب



به یاد

# دکتر سید محمد دبیرسیاقی

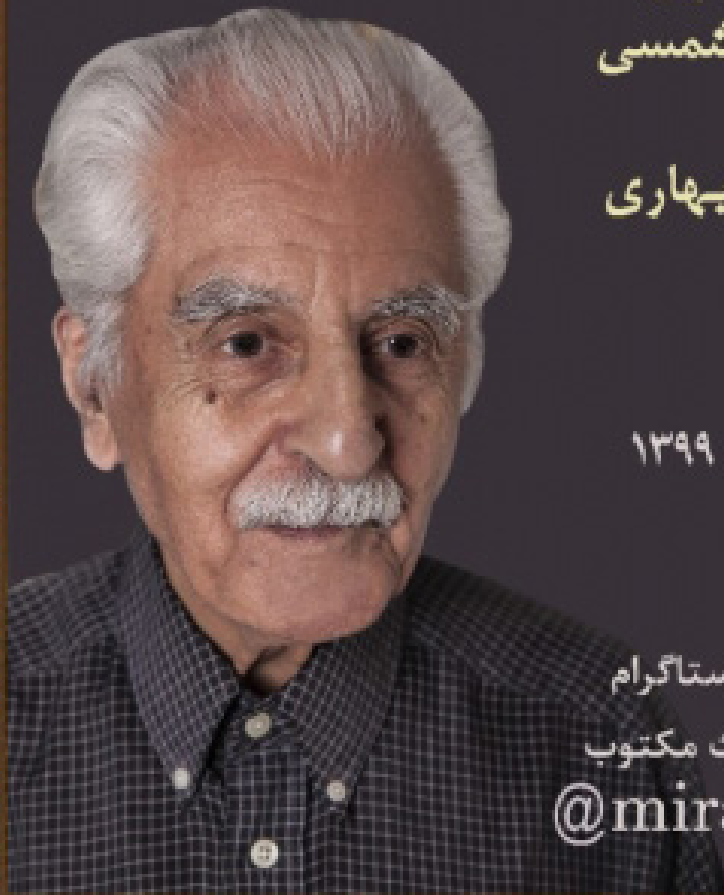
به مناسبت دومین سالگرد درگذشت استاد

با حضور

محمود مدبری

مریم میرشمسی

مدیر جلسه: الوند بهاری



چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹

ساعت ۱۹

بخش زنده (live) اینستاگرام

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

@mirasmaktoob



وبینار رونمایی و معرفی

# خسرو شیرین رطاب

نسخه هنری مصور به خط اظهر تبریزی (سده نهم هجری)

نسخه‌برگردان دستنویس به نشانی Persian Ms. 6 کتابخانه جان رایلندز منچستر انگلستان

سخنرانان:

هلنا شیر دشتگل

مجالس مصور نسخه خسرو و شیرین کتابخانه جان رایلندز

شیوا میهن

اظهر تبریزی و کتابخانه سلطنتی بایسنغر سلطان

مدیر جلسه و سخنران:

نوشاد زکی

سرآغاز نستعلیق

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۹

ساعت ۱۸:۱۵ تا ۲۰

<https://sbu.ac.ir/webinar>



رونمایی و معرفی کتاب

سنجش پیشاب‌شناسی رازی با پزشکی نوین

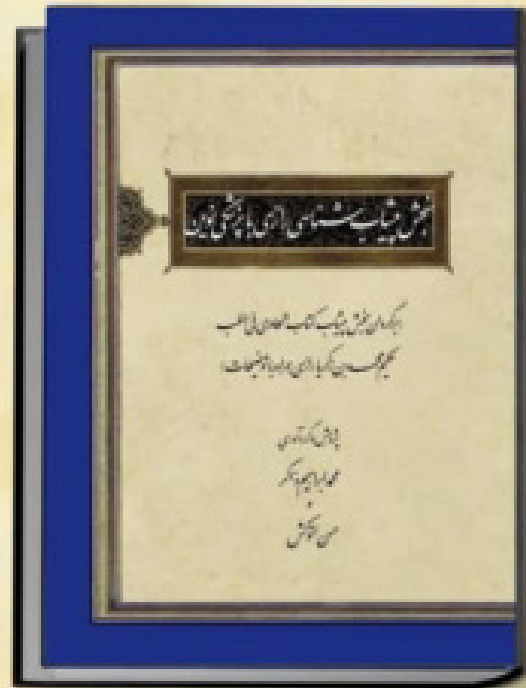
برگردان سنجش پیشاب  
کتاب الحاوی فی الطب  
حکیم محمدبن زکریا رازی

سخنران:

محمد صدر  
محمد ابراهیم ذاکر  
حسن اتو کش

مدیر جلسه:

حسین جزایری



پنج‌شنبه ۱ آبان ۱۳۹۹

ساعت ۱۹

پخش زنده (live) اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
[@mirasmaktoob](https://www.instagram.com/mirasmaktoob)



۱۳۸ نشست مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب



# به یاد دکتر مطاهر مصفا

به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت استاد

با حضور:

امیربانو کریمی

مهدی نوریان

وحید عیدگاه طرقله‌ای

مدیر جلسه: الوند بهاری

پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۹۹

ساعت ۱۸

بخش زنده (live) اینستاگرام

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

@mirasmaktoob



به مناسبت سالگرد درگذشت مظاهر مصفا، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، نشست مجازی در صفحه مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در اینستاگرام برگزار شد. در آغاز برنامه شعری از مظاهر مصفا توسط الوند بهاری خوانده شد و مهمانان برنامه معرفی شدند. اولین مهمان این جلسه مجازی، امیربانو کریمی، همسر مظاهر مصفا، بود. کریمی درباره چگونگی آشنایی‌شان صحبت کرد و گفت: «من و دکتر مصفا در دهه سی در دانشکده ادبیات با هم همکلاس بودیم. در سال سی‌ودو مسئله ملی کردن صنعت نفت پیش آمد. دکتر مصفا که انسان وطن‌پرستی بود بسیار به دکتر مصدق علاقه‌مند بود. او در کلاس مرحوم فروزانفر شعری در کلاس در ستایش دکتر مصدق خواند. اتفاقاتی در نتیجه خواندن آن شعر پیش آمد که امتحان فارغ‌التحصیلی او ده سالی عقب افتاد. بعد از این مدت با هم ازدواج کردیم.» امیربانو در ادامه سخنانش به خصوصیات اخلاقی مصفا اشاره کرد: «او بسیار به اعضای خانواده‌اش متعهد بود. ما مدتی به جهت تنگ‌دستی‌مان در شهرستان‌ها تدریس می‌کردیم و او در همان حال هم به نیازمندا کمک می‌کردند و هیچ‌وقت اهل تملق نبود.» کریمی ادامه داد: «همراهی من با مصفا باعث شد که محیط فرهنگی قوی‌تری پیرامون من ایجاد شود. همکاری ما با یکدیگر در مباحث علمی از بهترین خاطرات من است. بهترین ساعات زندگی ما زمان‌هایی بود که با همدیگر شعر می‌خواندیم.» این استاد بازنشسته دانشگاه تهران گفت: «مسائل و مشکلات او با دانشگاه باعث شد که اجازه ندهم دانشگاه مجلسی برای مصفا بگیرد. تصمیم گرفتم سنگ قبر ساده‌ای برای مظاهر نصب کنم تا نشان‌دهنده صفا و سادگی شخصیت مصفا باشد.» امیربانو کریمی درباره تصحیح جوامع‌الحکایات که با همکاری دکتر مصفا و خود او انجام شد، توضیح داد: «این کار در آغاز توسط محمد معین شروع شد. بعداً تبدیل شد به رساله دکتری من که زیر نظر دکتر مصفا انجام شد. سال گذشته توانستیم تصحیح این کتاب را تمام کنیم. این کتاب بخش‌بخش منتشر شد و اکنون نیز دوره‌ای کامل است. از این دوازده جلد سه جلد کار مشترک من و مصفا بود و باقی جلد‌ها کار شخصی بنده بود. گزیده‌ای نیز از جوامع‌الحکایات منتشر کرده‌ام.» مهمان دوم برنامه، مهدی نوریان، استاد دانشگاه اصفهان درباره برنامه‌های پژوهشی دکتر مصفا صحبت کرد. او گفت: «مصفا قصد داشت تا تمام مجمع‌الفصحا را با حواشی مفصل منتشر کند. اما در نهایت تصمیم گرفتند تنها متن را منتشر کنند. علاوه بر آن او سال‌ها پیش

دیوان نظیری نیشابوری را منتشر کرد. دیوان لامع درمیانی نیز توسط او منتشر شد. یکی دیگر از کارهای عمده او تصحیح دیوان نزاری قهستانی بود. این کار با مقدمه‌ای مفصل و تصحیحی عالمانه منتشر شد.» وحید عیدگاه طریقه، استاد دانشگاه تهران و از شاگردان مصفا نیز درباره شعر او صحبت کرد. او در آغاز صحبت‌هایش به ویژگی‌های شخصیتی او اشاره کرد و گفت: «مصفا می‌توانست شخصیت‌های مختلف را به خود جذب کند. دکتر محمد دهقانی همیشه می‌گفت دانشجویان می‌آیند تا خود مصفا را ببینند. دید او به زندگی، نکته‌سنجی و طنزپردازی و صداقتش انسان‌ها را با خود جذب می‌کرد.» عیدگاه درباره شعر او گفت: «اگر این ویژگی‌ها را در شخصیت او می‌دیدیم، می‌توانستیم ردی هم در شعر او از این مسائل پیدا کنیم. اگر او در زندگی برخی را نكوهش می‌کرد یا می‌ستود، در شعرش هم دیده می‌شد. از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر مصفا همین است. او روحیاش را در شعر منعکس می‌کرد. همین ویژگی شعر او را جذاب می‌کند. شعر او پر از گله، درد، لحظه‌های عاطفی و پرخاش است. همین صداقت در ابراز عواطف خواننده را درگیر خود می‌کند.» وحید عیدگاه که در سال‌های گذشته به چاپ بخش‌های مختلفی از شعرهای مصفا پرداخته بود، درباره کارش توضیح داد: «ما بخشی از اشعار مصفا را در کتابی با نام نسخه اقدم منتشر کردیم. بخش قصیده‌های چاپ‌شده و چاپ‌نشده مصفا نیز چند ماه آینده منتشر می‌شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.» در انتهای برنامه نیز اشعاری از مظاهر مصفا خوانده شد.



۱۳۹۹ نشست مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
با همکاری وبینار بهشتی



# گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی

(تشبیهات و استعارات)

سخنران: بهرام گرامی (از آمریکا)

دکترای ژنتیک و علوم گیاهی

مدیر جلسه:

زینب پیری



اسامی سخنرانان و مدیر جلسه  
در روزهای ۲۸ و ۲۹ آبان ۱۳۹۹

چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۹

ساعت ۱۸:۱۵ تا ۲۰

<https://sbu.ac.ir/webinar>



# به یاد محمدعلی فروغی

سخنرانان:

علی اشرف صادقی

تأسیس فرهنگستان ایران و صیانت از زبان فارسی

حسین معصومی همدانی

فروغی و حکمت و فلسفه

رضا موسوی طبری

فروغی و تصحیح متون فارسی

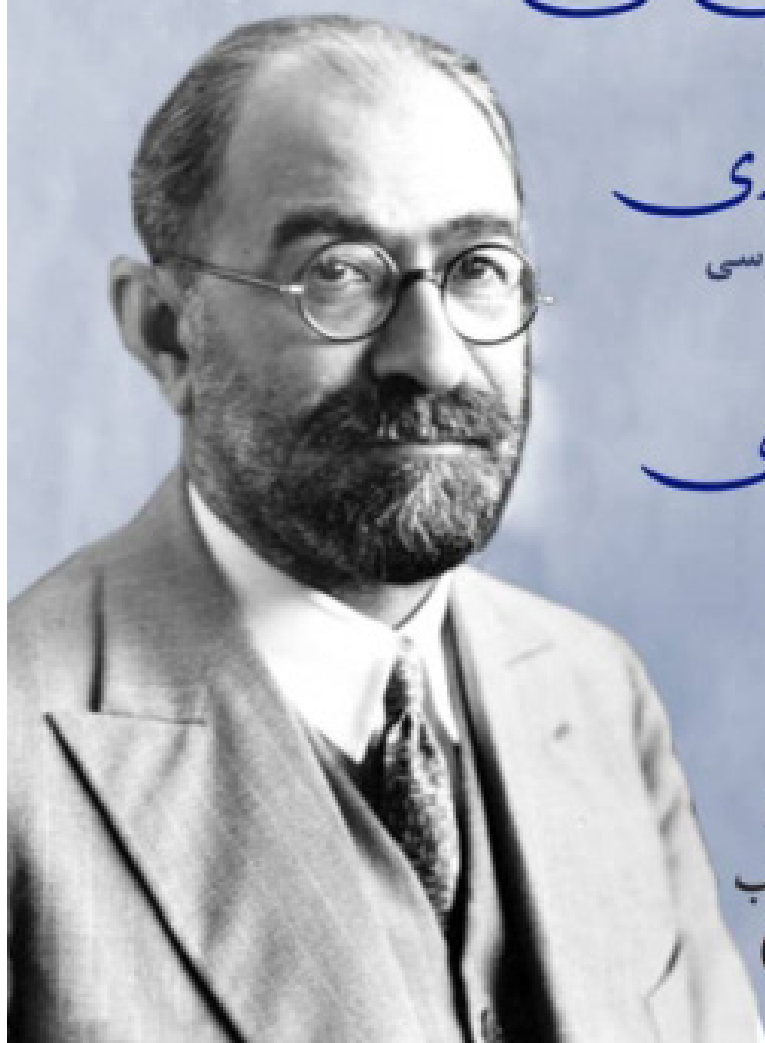
مدیر جلسه:

بهرام پروین گابادی

چهارشنبه ۵ آذر ۱۳۹۹

ساعت ۱۸

پخش زنده (live) اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
@mirasmaktoob





مؤسسه فرهنگی آکو با همکاری  
سفارت جمهوری اسلامی افغانستان در تهران  
دانشگاه علامه طباطبائی،  
مؤسسه پژوهشی باستان،  
و مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
برگزار می کند:



# گذری بر کتیبه‌های هرات

(نشست هجاری)

## سخنرانان افتتاحیه:

سرور یختی

رئیس مؤسسه فرهنگی آکو

سر محقق عبدالغفور لیوال

سفير کبير جمهوری اسلامی افغانستان در تهران

## دبير علمی نشست:

میراحمد نوری (استاد دانشگاه هرات)

## سخنرانان:



میراحمد نوری  
پژوهشگر میراث



امیر محمد مستعفی  
کارشناس بافتار تاریخی  
وزارت اطلاعات و فرهنگ



امیر علی غاسینی  
مدرس محقق  
مؤسسه پژوهشی باستان

## موضوع سخنرانی‌ها:

دکتر امیر علی غاسینی، آموزش و تحلیل کتیبه‌های ایران مغرب مسجد جامع هرات  
مهندس امیراحمد نوری، جایگاه کتیبه در بافتار تاریخی هرات  
امیر محمد مستعفی، کتیبه‌های تیموری و صفوی، مزار خواجه عبدالله انصاری در کوزکند

چهارشنبه ۱۲ تویس / آذرماه ۱۳۹۹ مصادف با ۲ دسامبر ۲۰۲۰

ساعت ۲ بعد از ظهر به وقت تهران

جهت شرکت در برنامه به لینک ذیل مراجعه نمایید:

<https://meeting.atu.ac.ir/ch/international>



صادقی با اشاره به اینکه فرهنگستان در سال ۱۳۱۴ تأسیس شد، اظهار کرد: فروغی در مقاله‌ای که در پیام فرهنگستان به چاپ رساند، به این نکته اشاره کرده بود که فرهنگستان نباید به کارخانه لغت‌سازی تبدیل شود و باید برای اصلاح زبان تمهیداتی داشته باشد. سه قرن پس از اسلام، عربی‌مآبی باب شد و بیشتر نوشته‌های قدیم ایرانیان به زبان عربی بود و از زبان پهلوی دور شده و عربی نوشتن هم به یک سنت تبدیل شده بود. به همین جهت فروغی با تأسیس فرهنگستان در پی اصلاح زبان فارسی بود.

به گفته این زبان‌شناس فروغی در مقاله پیام فرهنگستان اصولی را برای اصلاح زبان فارسی قرار داده است و اعتقاد داشته که زبان فارسی با زبان عربی مخلوط شده و لغات و اصطلاحات عربی به آن راه پیدا کرده است و باید الفاظ غیرلازم را از آن بیرون کرد. یک اشکال نیز این است که وقتی کسانی علوم جدید را به زبان خارجی یاد می‌گیرند آن را وارد زبان فارسی می‌کنند.

## فروغی و اهمیت به تمامیت ارضی ایران

این عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به اینکه فروغی به ملیت و تمامیت ارضی ایران اهمیت داده است، گفت: فروغی

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، یکصد و چهلمین نشست از سلسله نشست‌های این مؤسسه با عنوان «به یاد محمدعلی فروغی» به مناسبت سالروز درگذشت وی برگزار و به صورت زنده از صفحه اینستاگرام میراث مکتوب پخش شد. بهرام پروین‌گنابادی، مدرس دانشگاه، مدیریت این نشست را بر عهده داشت. دکتر علی‌اشرف صادقی، زبان‌شناس و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دکتر حسین معصومی‌همدانی، پژوهشگر حوزه تاریخ و فلسفه علم، سیدرضا موسوی طبری، پژوهشگر متون نظم و نثر و مجید تفرشی، سندپژوه سخنرانان این نشست بودند که هر یک به زوایای فرهنگی، علمی و سیاسی محمدعلی فروغی نگاهی داشتند.

## اصلاح زبان فارسی؛ هدف تأسیس فرهنگستان

دکتر علی‌اشرف صادقی سخنرانی خود را با موضوع «تأسیس فرهنگستان ایران و صیانت از زبان فارسی» در این نشست ارائه کرد. وی، فروغی را یکی از افراد وطن‌پرست و ایران دوست معرفی کرد و گفت: اگر بعد از سال‌های ۱۳۲۰ در مواردی به او کم‌لطفی شد که چرا با دستگاه رضاشاه که آکنده به ظلم بود همکاری کرده است، ناشی از اقدامات حزب توده بوده است. عده‌ای در زمان رضا شاه و در وزارت جنگ مشغول ساخت واژه برای مفاهیم و اصطلاحات جنگی بودند، اما به دلیل اینکه با زبان فارسی چندان آشنایی نداشتند، بیم آن می‌رفت که واژه‌های مخلوط ساخته شود که به زبان فارسی آسیب وارد کند. از این‌رو این مسئله دست‌مایه این شد که محمدعلی فروغی به فکر تأسیس فرهنگستان بیفتد.

## فروغی؛ مروج فلسفه غرب در ایران



حسین معصومی همدانی، دیگر سخنران این نشست اینستاگرامی بود. وی با موضوع «فروغی، حکمت و فلسفه» به جایگاه فروغی در فلسفه پرداخت.

معصومی همدانی در ابتدای سخنان خود به دو الگوی ورود علوم جدید و غربی به دیگر سرزمین‌ها اشاره کرد و گفت: یک مدل و الگو «معروف به مدل زمین سوخته» است که قبل از ورود علوم جدید چیزی در این سرزمین‌ها وجود نداشته و مانند زمین بکر هستند و یکی از خاستگاه‌های این مدل کشورهای شمال آفریقا و خاور دور و کشورهای مستعمره هستند که بیشتر به دست اروپایی‌ها اداره می‌شده و نظام و علوم جدید وارد این کشورها شده است. الگوی دیگر ورود علوم غربی به کشورهایی مانند ایران است. البته باید به این نکته نیز اشاره کنم که فلسفه جدید غربی را فروغی، به ایران معرفی کرد. فروغی هیچ‌گاه در اروپا درس نخوانده و در دارالفنون تحصیل کرده است. دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی عمدتاً به دست غیرایرانی‌ها اداره می‌شد و مترجمان آن‌ها نیز بعد از چند دوره خود تبدیل به معلمان همان جا می‌شدند.

معصومی همدانی ادامه داد: فروغی نخستین تعلیم‌ها را نزد پدر و در روزنامه «تریبت» که پدرش آن را به چاپ می‌رساند دید، و علائق او نیز بیشتر ادبای سنتی بود و مقالاتی نیز درباره

اعتقاد داشت باید زبان فارسی را توانا کنیم و از سیطره زبان عربی بیرون بیاوریم. اشکال کار در مفردات نیست، بلکه اشکال در این است که لغات عربی را با صرف و نحو عربی وارد زبان فارسی کرده‌ایم.

مدیر فرهنگ جامع فارسی، در ادامه این نشست اظهار کرد: امروزه می‌گوییم فرهنگستان اول بهترین و بزرگترین خدمت را به زبان فارسی نمود و قواعد واژه‌سازی را زنده کرد. فروغی همواره اعتقاد داشت که باید از افراط و تفریط پرهیز کرد. راهی که فروغی باز کرد، راهی بود که شیوه‌های فارسی‌سازی جا بیفتد. در دوره پهلوی دوم بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ افراط در واژه‌سازی اتفاق افتاد و از نمونه آن واژه‌ها می‌توان به واژه «رایانه» اشاره کرد که حتی ترکیباتی هم از این واژه ساخته شده است. البته ذکر این نکته هم لازم است که فروغی، اصلاح زبان را به معنای اصلاح تمام واژه‌های بیگانه نمی‌داند. در این هفت سال و در فرهنگستان دوم بیشتر واژه‌ها هدر رفت و کسی از آنها استفاده نکرد.

وی در ادامه سخنان خود به بررسی روند فعالیت فرهنگستان سوم پرداخت و گفت: این فرهنگستان که اکنون از آن به عنوان فرهنگستان زبان و ادب فارسی یاد می‌شود و در حال فعالیت است، همان شیوه فروغی را دنبال کرد.

مدیرگروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان، نثر محمدعلی فروغی را، نثری پاکیزه، روان و بدون الفاظ عربی توصیف کرد و افزود: شاید یکی از رواج‌دهندگان روان‌نویسی کتاب «سیرحکمت در اروپا»ی فروغی است که مطالعه آن را معلمان ما نیز به ما که دانش‌آموز دوره دبیرستان بودیم توصیه می‌کردند.

وی، محمدعلی فروغی و بعدها سعید نفیسی، پرویز ناتل خانلری، و احسان یارشاطر را از جمله پایه‌گذاران نثر نوین فارسی معرفی کرد.



شاعران کلاسیک ایرانی تألیف کرده است.

آیا فروغی قصد داشته این دو را با هم مقایسه کند؟

## آثار فلسفی محمدعلی فروغی

استاد تاریخ علم مؤسسه حکمت و فلسفه با اشاره به سه اثر مهم محمدعلی فروغی اظهار کرد: «حکمت سقراط و افلاطون»، «سیر حکمت در اروپا» و «فن سماع طبیعی» که بخشی از کتاب شفای ابن سینا است، از جمله آثار مهم فروغی است. «سیر حکمت در اروپا» محصول خانه نشینی وی است که طی سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ نگاشته شده است. «فن سماع طبیعی» را نیز به گفته خودش بین سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۶ ترجمه کرده است. قبل از این آثار، کتاب منسجمی درباره فلسفه غرب در ایران منتشر نشده بود؛ یک سخنران وثوق‌الدوله داشته و یک ترجمه از رساله گفتار در روش دکارت است که در زمان ناصرالدین شاه ملا لزار ترجمه کرده است.



### فروغی؛ سیاستمداری ادیب

در بخش دیگری از نشست «به یاد محمدعلی فروغی»، سیدعبدالرضا موسوی طبری، درباره محمدعلی فروغی سخن گفت.

موسوی طبری که با موضوع «فروغی و تصحیح متون فارسی» سخن می‌گفت، به انتشار یادداشت‌ها و خاطرات وی از سوی مرحوم ایرج افشار اشاره کرد و ادامه داد: سالیان سال است که بر روی بخشی از اسناد متعلق به محمدعلی فروغی کار می‌کنم. هشت مجلد از آنها برای چاپ قطعی شده است. در این تحقیق بر روی یادداشت‌های فروغی که به صورت پراکنده تهیه کرده است، کار می‌کنم. فروغی بسیار پرنویس بوده است، به طوری که اگر در مجلسی یادداشتی به بغل دستی خود داده و یا اگر طعام و خوراکی را از جوانی مصرف کرده آنها را لیست و ثبت کرده است. فروغی از تمام نامه‌های خود و مراسلاتش رونوشتی برای خود نگه داشته است و یا اگر پشیمان شده است، دست به اصلاح نامه خود زده و آنها را ضبط کرده است.

مصحح منتخبی از دیوان واقف لاهوری، به نگهداری مجموعه این یادداشت‌ها در منزل

وی با بیان اینکه همزمان با کار فروغی جریان مارکسیست‌ها نیز با فعالیت تقی ارانی در ایران به وقوع پیوسته بود، اظهار کرد: مجله «دنیا»، مجله‌ای بود که در آن این گروه مقالاتی می‌نوشتند. حالا سؤال اینجاست که آیا فروغی «سیر حکمت در اروپا» را برای مقابله با مارکسیست‌ها نوشت؟ البته باید به این نکته هم اشاره کرد که فروغی قصد داشت مقاله گفتار دکارت را ترجمه و منتشر کند که ضمن کار تصمیم گرفت تا فلسفه را برای خوانندگان توضیح بیشتر بدهد. که حاصلش کتاب «سیر حکمت در اروپا» شده است.

معصومی همدانی در ادامه سخنان خود به «فن سماع طبیعی» نیز پرداخت و گفت: این کتاب بخشی از «شفای ابن سینا» است. در این بخش ابن سینا به تاسی از فیزیک ارسطویی پرداخته، در حالی که دکارت مخالف آن بوده و تلاش کرده در مقاله خود (گفتارها) به آن پایان دهد. باز هم اینجا سؤالی مطرح می‌شود و آن این است که

و با نوسازی مواجهه است. پس از شش سال خانه‌نشینی، به دلیل اینکه اعتقاد داشت باید به جامعه خدمت کرد، دوباره وارد سیاست شد.



تفرشی افزود: در میان اسناد به جا مانده از فروغی، اسنادی داریم که به مکاتبات او با وزیر مختار بریتانیا اختصاص دارد. همان‌طور که می‌دانیم، بریتانیا سهم عمده‌ای در تبدیل رضاخان میرپنج به رضا شاه داشته است. وقتی واقع‌بینانه به این مکاتبات نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که قصد فروغی تلاش برای حفظ منافع ملی کشور و کنترل امپال بریتانیا بوده است و البته فروغی با درایت عمیقی که داشت رضاشاه را نیز کنترل می‌کرد. در قیام گوهرشاد و تغییر لباس تلاش برای این کنترل داشت و به رضاشاه درباره تغییر لباس مردم تذکراتی می‌داد که به جا بود زیرا تاریخ نشان داده که مردم پس از رضاشاه دوباره به دین و مذهب بازگشتند. دور شدن فروغی از رضاه شاه در کوتاه مدت اطرافیان او (رضاشاه) را خوشحال کرد اما در درازمدت به شاه ضربه زد.

از منظر تفرشی، کسانی که به قدرت می‌رسند در کنار خود به امثال فروغی نیاز دارند، فروغی‌ها مشفق هستند و پرسشگر و البته گفتگوگر که هرگز باب مذاکره را نمی‌بندند.

فرزند فروغی به نام محسن فروغی اشاره کرد و گفت: سه جلد از هشت مجلدی که گفته شد به مکاتبات فروغی اختصاص دارد، یک جلد یادداشت‌ها و جلدی دیگر وقایع کنفرانس پاریس سال ۱۹۱۹ را در بر دارد.

وی در بخش دیگر از سخنان خود به تصحیح آثار شاعران کلاسیک ایران از سوی فروغی پرداخت و اظهار کرد: در تصحیح این متون همیشه فردی متبحر در کنار فروغی قرار داشت. برای تصحیح شاهنامه مجتبی مینوی و برای تصحیح بوستان سعدی حبیب یغمایی با او همکاری می‌کردند. با این اتفاق تصحیح این متون و برگزیده آثار شاعران از سوی فروغی چندان عجیب نیست.

### بینش فروغی برای تصحیح متون

این پژوهشگر متون، فروغی را سیاستمداری ادیب خواند و افزود: او برای تمام اقدامات فرهنگی خود جهان‌بینی و برنامه‌ریزی داشت و هدفش برای مثال تنها تصحیح خلاصه شاهنامه نبود، بلکه مقبره فردوسی و مرمت آرامگاه این شاعر و برگزاری بزرگداشت فردوسی در جای جای جهان از جمله اقدامات وی بود. بعدها به سراغ سعدی رفت که او را نیز جهان می‌شناسد، حافظ و انتشار کتاب زبده حافظ نیز از این دست اقدامات است که آن را برای ایدن فرستاد و فن سماع طبیعی را برای هبه‌الدین شهرستانی که وزیر وقت در عراق بود. وی در کارهای فرهنگی و ذوقی خود برنامه‌ریزی داشت.

### فروغی؛ سیاستمداری گفت‌وگو گر

مجید تفرشی، سندی‌پژوه و پژوهشگر ایرانی در آرشیو بریتانیا، در پایان این نشست به محمدعلی فروغی از دیدگاه سیاسی پرداخت. وی گفت: وقتی یادداشت‌های فروغی را نگاه می‌کنیم، با دو فروغی مواجه هستیم. یک فروغی فرهیخته که علاقه‌مند به فلسفه و ادبیات است و دیگری آن وجهه فروغی است که سیاسی است

۱۴۱ امین نشست مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
با همکاری مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد و مؤسسه فرهنگی هنری خردسرای فردوسی



بهیلا

# دکتر غلامحسین یوسفی

(۲ بهمن ۱۳۰۶ - ۱۴ آذر ۱۳۶۹)

با حضور

سعید حمیدیان

فرهاد عطایی

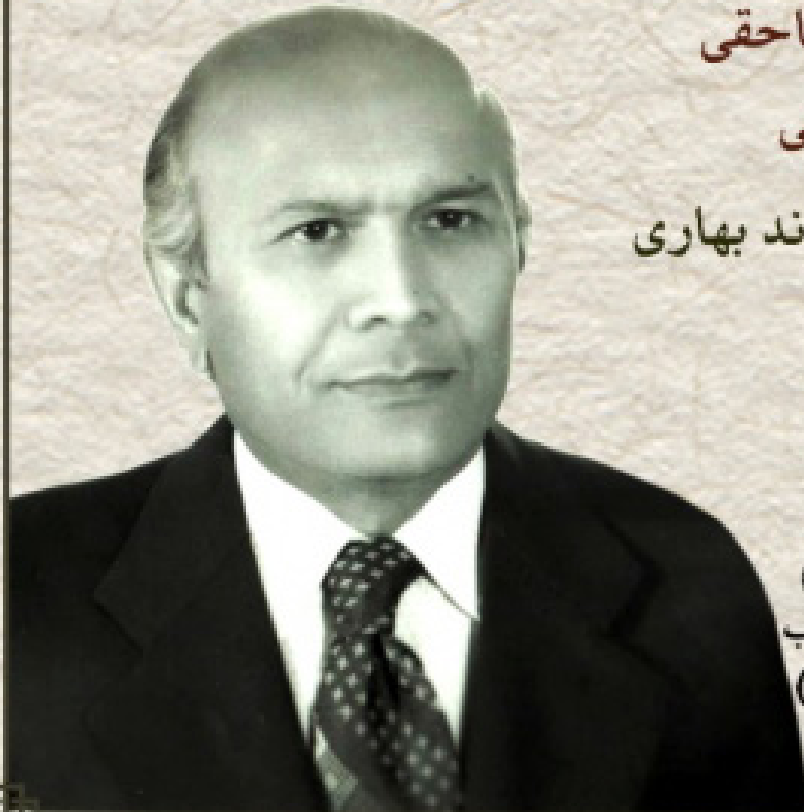
محمدجعفر یاحقی

سروش یوسفی

مدیر جلسه: الوند بهاری

جمعه ۱۴ آذر ۱۳۹۹

ساعت ۱۸



بخش زنده (live) اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
[@mirasmaktoob](https://www.instagram.com/mirasmaktoob)



وینار رونمایی از کتاب

نقد و بررسی نگاره‌های

# خمس نظامی کنج‌امی

قاسم علی سلطان (مورخ ۹۶۸ ه. ق)

با سخنرانی:

مهدی حسینی، عضو پیوسته فرهنگستان هنر

بهمن نامور مطلق، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی و دبیر علمی همایش خمسه‌نگاری

علی اصغر میرزایی مهر، استادیار دانشگاه علم و فرهنگ، و پژوهشگر اثر

مدیر جلسه: مسعود ناصری سوئینی



یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹

ساعت ۱۶:۱۵ تا ۱۸

<https://sbu.ac.ir/webinar>

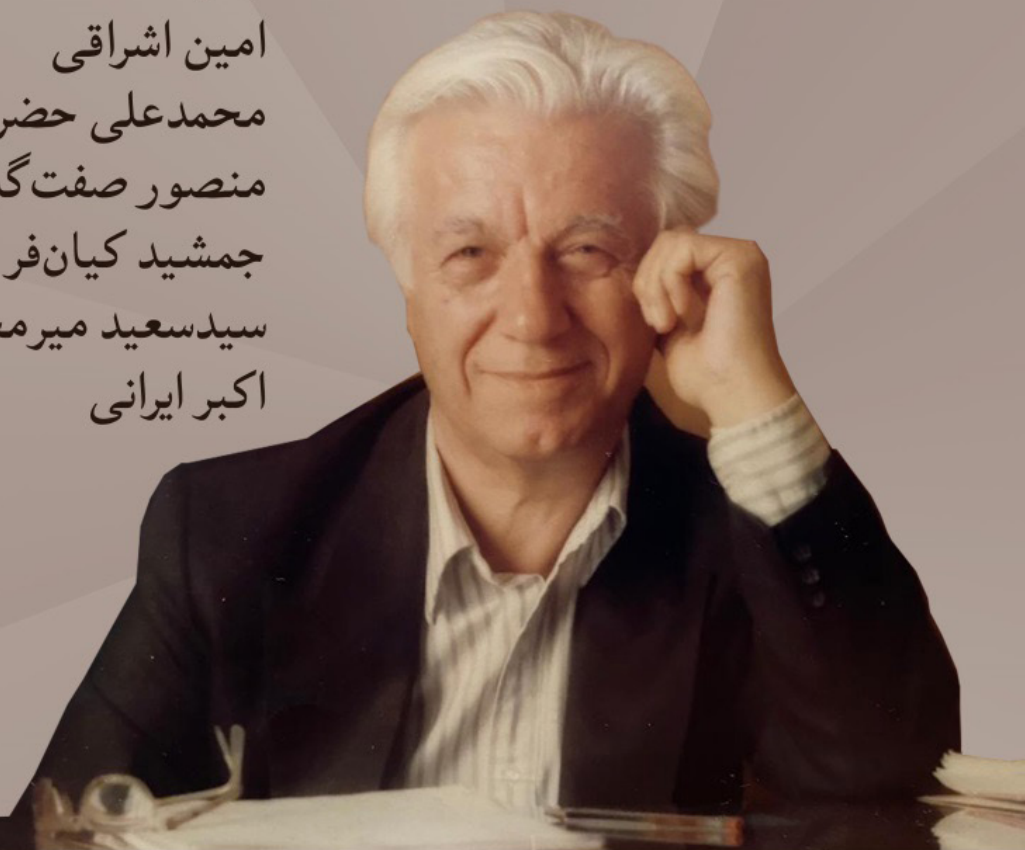


# بیاد دکتر احسان اشراقی

استاد تاریخ دانشگاه تهران  
(۱۵ شهریور ۱۳۰۷ - ۲۴ دی ۱۳۹۸)

سخنرانان:

امین اشراقی  
محمد علی حضرتی ها  
منصور صفت گل  
جمشید کیان فر  
سید سعید میر محمد صادق  
اکبر ایرانی



پخش زنده (live) اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
@mirasmaktoob



چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۹  
ساعت ۱۸



گرامیداشت زادروز

# دکتر محمدالدین کیوانی

نویسنده، مترجم و سرهبر دو فصلنامه علمی - پژوهشی آینده میراث

با حضور

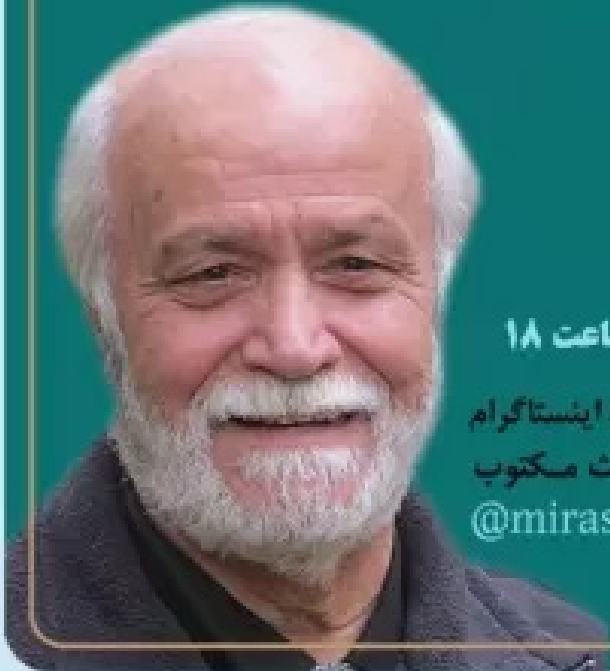
مهدی کیوان (استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه اسفهان)  
رضا نیلی پور (استاد گروه گفتاردرمانی دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی)  
محمد رضا بهاری (عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان)

اکبر ایرانی

آوند بهاری

و ...

با سه تارنوازی بهنام وادانی



جمعه ۱۰ بهمن ۱۳۹۹، ساعت ۱۸

بخش زنده (Live) در صفحه اینستاگرام  
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
به نشانی @mirasmaktoob





۱۴۵مین نشست مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب با همکاری وینار بهشتی

# سکایان و سیستان

سخنرانان:

**احسان شواربی**

سیستان باستان در پرتو متون تاریخی و یافته‌های باستان‌شناختی

**لیلی ورهرام**

سیستان باستان در حماسه و اسطوره



ساعت ۱۸:۱۵ تا ۲۰

یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۹

<https://sbu.ac.ir/webinar>

وینار رونمایی و معرفی کتاب

# مخزن الأسرار

نسخه هنری مصور به خط میرعلی هروی، مورخ ۹۴۴ هـ

نسخه برگردان دستنویس کتابخانه ملی فرانسه

سخنراتان:

جواد بشری، نگاهی به پیشینه چاپ عکسی آثار نظامی، نگارگری ماوراءالنهر و کتاب‌پردازی بخارا

پژمان فیروزبخش، نکاتی درباره خوشنویسان و کتابداران بخارا در حدود قرن دهم ق.

علی صفری آق‌قلعه، ضرورت بررسی‌های نسخه‌شناسانه بر پایه مکاتب نسخه‌پردازی



یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۹۹

ساعت ۱۶:۱۵ تا ۱۸

<https://sbu.ac.ir/webinar>



# همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی

با همکاری دانشگاه بینالمللی امام خمینی (قزوین) و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

زمان: چهارشنبه ۱۳ اسفند ۲۰۲۱، 3March ۱۳۹۹، ساعت ۸:۳۰ تا ۱۶:۳۰

نشانی وبینار: <https://ac.amindic.com/conf-panel4>



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی  
IMAM KHOMEINI INTERNATIONAL UNIVERSITY

## همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی

### National Conference on Scientific and Cultural Heritage of Hamdollah Mostowfi Qazvini

**موضوعات همایش:**  
Iran's political, social, economical and cultural situation in Hamdollah Mostowfi's time  
Hamdollah Mostowfi's political, social and cultural life  
Qazvin in Hamdollah Mostowfi's time  
Hamdollah Mostowfi's works and ideas  
Hamdollah Mostowfi and historiography  
Hamdollah Mostowfi and geography  
Hamdollah Mostowfi and historical-epic poetry  
Codicology of Hamdollah Mostowfi's Works  
Stylistics and methodology in Hamdollah Mostowfi's works  
Iranologists and Hamdollah Mostowfi

زمان: چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۹  
Wednesday, 3 March 2021  
مکان: سالن آم‌ام‌اس (AMS) دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (قزوین)  
Qazvin's Imam Khomeini International University's AMS  
<https://ac.amindic.com/conf-panel4>

موضوعات همایش:  
اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در عصر حمدالله مستوفی  
زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حمدالله مستوفی  
قزوین در عصر حیات حمدالله مستوفی  
آثار و اندیشه‌های حمدالله مستوفی  
حمدالله مستوفی و تاریخ نگاری  
حمدالله مستوفی و جغرافیا نگاری  
حمدالله مستوفی و شعر حماسی-تاریخی  
نسخه شناسی آثار و ذیل‌های آثار حمدالله مستوفی  
سیک شناسی و روش شناسی آثار حمدالله مستوفی  
ایران شناسان و حمدالله مستوفی

دبیر خانه قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (قزوین)، گروه تاریخ  
تلفن: ۰۲۸۳۳۹۰۱۶۲۸ / فکس: ۰۲۸۳۳۹۰۱۶۰۰ / دورنگار: ۰۲۸۳۳۹۰۱۶۰۰  
ایمیل: [mostowfi@conf.ikiu.ac.ir](mailto:mostowfi@conf.ikiu.ac.ir)

دبیر خانه تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان دانشگاه و اورویان، شماره ۱۱۸۲  
(ساختمان کوردین)، طبقه ۳، واحد ۸  
تلفن: ۰۶۶۴۹۰۶۱۲ / دورنگار: ۰۶۶۴۹۰۶۲۵۸  
ایمیل: [info@mirasmaktoob.ir](mailto:info@mirasmaktoob.ir)

Conference secretariat (Tehran): The Written Heritage Research Institute  
Tehran, Iran  
Phone: +98 (21) 66490612 / Fax: +98 (21) 66406258  
Email: [info@mirasmaktoob.ir](mailto:info@mirasmaktoob.ir)

Conference secretariat (Qazvin): Department of History  
Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran  
Phone: +98 (28) 3390 1628 / Fax: +98 (28) 3390 1600  
Email: [mostowfi@conf.ikiu.ac.ir](mailto:mostowfi@conf.ikiu.ac.ir)



افتتاحیه		
ساعت	سخنرانان	ردیف
۰۸:۳۵ - ۰۸:۳۰		پخش قرآن مجید
۰۸:۴۰ - ۰۸:۳۵		سرود ملی
۰۸:۴۵ - ۰۸:۴۰		پخش کلیپ
۰۸:۵۵ - ۰۸:۴۵	دکتر مهدی زندیه	سخنرانی معاون پژوهشی دانشگاه
۰۹:۰۵ - ۰۸:۵۵	دکتر محسن بهرام‌نژاد	سخنرانی و ارائه گزارش توسط دبیر همایش (قزوین)
۰۹:۱۵ - ۰۹:۰۵	دکتر اکبر ایرانی، Prof. Denise Aigle (۶:۳۵ به وقت پاریس)	سخنرانی دبیر همایش (تهران) رونمایی از کتاب نزهةالقلوب (نسخه شماره ۴۵۱۷ کتابخانه فاطمه استانبول)
۰۹:۳۰ - ۰۹:۱۵	توصیف شهر خنسای (خانجو) در کتاب نزهةالقلوب حمدالله مستوفی (۱۳:۴۵ به وقت پکن)	Prof. Wang Yidan Peking University
۰۹:۳۵ - ۰۹:۳۰		استراحت
پنل اول: زندگی، زمانه و کارنامه علمی حمدالله مستوفی هیأت رئیسه: دکتر محسن بهرام‌نژاد / دکتر مجتبی خلیفه		
ساعت	عنوان سخنرانی	سخنران
۰۹:۵۰ - ۰۹:۳۵	بازتاب حیات دینی عصر مغول در اندیشه حمدالله مستوفی	دکتر محمدرضا ابوتی مهریزی استادیار دانشگاه بین‌المللی اهل بیت
۱۰:۰۵ - ۰۹:۵۰	گرایشهای مذهبی حمدالله مستوفی	محمدعلی حضرتیها قزوین پیژوه
۱۰:۲۰ - ۱۰:۰۵	حمدالله مستوفی و ایران شناسان	دکتر محمود جعفری دهقی استاد دانشگاه تهران
۱۰:۳۵ - ۱۰:۲۰	چهارمین کتاب حمدالله مستوفی قزوینی، تجارب‌الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم	امین اشراقی فرزند زنده یاد دکتر احسان اشراقی



استراحت		۱۰:۳۵ - ۱۰:۴۵
<b>پنل دوم: تاریخنگاری حمدالله مستوفی هیأت رئیسه: دکتر باقرعلی عادل‌فر / دکتر یعقوب خزایی</b>		
سخنران	عنوان سخنرانی	ساعت
دکتر محمد بختیاری استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	تحلیل گفتمانی روایت حمدالله مستوفی از حمله مغولان به ایران	۱۰:۴۵ - ۱۱:۰۰
دکتر مجتبی خلیفه استادیار دانشگاه پیرچند	حمدالله مستوفی قزوینی تاریخنگار اقتصادی	۱۱:۰۰ - ۱۱:۱۵
دکتر امیرحسین حاتمی استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	تاریخنگاری منظوم دوره مغول با تکیه بر ظفرنامه حمدالله مستوفی	۱۱:۱۵ - ۱۱:۳۰
دکتر منصور صفت‌گل استاد دانشگاه تهران	تاریخ گزیده پس از روزگار ایلخانی: پژوهشی پیرامون تاریخنگاری و نسخه‌شناسی	۱۱:۳۰ - ۱۱:۴۵
Dr. Utsuka Osamu University of Tokyo	تحقیق درباره ذیل های تاریخ گزیده، ذیل تازه کشف شده در مورد تاریخ جلاپریان (۱۷:۱۵ به وقت توکیو)	۱۱:۴۵ - ۱۲:۰۰
بهراد گردابی دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	روایت مرگ در آثار حمدالله مستوفی؛ مطالعه موردی حمله مغول	۱۲:۰۰ - ۱۲:۱۵
نماز و نهار	_____	۱۲:۱۵ - ۱۳:۰۰
<b>پنل سوم: جغرافیانگاری حمدالله مستوفی هیأت رئیسه: دکتر اکبر ایرانی / دکتر امیرحسین حاتمی</b>		
دکتر مهدی وزینی‌افضل استادیار دانشگاه جیرفت علی ابوالقاسمی دانشجوی دکتری تاریخ	تبیین و بررسی گرده‌بردای اولیاء چلبی سیاح اهل عثمانی از نوشته‌های حمدالله مستوفی	۱۳:۰۰ - ۱۳:۱۵
Dr. CHEN Yexuan Ph.D. Candidate in Peking University	Hamdollah Mostowfi Qazvini' Description of South China: Comparing with His Contemporary Accounts (17:45 به وقت پکن)	۱۳:۱۵ - ۱۳:۳۰
دکتر محسن بهرام‌نژاد دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	مختصر مفید مستوفی باقی و نزهةالقلوب مستوفی قزوینی: بررسی تطبیقی در جغرافیانگاری	۱۳:۳۰ - ۱۳:۴۵
دکتر احمد خامه‌پار دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی	بررسی و مقایسه نقشه‌های جغرافیایی نزهةالقلوب حمدالله مستوفی	۱۳:۴۵ - ۱۴:۰۰

LUO Shuai University of Zhejiang, Hangzhou	Marco Polo's Pasciai: Mediaeval Persian In- Upper Indus(18:30 به وقت پکن)	۱۴:۱۰ - ۱۴:۰۰
<b>پنل چهارم: مباحث عمومی و ادبی هیأت رئیسه: دکتر نصرالله پورمحمدی املشی / دکتر محمد بختیاری</b>		
دکتر سوسن اصیلی نسخه پژوه و معاون فنی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران	چالش‌های کتابت نسخه‌های خطی جغرافیایی (مطالعه موردی نزهةالقلوب حمدالله مستوفی)	۱۴:۱۰ - ۱۴:۲۵
دکتر نصرالله پورمحمدی املشی دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	زبان پهلوی در آثار حمدالله مستوفی	۱۴:۲۵ - ۱۴:۴۰
دکتر سیدعلی قاسم‌زاده دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی مصطفی گورانی دانشجوی دکتری زبان و ادبیات	تحلیل مناسبات روان‌شناختی - بینامتنی ظفرنامه حمدالله مستوفی با شاهنامه فردوسی	۱۴:۴۰ - ۱۴:۵۵
Dr. Qiu Zhirong Peking University	Southern Frankincense in the Medical Lit- eratures of Mongolian Era: Maṣṭakee from (19:25 به وقت پکن) Persian Medicine	۱۴:۵۵ - ۱۵:۱۰
دکتر حمیده چوبک دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و سرپرست کاوش‌های باستان‌شناسی دژ الموت	کاوش‌هایی از قلعه الموت و سفرنامه حمدالله مستوفی	۱۵:۱۰ - ۱۵:۲۵
Dr. ZHU Yuqi Department of History, Peking University, Beijing, China	Persian / Iranian influence in Xinjiang liter- ature in the early 20th century ((به وقت پکن) 19:55	۱۵:۲۵ - ۱۵:۴۰
دکتر باقرعلی عادل‌فر دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	نشانه‌های شهریاری ایران‌شهری در آثار حمدالله مستوفی	۱۵:۴۰ - ۱۵:۵۵
دکتر باقرعلی عادل‌فر رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دبیر علمی همایش	سخنرانی اختتامیه همایش	۱۶:۱۰ - ۱۵:۵۵



همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی  
National Conference on Scientific and Cultural Heritage of Hamdollah Mostowfi Qazvini

گواهی پذیرش چکیده مقاله

دینو سیدگواهی می شود جناب آقای اسرارخانم

در بنامش ملی «میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی» که از طرف دانشکده بین المللی امام خمینی (ره) دو مورد پذیرش شد، میسر است.  
در روزهای شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۹ به صورت مجازی برگزار گردید، شرکت کرده و چکیده مقاله ایشان با عنوان  
«رهنمود چکیده مقاله» به چاپ رسیده است.

دکتر اسرارخانم

پوهان و نویسندگان میراث کتب

دکتر تقی عادل فر  
دبیر هیات همایش





همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی  
National Conference on Scientific and Cultural Heritage of Hamdollah Mostowfi Qazvini

گواهی پذیرش مقاله و ارائه سخنرانی

دینو سید کدوایی میثود و جناب آقای اسرار کاغانم

در بهایش ملی «میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی» که از طرف دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) و مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در روز چهارشنبه ۱۳۹۹ اسفند به صورت مجازی برگزار گردید شرکت کرده و مقاله خود را با عنوان

ارائه نموده است.

دکتر اسرار کاغانم

دینو سید کدوایی میثود  
میراث مکتوب

دکتر تقی محمدی عادل  
دبیر هیئت بهایش







**چکیده مقالات**

**همایش ملی میراث علمی و فرهنگی**

**حمدالله مستوفی قزوینی**

**National Conference on Scientific and Cultural Heritage of Hamdollah Mostwof Qazvini**

**۱۳ اسفند ۱۳۹۹ / 3March 2021**

چکیده مقالات همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی

3March 2021/۱۳ اسفند ۱۳۹۹

**دبیر خانه تهران:** موسسه پژوهشی میراث مکتوب  
تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان دانشگاه و اورنجان، شماره ۱۱۸۲  
(ساختمان فروردین)، طبقه ۳ واحد ۸  
تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

**دبیر خانه قزوین:** دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) گروه تاریخ  
تلفن: ۰۲۸۳۹۰۱۶۲۸ دورنگار: ۰۲۸۳۹۰۱۶۰۰

**Conference secretariat (Tehran):** The Written Heritage Research Institute  
Tehran, Iran  
Phone: +98 (21) 66490612 / Fax: +98 (21) 66406258  
Email: info@mirasmaktoob.ir

**Conference secretariat (Qazvin):** Department of History  
Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran  
Phone: +98 (28) 3390 1628 / Fax: +98 (28) 3390 1600  
Email: mostowfi@conf.ikiu.ac.ir





چکیده مقالات

# همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی

National Conference on Scientific and Cultural  
Heritage of Hamdollah Mostwofi Qazvini

March 2021 3 / ۱۳ اسفند ۱۳۹۹

برگزارکنندگان



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (قزوین)



مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب (تهران)



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، کد اختصاصی همایش (49093 98191-)

شناسنامه کتاب

عنوان: چکیده مقالات همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی ، ۱۳  
اسفند ۱۳۹۹

دبیر همایش: دکتر محسن بهرامنژاد

دبیر علمی: دکتر باقر علی عادلفر

دبیر اجرایی: دکتر محمد بختیاری

ویراستار: زینب پیری

طراح جلد و صفحه آرا: محمودخانی

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب



## دبیران همایش

عنوان	نام و نام خانوادگی	سمت علمی
دبیر همایش	دکتر محسن بهرام نژاد	دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بینالمللی امام خمینی
دبیر علمی افتخاری	زندهیاد دکتر احسان اشراقی	استاد دانشگاه تهران
دبیر علمی	دکتر باقرعلی عادل فر	دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بینالمللی امام خمینی
دبیر اجرایی (فزونین)	دکتر محمد بختیاری	استادیار گروه تاریخ دانشگاه بینالمللی امام خمینی
دبیر اجرایی (تهران)	دکتر اکبر ایرانی	مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

## اعضای کمیته علمی

نام و نام خانوادگی	سمت علمی
زندهیاد دکتر احسان اشراقی	استاد تاریخ دانشگاه تهران
دکتر اکبر ایرانی	مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
دکتر محمدباقر وثوقی	استاد تاریخ دانشگاه تهران
دکتر منصور صفت گل	استاد تاریخ دانشگاه تهران
دکتر عطا الله حسنی	استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی
دکتر جواد عباسی	دانشیار تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر عبدالرسول خیراندیش	استاد تاریخ دانشگاه شیراز
جمشید کیان فر	مصحح و پژوهشگر تاریخ سازمان میراث فرهنگی کشور (بازنشسته)
دکتر محسن بهرام نژاد	دانشیار تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی
دکتر نصرالله پورمحمدی املشی	دانشیار تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی
دکتر حسین آبادیان	استاد تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی
دکتر باقرعلی عادل فر	دانشیار تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی
دکتر ناصر تکمیل همایون	استاد تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر علیرضا ملایی	دانشیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر یعقوب خزائی	استادیار تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی

## اعضای شورای سیاستگذاری

دکتر ابوالحسن نائینی	رئیس شورای سیاستگذاری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
دکتر اکبر ایرانی	مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
دکتر محسن بهرام نژاد	دانشیار مدیرگروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
دکتر محمد بختیاری	عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
دکتر محمود جعفری دهقی	عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
حجة الاسلام دکتر حسینی	رئیس اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین
مهندس میقانی	استاندار قزوین
دکتر خزائلی	رئیس میراث فرهنگی استان قزوین
خانم حشمتی پور	اسناد ملی ایران شعبه قزوین
دکتر فرشید ترکشوند	استادیار معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی
زینب پیری	مسئول دبیرخانه (تهران)
لیلی طهماسبخانی	مسئول دبیرخانه (قزوین)

## سخن دبیر علمی همایش

حمدالله مستوفی قزوینی از دانشمندان و فرهیختگان بزرگ ایران دوران اسلامی است که در زمینه‌های گوناگون علمی، از جمله تاریخ، جغرافیا و ادبیات و ایجاد تعاملات فرهنگی میان ملل مشرق زمین نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و آثار ارزشمندی را در این زمینه به یادگار گذاشته است. برخی آثار این شخصیت قزوینی همچون ظفرنامه، نه تنها در حوزه تاریخی بلکه در زمینه ادبیات فارسی نیز اهمیت دارد. به گونه‌ای که هم‌تراز با برخی آثار گرانسنگ همچون شاهنامه فردوسی قیاس شده است. ضمن اینکه آثار ارزشمند دیگری در حوزه‌های تاریخ و جغرافیای ایران و جهان اسلام همچون نزهة القلوب و تاریخ گزیده را به یادگار گذاشته است که هر یک مطمح نظر بسیاری از محققین ایرانی و غیر ایرانی و به خصوص شرق شناسان شهیر بوده است. هرچند حمدالله مستوفی از یک جهت شخصیتی ملی و مسلمان تلقی می‌شود، اما حضور و تأثیرگذاری عمیق او و خاندانش در شرق دور و آثار برجسته مانده از ایشان در کشور چین خود زمینه‌ای مهم برای بررسی و تحلیل اندیشمندان بوده و خود میراثی ارزشمند از بسترهای تاریخی مناسبات فرهنگی دو سرزمین کهن ایران و چین و مبنایی برای ایجاد تعاملات فرهنگی و علمی فرهیختگان جوان دو ملت در عصر کنونی تلقی می‌شود. در عین حال، شهر قزوین به عنوان چهارراه مهم در راه باستانی ابریشم، در این زمینه جایگاه مهمی در تاریخ تعاملات شرق و غرب داشته است و محققین بسیاری از سراسر جهان به این مهم اشاره داشته‌اند.

همایش «میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی» با هدف معرفی این مورخ، جغرافیدان و شاعر بزرگ قزوینی و تبادل اندیشه‌ها و طرح آخرین یافته‌های علمی در مورد زندگی، زمانه و آثار او، به همت گروه تاریخ دانشگاه بینالمللی امام خمینی (ره) و مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۹ به صورت مجازی برگزار گردید. استقبال گسترده‌ی استادان و پژوهشگران داخلی و خارجی در رشته‌های تاریخ، زبان و ادبیات فارسی، ایران‌شناسی، معماری و ... از این همایش گویای اهمیت و جایگاه بالای حمدالله مستوفی در میان محققان، ایراندوستان و قزوین‌پژوهان است. طوری که در این همایش علی‌رغم ملی بودن آن، استادان و پژوهشگران زیادی از کشورهای مختلف مانند چین، ژاپن، مغولستان و فرانسه با ارسال مقالات علمی و ارائه سخنرانی در مورد نقش و جایگاه حمدالله مستوفی و ارتباطات علمی و فرهنگی ایران با کشورهای شرق دور، از این همایش علمی استقبال کردند. امیدواریم این همایش پایهای برای گسترش مطالعات تاریخی و ایران‌شناسی در مورد شخصیت‌های شهیر ایرانی در سطح ملی و بینالمللی و گسترش ارتباطات علمی میان دانشگاه و مراکز علمی داخل و خارج کشور شود.

در مجموع، تعداد ۷۴ چکیده مقاله (شامل ۶۸ چکیده داخلی و ۶ چکیده خارجی) و ۴۰ مقاله کامل به دبیرخانه همایش ارسال شد که بعد از بررسی تخصصی توسط کمیته علمی و داوران همایش، ۶۸ چکیده برای چاپ در چکیده مقالات همایش پذیرفته شد. از مقالات کامل نیز ۳۰ مقاله از طرف داوران علمی همایش مورد پذیرش قرار گرفت که از این تعداد ۲۰ نفر در روز همایش مقاله خود را به صورت سخنرانی ارائه کردند.

چکیده مقالات به صورت الکترونیکی تهیه و در روز همایش در اختیار نویسندگان قرار گرفت و امیدوار هستیم که مجموعه مقالات همایش نیز بعد از بررسی مجدد علمی و ویرایشی، به صورت الکترونیکی تهیه و به نویسندگان مقالات ارائه گردد.

در نهایت بر خود لازم میدانم از همه عزیزان و بزرگواری که در برگزاری این همایش مساعدت نمودند، بخصوص آقای دکتر محمدباقر وثوقی استاد تاریخ دانشگاه تهران که از همان ابتدا الهامبخش برگزاری این همایش بودند و در هماهنگی با استادان و سخنرانان خارجی زحمات زیادی را متقبل شدند، آقای دکتر اکبر ایرانی و همکاران ایشان به ویژه خانم زینب پیری که با همکاری علمی و اجرایی خود کمک شایانی به برگزاری همایش انجام دادند، استادان همکار گروه تاریخ دانشگاه بینالمللی امام خمینی (ره) که در کمیته علمی و داوری مقالات حضور فعال داشتند، معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه آقای دکتر مهدی زندیه که همچون همیشه حمایت مادی و معنوی خود را از برگزاری رویدادهای علمی دریغ نکردند، خانم لیلی طهماسبخانی که در دبیرخانه علمی و اجرایی همایش تلاش مجدانه‌ای داشتند و همچنین استادان و پژوهشگرانی که با ارائه مقالات ارزشمند خود بر غنای محتوای این همایش افزودند، سپاسگزارم.

باقرعلی عادلفر

دبیر علمی همایش

«۱۳ اسفند ۱۳۹۹»



## همایش ملی «میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی» برگزار می‌شود

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، این مؤسسه به همراه گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و با همکاری برخی مراکز و مؤسسات علمی و اجرایی، «همایش ملی میراث علمی و فرهنگی حمدالله مستوفی قزوینی» را برگزار می‌کنند.

این همایش ساعت ۸:۳۰ تا ۱۶ روز ۱۳ اسفند ۱۳۹۹ (۳ مارس ۲۰۲۱) از طریق سامانه ال ام اس (LMS) دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین برگزار خواهد شد و علاقه‌مندان می‌توانند از طریق لینک <https://ac.amindic.com/conf-panel4> در همایش شرکت کنند.

در افتتاحیه همایش از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۵ مهدی زندیه، معاون پژوهشی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، محسن بهرام‌نژاد، دبیر همایش در قزوین، اکبر ایرانی، مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب و دبیر همایش در تهران، Wang Yidan و Denise Aigle سخن خواهند گفت و کتاب نزهة القلوب (نسخه شماره ۴۵۱۷ کتابخانه فاتح استانبول) رونمایی خواهد شد. سپس همایش در چهار پنل ادامه خواهد یافت.

در پنل اول با موضوع «زندگی، زمانه و کارنامه علمی حمدالله مستوفی» که به ریاست محسن بهرام‌نژاد و مجتبی خلیفه از ساعت ۹:۳۵ تا ۱۰:۴۵ برگزار می‌شود، محمدرضا ابوئی مهریزی، محمدعلی حضرتی‌ها، محمود جعفری دهقی، و امین اشراقی سخنرانی خواهند کرد.

پنل دوم به ریاست باقرعلی عادل‌فر و یعقوب خزایی از ساعت ۱۰:۴۵ تا ۱۳ برگزار خواهد شد و در این پنل محمد بختیاری، مجتبی خلیفه، امیرحسین حاتمی، منصور صفت‌گل، بهراد گردابی، و Osamu در موضوع «تاریخ‌نگاری حمدالله مستوفی» سخن خواهند گفت.

پنل سوم همایش از ساعت ۱۳ تا ۱۴ به «جغرافیانگاری حمدالله مستوفی» اختصاص دارد و در این بخش به ریاست اکبر ایرانی و امیرحسین حاتمی، مهدی وزینی افضل، علی ابوالقاسمی، محسن بهرام‌نژاد، احمد خامه‌یار و CHEN Yexuan به ارائه مطالب خود خواهند پرداخت.

«مباحث عمومی و ادبی» نیز در پنل چهارم و از ساعت ۱۴:۱۰ تا ۱۶، به ریاست نصرالله پورمحمدی املشی و محمد بختیاری به بحث گذاشته خواهد شد و سوسن اصیلی، نصرالله پورمحمدی املشی، سیدعلی قاسم‌زاده، مصطفی گورانی، حمیده چوبک، باقرعلی عادل‌فر و ZHU Yuqi سخنرانان این بخش هستند.



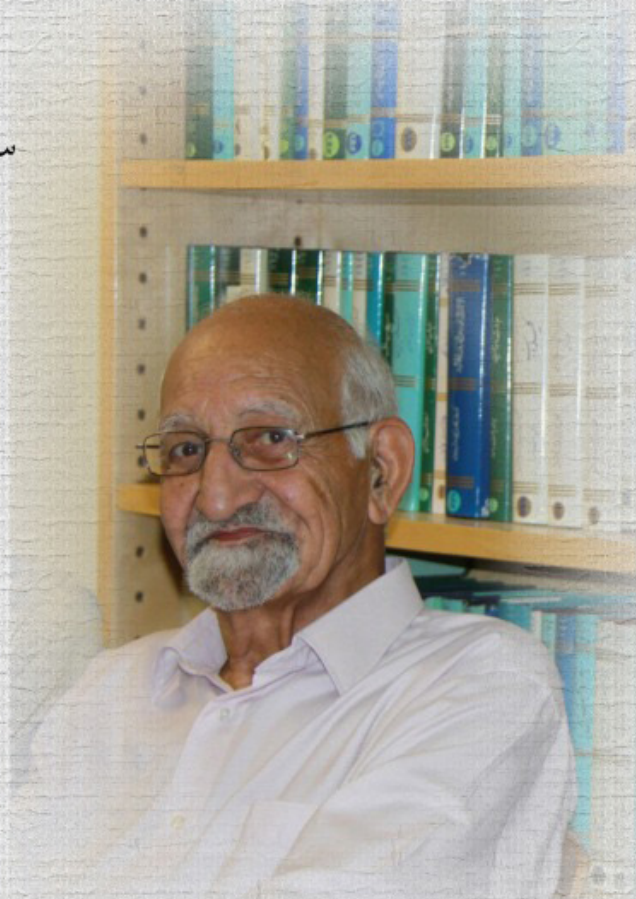
۱۴۷مین نشست مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب با همکاری و بینار بهشتی

مجلس یادبود به مناسبت درگذشت

# دکتر غلامرضا حمشید نژاد اول و همسر کرامی ایشان خانم نسرين دالائی

سخنرانان:

سید علی آل داود  
علی بهرامیان  
محمد ابراهیم ذاکر  
سید صادق سجادی  
یونس کرامتی  
جواد نیستانی  
اکبر ایرانی



چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۹

ساعت ۱۸ تا ۲۰

<https://sbu.ac.ir/webinar>



به یاد

# عبدالعلی ادیب برومند

(۲۱ خرداد ۱۳۰۳ - ۲۳ اسفند ۱۳۹۵)

سخنرانان:

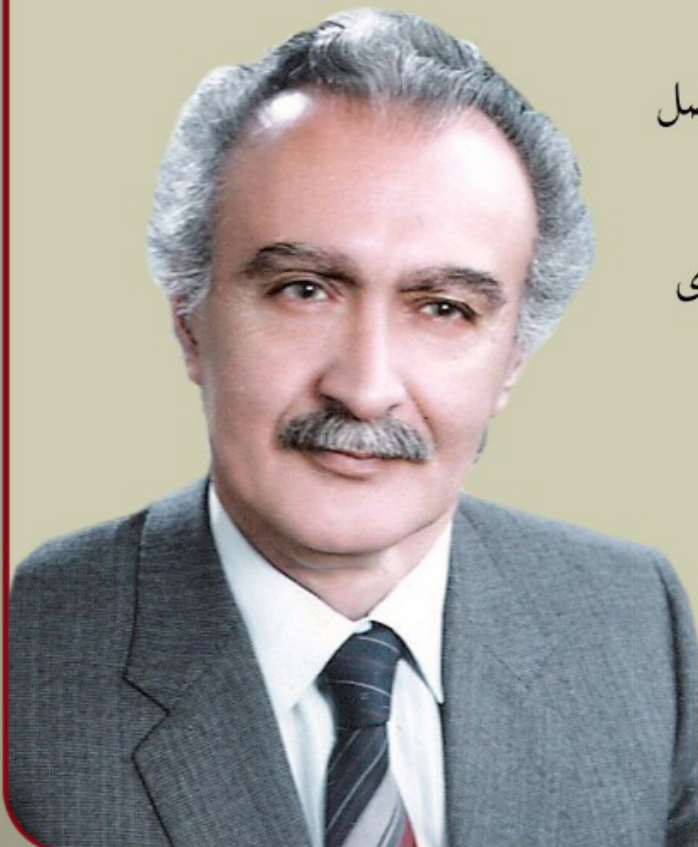
اصغر دادبه

محمد رضا راشد محصل

امیر بانو کریمی

میر جلال الدین کزازی

پوران دخت برومند



شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۹

ساعت ۱۸

پخش زنده (live) اینستاگرام مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

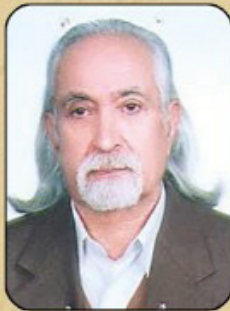
@mirasmaktoob





انجمن زبان و ادبیات عربی استان البرز

# انجمن علمی زبان و ادبیات عربی استان البرز برگزار میکند



آئین تجلیل از مقام علمی دانشمند فرهیخته

**دکتر سید ابراهیم دیباجی**

دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۹ / از ساعت ۱۶ الی ۱۷

[www.skyroom.online/ch/topschool/bozorgdasht](http://www.skyroom.online/ch/topschool/bozorgdasht)

سخنرانان:



دکتر امیرالله نامکی  
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان



دکتر شکوه حسینی  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی  
و مطالعات فرهنگی



دکتر بهزاد مشکین نام  
عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء تهران



دکتر حامد صادقی  
استاد دانشگاه خوارزمی کرج



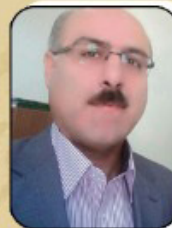
سید علی میرزایی  
استاد دانشگاه اصفهان نویسنده و پژوهشگر



دکتر مرتضی کاتم شیرودی  
مدرس دانشگاه فرهنگیان



دکتر حسین آدمی  
مترجم، مصحح، و پژوهشگر متون کهن  
عضو هیئت علمی دانشگاه تاشکانت



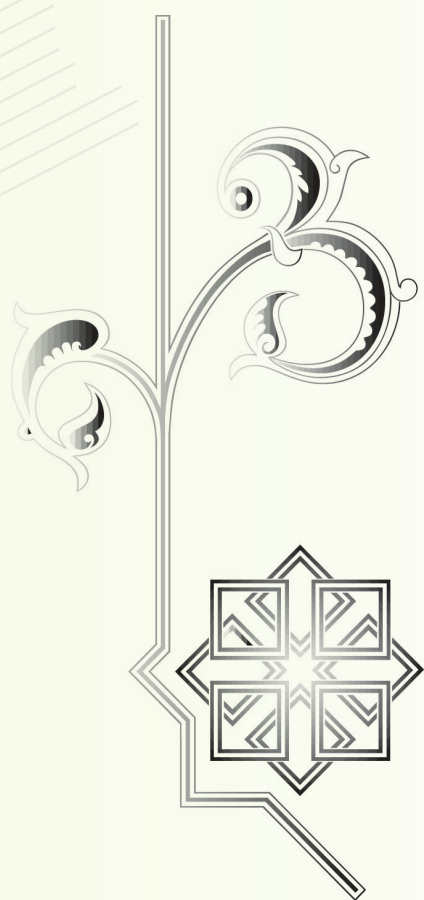
دکتر فرهاد دیو سالار  
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج



دکتر محمد شافقی  
رئیس انجمن علمی زبان و ادبیات عربی  
استان البرز

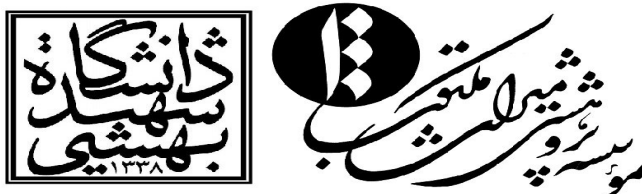


مهمی:  
فرزانه راعطی



## فعالیت‌های دیگر

## \* امضای تفاهم‌نامه همکاری میراث مکتوب و دانشگاه شهید بهشتی



صورت حضوری یا آنلاین، تبادل اطلاعات علمی و فراهم نمودن امکان دسترسی به تولیدات علمی و پژوهشی، و کتابخانه طرفین و بهره‌برداری از منابع علمی شامل کتب، نشریات و سایر مدارک علمی با رعایت حقوق مادی و معنوی، همکاری در زمینه اطلاع‌رسانی و ایجاد گروه‌های نسخه‌شناسی، فهرست‌نویسی و تصحیح متون با همکاری استادان و دانشجویان علاقه‌مند، و همکاری در زمینه نشر مشترک کتاب، نشریات و ویژه‌نامه‌های علمی از دیگر محورهای مورد تفاهم مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بوده است.

گفتنی است نشست ۱۲۱ مؤسسه میراث مکتوب با موضوع «معرفی، نقد و بررسی کتاب کنوز الودیعہ من رموز الذریعہ» و نشست ۱۲۷ این مؤسسه با موضوع «رونمایی، نقد و بررسی کتابشناسی متون چاپ شده در ایران» به ترتیب در روزهای ۱۰ خردادماه و ۲۵ تیرماه ۱۳۹۹ با همکاری معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید بهشتی و از طریق وبینار بهشتی برگزار شده است.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، تفاهم‌نامه همکاری علمی بین مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه و دانشگاه شهید بهشتی به امضاء رسید.

این تفاهم‌نامه را دکتر اکبر ایرانی، مدیرعامل مؤسسه و دکتر بابک شکری، معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید بهشتی امضاء کردند و دکتر عباس احمدوند، دانشیار گروه تاریخ تمدن اسلامی و فقه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، به عنوان نماینده دانشگاه برای اجرای مفاد تفاهم‌نامه معرفی شدند.

بر اساس این تفاهم‌نامه این دو نهاد علمی در محورهای ایجاد زمینه مناسب برای استفاده دو طرف از تولیدات علمی و پژوهشی یکدیگر با حفظ حقوق مادی و معنوی، استفاده از ظرفیت‌ها، استفاده از ظرفیت‌های علمی استادان و دانشجویان جهت فعالیت‌های پژوهشی و راهنمایی پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری در موضوعات مورد نیاز طرفین، برنامه‌ریزی و برگزاری جلسات رونمایی کتاب و نشریات، میزگرد، گردهمایی و همایش‌های تخصصی به صورت حضوری یا آنلاین (وبینار، پخش زنده اینستاگرام و ...) همکاری خواهند کرد.

برنامه‌ریزی و برگزاری کارگاه‌های آموزش تخصصی مرتبط با فعالیت‌های طرفین به

\* مذاکره و تهیه قرارداد همکاری با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) برای راه‌اندازی کتابخانه آنلاین میراث مکتوب

\* امضای قرارداد همکاری برای تهیه اپلیکیشن کتابخانه میراث مکتوب با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)

\* تمدید قرارداد همکاری با وب سایت طاقچه

\* تمدید قرارداد همکاری با انتشارات بریل

\* به روزرسانی کاتالوگ فارسی آثار میراث مکتوب





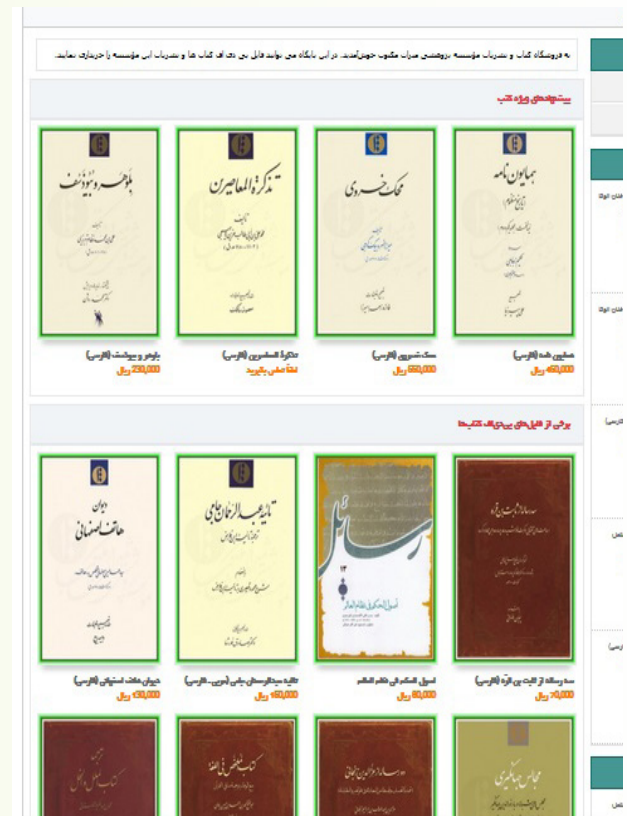
## \* به روز رسانی سایت فروش میراث مکتوب و بارگذاری جدیدترین آثار مؤسسه در سایت

[www.mirasmaktoob.com](http://www.mirasmaktoob.com)

فروشگاه کتاب مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب با هدف گسترش دسترسی به آثار فاخر متنی و ایجاد بستری مناسب در فضای تحقیق و پژوهش در سه بخش **فروش دیجیتال فایل‌های پی دی اف** که به صورت اورجینال در اختیار مشتریان قرار میگیرد.

فروشگاه میراث مکتوب قابلیت فروش محصولات خود به صورت فایل های pdf و ارسال فیزیکی کتاب برقرار کرده است. شما با انتخاب شاخه مورد نظر در این فروشگاه می توانید پس از ثبت نام در سایت کتب و نشریات مورد نظر خود را پس از خرید دانلود نمایید

## \* درخواست نسخه برای پژوهشگران



## \* به روز رسانی سایت اطلاع رسانی

[www.mirasmaktoob.ir](http://www.mirasmaktoob.ir)

